



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

تفسیر قرآن مہر

ڈاکٹر طارق محمد طارق صاحب، اصفہان، جامعہ اسلامیہ اہل سنت و جماعت، اہل سنت اور جماعت

ویسٹ جانان



جلد ۲۶



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یک
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	یادآوری‌ها
۱۲	درآمد
۱۲	بخش اول: سوره‌ی جمعه
۱۲	اول
۱۲	کلیات
۱۳	فضیلت
۱۳	ویژگی
۱۳	اهداف
۱۳	مطالب
۱۳	دوم
۱۹	بخش دوم: سوره‌ی منافقون
۱۹	اول
۱۹	کلیات
۱۹	فضیلت
۱۹	ویژگی
۲۰	اهداف
۲۰	مطالب
۲۰	دوم
۲۵	بخش سوم: سوره‌ی تغابن
۲۶	اول

۲۶ کلیات
۲۶ فضیلت
۲۶ ویژگی
۲۶ اهداف
۲۶ مطالب
۲۷ دوم
۳۲ بخش چهارم: سوره‌ی طلاق
۳۲ اول
۳۲ کلیات
۳۳ فضیلت
۳۳ اهداف
۳۳ مطالب
۳۳ دوم
۴۰ بخش پنجم: سوره‌ی تحریم
۴۰ اول
۴۰ کلیات
۴۰ فضیلت
۴۰ اهداف
۴۰ مطالب
۴۱ دوم
۴۷ بخش ششم: سوره‌ی ملک
۴۷ اول
۴۷ کلیات
۴۷ فضیلت

۴۸	اهداف
۴۸	مطالب
۴۸	دوم
۵۷	بخش هفتم: سوره‌ی قلم
۵۷	اول
۵۷	کلیات
۵۸	فضیلت
۵۸	ویژگی
۵۸	اهداف
۵۸	مطالب
۵۸	دوم
۶۷	بخش هشتم: سوره‌ی حاقه
۶۷	اول
۶۷	کلیات
۶۷	فضیلت
۶۷	اهداف
۶۷	مطالب
۶۷	دوم
۷۳	بخش نهم: سوره‌ی معارج
۷۳	اول
۷۳	کلیات
۷۴	فضیلت
۷۴	اهداف
۷۴	مطالب

۷۴	دوم
۷۹	بخش دهم: سوره‌ی نوح
۷۹	اول
۷۹	کلیات
۸۰	فضیلت
۸۰	اهداف
۸۰	مطالب
۸۰	دوم
۸۶	بخش یازدهم: سوره‌ی جن
۸۶	اول
۸۶	کلیات
۸۶	فضیلت
۸۶	اهداف
۸۶	مطالب
۸۷	دوم
۹۳	بخش دوازدهم: سوره‌ی مزمل
۹۳	اول
۹۳	کلیات
۹۳	فضیلت
۹۳	اهداف
۹۳	مطالب
۹۴	دوم
۹۹	بخش سیزدهم: سوره‌ی مدثر
۹۹	اول

۹۹	کلیات
۹۹	فضیلت
۱۰۰	اهداف
۱۰۰	مطالب
۱۰۰	دوم
۱۰۷	بخش چهاردهم: سوره‌ی قیامت
۱۰۷	اول
۱۰۷	کلیات
۱۰۷	فضیلت
۱۰۷	اهداف
۱۰۷	مطالب
۱۰۷	دوم
۱۱۳	بخش پانزدهم: سوره‌ی دهر(انسان)
۱۱۳	اول
۱۱۳	کلیات
۱۱۳	فضیلت
۱۱۳	ویژگی
۱۱۳	اهداف
۱۱۳	مطالب
۱۱۴	دوم
۱۲۰	بخش شانزدهم: سوره‌ی ضحی
۱۲۰	اول
۱۲۰	کلیات
۱۲۰	فضیلت

اهداف	۱۲۰
مطالب	۱۲۰
دوم	۱۲۰
منابع	۱۲۶
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان	۱۳۱

تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یک

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ - عنوان و نام پدیدآور: تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی اصفهانی، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر: قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳ - مشخصات ظاهری: ج. شابک: (ج. ۱۲)؛ ۵۳۰۰۰ ریال یادداشت: فهرستنویسی بر اساس جلد هجدهم □ ۱۳۸۸. یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: *The mehr commentary on the holy Quran*. یادداشت: ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴، ۱۷ □ ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت: عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت: کتابنامه. مندرجات: ج. ۲۱. سوره‌های جمعه منافقون، تغابن، طلاق... انسان و مرسلات. عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ رده بندی کنگره: BP۹۸/۶۶/۱۳۰۰ ای رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری‌ها

یادآوری‌ها: تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیه‌الله معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکازمی و محمدرضا احمدی و ایراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق کنندگان و حامیان: حجج اسلام قمی، دکتر کلانتری، دکتر علی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های تربیتی آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸، ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن - روائی - عقلی - اجتهادی - علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیه‌الله معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹ بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد و آله الطاهرين «۱» وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ «۲»؛ و آگاه کننده (: قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکر کنند.

درآمد

درآمد: قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰ قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۱» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلیده است، «۲» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبند، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۳» نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱ این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجه‌ ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن پژوه و مفسر سترگ حضرت آیه‌ الله محمدهادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظر علمی این اثر بودند و مرحوم استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلالی محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی، نصرت الله نیکزاد و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲ قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجه‌الاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصرالله سلیمانی، نعمت الله صباغی، جواد و اکبر رحمتی، محمد رضایی، اکبر جعفری و یدالله رضائزاد سپاس گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد لله رب العالمین قم - ۱۳۸۷/۱۲/۲۵ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳

بخش اول: سوره‌ی جمعه

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «جُمُعَه» در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۱ آیه، ۱۸۰ کلمه و ۷۲۰ حرف است.

سوره‌ی جُمُعَه صد و هشتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «تحریم» و قبل از سوره‌ی «تغابن») و شست و دومین سوره در چینش کنونی قرآن کریم است. تنها نام این سوره «جُمُعَه» است که از آیه‌ی نهم این سوره گرفته شده و اهمیت و عظمت نماز جمعه را بیان می‌کند.

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام حکایت شده که: «بر شیعیان لازم است که در شب جمعه، سوره‌ی «جمعه» و «اعلی» و در نماز ظهر (جمعه)، سوره‌ی «جمعه» و «منافقین» را قرائت کنند و این عمل پیامبر صلی الله علیه و آله بود و ثواب و پاداش آن بر خداست که بهشت عنایت کند.» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در آن تدبّر و تفکر کنند و به محتوای آن عمل نمایند. ویژگی: در این سوره فرمان نماز جمعه برای مسلمانان صادر شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶ اهداف: هدف‌های اساسی این سوره عبارت‌اند از: ۱. بیان اهداف بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله؛ ۲. بیان دستور نماز جمعه و ایجاد سازمان سیاسی، اجتماعی، عبادی و آگاهی‌بخشی برای مسلمانان.

ویژگی

ویژگی: در این سوره فرمان نماز جمعه برای مسلمانان صادر شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶

اهداف

اهداف: محوری‌ترین هدف این سوره تبیین مسئله‌ی معاد است.

مطالب

مطالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. تسبیح عمومی موجودات و توصیف خدا (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. بیان هدف بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از نظر تعلیم و تربیت (در آیه‌ی ۲). ب) اخلاق: ۱. طرح بحث ترکیه‌ی نفس به عنوان هدف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۲)؛ ۲. سرزنش کسانی که کتاب‌های آسمانی را می‌خوانند ولی بدان عمل نمی‌کنند (در آیه‌ی ۵). ج) احکام: دستور مهم نماز جمعه و تعطیل کار و کسب برای شرکت در نماز جمعه (در آیات ۹-۱۱). د) داستان: اشاره‌ای به قوم یهود که به تورات عمل نمی‌کنند (در آیات ۵ و ۶). ه) مطالب فرعی: ۱. هشدار در مورد مثال بد کسانی که به کتاب‌های آسمانی عمل نمی‌کنند (در آیه‌ی ۵)؛ ۲. بیان قانون عمومی مرگ که دریچه‌ای به عالم بقاست (در آیه‌ی ۸)؛ ۳. اشاره به امی و بی سواد بودن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی جمعه قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی جمعه با اشاره به چهار نام و صفت نیکوی الهی، به تسبیح‌گویی موجودات برای او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱. یُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است تسبیح می‌گویند برای خدا که فرمان‌روا، کاملاً پاک (از هر عیب و نقص و) شکست‌ناپذیر فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از تسبیح همه‌ی موجودات، آسمان‌ها و زمین چیست؟ در این مورد ذیل آیه‌ی اول سوره‌ی حدید توضیح دادیم. ۲. واژه‌ی «ملک» شامل قدرت و سرپرستی، یعنی حکومت و مالکیت می‌شود «۱» و مقصود از مالکیت خدا و

حکومت او بر جهان، مالکیت و حکومت اعتباری و قراردادی نیست بلکه مالکیت و حکومت او حقیقی و تکوینی است؛ یعنی خدا بر همه چیز احاطه دارد و همه چیز را خلق کرده است، پس حقیقتاً مالک و حاکم بر همه چیز است و همه تحت فرمان او هستند. ۳. «حکیم» در اصل به معنای منع چیزی برای اصلاح آن، و حکمت به معنای رسیدن به حق با علم و عقل است و مقصود از حکیم بودن خدا آن است که موجودات را می‌شناسد و آنها را استوار می‌آفریند. ۴. واژه‌های «عزیز» و «قدیر» هر دو به معنای قدرت‌اند، اما «عزت» بیش‌تر به شکست‌ناپذیری و در هم شکستن مخالفان، و «قدیر» به ایجاد اسباب و وسایل اعمال قدرت نظر دارد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی موجودات جهان تسبیح حق را زمزمه می‌کنند (شما نیز تسبیح او بگویید). ۲. مالکیت خدا همراه پاکی و قدرتش همراه حکمت است (شما نیز این‌گونه باشید). *** قرآن کریم در آیات دوم تا چهارم سوره‌ی جمعه به اهداف انگیزش پیامبر اسلام و رسالت او برای آیندگان و بخشش الهی در این مورد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲-۴. هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ * وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لِمَا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ او کسی است که در میان درس‌ناخواندگان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت؛ که آیاتش را بر آنان می‌خواند [و پیروی می‌کند] و رشدشان می‌دهد [و پاکشان می‌گرداند] و کتاب [خدا] و فرزاندگی به آنان می‌آموزد؛ درحالی که قطعاً، از پیش در گمراهی آشکاری بودند. * (نیز پیامبر را برانگیخت بر گروهی) دیگر از آنان که هنوز به آنان نپیوسته‌اند؛ و او شکست‌ناپذیر فرزانه است. * این بخشش خداست؛ آن را به هر که بخواهد (و شایسته بداند)، می‌دهد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «امین» جمع «امی»، به معنای کسی است که در دامان مادرش رشد یافته و درس‌ناخوانده است؛ «۱» یعنی پیامبر اسلام از میان مردمانی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹ درس‌ناخوانده بود و این، عظمت او و اعجاز قرآن را نشان می‌دهد؛ فردی درس‌ناخوانده نمی‌تواند کتابی پر محتوا با قوانین عالی هم‌چون قرآن بیاورد. ۲. این آیه به اهداف انگیزش پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) تلاوت آیات الهی، یعنی خواندن و پیروی کردن از آیات الهی (یعنی الگودادن به جامعه)؛ «۱» ب) تزکیه، یعنی پاک کردن و رشد دادن افراد جامعه؛ پاک کردن افراد از آلودگی‌های اخلاقی و روحی که زمینه‌ساز رشد گل وجود آنان است؛ ج) آموزش کتاب قرآن که دستورات اساسی دین در آن است؛ د) آموزش حکمت، یعنی آشنا کردن مردم با سنت یا دلایل عقلی. ۳. واژه‌ی «حکمت» در اصل به معنای منع کردن به قصد اصلاح است؛ بنابراین حکمت اشاره به اسرار و فلسفه‌ی احکام کلی اسلام یا دلایل عقلی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در سنت خود ما را با آنها آشنا می‌سازد. ۴. در این آیات دو صفت برای مردم پیش از اسلام بیان شده است: الف) صفت ناخواندگی که در میان عرب‌های قبل از اسلام تعداد اندکی (حدود ۱۷ نفر) با سواد بودند. ب) گمراهی آشکار؛ در آن عصر بت‌هایی را به دست خود می‌ساختند و می‌پرستیدند یا دختران را زنده به گور می‌کردند و به دنبال خرافات و موهومات بودند؛ از این‌رو گمراهی آنان بر هر کسی آشکار بود، ولی اسلام آنان را از گمراهی نجات داد و نور علم و تمدن را برای آنان به ارمغان آورد. ۵. در این آیات به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مردم زمان خود و آیندگان اشاره شده است؛ آیندگانی از عرب و عجم که از تعالیم اسلام سیراب می‌شوند. در حدیثی آمده است که پس از تلاوت آیه‌ی فوق، از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: این‌ها چه کسانی‌اند؟ حضرت دست بر شانه‌ی سلمان گذاشتند و فرمودند: اگر ایمان تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰ در (ستاره) ثریا، باشد مردانی از این گروه (ایرانیان) به آن دست می‌یابند. «۱» ۶. نبوت فضیلت و نعمتی است که خدا بر هر کس که شایسته ببیند و صلاح بداند می‌دهد و نبوت و تعالیم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بخشش الهی به مردم مسلمان است و فضیلتی برای آنان به شمار می‌آید. «۲» ۷. این که می‌فرماید «خدا به هر کس می‌خواهد مقام نبوت را می‌دهد»، بدان معنا نیست که اراده‌ی خدا بدون دلیل است، بلکه اراده‌ی او تابع حکمت و مصلحت‌سنجی اوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر خدا بخواهد، (با تعلیمات خاص) از فردی درس‌ناخوانده، رهبری شایسته می‌سازد.

۲. رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله محدود به مردم عصر خویش نبود بلکه برای آیندگان نیز هست. ۳. آموزش و پرورش از اهداف نبوت است. ۴. تدریس از تهذیب جدا نیست. ۵. کتاب را با حکمت به دیگران بیاموزید و وحی را با خردورزی همراه کنید. ۶. رهبران الهی آیات خدا را بر مردم بخوانند و پیروی کنند (تا الگوی عملی آنان شوند). ۷. تعلیم و تزکیه انسان را از گمراهی آشکار نجات می‌دهد. ۸. نبوت بخششی الهی است که (براساس حکمت) به هر کس بخواهد می‌دهد (نه به دلخواه مردم). ***

تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱ قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی جمعه با مثالی سرزنش‌آمیز سرنوشت عالمان یهود و دانشمندان بدون عمل را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۵. مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَثْقَارًا بَشَرًا مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا آيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ مثال کسانی که تورات بر آنان نهاده شده (و به آن مکلف شده‌اند)، سپس آن را حمل نکرده‌اند (و به کار نبسته‌اند)، همانند مثال الاغی است که کتاب‌هایی حمل می‌کند. بد است مثال گروهی که آیات خدا را دروغ انگاشتند؛ و خدا گروه ستمکاران را راه‌نمایی نمی‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در برخی روایات آمده است که یهود می‌گفتند: اگر محمد به رسالت برانگیخته شده است، رسالتش شامل حال ما نمی‌شود؛ این آیه به آنها گوش زد کرد که اگر کتاب آسمانی تورات را می‌خواندید و بدان عمل می‌کردید، این سخن را نمی‌گفتید؛ چون در تورات بشارت ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است، «۱» ولی شما آن آیات را تکذیب کردید. ۲. در این آیه مثالی سرزنش‌آمیز در مورد یهودیان بیان شده است. آنان با آن که تورات را در اختیار داشتند به نام آن قناعت کردند و از محتوا و برنامه‌های تورات بهره‌مند نشدند؛ از این رو به الاغی تشبیه شدند که کتاب‌هایی بردوش می‌کشد اما از محتوای آنها استفاده نمی‌کند. علم، چون بر دل زند یاری شود علم، چون بر تن زند، باری شود (مولوی) ۳. این آیه هشدار می‌دهد که مواظب باشند همانند قوم یهود نشوند؛ یعنی حال که از نعمت پیامبر اسلام و قرآن و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲ علوم مختلف بهره‌مند شده‌اند و مسئولیت علم را به دوش دارند از برکات قرآن و علوم خود بهره‌گیرند و بدانها عمل کنند تا سعادتمند شوند ولی اگر تنها قرآن را در خانه نگه‌داری کنند و از محتوای آن در زندگی فردی و اجتماعی بهره‌نبرند و یا به علوم خود عمل نکنند، همانند الاغی هستند که کتابی چند بردوش دارند. ۴. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس علمش افزون شود ولی هدایتش افزون نگردد، این علم جز دوری از خدا، برای او حاصلی ندارد. «۱» و در حدیث دیگری از امام علی علیه السلام روایت شده که انسان عالم نمی‌شود تا این که به علم خود عمل کند. «۲» سعدی خوش سخن می‌گوید: دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند، یکی آن که اندوخت و نخورد و دیگری آن که آموخت و نکرد. علم چندان که بیش‌تر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی نه محقق بود نه دانشمند چارپایانی برو کتابی چند ۶. آیا مثال زدن عالم بدون عمل و انسان‌ها به الاغ نوعی توهین به این حیوان نیست، آیا صحیح است که الاغ را به خاطر نداشتن چیزی که خدا به او نداده است (یعنی فهم و درک) سرزنش کنیم؟ هر موجودی در سلسله‌ی موجودات جهان مقام و مرتبه‌ای دارد که در جایگاه خود نیکوست. انسان در مرتبه‌ی انسانیت و الاغ در مرتبه‌ی خود دارای استعدادها و تکالیف خاص خود هستند که تکالیف بیش‌تر از آنها خواسته نمی‌شود و اگر به وظایف خود عمل کنند و از استعدادهای خود به طور شایسته بهره‌برند سرزنش نمی‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳ ولی اگر موجودی مثل انسان از استعدادهای خود شایسته‌نکند یا به تکالیف خود عمل نکند و به مرتبه‌ی پایین‌تر وجودی مثل مرتبه‌ی حیوانات نزول کند، سرزنش می‌شود. پس سرزنش در مثال الاغ برای انسان است که از مرتبه‌ی خود تنزل کرده است و سرزنشی متوجه الاغ نخواهد بود و توهینی به او نیست. به عبارت دیگر الاغ بودن امری ذاتی برای اوست که برای الاغ بد نیست اما اگر انسانی الاغ شود مستحق سرزنش است. ۷. یهودیان، پیامبران و آیات الهی را که با هوای نفس آنان سازگار نبود تکذیب می‌کردند. «۱» همان طور که پیامبر اسلام و آیاتی از تورات را که مژده‌ی آمدن او را می‌داد تکذیب کردند؛ آنان با عمل نکردن به دانش خود و تورات و تکذیب آیات الهی ستمکار شدند. آنان هم به خود ستم کردند و مانع سعادت خویش شدند و هم به مردم

ستم کردند و راه حق را مشتبه کردند و برخی افراد را به دنبال خود به گمراهی کشیدند. ۸. این یک قانون کلی است که کسانی که به خود و دیگران ستم کنند و زمینه‌های هدایت را از بین ببرند، نمی‌توانند از نور هدایت الهی استفاده کنند و سعادتمند شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عالمان بدون عمل هم‌چون الاغ بارکش کتاب هستند. ۲. هرکس از نور وحی بهره‌مند نشود، به مرحله‌ی حیوانی سقوط می‌کند. ۳. عدم توجه به محتوای کتاب آسمانی و تکذیب آیات آن ستم به خود و دیگران است. ۴. ستمکاری مانع هدایت انسان است. ۵. نسبت به وحی عمل‌گرا باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴ قرآن کریم در آیات ششم تا هشتم سوره‌ی جمعه به رابطه‌ی محبت خدا و اعمال انسان با مرگ‌خواهی و برخورد یهودیان با مرگ و حتمی بودن آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶- ۸. قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ * وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَيُّدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ عَلَيْهِم * وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ * قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ بگو: «ای کسانی که به (آیین) یهود گرویدید! اگر می‌پندارید که شما دوستان خداید نه سایر مردم، پس اگر راست می‌گویید، آرزوی مرگ کنید.» و [لی آنان به سبب دستاورد پیشیشان، هرگز آن [مرگ را آرزو نخواهند کرد؛ و خدا به [حال ستمگران داناست. * بگو: «در واقع، مرگی که از آن فرار می‌کنید، پس آن حتماً شما را ملاقات می‌کند؛ سپس به سوی دانای نهران و آشکار باز گردانده می‌شوید؛ و شما را از آنچه انجام می‌دادید با خبر می‌سازد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یهودیان خود را دوستان خدا می‌دانستند. (۱) قرآن به خاطر این بلند پروازی بدون دلیل آنان را می‌آزماید و به آنها می‌گوید: اگر راست می‌گویید و خدا را دوست دارید تمناهای مرگ کنید. اما آنان در خواست مرگ نمی‌کنند و روشن می‌شود که ادعای آنان در مورد دوستی با خدا دروغ است. ۲. مرگ دروازه‌ای برای عبور به رستخیز است که روز ملاقات خداست و اگر کسی خدا را دوست داشته باشد، مشتاق ملاقات خداست و از مرگ نمی‌هراسد بلکه آن را در آغوش می‌فشارد. ۳. در این آیات به عوامل ترس یهودیان از مرگ اشاره شده است که عبارت‌اند از: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵ الف) آنان به خاطر اعمال ستمکارانه‌ی خود از مرگ می‌هراسند چرا که می‌دانند با مرگ عذاب آنها آغاز می‌شود. ب) آنان دوستان واقعی خدا نیستند و از این رو اشتیاقی به مرگ و ملاقات با خدا ندارند. ۴. ترس از مرگ عوامل دیگری نیز دارد که عبارت‌اند از: الف) ترس از نابودی و فنا که به خاطر عدم ایمان به آخرت پدید می‌آید؛ ب) دل‌بستگی به دنیا که مرگ موجب جدایی آن از انسان می‌شود؛ ج) کمی اعمال نیک در نامه‌ی اعمال انسان. معادباوران که دل به دنیا نبسته‌اند و سراسر زندگی و اعمالشان نیکی است، با مرگ مأنوس می‌شوند و هنگام مرگ، هم چون علی علیه السلام می‌گویند: به خدای کعبه رستگار شدم. ۵. در حدیثی آمده است که شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: چرا من از مرگ می‌ترسم؟ حضرت فرمود: «آیا ثروتی داری؟» گفت: آری. حضرت فرمود: «چیزی از آن را پیش از خود (برای آخرت) فرستاده‌ای؟» گفت: نه. فرمود: «به همین دلیل مرگ را دوست نداری.» (۱) و شخصی همین پرسش را از ابوذر پرسید و او گفت: به خاطر آن که شما دنیایان را آباد و آخرتتان را ویران کرده‌اید، دوست ندارید از نقطه‌ی آباد به نقطه‌ی ویران بروید. (۲) ۶. محجوبان از مرگ متنفرند، و گرنه فطرت عاشق جهان ابدی است: امام خمینی رحمه الله در مورد ترس از مرگ می‌نویسند: عمده‌ی تنفر از موت از باب این است که در قلب محجوبین، ایمان به عوالم بعد الموت و حیات و بقای ابدی وارد نشده و موت را فنا گمان می‌کنند و چون فطرت از فنا منزجر و متنفر است و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶ به بقا عاشق است، تنفر از موت در محجوبان پیدا شده با آن که فطرت اصلیه که عاشق بقای ابدی است، همین عشق پیوستگی به معاد و عالم بعد الموت است؛ زیرا که حیات دنیاوی ممکن نیست ابدی باشد و چون زایل است فطرت از آن متنفر است و نشئه‌ی ثانیه‌ی غیبیه [حالت دوم که پنهان است: آخرت که نشئه‌ی باقیه است، معشوق فطرت است. (۱) ۷. مقصود از ستمکاری یهود، تمام اعمال ناروای آنها در طول تاریخ، هم‌چون کشتن پیامبران الهی، نسبت‌های ناروا به آنان و غصب حقوق و آزار مردم است که برخی از این اعمال در عصر کنونی هم ادامه دارد و ما نمونه‌های آن را در فلسطین می‌بینیم. ۸. در این آیات بیان شده که قانون مرگ حتمی است و

یهودیان که از مرگ می‌گریزند، روزی با آن ملاقات می‌کنند و به سوی خدا می‌روند خدایی که از همه‌ی اعمال و ستم‌های آنان آگاه است و در رستاخیز همه را افشا و به حساب آنها رسیدگی می‌کند و کیفر آنان را می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یهودیان مرگ‌گریزند. ۲. یهودیان دوست خدا نیستند بلکه ستمکارند. ۳. ادعای دوستی با خدا را با مرگ‌دوستی بیازمایید. ۴. کردار بد انسان عامل مرگ‌گریزی است. ۵. مرگ حتمی است (پس مراقب باشید و آماده شوید). ۶. خدای آگاه در رستاخیز از اعمال شما خبر می‌دهد (و بدانها رسیدگی می‌کند). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷ قرآن کریم در آیات نهم و دهم سوره‌ی جمعه فرمان نماز جمعه و لوازم و اهمیت آن را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۹ و ۱۰. *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ* فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز در روز جمعه ندا داده شود، پس به سوی یاد خدا بکوشید و معامله را رها کنید، که این برای شما بهتر است، اگر بدانید! و هنگامی که نماز پایان یافت، پس در زمین پراکنده شوید و از بخشش خدا بجوید و خدا را فراوان یاد کنید، باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در اسلام به سه نوع اجتماع اهمیت داده می‌شود: الف) اجتماع روزانه برای نماز جماعت؛ ب) اجتماع هفتگی برای نماز جمعه؛ ج) اجتماع سالیانه در مراسم حج؛ در این آیات به اجتماع شکوهمند و مهم نماز جمعه اشاره شده است. ۲. نخستین اجتماع مسلمانان در روز جمعه هنگامی بود که مسلمانان قبل از ورود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مدینه احساس کردند که نیاز به اجتماع و دعا در روز خاصی دارند، همان طور که یهودیان در روز شنبه و مسیحیان در روز یکشنبه جمع می‌شوند. مسلمانان نیز روز قبل از آن به سراغ «اسعد بن زراره» رفتند و با او نماز جماعت خواندند و وی مردم را اندرز داد و آنان که حدود چهل نفر بودند، با هم دیگر غذا خوردند و این روز را روز جمعه نامیدند؛ چون روز اجتماع مسلمانان بود. وقتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مدینه آمدند، روز جمعه‌ای، در مسیر خود از «قبا» به مدینه به محله‌ی «بنی سالم» رسیدند و در آن جا اولین مراسم نماز تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۸ جمعه‌ی رسمی اسلام برگزار شد و پیامبر صلی الله علیه و آله در این روز اولین خطبه و سخنرانی خود را بیان کردند. «۱» ۳. «نودی» از نداء به معنای بانگ زدن و در این جا مقصود اذان گفتن برای نماز جمعه است؛ یعنی هنگامی که اذان نماز جمعه گفته می‌شود، مردم موظف‌اند که کار و کسب خود را رها کنند و به سوی نماز جمعه بشتابند. ۴. نماز جمعه دو رکعت مثل نماز صبح است اما دو قنوت دارد: در رکعت اول، قبل از رکوع و در رکعت دوم، بعد از رکوع، و نیز دو خطبه دارد که قبل از نماز خوانده می‌شود و به جای دو رکعت اول نماز به شمار می‌آید؛ چون نماز جمعه جای گزین نماز ظهر جمعه است. بنابراین ذکر خدا که در آیه آمده است، شامل نماز جمعه و خطبه‌های قبل از آن می‌شود و حضور برای هر دو قسمت لازم است، چون در هر دو قسمت ذکر خدا می‌شود. ۵. نماز جمعه با حداقل پنج مرد تشکیل می‌شود و بر زنان، مسافران و پیرمردان واجب نیست، ولی حضور آنها در نماز جمعه مانعی ندارد و خطیب نماز جمعه شایسته است بر شمشیر یا کمان یا عصا تکیه دهد و با صدای بلند و ایستاده خطبه‌ها را بخواند. در خطبه‌ی اول حمد خدا می‌گوید و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرستد و سفارش به تقوا می‌کند و یک سوره‌ی کوچک قرآن را می‌خواند و در خطبه‌ی دوم بعد از درود به پیامبر صلی الله علیه و آله برای ائمه‌ی مسلمین دعا و برای مؤمنان استغفار می‌کند و شایسته است در خطبه‌ها مسائل مهم سیاسی و اجتماعی مسلمانان بیان شود و مردم را از توطئه‌ی دشمنان آگاه سازند. «۲» ۶. در احادیث، در مورد نمازهای روزانه سفارش شده که با آرامش حرکت کنید، «۳» اما برای نماز جمعه در آیه سفارش شده «۴» که با تلاش و شتابان تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹ بروید، تا به خطبه‌ها و نماز برسید و این اهمیت نماز جمعه را نشان می‌دهد. ۷. در این آیات بیان شده که اگر مردم آگاه باشند، متوجه می‌شوند که نماز جمعه از داد و ستد برای آنان بهتر است؛ نماز جمعه فواید معنوی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی زیادی دارد که با سود معاملات شخصی قابل مقایسه نیست. نماز جمعه موجب هم‌بستگی مسلمانان می‌شود، به طوری که دشمنان را به وحشت می‌افکند؛ موجب نشاط معنوی و تجدید حیات

معنوی مردم می‌شود؛ آگاهی بخش است و مردم را از معارف اسلامی و وقایع سیاسی و اجتماعی آگاه می‌سازد و نیز در نماز جمعه مشکلات جامعه مطرح می‌شود و همکاری مردم برای حل آنها جلب می‌شود. با خدا کن تجارت ای خواجه که کسی را خدا زیان نکند ۸. در این آیات بیان شده که پس از نماز جمعه به دنبال فضل الهی بروید، که شامل مصادیق مختلف هم‌چون کسب و کار، تحصیل علم، عیادت بیماران و زیارت مؤمنان می‌شود. و در حدیثی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نماز جمعه سری به بازار می‌زدند. «۱» البته این کار بعد از نماز جمعه جایز است و واجب نیست. «۲» ۹. یکی از آداب پس از نماز جمعه یاد خدا و ذکر زیاد است که از مصادیق آن توجه به خدا در هنگام معاملات و عدم انحراف از حق و عدالت و تفکر است؛ چراکه ذکر بدون فکر لقلقه‌ی زبان است. ۱۰. تکرار ذکر و یاد خدا باعث رسوخ آن در جان انسان می‌شود و غلفت از میان می‌رود و انسان در مسیر ترک گناه و رستگاری قرار تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰ می‌گیرد؛ از این روست که در پایان آیه یاد آور شد که این ذکر و یاد خدا زمینه‌ساز رستگاری شماست. قرآن کریم بر آن است که نماز گزاران جمعه را با یاد خدا تربیت کند، به طوری که شرکت کنندگان در نماز جمعه، با ویژگی به یاد خدا بودن و به دنبال فضل او رفتن شناخته شوند. ۱۱. ذکر خدا، فتح باب ملکوت: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: ای عزیز! قلب را به آداب عبودیت مأنوس کن و به ذائقه‌ی روح، حلاوت ذکر خدا را بچشان و این لطیفه‌ی الهیه در ابتدای امر به شدت تذکر و انس به ذکر حق حاصل شود، ولی در ذکر، قلب مرده نباشد و غفلت بر آن مستولی نشود و چون با تذکر، قلب را مأنوس نمودی، کم کم عنایات از لایه شامل حالت گردد و فتح ابواب ملکوت بر قلبت گردد. «۱» ۱۲. انتشار مردم در زمین پس از نماز جمعه، موجب می‌شود که اخبار سیاسی و اجتماعی و نشاط معنوی و روحیه‌ی تقوا که از طریق خطبه‌ها به نماز گزاران منتقل شده بود در مناطق دیگر گسترش یابد و مردمی که موفق به نماز جمعه نشدند از این مطالب آگاه شوند و سود ببرند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به نماز جمعه اهمیت بدهید. ۲. مراسم عبادی- سیاسی جمعه، از دادوستد برای شما سود بیش‌تری دارد. ۳. هرگاه اذان نماز جمعه گفته شد کارهایتان را تعطیل کنید و به سوی مصلی بشتابید. ۴. آداب پس از نماز جمعه را فراموش نکنید، تا رستگار شوید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۱ ۵. پیام‌های نماز جمعه را به نقاط مختلف ببرید. ۶. بعد از نماز جمعه، هنگام فضل و بخشش و برکت الهی است، پس به جست‌وجوی آن برآیید. ۷. پس از نماز جمعه بیش‌تر به یاد خدا باشید. ۸. بعد از نماز جمعه حالات شما تفاوت پیدا می‌کند (و نماز گزار جمعه رنگ الهی می‌پذیرد). ***

قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی جمعه به مقایسه‌ی ثواب الهی با سود تجارت و سرگرمی می‌پردازد و با اشاره به تنها گذاشتن پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام نماز جمعه می‌فرماید: ۱۱. وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ و هنگامی که داد و ستد یا سرگرمی‌ای را می‌بینند، به سوی آن پراکنده می‌شوند، درحالی که تو را ایستاده و امی گذارند؛ بگو: «آنچه نزد خداست از سرگرمی و از داد و ستد بهتر است؛ و خدا بهترین روزی‌دهندگان است.»

شأن نزول: حکایت شده که در روز جمعه‌ای وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول خطبه‌ی نماز بود، کاروانی از شام وارد مدینه شد و برای اعلام ورود آن طبل و آلات موسیقی نواختند و عده‌ای از مسلمانان نماز گزار خطبه‌های پیامبر را رها کردند و به سوی بازار شتافتند و دوازده مرد و یک زن در مسجد باقی ماندند. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و آن افراد را سرزنش کرد، و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر این گروه اندک هم می‌رفتند از آسمان بر آنان سنگ می‌بارید. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه مردم را سرزنش می‌کند که چرا به خاطر تجارت و سرگرمی، نماز جمعه و پیامبر صلی الله علیه و آله را رها کردید و به طرف بازار رفتید. هر چند این آیه در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و نماز گزاران جمعه‌ی ایشان نازل شده است، اما مفهوم آیه شامل همه‌ی موارد مشابه می‌شود. ۲. مقصود از تجارت، همان کاروانی است که از شام به مدینه آمده بود و منظور از سهو، صدای طبل و آلات موسیقی است که برای اعلام ورود کاروان می‌نواختند و وسیله‌ای برای سرگرمی مردم و تبلیغ کالا نیز به شمار می‌آمد، همان گونه که در تبلیغات تجاری عصر ما از موسیقی استفاده می‌شود. البته مانعی ندارد که

سهو و سرگرمی شامل موارد و مصادیق دیگر سرگرمی بشود که هم‌زمان با نماز جمعه برگزار و مانع حضور مسلمانان در نماز می‌شود. ۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خطبه‌های نماز جمعه را به صورت ایستاده می‌خواند؛ خطیبان نماز جمعه در عصر ما نیز این سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را ادامه می‌دهند. ۴. آیات قبل و سرزنش ترک کنندگان نماز جمعه نشان دهنده اهمیت نماز جمعه است. در احادیث از امام باقر علیه السلام روایت شده که هر کس سه هفته بدون دلیل نماز جمعه را ترک کند، منافق است. «۱» و نیز حکایت شده که شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد من بارها آماده‌ی سفر حج شده‌ام ولی توفیق نصیب من نشده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۳ حضرت فرمود: بر تو باد به نماز جمعه که حج مستمندان است. «۱» ۵. وجوب نماز جمعه تا محدوده‌ی یک فرسخ (حدود پنج و نیم کیلومتر) را شامل می‌شود و در آن محدوده نمی‌توان بیش از یک نماز جمعه به پا کرد و بقیه‌ی افراد باید در همان یک نماز جمعه شرکت کنند تا اجتماع عظیمی به پا شود. البته نماز جمعه در زمان حضور معصوم علیه السلام واجب عینی است اما در زمان غیبت (طبق فتوای بسیاری از فقها) واجب تخییری است؛ یعنی می‌توان نماز جمعه یا ظهر را به جا آورد. «۲» برخی مراجع احتیاط می‌کنند که در زمان تشکیل حکومت اسلامی از طرف نایب عام امام عصر علیه السلام، نصب امام جمعه از طرف او باشد و مسلمانان در نماز جمعه شرکت کنند. «۳» ۶. مقصود از چیزهایی که نزد خداست و از سود تجارت بهتر است، همان ثواب و پاداش الهی و برکات حضور در نماز جمعه و شنیدن اندرزها و تربیت معنوی و اجتماعی انسان است. که سود همه‌ی این‌ها نزد خداست که به نمازگزاران پاداش داده می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نماز جمعه را فدای تجارت و سرگرمی نکنید. ۲. رهبر و امامت جمع را به بهانه‌های سودجویانه تنها نگذارید. ۳. سود الهی نماز جمعه از سود تجارت شما بیش‌تر است (پس نماز را رها نکنید). ۴. رزق خود را در ترک واجبات نجوید که خدای فرمان دهنده‌ی این واجبات بهترین روزی دهنده است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۵

بخش دوم: سوره‌ی منافقون

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «منافقون» در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۱ آیه، ۱۸۰ کلمه و ۷۷۶ حرف است. این سوره، صد و چهارمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «حج» و قبل از سوره‌ی «مجادله») و شصت و سومین سوره در چینش کنونی قرآن کریم است. تنها نام این سوره «منافقون» است که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام حکایت شده که بر شیعیان لازم است که در شب جمعه، سوره‌ی «جمعه» و «اعلی» و در نماز ظهر (جمعه)، سوره‌ی «جمعه» و «منافقون» را قرائت کنند، این عملی است که پیامبر صلی الله علیه و آله انجام می‌داده‌اند و ثواب و پاداش آن بر خداست که بهشت عنایت کند. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در آن تدبیر و تفکر کنند و به محتوای آن عمل نمایند.

ویژگی

ویژگی: این سوره بیش‌ترین تأکید را بر خطر منافقان دارد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۸

اهداف

اهداف: هدف‌های مهم سوره منافقون عبارت‌اند از: ۱. مرزبندی بین مؤمنان و منافقان؛ ۲. هشدار در مورد غفلت از خدا.

مطالب

مطالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) اخلاق: ۱. تذکر در مورد یاد خدا و غافل نشدن از او (در آیه ۹)؛ ۲. بیان اخلاق ناپسند منافقان در دروغ‌پردازی و توطئه‌گری (در آیه ۱)؛ ۳. تشویق به انفاق در راه خدا و بهره‌گیری از اموال پیش از رسیدن مرگ و حسرت (در آیه ۱۰). ب) مطالب دیگر: ۱. بر حذر داشتن مؤمنان از توطئه‌های منافقان (در آیات ۷ و ۸)؛ ۲. بیان صفات منافقان (در آیات ۱-۸)؛ ۳. بیان حتمی بودن مرگ و عدم تأخیر آن (در آیه ۱۱)؛ ۴. بیان این که عزت تنها از آن خدا و رسول صلی الله علیه و آله است (در آیه ۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۹

دوم

دوم: محتوای سوره منافقون قرآن کریم در آیه اول سوره منافقون به دروغ‌گویی منافقان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱. إِذَا حَرَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ هنگامی که منافقان نزد تو می‌آیند گویند: «گواهی می‌دهیم که قطعاً، تو فرستاده‌ی خدایی»، و خدا می‌داند که مسلماً، تو فرستاده‌ی او هستی و خدا گواهی می‌دهد که حتماً، منافقان دروغ‌گویند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قبل از فتح مکه مسلمانان در این شهر ضعیف بودند و از این رو مخالفان اسلام هر چه می‌خواستند علیه اسلام می‌گفتند و انجام می‌دادند، ولی در محیط مدینه که اسلام قوت گرفته بود، مخالفان درونی نمی‌توانستند آشکارا توطئه و مخالفت کنند، از این رو برای ادامه‌ی برنامه‌های تخریبی خود، تغییر چهره دادند و ظاهراً مسلمان شدند، ولی در باطن کافر بودند. «۱» این افراد در طول تاریخ بیش‌ترین ضربه‌ها را به اسلام و مسلمانان وارد کردند. «۲» منافقان در مقایسه با دشمنان آشکار از چند جهت خطرناک‌ترند: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۰ الف) در تار و پود جامعه نفوذ می‌کنند و جدا سازی آنان مشکل است؛ ب) عقاید خود را مخفی می‌سازند و شناخت آنان آسان نیست؛ ج) با اعضای جامعه روابط نزدیک دارند و مبارزه با آنان مشکل است. ۳. خطر نفاق برای هر انقلاب، مکتب و جامعه‌ی نوینادی، یک خطر اساسی است. خطر در هر زمانی جامعه‌ی مسلمانان را تهدید می‌کند و منافقان مسلمان‌نما همواره در بین مسلمانان به توطئه مشغول‌اند، از این رو لازم است آیات قرآن را در این مورد تحلیل کنیم و نشانه‌های آنان را بشناسیم و راه مقابله با آنها را پیدا کنیم. ۴. دروغ‌گویی دو گونه است: الف) دروغ خبری؛ یعنی فردی چیزی بگوید که مطابق واقع نباشد. ب) دروغ مخبری؛ یعنی کسی عقیده‌ای را به خود نسبت دهد، ولی در حقیقت اعتقادی به آن نداشته باشد، هر چند آن اعتقاد در واقع حق و صحیح باشد؛ دروغ‌گویی منافقان از نوع دوم بود؛ یعنی آنان گواهی به رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌دادند، ولی عقیده‌ای به رسالت ایشان نداشتند هر چند رسالت او در واقع صحیح بود و خدا هم رسالت او را گواهی می‌داد. «۱» ۵. «نفاق» در اصل به معنای نفوذ و پیش‌روی است و به کانال‌های زیرزمینی «نَفَق» می‌گویند. موش صحرایی سوراخی آشکار و سوراخی پنهان برای لانه‌ی خود می‌سازد که در هنگام خطر از سوراخ پنهان فرار کند؛ به این سوراخ پنهان «نافقاء» گویند. یعنی منافق کسی است که راهی مخفی برای خود برگزیده که با پنهان‌کاری در جامعه نفوذ کند و به هنگام خطر از راه دیگر بگریزد. ۶. نفاق یک نوع بیماری روحی، اخلاقی و روانی است. انسان سالم یک شخصیت و یک چهره دارد، ولی انسان منافق که ناسالم است، دو چهره و دو شخصیت دارد و به نوعی گرفتار تکثر و دوپاره شدن شخصیت شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان

را از دروغ‌گویی آنان بشناسید. ۲. منافقان در ابراز عقیده‌ی خود دروغ‌گویی می‌کنند ولی سخن خود را محکم می‌گویند. ۳. منافقان از مقدّسات دینی سوء استفاده می‌کنند. ۴. منافقان حتی به رهبر اسلام دروغ می‌گویند. ۵. خدا در مورد منافقان افشاگری می‌کند. *** قرآن کریم در آیات دوم و سوم سوره‌ی منافقون به نشانه‌های منافقان و کفر درونی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲ و ۳. اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصِيدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ سوگندهایشان را سپری قرار دادند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، براستی چه بد است، آنچه را آنان همواره انجام می‌دادند! * این به خاطر آن است که آنان ایمان آوردند سپس کفر ورزیدند؛ از این رو بر دل‌هایشان مهر نهاده شده؛ پس آنان فهم عمیق نمی‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی دوم می‌فرماید از نشانه‌های منافقان این است که سوگندهای خود را سپری برای خود قرار می‌دهند این تعبیر نشان می‌دهد که: الف) منافقان با مؤمنان سرچنگ دارند از این رو در فکر وسایل دفاعی جنگی هم‌چون سپر هستند. ب) یکی از ابزارهای کار منافقان سوگند است؛ و آنان زیاد سوگند یاد می‌کنند. ج) منافقان از مقدّسات دینی (هم‌چون نام خدا) سوء استفاده می‌کنند تا مردم را بفریبند و از راه خدا باز دارند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۲. هدف منافقان بازداشتن مردم از راه خداست؛ منافقان که نمی‌توانند کفر باطنی خود را اظهار کنند، در ظاهر ابراز ایمان می‌کنند و پنهانی به اسلام و مسلمانان ضربه می‌زنند و مردم را از راه خدا باز می‌دارند. «۱» ۳. منافقان گاهی با انکار سخنان کفرآمیز خود، سوگند یاد می‌کنند که ما نکفّیم. و گاهی برای عدم شرکت در جهاد با دشمن سوگند یاد می‌کنند که مشکل دارند و حتی در روز رستاخیز در محضر خدا نیز سوگند دروغ یاد می‌کنند؛ «۳» چرا که این رفتار ناپسند عادت آنها شده است. ۴. منافقان دو دسته‌اند: الف) گروهی که از اول کافرند و ایمانشان ظاهری است. ب) گروهی که در آغاز واقعاً ایمان می‌آورند و سپس راه کفر باطنی و نفاق را در پیش می‌گیرند. آیه‌ی فوق ممکن است به هر دو گروه اشاره داشته باشد هر چند ظاهر آیه با گروه دوم سازگارتر است. ۵. منافقان در آغاز حقایق دین را درک می‌کنند و دلایل و نشانه‌های معجزه‌آمیز اسلام را می‌بینند ولی باز هم به خاطر تعصب‌ها غرض‌ورزی و مقام‌پرستی و مانند آن راه کفر و نفاق را در پیش می‌گیرند، از این رو خدا بر دل و ذهن آنان مهر می‌زند و توفیق تشخیص حق و باطل و درک حقایق را از آنان می‌گیرد. البته این به معنای جبر نیست، چون مقدمات این محرومیت را خودشان فراهم می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فریب سوگندهای منافقان را نخورید که این‌ها پوشش کارهای آنهاست. ۲. منافقان را از سوگندهای دروغشان بشناسید. ۳. هدف منافقان جلوگیری از راه خداست. ۴. منافقان بدکردارند. ۵. منافقان در باطن کافرند. ۶. نفاق مانع فهم عمیق حقایق می‌شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی منافقون به ظاهر آراسته‌ی منافقان و ترسو بودن و دشمنی آنان با اسلام اشاره می‌کند و با نفرین به آنان می‌فرماید: ۴. وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خُشْبٌ مِّنْ سِنْدَةٍ يَحْسَبُونَ كُلَّ صِخْرَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ و هنگامی که آنان را می‌بینی، بدن‌هایشان تو را به شگفت می‌آورد؛ و اگر [سخن بگویند سخنان را می‌شنوی، چنان که گویی آنان چوب‌هایی (به دیوار) تکیه داده شده‌اند! می‌پندارند هر بانگی بر ضد آنان است؛ آنان دشمن‌اند؛ پس، از آنان بیمناک باش! خدا آنان را بکشد؛ چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به چند نشانه‌ی منافقان اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) ظاهری آراسته و جالب دارند؛ ب) شیرین‌سخن و چرب‌زبان‌اند و دیگران را جذب سخنان خود می‌کنند؛ ج) هم‌چون هیکل‌های توخالی، بی‌روح و بی‌نور و بی‌صفا هستند؛ د) افرادی بدبین و ترسو هستند که از هر صدایی هراس دارند و هر حرکتی را علیه خود می‌پندارند. ه) دشمن مسلمانان و رهبر اسلام هستند و برای اسلام خطرناک‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۴. حکایت شده «عبدالله بن ابی» که سرکرده‌ی منافقان مدینه بود، فردی درشت اندام، خوش قیافه و چرب‌زبان بود و هنگامی که با یارانش وارد مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شد اصحاب از ظاهر آنان تعجب می‌کردند و به سخنانشان گوش می‌دادند، ولی آنان (به خاطر کبر و غروری که داشتند) کنار دیوار می‌رفتند و به آن تکیه می‌زدند. «۱» آیه‌ی فوق ناظر به حال آنان است. ۳.

چوب‌های خشکیده‌ی کنار دیوار چند ویژگی دارند که در منافقان نیز وجود دارد: الف) چوب‌های خشکیده هیکل‌های بی روح و بی نور و بی صفا هستند؛ ب) اراده‌ای از خود ندارند و بر دیگری تکیه می‌کنند؛ ج) ظاهری آراسته دارند ولی توخالی و مرده‌ای بی جان هستند. منافقان نیز افرادی بی نور و بی صفا هستند که بر کافران و دشمنان اسلام تکیه کرده، با آنان در ارتباطند و ظاهری آراسته ولی باطنی ضعیف دارند و در حقیقت روح ایمان در آنان مرده است. ۴. منافقان افرادی ترسو هستند که هر ندایی را علیه خود می‌پندارند؛ یعنی نسبت به هر چیز و هر کس سوء ظن دارند و این روح بدبینی بر وجود آنان سایه افکنده و آسایش را از آنان سلب کرده است؛ همیشه افراد خائن خائف هستند. ۵. در این آیه اعلام شده که منافقان دشمنان رهبر اسلام و مسلمانان هستند و باید خطر آنان را جدی گرفت و از آنان بر حذر بود، و گرنه ضربه‌ی اساسی به اسلام و مسلمانان وارد می‌کند. ۶. در این آیه خدای متعال، منافقان را نفرین می‌کند و برای سرزنش و تحقیر آنان، مرگ بر منافقان می‌گوید. این مطلب آموزه‌ای برای مسلمانان است که شعار مرگ بر منافقان را فراموش نکنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خطر منافقان را جدی بگیرید، آنان دشمنان شما هستند. ۲. فریب ظاهر آراسته و چرب‌زبانی منافقان را نخورید. ۳. منافقان هم‌چون چوب، بی‌روح و بی اراده‌اند. ۴. منافقان از هر ندایی می‌هراسند و آن را علیه خود می‌پندارند. ۵. مرگ بر منافقان بگویید. * * * قرآن کریم در آیات پنجم و ششم سوره‌ی منافقون به تکبر و نافرمانی منافقان و عدم آموزش آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵ و ۶. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّاْ رُؤُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ * سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ و هنگامی که به آنان گفته شود: «بیاید تا فرستاده‌ی خدا برای شما طلب آموزش کند»، سرهایشان را می‌پیچانند؛ و آنان را می‌بینی که روی برمی‌گردانند، در حالی که آنان مستکبرند. * برای آنان یکسان است که برایشان طلب آموزش کنی یا برای آنان طلب آموزش نکنی؛ خدا آنان را نمی‌آمرد؛ [چرا] که خدا گروه نافرمان را راه‌نمایی نمی‌کند. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که بعد از جنگ «بنی المصطلق» در سال ششم هجری، هنگامی که مسلمانان در حال بازگشت به مدینه بودند یکی از مهاجران با یک نفر از انصار بر سر گرفتن آب از چاه اختلاف پیدا کردند و برخی از مهاجران از مرد مهاجر و برخی از انصار از مرد انصاری حمایت کردند و مشاجره شدید شد. در این میان عبدالله بن ابی که از سرکرده‌های منافقان بود فرصت را غنیمت شمرد و گفت: ما این مهاجران را پناه و غذا دادیم، ولی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۶. حالا- بلای جان ما شده‌اند و به خدا سوگند یاد کرد که اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان، ذلیلان را از شهر مدینه اخراج می‌کنند. «زید بن ارقم» جریان را به پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش داد، ولی عبدالله بن ابی سخنان خود را منکر شد و زید را دروغ گو جلوه داد. سپس سپاهیان اسلام به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به سرعت به طرف مدینه رفتند، ولی پسر عبدالله که فردی مؤمن بود از ورود پدرش به شهر جلوگیری کرد تا این که پیامبر صلی الله علیه و آله پیام داد که به او اجازه بده وارد شهر شود. عبدالله با ذلت وارد مدینه شد. آن گاه آیات سوره‌ی منافقون بدین مناسبت فرود آمد و گزارش زید بن ارقم را تأیید و منافقان را به شدت سرزنش کرد. در این هنگام برخی افراد به عبدالله بن ابی مراجعه کردند و گفتند: آیات شدیدی علیه تو نازل شده است، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برو تا برای تو استغفار کند. ولی عبدالله با تکبر سر تکان داد و روی بر تافت و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نرفت و پس از چند روز از دنیا رفت. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه اشاره به ماجرای عبدالله بن ابی منافق است که پیشنهاد اطرافیانش را نپذیرفت و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نرفت تا برای او استغفار کند و سری تکان داد و روی برگرداند. البته معنای آیه به شأن نزول آن منحصر نمی‌شود. این یکی از نشانه‌های منافقان در طول تاریخ است که به خاطر کبر و غرور حاضر نمی‌شوند در برابر حق تسلیم شوند و خود را از آتش دوزخ نجات دهند. ۲. منافقان نزد خدا قابل بخشش نیستند و اگر بر فرض پیامبر صلی الله علیه و آله هم برای آنان طلب آموزش کند، سودی ندارد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۷ البته روشن است که این حکم در مورد منافقان لجوج، متکبر و توطئه‌گر است. ۳. ریشه‌ی بدبختی منافقان در فسق، گناهکاری و نافرمانی آنان است که زمینه و توفیق هدایت را از

آنان سلب کرده است. ۴. از این آیات و شأن نزول آنها استفاده می‌شود که مراجعه به پیامبر صلی الله علیه و آله برای طلب آموزش از خدا و استغفار برای گناهکاران یک روش رایج در بین مسلمانان صدر اسلام بود؛ یعنی هنگامی که لغزش بزرگی از مسلمانی سر می‌زد و راه چاره‌ای نداشت به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رفت تا برای او طلب آموزش کند و مسلمانان دیگر نیز او را بدین کار تشویق می‌کردند و استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مؤثر واقع می‌شد، ولی با توجه به آیه‌ی فوق، این مطلب در مورد منافقان تخصیص خورد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان را از استغفار گریزی، رهبر گریزی و تکبر بشناسید. ۲. سرچشمه‌ی بدبختی منافقان، فسق و نافرمانی آنان است. ۳. منافقان لجوج و متکبر قابل بخشش نیستند. *** قرآن کریم در آیات هفتم و هشتم سوره‌ی منافقون به سخنان توطئه‌آمیز و متکبران‌ه‌ی منافقان در مورد محاصره‌ی اقتصادی و تبعید مؤمنان مهاجر پاسخ می‌دهد و با اشاره به توانگری و عزت خدا و مؤمنان می‌فرماید: ۷ و ۸. هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَمَا تَنْفَقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَيْثُ يَنْفَقُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ * يَقُولُونَ لَئِن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ آنان کسانی هستند که می‌گویند: «برای کسانی که نزد فرستاده‌ی خدا هستند (اموالتان را) هزینه نکنید تا این که پراکنده شوند.» در حالی که منابع آسمان‌ها و زمین، فقط از آن خداست، و لیکن منافقان فهم عمیق نمی‌کنند. * می‌گویند: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۸ «اگر به مدینه باز گردیم، قطعاً، عزیزترین (افراد)، ذلیل‌ترین (افراد) را از آن (شهر) بیرون می‌رانند!» در حالی که عزت فقط برای خدا و برای فرستاده‌اش و برای مؤمنان است، و لیکن منافقان نمی‌دانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. منافقان بر ثروت و امکانات خود تکیه می‌کردند و قصد محاصره‌ی اقتصادی مسلمانان را داشتند و به دوستان خود سفارش می‌کردند که امکانات در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله نگذارند تا نتواند مخارج جنگ‌ها و یاران خود را پردازد و مؤمنان از اطراف او پراکنده شوند. البته روشن است که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله با محاصره‌ی اقتصادی از او جدا نمی‌شدند، همان طور که در مکه در شعب ابو طالب مدت‌ها مقاومت کردند. ۲. این آیات به منافقان پاسخ می‌دهد که منابع اصلی آسمان و زمین مخصوص خداست و خدا هرگونه مصلحت بداند آن منابع را بین مردم تقسیم می‌کند و اگر به برخی افراد کم یا زیاد می‌دهد برای آزمایش آنهاست و اگر کسی به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان کمک مالی کرد، توفیق الهی نصیب او شده است؛ چون آن اموال از آن خداست که در اختیار او قرار داده، پس باید سپاس گزار خدا باشد، نه این که منت بگذارد. ۳. در شأن نزول آیه‌ی پنجم و ششم همین سوره بیان شد که عبدالله بن ابی سرکرده‌ی منافقان گفت: اگر به مدینه آییم، افراد با عزت، افراد ذلیل (مهاجران) را اخراج می‌کنند. این آیه به سخنان او اشاره کرده و به آنها پاسخ داده است. ولی از آن جا که سخن عبدالله سخن همه‌ی منافقان بود، آن را به همه‌ی منافقان نسبت داد. ۴. عزت مخصوص خدا، پیامبر و مؤمنان است و منافقان به غلط می‌پندارند که عزیز هستند. وقتی عبدالله بن ابی خواست داخل مدینه شود پسر مؤمن او مانع ورودش شد و گفت: تا وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه ندهد نمی‌توانی داخل شهر شوی. و پیامبر صلی الله علیه و آله پیام فرستاد که به او اجازه‌ی ورود بده. برخی از مفسران حکایت کرده‌اند که عبدالله بن ابی چند روز بعد مرد، و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۹ شاید در اثر این ذلت دق کرده باشد. «۱» و این نمونه‌ای از ذلت منافقین است. ۵. روش منافقان متکبر مدینه جدید نبود؛ قبل از آنان مشرکان نیز فکر می‌کردند با محاصره‌ی اقتصادی و تبعید پیامبر صلی الله علیه و آله کار اسلام تمام می‌شود و هنوز هم مستکبران و استعمارگران جهان می‌پندارند که با محاصره‌ی اقتصادی مسلمانان انقلابی می‌توانند اسلام و ایمان را مهار و مسلمانان را ذلیل کنند، در حالی که در نهایت مسلمانان با عزت پیروز می‌شوند و کفر و شرک و نفاق با ذلت شکست می‌خورد. ۶. از آن جا که درک مالکیت خدا بر منابع جهان دقیق و پیچیده است، در مورد آن تعبیر «منافقان درک عمیق ندارند» را آورد، ولی از آن جا که عزت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان آشکار بود و تفکر زیادی نمی‌خواست در مورد آن جمله‌ی «منافقان نمی‌دانند» را آورد. «۲» ۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده که خدا همه‌ی امور مؤمنان را به خودشان واگذار کرده ولی به آنان اجازه نداده است که خوشان را ذلیل کنند. «۳» و

در حدیث دیگری می‌خوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چگونه مؤمن خودش را ذلیل می‌کند؟ حضرت پاسخ داد که «به سراغ کاری می‌رود که از تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۰ او ساخته نیست». «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان برای محاصره‌ی اقتصادی رهبر اسلام تلاش می‌کنند. ۲. هدف منافقان پراکنده کردن مردم از اطراف رهبر اسلام است. ۳. منابع جهان به دست خداست (و به هر کس هر چقدر مصلحت بداند می‌دهد). ۴. منافقان قادر به درک مطالب عمیق نیستند. ۵. منافقان انحصار طلب‌اند و شهر را فقط برای خود می‌خواهند. ۶. منافقان اگر بتوانند حق شهروندی را هم از شما سلب می‌کنند. ۷. منافقان خود را با عزت می‌پندارند (در حالی که ذلیل هستند). ۸. عزت مخصوص خدا و دین‌باوران است. ۹. اگر عزت واقعی می‌خواهید، مؤمن باشید. ۱۰. منافقان را از انحصارطلبی و ضدیت با اجتماع مسلمانان و رهبری بشناسید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۱ نفاق، پیامدها و راهکارها در قرآن و حدیث الف) ویژگی‌های منافقان: ۱. به دروغ ادعای ایمان می‌کنند (بقره، ۸ و منافقون، ۱ و ۲)؛ ۲. خودفربیی می‌کنند (بقره، ۹)؛ ۳. بیمار دل‌اند (بقره، ۱۰)؛ ۴. فسادگرانی هستند که ادعای اصلاح‌طلبی دارند (بقره، ۱۱)؛ ۵. در برخورد‌های اجتماعی دوچهره هستند (بقره، ۱۴)؛ ۶. قیافه‌های شگفت‌آور و جذاب دارند (منافقون، ۴)؛ ۷. با دلهره و وحشت زندگی می‌کنند (منافقون، ۴)؛ ۸. متکبر و فاسق هستند (منافقون، ۵ و ۶ و توبه، ۶۷)؛ ۹. از کمک اقتصادی به مؤمنان جلوگیری می‌کنند (منافقون، ۷)؛ ۱۰. اگر بتوانند مؤمنان را از شهر بیرون می‌کنند (منافقون، ۸)؛ ۱۱. با کسالت نماز می‌خوانند و کم‌تر ذکر خدا می‌گویند (نساء، ۱۴۲)؛ ۱۲. ریاکارند (نساء، ۱۴۲)؛ ۱۳. در تردید و دودلی هستند (نساء، ۱۴۳)؛ ۱۴. امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند (توبه، ۶۷)؛ ۱۵. خدا را فراموش کرده‌اند، پس خدا نیز آنان را به فراموشی سپرده است (توبه، ۶۷)؛ ۱۶. سوگند دروغ یاد می‌کنند (توبه، ۷۴)؛ ۱۷. در حقیقت کافرند (توبه، ۷۴)؛ ۱۸. خود را به فتنه انداخته‌اند و آرزوهای فریبشان داده است (حدید، ۱۴)؛ ۱۹. فرصت‌طلبانی زیانکارند (حج، ۱۱). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۲ ب) کیفر نفاق: ۱. خدا آنان را نمی‌آمرزد (منافقون، ۶)؛ ۲. در قیامت نور ندارند (حدید، ۱۳)؛ ۳. گرفتار عذاب دردناکی می‌شوند (بقره، ۱۰ و توبه، ۶۸)؛ ۴. خدا لعنتشان می‌کند (توبه، ۶۸)؛ ۵. «منافقان در قیامت دو چهره‌ی آتشبار و دو زبان آتشین دارند» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۱» ج) راهکارهای نجات از نفاق: ۱. «صلوات بر من و اهل‌بیت علیهم السلام نفاق را از بین می‌برد» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله)؛ «۲» «صدایتان را به صلوات بلند کنید که نفاق را از بین می‌برد» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله)؛ «۳» تذکر ۱: صلوات، اعلام توحید، نبوت و امامت، و نوعی اظهار ایمان کامل است. تذکر ۲: نفاق گاهی عقیدتی است که هم‌زاد کفر است، ولی گاهی اخلاقی است که همان دو چهرگی است و نشانه‌ی آن در احادیث دروغ‌گویی، خلف وعده و خیانت و ... شمرده شده است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۳ قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی منافقون در مورد غفلت‌زایی اموال و فرزندان و فراموشی یاد خدا هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلِمَا أَوْلَادُكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال شما و فرزندان شما را از یاد خدا (غافل و) سرگرم نکنند! و کسانی که چنین کنند، پس تنها آنان زیانکارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان می‌تواند با اموال و فرزندان، بلکه همه‌ی امور دنیوی، دو گونه برخورد کند: الف) از آنها به عنوان نعمت‌های الهی، در راه سعادت دنیا و آخرت خود بهره‌برد و با سپاس‌گزاری و کمک به دیگران و انجام کارهای نیک، دنیا را نردبان تکامل معنوی خویش قرار دهد؛ یعنی اجازه ندهد که دنیا او را از یاد خدا و انجام وظایف دینی و انسانی بازدارد. ب) شیفته‌ی اموال و فرزندان خود شود و چنان گرفتار غفلت گردد که از یاد خدا، آخرت و امور معنوی بازماند، که در این صورت دنیا نه تنها عامل سعادت کامل انسان نمی‌شود بلکه عامل سقوط و انحراف انسان می‌گردد. و این دنیا رأس همه‌ی لغزش‌هاست و آیه‌ی فوق سرگرم شدن به چنین دنیایی را سرزنش می‌کند. ۲. خطر دل‌بستگی شدید به دنیا و مظاهر آن: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌فرماید: اگر انسان علائقش شدید باشد به دنیا و علائقش شدید باشد به زن و فرزند و مال و حیثیت و ریاست و امثال ذلک، از مصیبت‌هایی که هست در این که احتمالش هم انسان را ناراحت می‌کند و کمر

انسان را می‌شکند، این است که در آن نزدیکی که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۴ می‌خواهند او را منتقلش کنند به یک عالم دیگری، برایش کشف می‌شود که این به دست خدای تبارک و تعالی است و این آدم برای این که خدا او را از این چیزها که حبّ به او دارد، جدا می‌کند، دشمن خدا می‌شود. «۱» ۳. مفسران قرآن فرموده‌اند که مقصود از «ذکر خدا» در این آیه، نماز، شکر نعمت، صبر بر بلا، حج، زکات، تلاوت قرآن یا همه‌ی واجبات است. البته مانعی ندارد که این‌ها مصداق‌های ذکر باشند و آیه شامل همه‌ی موارد شود. آری؛ غفلت و سرگرمی به دنیا مانع توجه به همه یا برخی از این امور می‌شود. ۴. کسی که فقط سرگرم امور مادی و از یاد خدا و معنویات غافل شد، زیان کرده است؛ چرا که سرمایه‌های وجود و عمر خویش را داده و لذت ناپایدار مادی را به دست آورده و سعادت پایدار را از دست داده و برای سرای دیگر کاری نکرده است. ۵. کسی که به یاد خدا باشد، با عمل به دستورات قرآن و واجبات دینی، زندگی خویش را در برابر آلودگی‌ها و انحرافات بیمه می‌کند و به سوی کمال گام برمی‌دارد و اصولاً توجه به خدا موجب رشد معنوی و نزدیکی انسان به خدا می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دنیا شما را سرگرم و غافل نسازد (تا از اهداف عالی باز مانید). ۲. استفاده‌ی معقول از دنیا مانعی ندارد، اما شیفته‌ی دنیا شدن و غفلت‌زدگی موجب زیانکاری است. ۳. دوری از یاد (قرآن و نماز و واجبات) الهی به سعادت و کمال انسان ضرر می‌زند. ۴. اگر به دنبال سود و سعادت دنیا و آخرت خویش هستید، به یاد خدا باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۵ قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی منافقون با یادآوری مرگ حتمی و پشیمانی در آن هنگام، مردم را به بخشش به دیگران تشویق می‌کند و می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَنِي أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِنَ الصَّالِحِينَ * وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ از آنچه به شما روزی داده‌ایم (در راه خدا) هزینه کنید، پیش از آن که مرگ به سراغ یکی از شما آید و بگوید: «پروردگارا! چرا (مرگ) مرا تا سرآمد نزدیکی تأخیر نینداختی تا بخشش صادقانه کنم و از شایستگان باشم؟!» * و خدا «مرگ» کسی را هنگامی که سرآمد (عمر) او فرا رسد، به تأخیر نمی‌اندازد؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به افرادی اشاره شده که از فرصت‌های زودگذر دنیا برای انجام کارهای نیک و بخشش اموال خود استفاده نکردند، تا این که به آستانه‌ی مرگ حتمی رسیده، پشیمان و حسرت‌زده شدند و آرزو و تقاضای بازگشت دارند ولی جواب منفی می‌شنوند. بیان سرگذشت این افراد آموزه‌ای برای ماست که از فرصت‌های زودگذر دنیا برای انجام کارهای نیک استفاده کنیم. جوانمرد و خوشخوی و بخشنده باش چو حق با تو باشد تو با خلق باش هر آن که نماند از پشش یادگار درخت وجودش نیارود بار (سعدی) ۲. مقصود از «انفاق» هزینه کردن اموال در راه خداست که شامل امور مستحب و واجب (مثل زکات) می‌شود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۶ ۳. تعبیر «آنچه خدا روزی شما کرده است»، به دو نکته اشاره دارد: الف) آنچه شما به دیگران می‌بخشید از آن خداست، پس در بخشش اموال خدا به بندگان خدا بخیل نباشید؛ چون شما مأمور و واسطه هستید نه مالک حقیقی. ب) بخشش‌های انسان شامل هرگونه روزی انسان، اعم از اموال و غیر اموال هم چون علم و قدرت و مقام می‌شود. «۱» ۴. یکی از قوانین و سنن الهی ثابت بودن مرگ حتمی و عدم امکان بازگشت به دنیاست؛ اگر مرگ قطعی و حتمی و نهایی انسان فرارسیده باشد، ساعتی جلو و عقب نمی‌شود و تأخیربردار نیست. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از فرصت‌های زودگذر دنیا برای بخشش به مردم و اصلاح خود استفاده کنید. ۲. از نعمت‌های خدا به بندگان او بدهید (و بخل نورزید). ۳. پشیمانی و حسرت‌زدگی هنگام مرگ سودی ندارد. ۴. مرگ حتمی شما قابل تغییر نیست. ۵. تقاضای تأخیر مرگ شما پذیرفته نمی‌شود و فرصت دوباره برای انجام کارهای نیک به شما نمی‌دهند (پس فرصت کنونی را غنیمت بشمرید). ۶. خدا کارهای شما را تحت نظر دارد (پس مراقب اعمال خود باشید). «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۷

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی تغابن در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۸ آیه، ۲۴۱ کلمه و ۱۰۷۰ حرف است. سوره‌ی تغابن، صد و نهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «جمعه» و قبل از سوره‌ی «صف») و شصت و چهارمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «تغابن» به معنای «احساس ضرر و حسرت و افسوس» است که یکی از نام‌های قیامت نیز هست. این نام از آیه‌ی نهم این سوره گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام حکایت شده که هر کس سوره‌ی «تغابن» را در نماز واجب قرائت کند، (این سوره) شفیع و گواه عدل وی در رستخیز خواهد بود و از او جدا نمی‌شود تا داخل بهشت گردد. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسانی است که سوره‌ی تغابن را بخوانند و در آن تدبّر و تفکر کنند و در راستای آن عمل نمایند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۰

ویژگی

ویژگی: با این که گفته شده این سوره مدنی است، مطالب آن شباهت زیادی به سوره‌های مکی دارد. اهداف: اساسی‌ترین هدف‌های این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری توحید؛ ۲. یادآوری معاد؛ ۳. هشدار و بیدار باش به انسان‌ها که از فرصت‌ها استفاده کنند و در دنیا اعمال نیک انجام دهند.

اهداف

اهداف: اهداف اصلی این سوره، یادآوری توحید و معاد و اهداف فرعی آن، نشان دادن اهمیت قرآن کریم و ارزش‌های اخلاقی است.

مطالب

مطالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. اشاره‌ای به توحید و افعال خدا و تسبیح همه‌ی موجودات برای او (در آیات ۱ و ۲)؛ ۲. اشاره‌ای به علم بی‌کران الهی (در آیات ۴ و ۱۸)؛ ۳. اشاره‌ای به معاد و این که گروهی در رستخیز احساس ضرر خواهند کرد (در آیات ۹ و ۱۰)؛ ۴. تحکیم پایه‌های نبوت با دستور به پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۱۲). ب) اخلاق: ۱. تشویق به انفاق در راه خدا (در آیات ۱۶ و ۱۷)؛ ۲. هشدار به انسان که فریفته‌ی اموال و فرزند و همسر نشود (در آیات ۱۴ و ۱۵)؛ ۳. دعوت به توکل بر خدا (در آیه‌ی ۱۳)؛ ۴. تشویق به بخشش (در آیه‌ی ۱۴)؛ ۵. دعوت به تقوا به اندازه‌ی توانایی (در آیه‌ی ۱۵). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۱ ج) داستان: اشاره‌ای به سرنوشت کافران اقوام پیشین و بهانه‌جویی‌های آنان (در آیات ۵ و ۶). د) مطالب فرعی: ۱. هشدار به انسان که مراقب اعمال خویش باشد (در آیه‌ی ۵)؛ ۲. دعوت به ایمان به خدا و رسول صلی الله علیه و آله و نوری که با او نازل شده است (در آیه‌ی ۸)؛ ۳. تذکر این نکته که همه‌ی کارها به دست خداست (در آیه‌ی ۱۱). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۳

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی تغابن قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی تغابن به تسییح گویی موجودات برای خدا و برخی صفات او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱. *يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است برای خدا تسییح می‌گوید؛ فرمان‌روایی فقط از آن اوست و ستایش تنها برای اوست؛ و او بر هر چیز تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات متعدد قرآن هم‌چون آیه‌ی اول سوره‌های حدید، صف و جمعه گفته شده که همه‌ی موجودات با زبان حال یا زبان قال به تسییح گویی حق مشغول‌اند و او را از هر گونه عیب و نقص منزّه می‌دارند. «۱» ۲. تکرار و تأکید بر تسییح گویی موجودات، اهمیت این مطلب را می‌رساند و نشان می‌دهد که خدا می‌خواهد توجه ما را به این مطلب مهم معطوف دارد تا انسان از زمزمه‌ی تسییح کاروان هستی غافل نشود و از آنان عقب نماند. ۳. مالکیت و حاکمیت خدا حقیقی و وجودی است یعنی او علت و ایجاد کننده‌ی همه چیز است پس مالک آنهاست و مالکیت او هم‌چون مالکیت انسان‌ها اعتباری و قراردادی نیست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۴ ۴. قدرت خدا نامحدود است و او می‌تواند هر کار ممکن را انجام دهد، البته اراده و قدرت خدا تابع حکمت و علم اوست و او طبق مصلحت عمل می‌کند. ۵. ستایش و حمد اختصاص به خدا دارد؛ چراکه همه‌ی زیبایی‌ها و نیکی‌ها و خوبی‌ها از خداست، پس هر چه را ستایش کنیم در حقیقت پدید آورنده‌ی آن، یعنی خدا را ستایش کرده‌ایم. ۶. تسییح و ستایش خدا لازمه‌ی قدرت مطلق و مالکیت او بر همه چیز است؛ یعنی به خاطر این دو صفت است که خدا شایسته‌ی ستایش و تسییح است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. موجودات جهان زمزمه‌ی تسییح سرداده‌اند (شما هم با آنها همراهی کنید). ۲. قدرت و مالکیت حقیقی خدا را بشناسید و او را تسییح گویند و ستایش کنید. ۳. همه‌ی ستایش‌ها به خدا بازمی‌گردد و فقط او شایسته‌ی ستایش است. *** قرآن کریم در آیات دوم تا چهارم سوره‌ی تغابن به آفرینشگری و صورتگری و علم بی‌کران خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲-۴. *هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُّؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ* * *خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ* * *يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ* او کسی است که شما را آفرید؛ پس برخی از شما کافرید و برخی از شما مؤمنید؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست. * آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید و شما را صورتگری کرد و صورت‌های شما را نیکو گردانید؛ و فرجام (همه‌ی شما) فقط به سوی اوست. * آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند و آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌سازید می‌داند؛ و خدا به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دو فعل اساسی خدا اشاره شده است: آفرینشگری، و صورتگری. خدا جهان و انسان را آفرید و زیباترین چهره‌پردازی را در مورد انسان به کار بست و چنان نقاشی بر پهنه‌ی هستی کشید که همه‌ی نقاشان جهان را به حیرت واداشت. ۲. آفرینش جهان به حق است، این مطلب اشاره‌ای به نظام دقیق و آفرینش هدفمند جهان است؛ یعنی آفرینش جهان بیهوده، بی‌هدف و باطل نبوده است؛ بلکه همه‌ی جهان از خدا شروع شده و به سوی خدا می‌رود و فرجام همگان و هدف نهایی خداست. ۳. علم خدا بی‌کران است و در سه مرحله تبلور می‌یابد: الف) علم به تمام جهان؛ ب) علم به اعمال پنهان و آشکار انسان؛ ج) علم به باطن و عقاید درونی انسان‌ها. ۴. آگاهی از صفات و افعال خدا، هم‌چون آگاهی از آفرینش هدفمند جهان و علم خدا به درون و برون انسان، اثر تربیتی بر افراد دارد؛ زیرا زندگی انسان معنادار و هدفمند می‌شود و او همیشه خود را تحت نظر خدا می‌بیند و در مورد عقاید، نیت‌ها و کارهای خویش دقت می‌کند تا در محضر خدا خطایی از او سرزنند. ۵. تقسیم انسان‌ها به مؤمن و کافر، نشان دهنده‌ی آزادی و اختیار انسان در تصمیم‌گیری و انتخاب عقیده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا شما را آفرید و در انتخاب راه آزاد گذاشت، اما شما را تحت نظر دارد. ۲. آفرینش جهان هدفمند است و فرجام همه به سوی خداست. ۳. به چهره‌های زیبای خودتان بنگرید و خداشناس شوید. ۴. قلمرو علم خدا درون و برون شما را در بر می‌گیرد (پس مراقب اعمال خودتان باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۶ قرآن کریم در آیات پنجم و

ششم سوره‌ی تغابن به سرنوشت عبرت آموز کافران پیشین و عوامل عذاب آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵ و ۶. **أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ * ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ** آیا به شما نرسیده است خبر بزرگ کسانی که پیش از [این کفر ورزیدند و سنگینی (کیفر) کارشان را چشیدند و برایشان عذاب دردناکی است؟! * آن به خاطر این است که فرستادگانشان با دلیل‌های روشن (معجزه‌آسا) به سراغشان می‌آمدند، و (کافران) می‌گفتند: «آیا بشرهایی ما را راه‌نمایی می‌کنند؟! پس کفر ورزیدند و روی برتافتند و خدا توانگری نمود؛ و خدا توانگری ستوده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به سرنوشت عبرت آموز کافران پیشین، هم‌چون فرعونیان، قوم نوح، عاد و ثمود اشاره شده که در برابر خدا و پیامبران او سرکشی و لجاجت کردند و کفر ورزیدند و در نهایت به هلاکت رسیدند. اخبار این اقوام در قرآن و کتاب‌های دیگر و از طریق حکایات به مردم رسیده است، بلکه ویرانه‌های شهرهای آن اقوام در مسیر کاروانیان موجود است و هر بیننده‌ای را به عبرت‌آموزی فرا می‌خواند. ۲. عوامل عذاب این کافران عبارت‌اند از: الف) اعمال بد خودشان؛ ب) بهانه‌جویی تکبرآمیز و روی گردانی از پیامبرانشان. ۳. بهانه‌ی کافران پیشین این بود که می‌گفتند: چرا پیامبری از جنس بشر به سراغ ما آمده است و چرا فرشته‌ای برای ما نازل نمی‌شود؟! در حالی که رهبر و هدایتگر انسان‌ها باید از جنس خودشان باشد تا دردها و نیازهای آنان را درک کند و بتواند الگوی عملی برای مردم باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۷ ۴. در این آیه بیان شده که خدا از ایمان و اطاعت مردم بی‌نیاز است. گر جمله‌ی کائنات کافر گردند بر دامن کبریا ننشیند گرد پس این همه اصرار و فرستادن پیامبران و دلایل و راه‌نمایی به سوی ایمان برای نجات مردم است و سود آن به خود انسان‌ها می‌رسد و آنها سعادت‌مند و بهشتی می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در اخبار تاریخی دقت کنید و از سرنوشت عذاب‌آلود کافران پیشین عبرت بیاموزید. ۲. عذاب کافران نتیجه‌ی کردار خود آنهاست. ۳. بهانه‌جویی متکبرانه در برابر رهبران الهی از عوامل عذاب است. ۴. انسان بودن رهبران الهی را بهانه نکنید، بلکه به دلایل روشن (و معجزات) آنان توجه کنید. ۵. خدا از ایمان و اطاعت شما بی‌نیاز است (پس کفر شما به زیان خودتان است). * * * قرآن کریم در آیات هفتم و هشتم سوره‌ی تغابن به شبهه‌ی کافران در مورد معاد پاسخ داده، آنان را به ایمان فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۷ و ۸. **زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبُّنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذِلَّتْكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ * فَمَا مَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ** کسانی که کفر ورزیدند، پنداشتند که برانگیخته نخواهند شد؛ بگو: «آری؛ به پروردگرم سوگند که قطعاً، برانگیخته خواهید شد! سپس حتماً، از آنچه انجام دادید خبر داده می‌شوید؛ و آن (کارها) بر خدا آسان است». * پس، به خدا و فرستاده‌اش و نوری که فرو فرستادیم ایمان بیاورید؛ و خدا از آنچه می‌کنید آگاه است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شبهه‌ی اصلی کافران در مورد معاد آن بود که چگونه استخوان‌های پوسیده و خاک شده که متفرق گردیده‌اند دو باره جمع و زنده می‌شوند. آنان این مطلب را بعید می‌شمردند. ولی این آیه به کافران پاسخ می‌دهد که با توجه به علم بی‌کران و قدرت بی‌انتهای خدا این جمع‌آوری و رستاخیز برای او آسان است. «۱» ۲. در این آیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌به «پروردگار» سوگند یاد می‌کند که حتماً مردم در رستاخیز برانگیخته می‌شوند. این سوگند هم برای تأکید و بیان قاطع مطلب است و هم عقیده‌ی راسخ‌گوینده را نشان می‌دهد و از طرف دیگر، تعبیر «پروردگار» اشاره‌ی لطیفی به دلیل معاد است که ربوبیت خدا ایجاب می‌کند که حرکت تکاملی انسان در محدوده‌ی زندگی دنیا رها نشود و تا رسیدن به هدف نهایی و معاد ادامه یابد. ۳. در این آیات به ایمان به خدا اکتفا نشده بلکه به سه شعبه‌ی ایمان، یعنی: ایمان به توحید، نبوت و قرآن (یا امامت) دعوت شده است و این نشان می‌دهد که ایمان به این‌ها از هم‌دیگر جدا نیست. ۴. مقصود از نوری که خدا نازل کرده است و ایمان به آن لازم است چیست؟ مفسران قرآن این نور را به قرآن تفسیر کرده‌اند؛ زیرا در آیات متعددی، از قرآن با عنوان نور یاد شده است. «۲» ولی در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نور به وجود امام علیه‌السلام تفسیر شده است. «۳» البته مانعی ندارد که این‌گونه تفسیرها و روایات مصداق‌های نور را بیان کنند؛ چون هم قرآن با

هدایت‌گری خویش جهان را نورانی می‌کند و هم ائمه علیهم السلام تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۹ دل‌های مردم را با سخنان خود نورانی می‌کنند؛ علاوه بر آن که امامان علیهم السلام تجسم عملی کتاب خدا و قرآن ناطق هستند، پس هر دو نور هستند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شبهه‌های کافران در مورد رستاخیز، پنداری بیش نیست. ۲. رستاخیز و خبر دادن از اعمال در آن روز برای خدایی با علم و قدرت بی‌کران آسان است. ۳. ایمان به خدا را با ایمان به پیامبر و نور (قرآن و امامت) همراه سازید. ۴. خدا اعمال شما را تحت نظر دارد. *** قرآن کریم در آیات نهم و دهم سوره‌ی تغابن به صفات روز رستاخیز و سرنوشت مؤمنان نیکوکار و کافران بدکار در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹ و ۱۰. *يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ* روزی که شما را برای روز جمع‌آوری (مردم در قیامت) گردآوری می‌کند، آن روز زیانکاری است؛ و هر کس به خدا ایمان آورد و [کار] شایسته انجام دهد، بدی‌هایش را از او می‌زداید و او را در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که از زیر (درختان)ش نهرها روان است، در حالی که جاودانه در آن ماندگارند؛ این کام‌یابی بزرگی است. * و کسانی که کفر ورزیدند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، آنان اهل آتش‌اند، در حالی که در آنجا ماندگارند؛ و (این) بد فرجامی است! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. روز رستاخیز نام‌های زیادی دارد؛ از جمله «یوم الجمع»، یعنی روزی که تمام مردم از اول تا آخر عمر دنیا در یک مکان جمع می‌شوند «۱» و نیز رستاخیز «یوم التغابن» است، یعنی روزی که زیان‌ها و فریب‌خوردگی‌های افراد آشکار می‌شود و برندگان بهشتی و بازندگان دوزخی شناخته می‌شوند و روشن می‌شود که در تجارت دنیا چه کسانی زیان کرده و فریب خورده‌اند. «۲» ۲. ایمان و عمل شایسته شرایط و مقدمات سعادت اخروی‌اند است که چند پاداش به دنبال دارند: الف) بخشش گناهان، به طوری که خدا گناهان این افراد را از دیگران می‌پوشاند، تا آبروی آنان در صحنه‌ی رستاخیز نرود. ب) ورود به بهشت با نعمت‌های دل‌نواز و بوستان‌های زیبا؛ ج) جاودانه بودن نعمت‌های بهشتی برای مؤمنان شایسته‌کردار. ۳. در این آیات به دو عامل عذاب دوزخیان اشاره شده است: الف) کفر؛ ب) تکذیب‌گری و دروغ انگاشتن نشانه‌ها و آیات الهی. ۴. تعبیر «ابدأ» در مورد بهشتیان به معنای ماندگاری جاویدان آنان در بهشت است اما در مورد دوزخیان از این تعبیر استفاده نشده است؛ زیرا ممکن است برخی دوزخیان مؤمنان گناهکار باشند که برای همیشه در آتش نمی‌مانند، بلکه رحمت الهی شامل حالشان می‌شود و روزی از عذاب‌رهایی می‌یابند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز جمع‌آوری همه‌ی مردم و آشکار شدن زیان‌ها و فریب‌خوردگی‌هاست. ۲. هر کس آموزش و بهشت می‌خواهد، به ایمان و عمل شایسته روی آورد. ۳. کام‌یابی بزرگ و جاودانی در انتظار مؤمنان شایسته‌کردار است. ۴. کفر و تکذیب آیات الهی زمینه‌ساز آتش دوزخ است. ۵. فرجام بدی در انتظار کافران و منکران نشانه‌های خداست. *** قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی تغابن به توحید افعالی و هدایت درونی مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱. *مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ* هیچ مصیبتی، جز به رخصت خدا، (به کسی) نمی‌رسد؛ و هر کس به خدا ایمان آورد، دلش را راه‌نمایی می‌کند؛ و خدا به هر چیزی داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به توحید افعالی اشاره شده است؛ یعنی همه‌ی امور و حوادث این جهان با خواست خداست و بدون رخصت او برگی از درخت نمی‌افتد و اراده‌ی تکوینی او بر همه‌ی ذرات جهان حاکم است. البته این توحید با اختیار و آزادی انسان منافاتی ندارد؛ زیرا خدا اراده کرده است که انسان آزاد و مختار باشد و کارها را از طریق اسباب و علل و عوامل انجام دهد، هر چند وجود و قدرت همه‌ی این‌ها از خداست. ۲. مصیبت‌ها و حوادث چند گونه است: الف) حوادث طبیعی، مثل زلزله و آتش‌فشان که بدون دخالت اراده‌ی انسان به وجود می‌آید که مایه‌ی آزمایش و رشد انسان است. انسان می‌تواند تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۲ با تلاش علمی و عملی با این حوادث مقابله کند و رشد یابد و با کمک به هم نوعان خود و صبر از این آزمایش سربلند بیرون آید. ب) حوادثی که در اثر کردار انسان‌ها به

وجود می‌آید، هم‌چون ستمکاری افراد به هم‌دیگر یا گناهان دیگر که عواقب و مشکلاتی را برای انسان پدید می‌آورد. البته انسان باید با ستم مقابله کند و در برابر گناهان از خواب غفلت بیدار شود و با استغفار و تغییر روش و دست برداشتن از گناهان جلوی مشکلات ناشی از آن را بگیرد. «۱» ۳. این یک سنت و قانون الهی است که هر کس ایمان آورد خدا دل او را هدایت می‌کند و از درون او را راه‌نمایی می‌کند. ۴. مقصود از این هدایت قلبی چیست؟ مفسران قرآن هدایت قلبی را الهام صبر و شکر و رضایت و تسلیم در برابر خدا و گفتن «أَنَا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» در هنگام مصیبت‌ها دانسته‌اند. البته روشن است که این موارد می‌تواند از مصادیق راه‌نمایی قلبی باشد، اما معنای هدایت قلبی وسیع است و شامل هر گونه راه‌نمایی خدا می‌شود که از طریق الهام یا راه‌نمایی فکر بشر و یا و وحی توسط فرشتگان تحقق می‌یابد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی امور را از خدا بدانید. ۲. وجود مصیبت‌ها از خداست (پس گره‌گشایی را از او بخواهید). ۳. یکی از نتایج ایمان راه‌نمایی درونی انسان است. * * * تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۳ قرآن کریم در آیات دوازدهم و سیزدهم سوره‌ی تغابن به لزوم توکل بر خدا و فرمان‌برداری از او و رهبر اسلام اشاره می‌کند و با هشدار به نافرمانان می‌فرماید: ۱۲ و ۱۳. وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ * اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ و خدا را اطاعت کنید و فرستاده [ی خدا] را اطاعت کنید؛ و اگر روی برتایید، پس بر عهده‌ی فرستاده‌ی ما فقط رساندن [پیام روشنگر و] آشکار است. * خداست که هیچ معبودی جز او نیست و مؤمنان، پس باید تنها بر خدا توکل کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اطاعت از خدا و پیامبر و توکل بر خدا از وظایف مؤمنان و از لوازم ایمان به خداست؛ زیرا خدا یکی است، پس باید از او اطاعت کنیم و خدا منبع هر گونه قدرت است، پس باید فقط بر او توکل و تکیه کنیم. ۲. اطاعت از خدا و پیامبر از هم جدا و در عرض هم‌دیگر نیستند، بلکه در طول هم‌اند یعنی اطاعت از خدا اصل است و اطاعت از پیامبر شعبه‌ای از اطاعت از خداست. «۱» اطاعت از خدا مربوط به اصول قوانین الهی و اطاعت از پیامبر در مورد تفسیر آنها و مسائل اجرایی است. ۳. در این آیه اشاره شده که وظیفه‌ی پیامبر فقط رساندن پیام است؛ البته این حصر اضافی و نسبی است، یعنی پیامبر در مورد وحی الهی وظیفه‌ی ارشاد و پیام رسانی دارد و وظیفه‌ی اجبار آنها را ندارد اما در موارد دیگر وظایف دیگری هم‌چون امر به معروف یا جهاد و مانند آنها را دارد. ۴. مقصود از توکل بر خدا چیست؟ مؤمنان فقط بر قدرت نامحدود او تکیه می‌کنند و همه‌ی افراد و نیروها تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۴ را اسباب الهی می‌بینند که قدرت بالذات ندارند، ولی خدا آنها را فراهم کرده تا از آنها استفاده شود. پس مقصود از توکل آن نیست که کار را به خدا واگذار کنیم و به دنبال استفاده از اسباب مادی نرویم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرمان‌برداری از دستورات خدا و رهبر اسلام وظیفه‌ی شماس است. ۲. وظیفه‌ی رهبران الهی پیام‌رسانی است (نه اجبار مردم). ۳. هر کس از وظایف دینی روی برتابد به خود زیان می‌رساند. ۴. خدا را به توحید بشناسید و بر او تکیه کنید. ۵. بر غیر خدا تکیه نکنید (چون غیر او معبودی نیست). * * * قرآن کریم در آیات چهاردهم و پانزدهم سوره‌ی تغابن به آزمایش انسان‌ها به وسیله‌ی اموال و فرزندان اشاره می‌کند و با هشدار در مورد دشمنی برخی آنها می‌فرماید: ۱۴ و ۱۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن مِّنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ يَعِدُونَكُم بِفَاخِذَرُوهُمْ وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ * إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حقیقت، بعضی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شما هستند، پس، از آنان بیمناک باشید؛ و اگر ببخشید و درگذرید و بیامرزید، پس به راستی خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. * اموال شما و فرزندان شما فقط [وسیله‌ی آزمایش‌اند؛ و خدا نزدش پاداش بزرگی است. شأن نزول: حکایت شده که وقتی برخی از مردان مسلمان می‌خواستند از مکه به سوی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۵ مدینه هجرت کنند، فرزندان و همسرانشان مانع آنها می‌شدند و آنان را سوگند می‌دادند که هجرت نکنند و برخی از مردان در مکه می‌ماندند. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و در مورد خطر فرزند و همسر هشدار داد. برخی دیگر هجرت می‌کردند و حتی خانواده‌ی خود را تهدید می‌کردند که اگر با ما به مدینه نیایید، بعداً به شما اعتنا نمی‌کنیم. در آیه‌ی فوق به این افراد هم تذکر داده شد که نسبت به خانواده‌ی خویش عفو و گذشت داشته باشند. «۱» نکته‌ها و

اشاره‌ها: ۱. هر چند این آیه شأن نزول خاصی دارد، مفهومش گسترده است و به دشمنی برخی فرزندان و همسران انسان‌ها اشاره می‌کند. این دشمنی جلوه‌های مختلفی دارد، گاهی آنان مانع انجام کارهای مثبت هم‌چون هجرت، جهاد و انفاق می‌شوند و گاهی انتظار مرگ انسان را می‌کشند تا از ارث او بهره‌مند شوند. ۲. همه‌ی فرزندان و همسران دشمن انسان نیستند؛ برخی از آنان خواسته یا ناخواسته چنین هستند؛ «۲» برخی دیگر از فرزندان و همسران، یاوران راه خدا و امدادگر پدر خانواده در راه انجام وظایف الهی هستند که البته حساب این افراد از دیگران جداست. ۳. در این آیات به آزمایش انسان به وسیله‌ی اموال و فرزندان اشاره شده است. آری انسان‌ها همواره در حال آزمایش هستند تا رشد و کمال یابند و یکی از مهم‌ترین وسایل آزمایش انسان ثروت و خانوادگی اوست که گاهی انسان را به انحراف و گناه می‌کشد. انسان وقتی بر سر دوراهی قرار گرفت که یک طرف آن دستور خدا و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۶ طرف دیگر خواسته‌ی گناه‌آلود خانواده و اموال حرام است، باید فرمان خدا را ترجیح دهد تا از این آزمایش الهی سربلند بیرون آید. «۱» ۴. از امام علی علیه السلام روایت شده که هیچ کس از شما نگوید: خدایا من از آزمایش به تو پناه می‌برم، زیرا همه مشمول قانون آزمایش می‌شوند، بلکه کسی که می‌خواهد به خدا پناه ببرد از آزمایش‌های گمراه کننده پناه ببرد. ۵. این آیات از طرفی در مورد خطر خانواده هشدار می‌دهد ولی از طرف دیگر به پدر خانواده دستور گذشت و بخشش می‌دهد و جلوی افراط و خشونت را می‌گیرد، تا مبادا لغزش فرزند یا همسر موجب شود که پدر بر خانوادگی خود سخت‌گیری کند. ۶. در این آیات سه تعبیر در مورد رفتار با خانواده به کار رفته است: الف) آنان را عفو کنید، یعنی از لغزش آنان صرف نظر کنید و آنان را ببخشید؛ ب) «صِفْح» کنید، یعنی آنان را سرزنش نکنید؛ ج) با غفران با خانوادگی خویش برخورد کنید، یعنی گناه آنان را ببوشانید و بیامرزید و به فراموشی بسپارید. چون زبردستیت ببخشید آسمان زبردستان را همیشه نیک دار (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی از نزدیکان انسان وسیله‌ی گمراهی او می‌شوند (پس مراقب باشید). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۷. ۲. مراقب خطر فرزند و همسر خود باشید (تا شما را از راه خدا باز ندارند). ۳. نسبت به لغزش‌های خانوادگی خویش سخت‌گیری نکنید و باگذشت و عفو رفتار کنید. ۴. اگر آمرزش و لطف الهی را می‌خواهید، با خانوادگی خود همان‌گونه رفتار کنید. ۵. ثروت و خانواده وسیله‌ی آزمایش شمایند، آنها را هدف نپندارید. ۶. به اموال و فرزندان خود جهت خدایی بدهید، تا پاداش بزرگی دریافت دارید. *** قرآن کریم در آیات شانزدهم تا هجدهم سوره‌ی تغابن با فراخوان به تقوا و فرمان‌برداری و بخل‌ستیزی، به پاداش‌ها و صفات نیکوی الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶-۱۸. فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتِطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقْ شَحْحَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * إِنَّ تَقْرِيضًا لِلَّهِ قَرْضًا حَسِينًا يُضَاعِفُهُ لَكُمْ وَيَغْفِرُ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ * عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ پس هر چه در توان دارید خودتان را از [عذاب خدا حفظ کنید و بشنوید و اطاعت کنید و (در راه خدا) هزینه کنید که برای خودتان بهتر است؛ و هر کس از (بی‌گذشتی و) آزمندی خودش نگاه داشته شود، پس تنها آنان رستگارند. * اگر به خدا «قرض الحسنه‌ای» وام دهید، آن را برای شما می‌افزاید و شما را می‌آموزد؛ و خدا بسیار سپاس‌گزار [و] بردبار است. * (او) دانای نهان و آشکار [و] شکست‌ناپذیر فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات برای تربیت مؤمنان و پیروزی آنان در آزمایش ثروت و فرزند چهار دستور می‌دهد: الف) هر چه می‌توانید پارسا و باتقوا باشید و خودتان را از عذاب الهی حفظ کنید؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۸ ب) سخنان خدا را بشنوید و خود را در معرض آیات الهی قرار دهید؛ ج) از دستورات الهی اطاعت کنید؛ د) در راه خدا انفاق و بخشش کنید و از بخل و آز دوری کنید. این دستوره‌ی چهارگانه انسان را در سر دوراهی تعارض محبت فرزند و ثروت با دستورات الهی راه‌نمایی می‌کند و او را نجات می‌دهد؛ از این رو برای انسان بهتر و نیکوتر است، چون سود آنها به خود انسان بازمی‌گردد. «۱» ۲. بخشش و انفاق در راه خدا چند فایده‌ی مهم دارد: الف) بخشش برای خود انسان بهتر است؛ چون ذخیره‌ی آخرت و مایه‌ی نجات و ثواب الهی است؛ ب) مانع رشد صفت بخل و آز در انسان می‌شود؛ ج) موجب رستگاری و پیروزی انسان می‌گردد؛ د) نوعی وام دادن به خداست که خدا آن را چند برابر می‌کند و به انسان

باز می‌گرداند؛ ه) موجب پوشاندن و آموزش گناهان می‌شود. ۳. چرا در این آیه به مؤمنان دستور می‌دهد که هر چه می‌توانید تقوا و پارسایی کنید، ولی در آیه ۱۰۲ سوره آل عمران دستور می‌دهد، «آن‌چنان که حق تقواست، تقوا پیشه کنید»؟ این دو آیه مکمل یک‌دیگرند؛ چون ادا کردن حق تقوا به توانایی انسان بستگی دارد و انسان به کاری که توانایی ندارد تکلیف نمی‌شود. «۲» ۴. «شُخ» به معنای بُخل همراه با حرص و آز است. این دو صفت از بزرگ‌ترین موانع رستگاری انسان‌اند؛ چون مانع انجام واجبات؛ هم چون ادای تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۹ زکات و خمس و مانع کارهای خیر و بخشش در راه خدا می‌شوند از این رو در این آیه اشاره شده که هر کس به لطف الهی از بُخل و آز نجات یابد رستگار می‌شود. ۵. حکایت شده که امام صادق علیه السلام شبی طواف خانه‌ی خدا می‌کرد و مرتب می‌فرمود: «خدایا، مرا از حرص و بخل خودم نگاه دار». یکی از یارانش پرسید: فدایت شوم، امشب نشنیدم که غیر از این دعا، دعای دیگری کنی. حضرت فرمود: چه چیز از بُخل و حرص نفس مهم‌تر است؟ و این قسمت آیه‌ی فوق را تلاوت فرمود. «۱» ۶. یکی از الطاف الهی آن است که همه‌ی نعمت‌ها و اموال را به ما داده است سپس از ما می‌خواهد که آنها را به او وام دهیم و به دیگران ببخشیم و در عوض خدا چندین برابر به ما باز می‌گرداند و ما را می‌بخشاید!! آری؛ لطف و محبت از این بالاتر تصور نمی‌شود. ۷. «قرض» در اصل به معنای قطع کردن است و منظور از قرض نیکو همان جدا کردن اموال خویش و بخشش آنها در راه خداست، نه وام دادن اصطلاحی؛ البته وام و قرض الحسنه‌ی اصطلاحی نیز ثواب زیادی دارد، اما مقصود آیه در این جا انفاق و بخشش در راه خداست. ۸. در این آیات به چند صفت الهی اشاره شده است که با مسأله‌ی بخشش و انفاق در ارتباط است: الف) خدا بسیار سپاس‌گزار است و اگر کسی در راه او چیزی ببخشد به او چند برابر پاداش می‌دهد. ب) خدا بردبار است و اگر انفاق کنندگان لغزش و گناه داشتند در برابر آن صبر می‌کند و در کیفر دادن عجله نمی‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۰ ج) خدا دانای آشکار و نهان است و از اعمال و بخشش‌های انسان‌ها با خبر است. د) خدا عزیز، یعنی قدرتمند شکست‌ناپذیر است و اگر از مردم وام می‌طلبد، به خاطر نیاز نیست بلکه می‌خواهد به آنان لطف کند. ه) خدا حکیم و فرزانه است و کارهایش بر اساس حکمت و پاداش‌های زیاد او هم بر اساس مصلحت و حکمت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر به دنبال نیکی هستید، تقوا، شنیدن آیات الهی، اطاعت و بخشش را سرلوحه‌ی زندگی خویش قرار دهید. ۲. اگر به دنبال رستگاری هستید، با بُخل و آز خویشتن مبارزه کنید. ۳. تا جایی که می‌توانید تقوا پیشه‌سازید. ۴. بخشش در راه خدا موجب افزایش اموال و پاداش شماس است. ۵. اگر به دنبال آموزش الهی هستید از اموال خود به مردم ببخشید. ۶. خدا را به دانایی و توانایی و فرزاندگی و بردباری و سپاس‌گزاری بشناسید (و در راه چنین خدایی بخشش نمایید). «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۱

بخش چهارم: سوره‌ی طلاق

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی طلاق در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمده و دارای ۱۲ آیه، ۲۴۸ کلمه و ۱۰۶۰ حرف است. این سوره نود و هشتمین سوره‌ی قرآن در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «انسان» و قبل از سوره‌ی «بینه») و شصت و پنجمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «طلاق» به معنای «رها ساختن و جدایی از همسر» است. این نام‌گذاری به سبب آیات اول تا هفتم سوره‌ی طلاق است که قسمتی از احکام طلاق و زنان جدا شده در آنها مطرح شده است. نام دیگر این سوره «نساء قُصری» یعنی سوره‌ی کوچک زنان است در برابر سوره‌ی مشهور «نساء» که «نساء کبری» یعنی سوره‌ی بزرگ زنان است. «۱»

فضیلت

فضیلت: در مورد فضیلت تلاوت این سوره از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس این سوره را بخواند بر سنت رسول الله صلی الله علیه و آله مرده است. «۲» البته روشن است که مقصود این گونه احادیث خواندن و عمل کردن به محتوای این سوره است که انسان را بر مدار روش پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می‌دهد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۴

اهداف

اهداف: اساسی‌ترین هدف این سوره بیان قوانین طلاق و دفاع از حقوق زنان است.

مطالب

مطالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. بیان عظمت خدا و قدرت و علم او (در آیه‌ی ۱۲)؛ ۲. بیان عظمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیات ۱۰ و ۱۱)؛ ۳. اشاره‌ای به پاداش صالحان (در آیه‌ی ۱۱). ب) اخلاق: ۱. پند و اندرزها (در آیه‌ی ۲)؛ ۲. بیان آثار تقوا که سبب نجات و رسیدن روزی انسان از راه غیر متعارف است (در آیات ۲-۴)؛ ۳. تشویق به توکل (در آیه‌ی ۳). ج) احکام: ۱. قوانین مربوط به جدا شدن از همسر یا طلاق و دفاع از حقوق زنان (در آیات ۱-۷). د) داستان: گزارشی از سرنوشت اقوام پیشین به خاطر سرپیچی از فرمان خدا (در آیات ۸-۱۰). ه) مطالب فرعی: ۱. اشاره‌ای به هدف پیامبر و قرآن (در آیه‌ی ۱۱)؛ ۲. اشاره‌ای به هفت آسمان و زمین (در آیه‌ی ۱۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۵

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی طلاق قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی طلاق به قوانین و شرایط قبل و بعد از جدایی زن و شوهر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ای پیامبر! هنگامی که زنان را طلاق می‌دهید، پس آنان را در (زمان) عِدَّة‌شان طلاق دهید، و عِدَّة را شمارش کنید؛ و خودتان را از [عذاب] خدایی حفظ کنید که پروردگار شماست. آن (زن) ها را از خانه‌هایشان بیرون نرانید و (آنان نیز در زمان عِدَّة) بیرون نروند، مگر آن که [کار] زشت آشکاری (به بار) آورند؛ و این‌ها مرزهای خداست و هر کس از مرزهای خدا تعدی کند، پس یقیناً، به خودش ستم کرده است؛ نمی‌دانی، شاید خدا بعد از این، کاری پدید آورد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ازدواج زن و مرد برای زندگی مشترک است ولی گاهی شرایطی سخت پیش می‌آید که زن و مرد مجبور می‌شوند از هم‌دیگر جدا شوند. در برخی از ادیان تحریف شده، مثل مسیحیت، طلاق ممنوع است و همین مطلب مشکلات جدی برای مردم فراهم می‌سازد و آنها را به طرف کارهای خلاف می‌کشاند. ولی در اسلام طلاق به عنوان راه حل آخر پذیرفته شده است. البته در تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۶ احادیث اسلامی آمده است که منفورترین حلال نزد خداست و بر اثر طلاق عرش الهی به لرزه در می‌آید «۱» و در آیات و روایات شرایط سختی برای طلاق قرار داده شده تا آمار طلاق کاهش یابد. ۲. طلاق باید در زمان عِدَّة باشد؛ یعنی در زمان عادت ماهیانه‌ی زنان، همسرانشان نمی‌توانند آنها را طلاق دهند، بلکه طلاق در زمان پاکی زن است، البته به شرط آن که در آن پاکی آمیزش جنسی صورت نگرفته باشد. در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله «۲» و اهل بیت علیهم السلام نیز به این مطلب اشاره شده است. «۳» شاید فلسفه‌ی این حکم آن باشد که در زمان عادت ماهیانه معمولاً زنان خوش‌اخلاق نیستند و رابطه‌ی جنسی برقرار نیست

زمینه‌ی دعوا و جدایی بیش‌تر فراهم است؛ از این رو طلاق در آن زمان ممنوع است. ۳. این آیه شمارش عده‌ی زنان را وظیفه‌ی مردان شمرده است؛ یعنی مرد مراقب باشد که پس از وقوع طلاق هرگاه سه پاکی زن تمام شد و وارد عادت ماهیانه‌ی سوم شد، ایام عده‌ی طلاق او به سر آمده و زن و شوهر کاملاً از یک‌دیگر جدا شده‌اند و زن می‌تواند ازدواج مجدد کند. البته خود زنان نیز به طور طبیعی مراقب شماره‌ی عده‌ی خود هستند و نیازی به تأکید در مورد آنان نیست، ولی از آن جا که در این مدت حق رجوع دارند و هزینه‌ی زندگی و مسکن زن به عهده‌ی مردان است، آنان باید دقت بیش‌تری بکنند، که حقوق زنان را پایمال نکنند و رعایت تقوا را در این مورد بنمایند. ۴. در مدتی که زنان در عده‌ی طلاق هستند (که مدت آن سه پاکی، یعنی حدود سه ماه است)، مردان حق ندارند همسر طلاق داده‌ی خود را از خانه بیرون کنند و باید هزینه‌ی زندگی و مسکن او را تأمین کنند و زنان نیز تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۷ حق ندارند از خانه‌ی شوهر بیرون بروند؛ یعنی باید صبر کنند تا عده‌ی طلاق تمام شود، سپس کاملاً از هم جدا شوند. فلسفه‌ی این قانون مترقی اسلام آن است که از طرفی در این مدت احترام و حقوق و هزینه‌ی زندگی زن تأمین باشد و احیاناً آواره نشود و از طرف دیگر، در این مدت عصبانیت زن و مرد فروکش کند و در مورد زندگی خود و آینده‌ی فرزندان‌شان اندیشه و تأمل نمایند و زمینه‌ی بازگشت آنان به زندگی مشترک فراهم شود. اگر این قانون اسلام رعایت شود، آمار طلاق بسیار کم‌تر می‌شود، به ویژه آن که در احادیث اسلامی آمده است که زنان در این مدت در خانه‌ی شوهر آرایش کنند تا زمینه‌ی رجوع مرد بیش‌تر شود. «۱» و حتی در طلاق رجعی «۲» شرایط بازگشت را بسیار آسان قرار داده‌اند، به طوری که هر کار یا سخن مرد یا دست زدن به بدن همسر رجوع به شمار می‌آید و نیاز به عقد مجدد نیست. ۵. هرگاه زنی در مدت عده عمل زشت آشکاری انجام دهد، مرد حق دارد که در مدت عده او را در خانه‌ی خود نگاه ندارد، البته برخی مفسران عمل زشت آشکار را به معنای عمل (زنا) منافی عفت، و برخی نیز ناسازگاری طاق‌فرسا همراه با بدخلقی و بدزبانی زن دانسته‌اند. البته هر دو تفسیر در احادیث اهل بیت علیهم السلام روایت شده است؛ «۳» بنابراین، می‌توانیم بین آن دو تفسیر جمع کنیم و هر دو را مصداق عمل زشت بدانیم. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۸. ۶. قوانین طلاق زنان مربوط به فرهنگ عرب یا زمان خاصی نیست، بلکه قوانین الهی است که باید در همه‌ی زمان‌ها اجرا شود و هر کس این قوانین را رعایت نکند، به خودش ستم کرده، چون سعادت و آرامش خود را از بین برده است. ۷. از آن جا که طلاق مشکلاتی عاطفی و اجتماعی برای همسران و تأثیراتی منفی بر آینده‌ی فرزندان‌شان دارد و نوعی شکست در زندگی به شمار می‌آید، اسلام در مورد طلاق سخت‌گیری کرده است که نمونه‌هایی از این سخت‌گیری در آیه‌ی بعد می‌آید و نمونه‌ای از آن، در مورد نگه‌داری زن در مدت عده در خانه است. همه‌ی این‌ها برای آن است که شاید پس از مدتی هیجان زن و شوهر تمام شود و پیوند زندگی مشترک ادامه یابد یا تجدید شود. ۸. طلاق عوامل گوناگونی هم چون توقعات بی‌جای زن و شوهر از هم دیگر، یا دخالت‌های بی‌جای اقوام و بستگان و بی‌اعتنایی زن و شوهر به خواسته‌های هم‌دیگر و عدم تناسب فرهنگ دو خانواده دارد؛ از این رو بهتراست این عوامل شناخته و برطرف شوند تا زندگی شیرین مشترک ادامه یابد. ۹. در این آیه خطاب اولیه به پیامبر صلی الله علیه و آله است اما ضمیرهای بعدی جمع آمده‌اند؛ یعنی در حقیقت مخاطب آیه همه‌ی مردم هستند و این قوانین برای همه‌ی آنهاست اما به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در طلاق و جدایی تابع قوانین الهی باشید. ۲. در احکام و شرایط طلاق حسابگر و دقیق باشید و تقوا را رعایت کنید. ۳. حقوق زنان طلاق داده شده رعایت شود و تا زمانی که عده‌ی آنها به سر نیامده در حمایت مالی شوهر باشند. ۴. زنان طلاق داده شده در مدت عده از خانه‌ی شوهر خارج نشوند تا تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۹ شاید زمینه‌ی پیوند مجدد فراهم شود. ۵. اگر می‌خواهید به خودتان زیان نرسانید، قوانین الهی طلاق را رعایت کنید. *** قرآن کریم در آیات دوم و سوم سوره‌ی طلاق برخی دیگر از قوانین طلاق زنان را بیان می‌کند و با اشاره به رابطه‌ی مثبت تقوا با نجات از مشکلات و روزی‌های غیر منتظره می‌فرماید: ۲ و ۳. فَإِذَا بَلَغَنَّ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا و هنگامی که سرآمد (عده‌ی) آنان (به روزهای پایانی) رسید، پس آنان را به طور پسندیده نگاه دارید یا به طور پسندیده از آنان جدا شوید؛ و از شما (مسلمانان) دو مرد عادل را گواه بگیرید و گواهی را برای خدا برپا دارید؛ این (چیزی) است که کسی که به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آورد، بدان پند داده می‌شود؛ و هر کس خودش را از [عذاب خدا حفظ کند، برایش محل خارج شدن (از مشکلات) قرار می‌دهد؛* و او را از جایی که نمی‌پندارد، روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، پس او برایش کافی است؛ در حقیقت، خدا کارش را (به انجام) می‌رساند؛ که به یقین، خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه بیان شده که وقتی زنی را طلاق دادید و سه پاکی عده نگاه داشت، یا او را به طور شایسته نگاه دارید، یا از او کاملاً جدا شوید. از این تعبیرات استفاده می‌شود که مقصود از پایان زمان عده، اواخر آن است؛ چرا که پس از پایان زمان عده شوهر نمی‌تواند به زن رجوع کند و او را نگاه دارد مگر آن که عقد جدید کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۰. ۲. در این آیه بر ادامه‌ی زندگی به طور شایسته یا جدایی به طور شایسته تأکید شده است؛ یعنی زن و شوهر با خوبی و به طور صحیح و انسانی و با رعایت شرایط واجب و مستحب و آداب و اخلاق اسلامی از هم جدا شوند و کار را به دعا و بدگویی نرسانند؛ زیرا از طرفی ممکن است روزی بخواهند دوباره با یکدیگر زندگی کنند که در آن صورت بد رفتاری‌های هنگام جدایی زمینه‌های عاطفی و فکری را از بین می‌برد و مانع پیوند مجدد می‌شود. و از طرف دیگر، برخوردهای ناشایست موجب سوء سابقه‌ی افراد در ذهن مردم و خویشاوندان می‌شود و تأثیر نامطلوبی در آینده‌ی آنان می‌گذارد. ۳. جالب آن است که خدا در این آیه احکام طلاق را می‌گوید، اما وقتی عده تمام می‌شود، اول رجوع و پیوند مجدد را مطرح می‌کند، سپس جدایی را؛ یعنی راه حل اول طلاق نیست. ۴. در این آیه به لزوم شاهد گرفتن برای مراسم طلاق اشاره شده است. «۱» دو نفر شاهد عادل مرد از مسلمانان در هنگام طلاق حضور داشته باشند تا مانع اختلافات بعدی شوند و هیچ یک از طرفین نتوانند واقعیت‌ها را انکار کنند. ۵. در این جا گواهی شاهدان را از چند طریق بیمه کرده است: الف) این گواهان از میان مسلمانان باشند تا دروغ نگویند؛ ب) عادل باشند که مرتکب گناه کبیره و کار خلاف مروّت نشوند؛ ج) انگیزه‌ی الهی داشته باشند، تا تمایل به یک طرف مانع ادای شهادت آنان نشود. ۶. لازمه‌ی ایمان به خدا و روز رستاخیز آن است که انسان از این اندرزاها و مطالب و قوانین مربوط به طلاق پند بگیرد و باتقوا شود و هر کس پند نگیرد گویی ایمان ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۱. ۷. پیامدهای مثبت تقوا عبارت‌اند از: الف) تقوا راه گشای انسان است و مشکلات زندگی را برطرف می‌کند. بسیاری از مشکلات افراد به خاطر گناهان و قانون‌شکنی هاست و با رعایت پارسایی و خود نگه‌داری از مخالفت دستورات الهی، این امور حل می‌شود؛ افزون بر آن که تقوا موجب نزدیکی به خدا می‌شود و خدا دوستان خود را در مشکلات تنها نمی‌گذارد و به آنان امدادهای غیبی می‌رساند. ب) تقوا موجب گشایش رزق می‌شود و به انسان از جایی که نمی‌پندارد، روزی مادی و معنوی می‌رسد. آری؛ بین تقوا و راه‌گشایی و رزق‌گشایی رابطه‌ای مثبت برقرار است. ۷. حکایت شده که فرزند عوف بن مالک در جنگی اسیر شد. او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله از این مطلب و فقر شکوه کرد. حضرت به او فرمود: تقوا پیشه کن و صبر نما و ذکر «لا حول ولا قوه الا بالله» را زیاد بگو. او این کارها را کرد و پس از مدتی فرزندش از دست دشمن فرار کرد و همراه خود شتری نیز آورد و مشکلات آنها حل شد. «۱» ۸. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که در تفسیر این آیه فرمودند: تقوا موجب نجات انسان از شبهات دنیا و حالات سخت مرگ و شداید رستاخیز می‌شود. «۲» ۹. توکل و تکیه بر خدا برای افراد کافی است؛ یعنی هر کس برای انجام امور خود تلاش کند و کار خود را به خدا واگذارد خدا کارهایش را سامان می‌دهد و راه نجاتی از مشکلات فراهم می‌سازد. این نویدی برای همه‌ی انسان‌هاست. همین! توکل کن، مَلَرَزَانِ پا و دست رزق تو بر تو ز تو عاشق‌تر است (مولوی) البته روشن است که معنای توکل بر خدا آن نیست که انسان دست از کار و کوشش بردارد و کار را به خدا واگذارد. ۱۰. حکایت شده که وقتی این آیه فرود آمد، گروهی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله

به عبادت روی آوردند و گفتند: خدا رزق ما را عهده‌دار شده است. این خبر به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و حضرت فرمود: هر کس چنین کند دعایش مستجاب نمی‌شود. بر شما باد که تلاش و طلب کنید. «۱» ۱۱. در این آیه بیان شده که هر چیزی در نظام هستی اندازه و حسابی دارد و خدا اندازه‌ی کارها را طبق مصلحت مشخص ساخته است و به انتها می‌رساند؛ بنابراین در موقع بروز حوادث نباید عجله کرد و زبان به شکوه گشود و یا بی‌تقوایی پیشه ساخت، بلکه باید با استفاده از نیروی تقوا و توکل مقاومت و صبر کرد تا با یاری خدا مشکلات حل شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیوند و جدایی شما به طور شایسته باشد. ۲. در پایان عده، راه حل اول طلاق نیست، اگر می‌توانید باز هم به زندگی مشترک بازگردید. ۳. گواهانی مسلمان، عادل و خدا خواه برای طلاق حاضر کنید (تا از اختلاف بعدی جلوگیری شود). ۴. لازمه‌ی ایمان به خدا و رستاخیز، پندگرفتن از آیات الهی است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۳. ۵. تقوا و پارسایی موجب راه‌گشایی در مشکلات می‌شود. ۶. هر کس خودنگه‌دار و پارسا باشد، خدا زندگی او را به صورت غیر منتظره تأمین می‌سازد. ۷. با تکیه بر خدا کارها سامان می‌گیرد. ۸. خدا کارهای جهان را با حساب خاصی به مقصد می‌رساند. *** قرآن کریم در آیات چهارم و پنجم سوره‌ی طلاق برخی از قوانین طلاق را بیان کرده، با اشاره به پیامدهای مثبت تقوا می‌فرماید: ۴ و ۵. وَاللَّائِي يَتَّبِعْنَ مِنَ الْمُحِضِ مَنْ نَسَائِكُمْ إِنْ أَرَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضَنْ وَأُولَئِكَ الْأَحْمَالُ أَنْ يَضَّعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا * ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا و از زنان شما کسانی که از عادت ماهانه ناامیدند، اگر (در مورد بارداری آنان) شک کنید، پس عده‌ی آنان سه ماه است و (نیز) زنانی که عادت ماهانه نشده‌اند؛ و زنان باردار، سرآمد (عده‌ی) آنان این است که بارشان را بگذارند؛ و هر کس خود را از [عذاب خدا حفظ کند، برای او کارش را آسان قرار می‌دهد. * این فرمان خداست که آن را به سوی شما فروفرستاده است؛ و هر کس خود را از [عذاب خدا حفظ کند، بدی‌های (گناهان) او را از وی می‌زداید و پاداش را برای او بزرگ می‌سازد. شأن نزول: حکایت شده که «ابی بن کعب» که از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بود عرض کرد: عده‌ی برخی زنان در قرآن نیامده است؛ از جمله: زنان صغیره و زنان کبیره (یائسه) و زنان باردار. آیه‌ی فوق فرود آمد و احکام این زنان را بیان کرد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل و این آیه حکم عده‌ی طلاق چهار گروه از زنان بیان شد: الف) زنان یائسه «۱» که عادت ماهیانه نمی‌بینند، که عده‌ی طلاق آنها نیز سه ماه است. البته این دو مورد در صورتی است که در معرض بارداری باشند و از این نظر مشکوک باشند. ج) زنان باردار، که عده‌ی آنان تا هنگامی است که وضع حمل کنند. د) زنان عادی که هیچ کدام از شرایط فوق را ندارند، که سه پاکی عده نگاه می‌دارند. ۲. مقصود از شک در مورد زنان یائسه، یا آن است که پس از سن یائسگی ممکن است اتفاقاً باردار شوند و یا منظور زنانی است که به درستی نمی‌دانیم به سن یائسگی رسیده‌اند یا نه و یا مقصود شک در حکم الهی آنان است، البته ظاهر آیه با احتمال اول سازگارتر است. ۳. مقصود از زنانی که عادت ماهیانه ندارند، یا دختران نابالغ است و یا زنانی که بعد از بلوغ هم عادت ماهیانه ندارند. «۲» ۴. در این آیات به سه پیامد مهم تقوا اشاره شده است: الف) تقوا موجب آسان شدن کارها برای انسان می‌شود؛ ب) موجب زدودن بدی‌ها و گناهان می‌شود؛ ج) موجب افزایش پاداش انسان می‌شود. ۵. هر چند آثاری که در این آیات و آیات پیشین برای تقوا بیان شد به نوعی به مسئله‌ی طلاق و رعایت احکام و قوانین آن مربوط می‌شود، یعنی می‌خواهد مردان و زنان را با یاد پارسایی، تقوا و آثار مثبت تشویق کند که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۵ دست از لجاجت و آزار همسر خود بردارند و به زندگی مشترک بازگردند یا حداقل در این مورد قوانین را رعایت کنند و در مورد شمارش عده و مانند آن دروغ نگویند، اما این آیات آثار و پیامدهای تقوا را به طور مطلق بیان می‌کند که شامل موارد دیگر نیز می‌شود. ۶. مقصود از «سَیِّئَات» گناهان است که شامل گناهان کوچک و بزرگ می‌شود، ولی در این جا به گناه از جهت بد بودن اشاره شده است که تقوا این سوء سابقه را می‌زداید و چهره‌ی روشنی از انسان ارائه می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. احکام عده‌ی طلاق زنان بی‌عادت

ماهیهان باردار و یائسه را بشناسید و حقوق و مقررات آنها را رعایت کنید. ۲. تقوا موجب آسان شدن کارهاست. ۳. تقوا موجب زدودن گناهان و افزایش پاداش انسان می‌شود. ۴. قوانین طلاق الهی است (پس آنها را رعایت کنید). ۵. اگر طالب آسان شدن کارها، آموزش گناهان و افزایش پاداش هستید، پارسایی و خودنگهداری پیشه سازید. *** قرآن کریم در آیات ششم و هفتم سوره‌ی طلاق به حقوق زنان و کودکان پس از طلاق اشاره می‌کند و با دفاع از آنها می‌فرماید: ۶ و ۷. أَشْكُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمِلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأُتِمُّوا بِبَيْنِكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَايَرْتُمْ فَسْتَزْضِعْ لَهُ الْآخَرَىٰ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّفْسِ الْإِلَّا مَا آتَاهَا سَيِّجَعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۶ آن (زن) ها را هر جا که سکونت دارید [و] در توان شماست، سکونت دهید و به آنان زیان نرسانید تا بر آنان تنگ گیرید؛ و اگر (آنان) باردار باشند، پس برای آنان هزینه کنید تا این که آنان بارشان را بگذارند؛ و اگر برای (کودک) شما شیر می‌دهند، پس پاداش آنان را به ایشان بدهید و (در مورد کودک) بین خودتان به طور پسندیده مشورت کنید؛ و اگر هر دو به سختی افتادید (و به توافق نرسیدید)، پس به زودی (زن) دیگری به او شیر خواهد داد. صاحب (امکانات) وسیع باید از (امکانات) وسیعش هزینه کند؛ و هر کس روزی اش بر او تنگ شده، پس باید از آنچه خدا به او داده هزینه کند. خدا هیچ کس را، جز به آنچه به او داده، تکلیف نمی‌کند؛ خدا به زودی بعد از دشواری آسانی قرار خواهد داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در این آیات به بهترین وجه از حقوق زنان و کودکان حمایت کرده است؛ یعنی با این که قرآن قانون اساسی اسلام است، اما از آن جا که برای جزئیات حقوق زنان و کودکان اهمیت قائل است آنها را در این کتاب آسمانی بیان کرده است، تا مبادا در جریان طلاق حقوق زنان و کودکان پایمال شود. ۲. در این آیات چند تکلیف برای مردانی که همسرانشان را طلاق می‌دهند تعیین شده است: الف) آنان باید در مدت عدّه‌ی طلاق به اندازه‌ی توانایی خود مسکن مناسب، آن هم در همان خانه‌ی محل سکونت خویش، برای آن زن فراهم سازند «۱» البته علاوه بر مسکن، در این مدت هزینه‌های دیگر زن نیز به عهده‌ی مرد است. ب) مرد حق ندارد بر زن سخت‌گیری کند تا خانه‌اش را ترک کند. ج) اگر زن باردار است، مرد باید تا هنگام وضع حمل هزینه‌های او را پردازد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۷ د) بعد از تولد کودک، اگر زن به او شیر داد، مرد باید طبق عرف، به آن زن مزد مناسب بدهد. ه) مرد موظف است با آن زن در مورد آینده‌ی کودک مشورت کند و تصمیم شایسته بگیرند. «۱» و) اگر لازم شد، باید مرد زنی را برای کودک استخدام کند تا او را شیر دهد. ز) مرد موظف است هرچه امکانات و ثروتش زیاده‌تر است هزینه‌ی بیش‌تری برای آن زن و کودک خود بنماید. ۳. مجموعه دستوراتی که در این دو آیه داده شده دو خط اساسی را دنبال می‌کند: الف) ارتباط زن و شوهر در مدت عدّه ادامه یابد، یعنی زن در خانه‌ی شوهر می‌ماند و با او مشورت می‌شود و کودک را شیر می‌دهد و ب) هزینه‌های معمولی زندگی و نیز هزینه‌ی شیردادن کودک بر مرد تحمیل می‌شود، بدون آن که لازم باشد زن در امورخانه کاری انجام دهد و همین موجب می‌شود که مرد قدر زن خویش و خدمات مجانی قبلی او را بداند. مجموع این دستورات زمینه‌ساز رجوع مجدد و ادامه‌ی زندگی مشترک می‌شود. ۴. در این آیات بر حقوق کودک تأکید ویژه‌ای شده است؛ از جمله: الف) قبل از تولد باید هزینه‌ی او و مادرش پرداخت شود، تا سالم به دنیا آید؛ ب) پس از تولد، مادر باید او را شیر دهد و اگر مشکلی پیش آمد، زن دیگری استخدام شود تا شیرش دهد و کودک قربانی طلاق و درگیری پدر و مادر نشود. ج) با مشورت در مورد سرنوشت و آینده‌ی کودک تصمیم شایسته‌ای گرفته شود و از تصمیمات شخصی و لجاجت‌آمیز پرهیز گردد. ۵. طبق این آیات، مرد موظف است به اندازه‌ی توانایی و امکانات خود هزینه‌ی زن را در ایام عدّه و نیز در هنگام شیردادن به کودک تأمین کند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۸. ۶. این آیه به افراد فقیر نوید داده است که خدا به زودی گشایش و راحتی برای شما قرار می‌دهد. این پیام برای مسلمانان فقیر مدینه که تحت فشار بودند بسیار امید بخش بود هر چند این پیام برای همه‌ی مسلمانان در طول تاریخ است. ۷. خدا به اندازه‌ای که به کسی می‌دهد از او تکلیف

می‌خواهد؛ یعنی تکلیف به چیزی نمی‌کند که مقدر شخص نیست و طاقت آن را ندارد. طبق احادیث، این مطلب شامل اعلام هم می‌شود؛ یعنی خدا به اندازه‌ای که به افراد اعلام شده است از آنان تکلیف می‌خواهد و اگر کسی از حکمی آگاهی نداشت، در برابر آن مسئولیتی ندارد، که از این موضوع با عنوان «اصل برائت» یاد می‌شود. البته مانعی ندارد که بگوییم: مقصود از عدم اعلام همان جهلی است که سرچشمه‌ی ناتوانی می‌شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگام طلاق مراقب باشید که حقوق زنان و کودکان پای مال نشود. ۲. پس از طلاق زندگی زنان را تأمین کنید و سخت‌گیری نکنید. ۳. به زنان باردار توجه ویژه کنید که در هنگام طلاق زیان نبینند. ۴. زنان بچه‌دار، پس از طلاق، هنوز شریک زندگی کودک شما هستند. ۵. تکلیف به غیر مقدر صحیح نیست. ۶. هر کس به اندازه‌ی توانش باید زندگی همسر سابق خود را در مدت عده تأمین کند. ۷. بینویان مشکل‌دار ناامید نباشند که پایان شب سیه سفید است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۹ قرآن کریم در آیات هشتم تا دهم سوره‌ی طلاق به فرجام عذاب آلود و عبرت آموز اقوام پیشین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸- ۱۰. وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَدَدْنَاهَا عَذَابًا نُكَرًا* فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا* أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا* چه بسیار از [مردم آبادی که از فرمان پروردگارش و فرستادگانش سرپیچی کردند و با حسابی شدید آن [ان را مورد محاسبه قرار دادیم و با عذابی ناپسند آن [ان را عذاب کردیم! و سنگینی (کیفر) کارشان را چشیدند و فرجام کارشان زیانکاری بود.* خدا عذابی شدید برای آنان (: اهل آبادی‌ها) آماده ساخته است؛ پس، ای خردمندان که ایمان آورده‌اید، خودتان را از [عذاب خدا حفظ کنید. به یقین، خدا یادآورنده (: قرآن) را به سوی شما فرستاده است. نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. در این آیات به سرنوشت اقوامی هم‌چون عاد و ثمود و فرعونیان اشاره شده که از دستورات الهی سرپیچی کردند و گرفتار عذاب شدید و بی‌سابقه یا کم‌نظیری شدند «۱» و سرنوشت آنان عبرت آموز آیندگان شد. اکنون این آیات به مسلمانان نیز هشدار می‌دهد که اگر از قوانین و دستورات الهی سرپیچی کنند مشابه همان سرنوشت دردناک در انتظار آنهاست. ۲. مقصود از «حساب شدید» همان حساب دقیق همراه با سخت‌گیری و بدون بخشش است که البته حساب خدا عادلانه است، ولی ما نیازمند فضل و بخشش الهی هستیم. ۳. در این آیه به دو عامل عذاب اقوام پیشین اشاره شده است: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۱۰ الف) آنان از دستورات الهی سرپیچی کردند؛ ب) نتیجه‌ی کارهای گناه آلود خود را چشیدند. در هر صورت این اقوام زیان کردند چراکه سرمایه‌ی عمر و استعدادهای خود را از کف دادند و چیزی به دست نیاوردند، بلکه سرانجام گرفتار عذاب شدند. ۴. در این آیه مخاطبان را با دو صفت «صاحب خردان» و «مؤمنان» خطاب می‌کند و به تقوا فرا می‌خواند. این تعبیرات اشاره به آن دارد که ایمان و خرد انسان را راه‌نمایی می‌کند و به عبرت‌آموزی فرا می‌خواند تا راه اقوام سرکش پیشین را نرود و خود را گرفتار عذاب دنیا و آخرت نسازد. ۵. انسان علاوه بر خرد و ایمان درونی، از راه‌نمای بیرونی، هم‌چون قرآن و پیامبر نیز بهره‌مند می‌شود تا وجدان و فطرتش بیدار شود و به کژراهه نرود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نافرمانی در برابر خدا و رهبران الهی از عوامل سختی حساب و عذاب است. ۲. نافرمانان زیانکارند و نتیجه‌ی عذاب آلود کارشان را خواهند دهید. ۳. عذاب دنیا و آخرت در انتظار مخالفان دستورات الهی است. ۴. مؤمنان خردورز باید با تقوا و خودنگه‌دار باشند. ۵. خرد و ایمان انسان زمینه‌ساز پارسایی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی طلاق به هدف رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و فرجام نیکوی مؤمنان شایسته‌کردار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱. رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۱۱ فرستاده‌ای (به سوی شما فرستاد) که آیات خدا را، در حالی که روشنگر است، بر شما می‌خواند [و پیروی می‌کند] تا کسانی را که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد و هر کس به خدا ایمان می‌آورد و [کار] شایسته انجام می‌دهد، او را در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که از زیر [درختان] -ش نهرها روان است، در حالی که جاودانه

در آن ماندگارند؛ [و] به یقین، خدا برای او (رزق و) روزی را نیکو ساخته است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل سخن از نزول «ذکر» بود و در این آیه سخن از «رسول» است. مفسران قرآن در مورد مقصود این دو واژه در این آیات چند احتمال داده‌اند که مناسب‌ترین آنها این است که بگوییم: مقصود از «ذکر» قرآن است، همان طور که در برخی آیات دیگر قرآن اشاره شده است «۱» و منظور از «رسول» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که به سوی مردم فرستاده شده است. «۲» «۲». در این آیه به هدف رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است: او آمده تا مردم را از تاریکی‌های جهل و شرک و کفر و فساد و گناه به سوی نور ایمان و توحید و علم ره‌نمون شود. ۳. این آیه «ظلمات» را جمع و «نور» را مفرد آورده است؛ زیرا عوامل و سرچشمه‌های تاریکی متعدد است، هم چون شرک، جهل و گناه که عامل پراکندگی نیز می‌شود. اما سرچشمه‌ی نور فقط خداست و عامل وحدت آفرین است. ۴. در این آیه دو واژه‌ی «يُؤْمِنُ» و «يَعْمَلُ» مضارع است و دلالت بر استمرار دارد؛ یعنی کسانی وارد بهشت می‌شوند که ایمان و کارهای تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۱۲ شایسته‌ی آنان مستمر باشد نه مقطعی. ۵. «یتلو» در اصل به معنای خواندن و پیروی کردن است؛ یعنی وظیفه‌ی پیامبران و مبلغان دینی و رهبران الهی آن است که هم آیات را برای مردم بخوانند و هم خود از آن پیروی کنند تا الگوی عملی جامعه شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف رهبران الهی نورانی کردن شماست. ۲. رهبران الهی نه تنها آیات الهی را برای مردم می‌خوانند، بلکه خود اهل پیروی از آنها (والگو) هستند. ۳. آیات روشنگر الهی را بر مردم بخوانید تا نورانی شوند. ۴. افراد خدا‌باور و شایسته‌کردار از آیات الهی بهره‌مند می‌شوند و نورانی می‌گردند. ۵. فرجام مؤمنان شایسته‌کردار بهشتی است. ۶. رزق نیکویی در انتظار مؤمنان شایسته‌کردار است. * * * قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی طلاق به هدف علمی آفرینش جهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲. اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا خدا کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین (نیز) همانند آنها را. فرمان (او) در میان آنها فرود می‌آید، تا این که بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست و این که به یقین، علم خدا به هر چیزی احاطه دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات متعددی سخن از آسمان‌های هفت گانه شده است. «۱» در این مورد توجه به چند نکته لازم است: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۱۳ الف) آسمان گاهی به معنای جهت بالا و گاهی به معنای جو اطراف زمین یا فضا و محل ستارگان و سیارات و نیز به معنای آسمان معنوی، یعنی مقام قرب الهی به کار می‌رود. ب) مقصود از «هفت» ممکن است عدد واقعی باشد؛ یعنی همه‌ی کهکشان‌ها و ستارگان و سیاراتی که ما می‌بینیم، آسمان اول باشد و شش آسمان دیگر در ورای آنها وجود داشته باشد؛ و یا منظور از هفت عدد کثرت باشد، یعنی می‌خواهد بفرماید: تعداد زیادی آسمان و ستاره و سیاره وجود دارد. ج) این احتمال نیز جود دارد که آفرینش هفت آسمان و زمین، کنایه از آفرینش کل جهان باشد. بنابراین، به طور قاطع نمی‌توان گفت که مقصود از هفت آسمان، هفت عدد فضای نیلگون اطراف ماست. بلکه ممکن است هفت طبقه جو زمین یا هفت مرحله و مقام آسمان معنوی (یا تعداد زیادی از آنها) مقصود باشد. البته ظاهر آیه با احتمال اول سازگارتر است و از نظر علمی نیز نفی نشده است. «۱» ۲. در مورد زمین تنها آیه‌ای که از آن هفت زمین را برداشت کرده‌اند، همین آیه است، ولی در این جا نیز توجه به چند نکته لازم است: الف) مقصود از «مثل» در آیه چیست؟ آیا همانندی زمین با آسمان در تعداد آنها (یعنی عدد هفت) است، یا همانندی در جنس و ماده‌ی آفرینش مورد نظر است. ب) آیا عدد هفت در مورد زمین نیز عدد واقعی است یا عدد تکثیر و اشاره به تعداد زیاد کره‌های مسکونی است. «۲» ج) اگر مقصود «هفت زمین» باشد، آیا منظور هفت کره‌ی مانند زمین تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۱۴ است که در فضا شناورند و شرایط حیات را دارند یا این که منظور هفت طبقه‌ی مختلف کره‌ی زمین است و یا مناطق هفت گانه‌ی زمین (هم چون دو منطقه‌ی منجمد و دو منطقه‌ی معتدل و منطقه‌ی استوایی) است. بنابراین، به طور قاطع نمی‌توان گفت که مقصود آیه هفت زمین مشابه زمین ماست، بلکه ممکن است تعداد زیادی زمین یا طبقات و مناطق آن منظور باشد، یا اصلاً مشابَهت زمین با آسمان در نوع آفرینش و جنس آن باشد. «۱» ۳. مقصود از امر خدا که بین آسمان‌ها و زمین

فرود می‌آید، همان فرمان تکوینی خدا در مورد تدبیر جهان است که پیوسته با دستورات و قوانین خود مجموعه‌ی هستی را در مسیر منظمی ره‌نمون می‌شود و اگر لحظه‌ای این تدبیر برداشته شود، نظام هستی در هم می‌ریزد. «۲» ۴. در این آیه به هدف علمی آفرینش جهان اشاره شده است؛ یعنی خدا جهان را آفرید تا ما آگاه شویم و به صفت علم و قدرت او پی ببریم و در پرتو این صفات الهی تربیت شویم. ۵. اگر انسان به نظام عالم و نظم حاکم بر آنها بنگرد، پی به قدرت و علم آفریدگار می‌برد، و متوجه می‌شود که خدا از تمام اسرار وجود و جهان آگاه و بر هر کاری توانا بوده که چنین نظام با عظمت و دقتی را به وجود آورده است. ۶. در برخی آیات قرآن هدف آفرینش، عبادت «۳» و در برخی دیگر آزمایش، «۴» رحمت «۵» و علم «۶» معرفی شده است. البته روشن است که برخی از این اهداف مقدمه‌ی برخی دیگرند؛ یعنی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۱۵ علم مقدمه‌ی معرفت و عبادت است که موجب نزول رحمت می‌شود و همگی مقدمه‌ی کمال انسان و نزدیکی و ملاقات او با خداست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف آفرینش جهان علم و آگاهی ماست. ۲. هدف از آفرینش جهان شناخت صفات خداست. ۳. از جهان‌شناسی به خداشناسی برسید. ۴. در مورد تعداد آسمان‌ها مطالعه کنید تا به علم و قدرت خدا پی ببرید. ۵. آفرینش زمین همانند آفرینش آسمان‌هاست و همگی تحت تدبیر و فرمان او هستند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۱۷

بخش پنجم: سوره‌ی تحریم

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی تحریم در مدینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده و دارای ۱۲ آیه، ۲۴۶ کلمه و ۱۱۶۰ حرف است. سوره‌ی تحریم صد و هفتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «حجرات») و شصت و ششمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های سوره عبارت‌اند از: «تحریم»، «یا ایها النبی»، «مُتَحَرِّمٌ» و «لَمْ تُحَرِّم». سبب نام‌گذاری این سوره به این اسامی، آیه‌ی اول آن است که خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «چرا چیزی را که خدا بر تو حلال ساخته حرام می‌کنی؟» و همه‌ی نام‌های آن از تعبیرات همین آیه گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۱

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام روایت شده که: «هر کس سوره‌ی «طلاق» و «تحریم» را در نماز واجب قرائت کند، خدا او را از ترس و اندوه رستاخیز پناه می‌دهد، و با تلاوت و محافظت بر آنها، وی را از آتش دوزخ محفوظ می‌دارد و داخل بهشت می‌سازد، چرا که این دو سوره برای پیامبر صلی الله علیه و آله است.» «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها و آثار برای کسانی که این دو سوره را بخوانند و در مورد آنها تفکر و تدبیر کنند و به محتوای آنها عمل نمایند؛ همان طور که با تعبیر «تلاوت و محافظت» به این مطلب اشاره شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۰

اهداف

اهداف: هدف‌های اساسی این سوره عبارت‌اند از: ۱. آموزش مسلمانان در مورد تربیت خانواده؛ ۲. الگودهی به زنان مسلمان.

مطالب

مطالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: یادآوری معاد و عذاب دوزخ (در آیه‌ی ۷). ب) اخلاق: ۱. سفارش به مؤمنان در مورد تعلیم و تربیت خانواده (در آیه‌ی ۶)؛ ۲. سفارش به مؤمنان در مورد توبه‌ی نصوص از گناهان (در آیه‌ی ۷). ج) احکام: ۱. فرمان جهاد با کافران به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۹)؛ ۲. بیان راه گشودن قسم‌ها (در آیه‌ی ۲). د) داستان‌ها: ۱. اشاره‌ای به داستان زن نوح و خیانت او به نوح پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۲. اشاره‌ای به داستان زن لوط و خیانت او به لوط پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۳. اشاره‌ای به داستان زن فرعون و ایمان استوار او به موسی علیه السلام (در آیه‌ی ۱۱)؛ ۴. اشاره‌ای به داستان مریم و عفت و پاک‌دامنی او (در آیه‌ی ۱۲). ه) مطالب فرعی: ۱. سرزنش برخی زنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به خاطر افشای اسرار (در آیات ۳-۵)؛ ۲. بیان الگوی هایی از زنان شایسته و ناشایست در طول تاریخ (در آیات ۱۰-۱۲). ***

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی تحریم قرآن کریم در آیات اول و دوم سوره‌ی تحریم به رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با همسرانش و سوگند ایشان بر ترک برخی امور حلال و راه نقض آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱ و ۲. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبَتَّغِي مَرْضَاتٍ أَرْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ * قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّهُ أَيْمَانُكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده (بر خود) ممنوع می‌کنی، در حالی که خشنودی همسرانت را می‌طلبی؟! و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. * به یقین، خدا گشودن سوگندهایتان را برای شما معین ساخته است؛ و خدا سرپرست شماست و او دانا [و] فرزانه است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله گاهی نزد یکی از همسرانش به نام زینب می‌رفت و از غسلی که تهیه کرده بود می‌خورد. این خبر به گوش عایشه رسید و او با یکی دیگر از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به نام حفصه قرار گذاشتند که به پیامبر صلی الله علیه و آله بگویند تو مغفیر (: شیره گیاه بد بو) خورده‌ای و حضرت از این سخن ناراحت شد، چون اصرار داشت که بوی بدی از بدن و لباس و دهان او شنیده نشود و از این رو سوگند یاد کرد که دیگر از غسل ننوشد (چراکه ممکن بود زنبور آن غسل بر گیاه بدبویی نشسته باشد)، اما پیامبر صلی الله علیه و آله به حفصه سفارش کرد که این مطلب را به کسی نگوید اما حفصه آن سر را افشا کرد و معلوم شد اصل قضیه توطئه بوده است؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله سخت ناراحت تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۲ شد «۱» و طبق برخی روایت‌ها تا یک ماه از همسران خود کناره‌گیری کرد «۲» و حتی شایعه‌ی طلاق آنان منتشر شد. «۳» آیات فوق بدین مناسبت فرود آمد و روابط داخلی خانه‌ی رهبر اسلام صلی الله علیه و آله را تنظیم کرد، به طوری که دیگر این کارها درون خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق نیفتد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. رهبران جامعه معمولاً در خانه‌های خود با مشکل روبه‌رو می‌شوند و گاهی فرزندان یا همسران آنها از موقعیت اجتماعی رهبران سوء استفاده می‌کنند و دست به توطئه علیه آنان می‌زنند؛ البته این مسائل شخصی رهبران جامعه، بازتاب بیرونی خواهد داشت و به رفتار شخصی تلقی نمی‌شود و حتی گاهی مخالفان از آنها در تبلیغات خود سوء استفاده می‌کنند. از آن جا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یک رهبر جهانی بود، توطئه در خانه‌ی او خطرناک بود؛ از این رو خدای متعال با کوچک‌ترین شکل توطئه به شدت برخورد می‌کند تا ریشه‌ی این گونه کارها را در خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله بخشکاند. ۲. از این آیات استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله برخی چیزهای حلال (مانند غسل) را بر خود ممنوع کرده و برای این کار سوگند یاد کرده بود. البته این ممنوعیت تحریم شرعی نبود و قسم خوردن برای ترک امور مباح، گناه به شمار نمی‌آید. ۳. لحن آیات فوق سرزنش نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، بلکه نوعی دل‌سوزی برای آن حضرت است؛ مانند هنگامی که کسی زیاد کار می‌کند و به او تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۳ می‌گوییم: چرا این قدر خودت را به زحمت می‌اندازی و بهره‌ای نمی‌گیری؟ ۴. در این آیات راه گشودن سوگند در

موارد جایز بیان شده است؛ «۱» یعنی اگر شخصی بر ترک کار بدی سوگند یاد کند، حرام است که سوگند خود را بشکند، ولی اگر برای ترک کار خوبی سوگند یاد کند شکستن آن با کفاره جایز است؛ یعنی به ده بینوا غذا یا لباس بدهد و یا یک برده آزاد کند. «۲» ۵. از احادیث استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نزول این آیه و راه‌نمایی خدا، برده‌ای را آزاد کرد «۳» و یا به ده فقیر غذا داد، آنچه را که بر خود ممنوع کرده بود حلال و جایز کرد. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خود را به خاطر خشنودی همسر به سختی نیندازید. ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همسر دوست بوده است. ۳. حلال خدا را بر خود حرام نکنید. ۴. همان طور که عمل به سوگند واجب است، گاهی شکستن آن نیز (با شرایطی خاص) جایز است. ۵. خدا بر اساس علم و حکمت شما را سرپرستی می‌کند و قوانین راه‌گشا برایتان قرار می‌دهد. ۶. زندگی خصوصی رهبران الهی تحت نظر خداست، (پس مراقب رفتار درون خانه‌ی خود و بازتاب بیرونی آن باشند). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۴ قرآن کریم در آیه‌ی سوم سوره‌ی تحریم به افشای اسرار خانگی پیامبر صلی الله علیه و آله توسط برخی همسرانش و برخورد بزرگوارانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳. وَإِذْ أَسْرَرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنِ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ (یاد کن) هنگامی را که پیامبر با برخی از همسرانش سخنی پنهانی گفت، و [لی وقتی که (همسرش) آن را خبر [چینی کرد و خدا آن را بر آن (پیامبر) آشکار ساخت، (پیامبر) برخی از آن را (به همسرش) شناساند و از برخی [دیگر] روی گرداند؛ و وقتی که او (: همسرش) را بدان خبر داد، (همسرش) گفت: «چه کسی این را به تو خبر داد؟!» (پیامبر) گفت: «(خدای) دانا [و] آگاه به من خبر داد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در شأن نزول آیات قبل بیان کردیم که پیامبر صلی الله علیه و آله نزد همسر خویش حفصه سوگند یاد کرد که دیگر از عسل خانه‌ی زینب نخورد، ولی به حفصه سفارش کرد که این سر را فاش نکند (چون که ممکن بود به گوش زینب برسد و ناراحت شود یا مردم گمان کنند که عسل خوردن خوب نیست و از پیامبر پیروی کنند). ولی حفصه این راز را افشا و برای عایشه بازگو کرد و خدا از طریق وحی خبر این افشاگری را به پیامبر صلی الله علیه و آله رسانید. ۲. رازی که پیامبر نزد حفصه گذاشت دو بخش داشت: بخشی مربوط به خوردن عسل نزد زینب و بخش دوم سوگند در مورد ممنوعیت خوردن عسل بود. وقتی خدا این افشاگری حفصه را به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داد، پیامبر بخشی از اخبار سرّی را به حفصه یادآور شد، ولی برای آن که زیاد شرم‌منده نشود، با بزرگواری، بخش دیگر خبر را بیان نکرد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۵ ۳. از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: افراد کریم و بزرگوار هرگز در مقام احقاق حق خویش تا آخرین مرحله پیش نمی‌روند، سپس به آیه‌ی فوق استشهد کردند. «۱» ۴. برخی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله رازدار نبودند ولی رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با آنان بزرگوارانه بود. این رفتارها دو آموزه برای مسلمانان دارد: الف) زنان مسلمان باید نسبت به شوهرانشان رازدار باشند و هم‌چون برخی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله افشاگری نکنند. ب) مردان مسلمان باید هم‌چون پیامبر صلی الله علیه و آله با لغزش‌های خانوادگی خویش با گذشت و بزرگواری برخورد کنند. ۶. در منابع حدیثی اهل سنت در احادیث متعددی از ابن عباس و عمر حکایت شده که مقصود از این زنان که در این آیه و آیات بعد از آنان یاد شده، حفصه دختر عمر و عایشه دختر ابوبکر بودند. «۲» ۷. از امام علی علیه السلام روایت شده که تمام خیر دنیا و آخرت در دو چیز نهفته است: رازداری و دوستی با نیکان، و تمام شرّ دنیا در دو چیز است: افشای اسرار و دوستی با اشرار. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همسران مسلمانان اسرار شوهر خود را فاش نکنند. ۲. برخی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله رازدار نبودند. ۳. خدا از رهبران الهی، حتی درون خانه‌ی آنان حمایت می‌کند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۶ قرآن کریم در آیات چهارم و پنجم سوره‌ی تحریم با هشدار به دو همسر پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را به توبه فرا می‌خواند و با بیان ویژگی‌های همسر خوب می‌فرماید: ۴ و ۵. إِنْ تَوْبَيَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَبَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ * عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ

سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأُبْكَارًا اگر شما دو (همسر پیامبر) به سوی خدا بازگردید، پس (به سود شماست؛ چرا که) به یقین، دل‌های شما (به کژی) گراییده است؛ و اگر بر ضد او یک‌دیگر را کمک کنید، پس (زیانی به او نمی‌رسانید؛ چرا) که خدا فقط یاور اوست؛ و بعد از آن، جبرئیل و شایسته‌ی مؤمنان و فرشتگان، پشتیبان (او) هستند.* امید است که اگر شما را طلاق دهد، پروردگارش همسرانی بهتر از شما برای او جای‌گزین کند، (زنانی) مسلمان، مؤمن، فرمان‌بردار [فروتن، توبه‌کار، پرستشگر، روزه‌دار، بیوه و دوشیزه. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند یکی از همسران پیامبر، یعنی حفصه اسرار پیامبر صلی الله علیه و آله را فاش کرد، اما در این آیه هر دو، یعنی حفصه و عایشه را منحرف معرفی می‌کند «۱» که لازم است توبه کنند؛ چرا که آنان با هم‌دیگر علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و زینب، همسر دیگر او توطئه کردند. ۲. در کتاب صحیح بخاری که معتبرترین کتاب حدیثی اهل سنت است، روایات متعددی حکایت شده که عایشه بیان می‌کند که او با حفصه علیه تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۷ پیامبر صلی الله علیه و آله و زینب نقشه کشیدند و از ابن عباس حکایت شده که «چند سال بود می‌خواستیم از عمر پرسیم که مقصود از این دو زن که علیه پیامبر صلی الله علیه و آله دست به دست هم دادند و در سوره‌ی تحریم از آنان یاد شده، کیست، ولی هیبت عمر مانع پرسش می‌شد، تا این که در سفر حج در مکان خلوتی از او پرسیدم و او گفت: منظور حفصه و عایشه است. «۱» ۳. از این آیه و احادیث استفاده می‌شود که توطئه‌ی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و افشای اسرار درون خانه‌ی او، موجب ناراحتی آن حضرت شد، به طوری که مدتی از همسرانش کناره گرفت و در «مَشْرَبَه‌ی امّ ابراهیم» (که محلی در نزدیکی مدینه است) منزل گزید و حتی توهم شد که او زنانش را طلاق داده است. «۲» ولی خدا پیامبرش را دل‌داری داد و از او حمایت و اعلام کرد که جبرئیل و فرشتگان و مؤمنان شایسته نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله حمایت می‌کنند و حتی همسران پیامبر را تهدید می‌کند که اگر لازم شد، پیامبر آنان را طلاق می‌دهد و خدا زنان بهتری نصیب او می‌کند. ۴. در این جا پرسشی مطرح می‌شود که مقصود از «مؤمن شایسته» که در آیه از او یاد شده است کیست؟ در احادیث متعددی از شیعه و اهل سنت آمده است که مقصود امام علی علیه السلام است و پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: این مؤمن شایسته است. «۳» البته مانعی ندارد که مقصود آیه جنس مؤمنان شایسته باشد که در آن صورت امام علی علیه السلام مصداق کامل آیه است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۸. ۵. در این آیات شش ویژگی برای همسر خوب بیان شده که عبارت‌اند از: الف) مسلمان بودن همسر که همان اسلام ظاهری است؛ ب) با ایمان بودن همسر، یعنی اسلام باطنی که اعتقاد بدان در قلب انسان جای‌گزین شده باشد؛ ج) فروتنی، تواضع و مطیع شوهر بودن؛ د) توبه‌کاری آنان؛ یعنی همسر خوب بر لغزش‌های خود اصرار نمی‌ورزد و عذرخواهی و توبه می‌کند؛ ه) اهل عبادت بودن؛ و فرمان‌برداری از خدا و روزه‌داری؛ البته روزه‌ای که به معنای نگه‌داری اعضای بدن از گناه است و موجب سیر انسان به سوی کمال و خدا می‌شود. «۱» ۶. در این آیات جبرئیل را جدای از فرشتگان، به عنوان حامی پیامبر صلی الله علیه و آله برشمرد، با این که جبرئیل نیز از فرشتگان است. این مطلب می‌تواند به خاطر اهمیت جبرئیل و نقش او در وحی و ارتباط با پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر لغزشی از شما سرزد توبه کنید. ۲. علیه رهبر الهی توطئه نکنید که خدا، فرشتگان و مؤمنان شایسته از او دفاع می‌کنند. ۳. اگر با افشای اسرار و توطئه موجب آزار شوهرتان شدید، شوهر می‌تواند شما را طلاق دهد. ۴. همسرانی مسلمان، مؤمن، فروتن، توبه‌کار، عبادتگر و مطیع (خدا) انتخاب کنید. ۵. دوشیزه بودن یا نبودن همسر مهم نیست، بلکه بعد عقیده و کردار نیکوی او مهم است.*** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۹ قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی تحریم با هشدار در مورد آتش جهنم، مؤمنان را به حفظ خود و خانواده فرا می‌خواند و با بیان فرمان‌پذیری فرشتگان می‌فرماید: ۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَمَّا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان و خانواده‌هایتان را از آتشی حفظ کنید که هیزم آن مردم و سنگ‌هاست؛ (آتشی) که فرشتگانی خشن [و] سخت‌گیر بر آن [گماشته شده‌اند، که خدا را در آنچه فرمانشان می‌دهد نافرمانی نمی‌کنند و آنچه را مأمور

شده‌اند انجام می‌دهند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه سفارش شده که مؤمنان خودشان را از آتش حفظ کنند؛ یعنی با ترک گناهان و انجام دستورهای الهی زمینه‌های ورود به دوزخ را از بین ببرند. ۲. مقصود از نگه‌داری خانواده‌ی خویش از آتش آن است که انسان با برنامه‌ریزی صحیح به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر آنان پردازد و محیط خانه را سالم و پاک و معنوی گرداند؛ البته این وظیفه در عصر کنونی که آلودگی و تهاجم فرهنگی از هر سو جوامع اسلامی را تهدید می‌کند سنگین‌تر است. ۳. تعبیر به «نگه‌داری» نشان می‌دهد که اگر خانواده را به حال خود رها کنید، خواه نا خواه به سوی دوزخ سقوط می‌کنند؛ بنابراین حق زن و فرزند تنها در تأمین غذا و مسکن خلاصه نمی‌شود، بلکه تغذیه‌ی معنوی و علمی آنان نیز وظیفه‌ی پدر خانواده است؛ البته این مطلب با توجه به پیشرفت وسایل تبلیغی و هزینه بر بودن آنها روشن‌تر می‌شود. ۴. حکایت شده که از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد این آیه و چگونگی حفظ خانواده پرسیدند و حضرت فرمود: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۰ آنان را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنی، اگر از تو پذیرفتند آنها را از آتش دوزخ حفظ کرده‌ای و اگر نپذیرفتند وظیفه‌ی خود را انجام داده‌ای. «۱» و از امام علی علیه السلام روایت شده که (مقصود آیه آن است که) به خود و خانواده‌تان نیکی بیاموزید و آنان را ادب کنید. «۲» و در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: همان طور که مرد نگهبان خانواده‌ی خویش و در برابر آنها مسئول است، زن نیز نگهبان خانواده‌ی شوهر و فرزندان و مسئول آنهاست. «۳» ۵. در این جا بیان شده که هیزم و آتش‌گیری دوزخ از جنس انسان‌ها و سنگ‌هاست؛ یعنی آتش دوزخ از درون خود دوزخیان زبانه می‌کشد. همان طور که از سنگ‌های بت‌ها و سنگ‌های گوگردی بلکه از درون هر اتم نیروی آتشین آزاد می‌شود و دوزخیان را می‌سوزاند. ۶. در این آیه به چند ویژگی مأموران دوزخ اشاره شده است: الف) آنان خشن و سخت‌گیرند؛ البته این روحیه‌ی آنان متناسب با کار آنهاست؛ چون دوزخ محل خشم و قهر الهی، و لازمه‌ی آن سخت‌گیری است. ب) فرشتگان مأمور دوزخ نافرمانی نمی‌کنند، بلکه هر چه به آنان دستور داده شد اجرا می‌کنند؛ یعنی اطاعت تکوینی دارند و طوری ساخته شده‌اند که با میل، دستورهای الهی را انجام می‌دهند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۱. ۷. در این آیه از طرفی به مؤمنان سفارش می‌کند که خانواده‌ی خویش را از آتش حفظ کنید از طرف دیگر هشدار می‌دهد که آتش‌گیری دوزخ مردم هستند؛ جمع این دو مطلب اشاره به آن دارد که برخی مردم نه تنها خود دوزخی هستند، بلکه با اعمال گناه‌آلود و ایجاد فساد و انحراف به زندگی دیگران نیز آتش می‌زنند. پس مراقب خود و خانواده‌ی خویش باشید که به آتش دیگران نسوزید. مثل جالب این افراد در زمان ما فسادگران و توزیع‌کنندگان مواد مخدر هستند که خود و جامعه را به آتش می‌کشند و هر کس باید مواظب خانواده‌ی خود باشد که به این آتش نسوزند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان مسئول حفظ خود و خانواده‌ی خویش‌اند. ۲. مسیر زندگی شما به طرف دوزخ نباشد. ۳. آتش‌گیری دوزخ، خود مردم هستند (پس مراقب باشید به آتش مردم نسوزید). ۴. فرشتگان دوزخ مأمورانی سخت‌گیرند (پس قبل از آن که به چنگ آنان گرفتار شوید چاره بیندیشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی تحریم با اشاره به تجسم اعمال به کافران هشدار می‌دهد که عذر خواهی آنان در رستخیز پذیرفته نمی‌شود و می‌فرماید: ۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْرُونَ يَا كُفْرًا تَعْمَلُونَ أَي كَسَانِي كَفَر ورزیده‌اید! امروز (: در رستخیز) عذرخواهی نکنید، که فقط به آنچه انجام می‌دادید مجازات خواهید شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عذرخواهی در رستخیز فایده‌ای ندارد؛ زیرا عذرخواهی نوعی توبه است و توبه تنها در این جهان امکان‌پذیر است و در رستخیز جای حساب تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۲ است، نه عمل و توبه. ۲. عذاب تجسم می‌یابد و کافران نتیجه‌ی اعمال مستمر آنهاست و گناهان و ستم‌های افراد در رستخیز به صورت عذاب تجسم می‌یابد و ظاهر می‌شود و کافران را به کام خود می‌گیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تا رستخیز نرسیده عذرخواهی و توبه کنید که آن روز دیر است. ۲. عذاب آخرت، نتیجه و تجسم اعمال خود شماست. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتم سوره‌ی تحریم مؤمنان را به توبه‌ی نیکوی خالص و استوار فرامی‌خواند و با بیان نتایج درخشان آن، و با اشاره به حالات مؤمنان در رستخیز می‌فرماید: ۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَى

رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورٌ وَآغِثْنَا بِكَ إِنَّا كُنَّا فِي الضَّلَالَةِ (و خالصانه واستوار) به سوی خدا باز گردید؛ امید است که پروردگار شما بدی‌هایتان را از شما بزدايد و شما را در بوستان‌های (بهشتی) وارد کند که از زیر [درختان]ش نهرها روان است، در روزی که خدا پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند رسوا نمی‌کند؛ درحالی که نورشان پیش رویشان و در سمت راستشان شتابان می‌رود، می‌گویند: «[ای پروردگار ما! نور ما را برای ما تمام کن و ما را بیامرزش! چرا] که تو بر هر چیزی توانا هستی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «توبه» به معنای پشیمانی از گناه و بازگشت به سوی خداست؛ یعنی شخص به طور کامل از کرده‌ی خود پشیمان شود و تصمیم بگیرد که در تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۳ آینده به سوی آن گناه باز نگردد. نشانه‌ی این توبه گفتن استغفار و طلب آمرزش است، بنابراین ارکان توبه پنج چیز است: پشیمانی، ترک گناه، تصمیم بر ترک آن در آینده، استغفار و جبران گذشته. ۲. «نُصُوح» به معنای خیرخواهی خالصانه و گاهی به معنای محکم کاری است؛ زیرا خیرخواهی واقعی باید همراه با محکم کاری باشد. بنابراین توبه‌ی نصوح آن است که خالص و محکم باشد و ارکان پنج گانه‌ی توبه در آن رعایت شود، یعنی توبه‌ای کامل باشد. ۳. حکایت شده که معاذ بن جبل از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی توبه‌ی نصوح پرسید و حضرت فرمود: (توبه نصوح) آن است که شخص توبه‌کننده به سوی گناه باز نگردد، همان طور که شیر به پستان باز نمی‌گردد. «۱» توبه‌ی نصوح آن است که انقلابی در انسان ایجاد کند که راه بازگشت به گذشته را ببندد. ۴. توبه یکی از درهای رحمتی است که خدا به روی بندگان خود گشوده است تا به سوی او باز گردند و ناامید نشوند. بیا که دوش به مستی، سروش عالم غیب نوید داد که عام است فیض رحمت او (حافظ) از امام باقر علیه السلام روایت شده که خدا نسبت به توبه‌ی بنده‌اش بیش تر شاد می‌شود از کسی که در شب تاریکی مرکب و توشه‌ی خود را گم کرده و آن را می‌یابد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۴ و در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است: کسی که از گناهی توبه کند، هم چون کسی است که اصلاً گناه نکرده است، ولی کسی که به گناه خود ادامه می‌دهد و «استغفر الله» می‌گوید، همانند کسی است که ریشخند می‌کند. «۱» ۵. توبه‌ی نصوح پنج نتیجه و فایده دارد: الف) آمرزش گناهان و پوشیده شدن بدی‌های انسان. ب) ورود به بهشت پر نعمت. ج) رسوا نشدن در روزی که پرده‌ها کنار می‌رود و حقایق و اعمال مردم آشکار می‌شود و گناهکاران رسوا می‌شوند. در آن روز پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان آبرومند می‌مانند. د) در رستخیز نور ایمان و عمل شایسته‌ی مؤمنان توبه‌کار، همراه آنان است و مسیر آنان را به سوی بهشت روشن می‌کند. ه) توجه مؤمنان توبه‌کار به خدا بیش تر می‌شود و روبه درگاه الهی می‌آورند و از او تقاضای آمرزش و تکمیل نور خود را می‌کنند. ۶. مقصود از نوری که در رستخیز از جلو و سمت راست مؤمنان در حرکت است، چیست؟ این همان نور ایمان و اعمال شایسته‌ی مؤمنان است که در رستخیز آنان را به سوی بهشت راه‌نمایی می‌کند، همان طور که مؤمنان در دنیا در پر تو نور ایمان و کارهای نیک در راه راست گام برمی‌داشتند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خالصانه به سوی خدا باز گردید و ترک گناه کنید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۵ ۲. هر کس آمرزش و بهشت می‌خواهد، توبه‌ای خالص و استوار کند. ۳. اگر خواری رستخیز را نمی‌خواهید، ایمان بیاورید (و توبه‌ی نصوح کنید). ۴. ایمان و توبه در رستخیز به انسان نور می‌دهد. ۵. از خدا آمرزش و نور کامل بخواهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی تحریم دستور سخت‌گیری را در مورد کافران و منافقان می‌دهد و می‌فرماید: ۹. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وِبِئْسَ الْمَصِيرُ ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر؛ و مقصدشان جهنم است و بد فرجامی است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشابه این آیه‌ی ۷۳ سوره‌ی توبه است و تکرار آن در این جا شاید به خاطر آن است که پس از ماجرای افشای اسرار همسران پیامبر، بهانه به دست منافقان داخلی و مخالفان خارجی پیامبر صلی الله علیه و آله افتاد تا به شایعات در این زمینه دامن بزنند، ولی آیه‌ی فوق به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور سخت‌گیری بر آنان را داد تا از توطئه و تبلیغات آنان

جلوگیری شود. ۲. مقصود از جهاد با کافران، مبارزه‌ی همه‌جانبه و به ویژه جنگ مسلحانه با آنان است و مقصود از جهاد با منافقان مبارزاتی هم‌چون مذمت، توبیخ، تهدید و افشاگری است؛ زیرا منافقان در ظاهر مسلمان‌اند و از این رو اسلام اجازه نمی‌دهد که با آنان مبارزه‌ی مسلحانه شود و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز هیچ‌گاه با منافقان جنگ مسلحانه نکرد. البته اگر روزی منافقان کفر خود را آشکار، و در برابر مسلمانان صف‌آرایی کنند، کافر حربی به شمار می‌آیند و نبرد با آنان مجاز است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام کفر و نفاق، عذاب آلود است. ۲. با دشمنان داخلی و خارجی اسلام مبارزه و سخت‌گیری نمایند. *** قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی تحریم همسر خیانتکار نوح و لوط را الگوی کافران معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۱۰. *ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَامْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ* خدا برای کسانی که کفر ورزیدند مثلی زده است: زن نوح و زن لوط، که تحت (سرپرستی) دو بنده‌ی شایسته از بندگان ما بودند، و [لی به آن دو خیانت کردند و آن دو (پیامبر) هیچ چیزی را از (عذاب) خدا از آن دو (زن) دفع نکردند؛ و به آن دو گفته شد: «همراه وارد شوندگان (در دوزخ) وارد آتش شوید!». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران نام همسر لوط را «والعه» و نام همسر نوح را «والهه» نوشته‌اند (۱). آنان همسر دو پیامبر الهی بودند که کفر ورزیدند و به صف مخالفان پیوستند و حتی اسرار داخل منزل شوهر خود را به مخالفان می‌دادند و سرانجام، هنگامی که عذاب الهی بر قوم لوط و نوح فرود آمد مؤمنان نجات یافتند ولی این دو زن گرفتار عذاب الهی شدند. ۲. مقصود از خیانت همسر لوط و نوح، انحراف از جاده‌ی عفت نبود؛ زیرا طبق احادیث، هیچ همسر پیامبری آلوده به عمل منافی عفت نشده است. (۲) تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۷ پس منظور از خیانت همان افشای اسرار و همکاری با مخالفان پیامبر بوده است. ۳. در این آیه از لوط و نوح پیامبر به عنوان «عبد صالح» یعنی بنده‌ی شایسته‌ی خدا یاد شده است؛ یعنی حتی افتخار پیامبران الهی آن است که بنده‌ی صالح خدا هستند. ۴. در این آیه همسر لوط و نوح را مثال و الگو برای همه‌ی مردان و زنان کافر شمرده است؛ یعنی هر کس راه خیانت به پیامبر الهی را در پیش بگیرد، چه زن باشد و چه مرد، در نهایت گرفتار عذاب الهی می‌شود. ۵. این آیه هشدار است به همسران پیامبر و همه‌ی وابستگان رهبران الهی و مردان خدا که بدانند اگر خیانت کردند خویشاوندی با افراد شایسته، آنان را از عذاب الهی نجات نمی‌دهد، بلکه هر کس راه نجات و سعادت را می‌طلبد، باید به دنبال ایمان و عمل شایسته باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. افراد خیانتکار عذاب شده، الگوی کافران هستند. ۲. نزدیکان مردان خدا و رهبران الهی قدر خود را بدانند و خیانت نکنند که گرفتار عذاب می‌شوند. ۳. خویشاوندی با مردان الهی مانع عذاب نمی‌شود. ۴. خیانت به بندگان صالح خدا زمینه‌ساز عذاب الهی برای انسان است. *** قرآن کریم در آیات یازدهم و دوازدهم سوره‌ی تحریم همسر فرعون و مریم را الگوی مؤمنان معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۱۱ و ۱۲. *وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ* * وَ مَرِيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُّوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَوَاتِينِ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۸ و خدا برای کسانی که ایمان آورده‌اند مثلی زده است: زن فرعون، هنگامی که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خود در بهشت بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات بخش و مرا از گروه ستمکاران نجات ده!» * و (نیز) مریم، دختر عمران، که دامان (عفت) خود را حفظ کرد و از روح خویش در او دمیدیم و کلمات پروردگار خویش و کتاب‌هایش را تأیید کرد و از فرمانبرداران [فروتن] بود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد همسر فرعون نوشته‌اند که نام او «آسیه» بود و هنگامی که معجزات موسی علیه السلام را در برابر ساحران دید، ایمان آورد، ولی ایمانش را پنهان می‌کرد تا کم‌کم فرعون متوجه شد و به او اصرار کرد که دست از آیین موسی بردارد، ولی آسیه تسلیم نشد و سرانجام فرعون دستور داد که دست‌ها و پاهایش را با میخ بسته و سنگی بر سینه‌اش بیفکنند و در آفتاب سوزان رهاش کنند. او در آخرین لحظات زندگی، با خدا مناجات کرد، که آیه‌ی فوق مناجات و دعاهایش را بازگو کرده است. ۲. آسیه در مناجات خود چند چیز از خدا خواست: الف) خدا خانه‌ای در بهشت برای او

فراهم سازد؛ ب) این خانه در جوار قرب الهی باشد، یعنی بهشتی را می‌خواهد که نزد خدا باشد؛ ج) خدا او را از فرعون و کردار شرک آلودش نجات دهد؛ د) خدا او را از دست قوم ستمکار رهایی بخشد. ۳. آسیه که در کاخ فرعون زندگی می‌کرد و تحت سرپرستی مردی کفرپیشه و مستکبر بود تحت تأثیر شرایط محیط قرار نگرفت و ملکه‌ی مصر بودن را رها کرد و با استواری در راه ایمان گام نهاد و با سخنان خود و تقاضای بهشت، کاخ فرعون را تحقیر کرد و از ستمکاری آنان بیزاری جست و در این راه شربت شهادت نوشید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۹ ۴. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که برترین زنان اهل بهشت چهار نفرند: خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه. «۱» ۵. همسر فرعون با آن که یک زن بود، قرآن او را الگوی همه‌ی مردان و زنان مؤمن معرفی می‌کند. آری؛ در فرهنگ اسلامی یک زن می‌تواند به مقامی برسد که الگوی همه‌ی زنان و مردان با ایمان جهان شود. ۶. الگو بودن همسر فرعون از جهات مختلف است؛ از جمله این که تحت تأثیر شرایط محیط کاخ فرعون قرار نگرفت و در برابر ستم و طاغوت مقاومت کرد و نیز در این که رو به سوی خدا آورد و آخرت طلب شد. ۷. قرآن کریم در موارد متعددی با اشاره به زندگی مریم علیها السلام، او را زنی پاک‌دامن و تهمت‌های یهود و دیگران را نسبت به او مردود اعلام کرده است، تا آن جا که در قرآن سوره‌ای به نام مریم وجود دارد و در این آیه او را الگوی زنان و مردان با ایمان معرفی می‌کند. ۸. خدا از روحی با عظمت در وجود مریم علیها السلام دمید و او صاحب فرزندی به نام عیسی شد. این مطلب در سوره‌های مریم و آل عمران توضیح داده شده است. «۲» البته اضافه‌ی روح به خدا از باب تشریف و برای بیان عظمت آن است، و گرنه خدا روح و جسم ندارد. ۹. مفسران برآنند که شاید مقصود از کتاب‌های خدا، همان کتاب‌های پیامبران الهی هم چون تورات است و منظور از کلمات خدا، وحی‌هایی است که به پیامبران رسیده، اما به صورت کتاب در نیامده است و مریم علیها السلام همه‌ی آنها را تصدیق و تأیید می‌کرد. «۳» ۱۰. الگو بودن مریم، در بُعد پاکی، عبادت و اطاعت از خدا، تأیید کتاب‌های آسمانی و سخنان الهی است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی زنان آن‌قدر کمال می‌یابند که می‌توانند الگوی همه‌ی مردان و زنان مؤمن باشند. ۲. آسیه و مریم را الگوی زندگی خود قرار دهید. ۳. هم چون آسیه، مؤمن، ستم‌ستیز و آخرت طلب باشید. ۴. هم چون همسر فرعون باشید و تحت تأثیر محیط قرار نگیرید، بلکه به سوی خدا روی کنید (و مشکلات آن را تحمل کنید). ۵. هم چون آسیه از طاغوت و ستم بیزاری بجوید. ۶. هم چون مریم پاک‌دامن زندگی کنید، تا مورد لطف الهی قرار گیرید. ۷. هم چون مریم مطیع خدا و مؤید کلمات و کتاب‌های او باشید. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۱ بخش ششم: سوره‌ی مُلک یادآوری مبدأ و معاد امتحان، هدف آفرینش زندگی و مرگ مباحث کیهان‌شناسی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۳

بخش ششم: سوره‌ی ملک

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی مُلک در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۳۰ آیه، ۳۳۰ کلمه و ۱۳۰۰ حرف است. مُلک هفتاد و ششمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «طور» و قبل از سوره‌ی «حاقه») و شصت و هفتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «مُلک»، «تبارک»، «مانِعَة»، «مُنجیه» و «واقعه». «مُلک» به معنای «فرمان‌روایی» است و سبب این نام‌گذاری، آیه‌ی اول این سوره است که در آن سخن از فرمان‌روایی خدا به میان آمده است.

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی «ملک» را در نماز واجب (عشاء) قبل از خواب بخواند، همواره در امان الهی است تا صبح شود و در رستاخیز نیز در امان الهی است تا داخل بهشت شود. «۱» البته این گونه آثار سوره مشروط به شرایطی، از جمله عمل به محتوای آن و حرکت جامعه در راستای آموزه‌های آن است.

اهداف

اهداف: اساسی‌ترین هدف‌های این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری مبدأ هستی؛ ۲. یادآوری معاد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۴

مطالب

مطالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. توجه به نشانه‌های خدا و فرمان‌روایی و صفات او (در آیات ۱۳، ۱۴، ۲۳ و ۲۴)؛ ۲. تذکر عذاب دوزخ (در آیات ۶-۷). ب) مطالب دیگر: ۱. تذکری درباره‌ی هفت آسمان (در آیه‌ی ۳)؛ ۲. بیان این که شنیدن (سخن پیامبران) و تفکر سبب نجات از آتش می‌شود (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۳. توجه دادن به نظام شگفت‌انگیز آفرینش، مثل خلقت آسمان‌ها و ستارگان، زمین و نعمت‌های آن و ابزار شناخت (در آیات ۳-۵)؛ ۴. بیان گفت‌وگوی مأموران عذاب با دوزخیان (در آیات ۶-۱۰)؛ ۵. تهدید کافران و ستمگران با عذاب‌های دنیوی و اخروی (در آیات ۱۶-۲۱)؛ ۶. بیان هدف آفرینش زندگی و مرگ که همان امتحان انسان‌ها در دنیاست (در آیه‌ی ۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۵

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی مُلک قرآن کریم در آیات اول و دوم سوره‌ی مُلک با اشاره به صفات خدا، هدف آفرینش را امتحان انسان‌ها برمی‌شمارد و می‌فرماید: ۱ و ۲. تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ خجسته (و پایدار) است آن (خدایی) که فرمان‌روایی فقط به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. * (همان) کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارتر است؛ و او شکست‌ناپذیر (و) بسیار آمرزنده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «تبارک» از ماده‌ی برکت و در اصل به معنای سینه‌ی شتر است، سپس به هر نعمت پایدار و زوال‌ناپذیری، با برکت گفته می‌شود و از آن رو که مالکیت و حاکمیت و قدرت خدا بر همه چیز گسترده است، او موجودی زوال‌ناپذیر، خجسته و مبارک است. ۲. آفرینش حیات و زندگی روشن است، اما آفرینش مرگ به چه معناست؟ اگر «مرگ» به معنای فنا و نابودی باشد، امری عدمی می‌شود و آفرینش آن بی‌معناست، ولی حقیقت مرگ، انتقال از یک جهان به جهان دیگر است، پس امری وجودی است که آفریده می‌شود. ۳. اگر خدا از انسان و همه‌ی حالات و آینده‌ی او اطلاع دارد، پس چرا وی را می‌آزماید؟ منظور از آزمایش انسان، همان پرورش وی در میدان عمل و پاک و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۶ خالص شدن و رشد و تکامل او به سوی خدا و نیز نوعی اتمام حجت بر کافران و مخالفان راه خداست؛ یعنی آزمایش، تحقق عملی علم خداست، و گرنه او از آینده و سرنوشت انسان با خبر است. ۴. در این آیات مرگ را قبل از زندگی عینی آورده است، در حالی که مرگ در پایان زندگی آفریده می‌شود. این نکته شاید به خاطر یادآوری اهمیت و تأثیر مرگ در عمل نیکوست؛ البته مقصود از مرگ و حیات در این جا کل آفرینش انسان است. ۵. این آیات اشاره دارند که هدف آفرینش زندگی و مرگ انسان، آزمایش اوست و در برخی دیگر از آیات، هدف آفرینش، عبادت، «۱» معرفت، «۲» و رحمت «۳» و ملاقات خدا معرفی شده است. روشن است که برخی از این اهداف مقدماتی و برخی نهایی‌اند؛ یعنی هدف نهایی، تکامل انسان و قرب و ملاقات خداست که در این راه

معرفت مقدمه‌ی عبادت، آزمایش مقدمه‌ی نزول رحمت، و همگی زمینه‌ساز تکامل و سیر انسان به سوی خداست. «۴» خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد (حافظ) ۶. هدف آزمایش انسان کیفیت و نیکویی عمل اوست، نه کمیت و کثرت اعمال؛ یعنی یک عمل خالص، مفید و نیکو بهتر است از اعمال زیاد بدون کیفیت. البته این به معنای نفی کمیت اعمال نیست؛ زیرا در شرایط مساوی که همه‌ی اعمال نیکو است زیاد بودن اعمال نیز یکی از ارزش‌هاست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۷. ۷. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: (مقصود آن است که کدام یک) از شما عقل کامل‌تر و خدا ترسی و آگاهی بیش‌تری از دستورات الهی دارد، هر چند اعمال مستحب او کم‌تر باشد. «۱» و از امام صادق علیه السلام روایت شده که منظور آن نیست که کدام یک بیش‌تر عمل می‌کنید و لیکن مقصود آن است که کدام یک صحیح‌تر عمل می‌کنید؛ و عمل صحیح آن است که همراه با خدا ترسی و نیت پاک باشد. سپس حضرت فرمودند: نگاه‌داری عمل از آلودگی، سخت‌تر است از خود عمل؛ و عمل خالص صالح آن است که نخواهی غیر از خدا کسی تو را به خاطر آن بستاید. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خجستگی و زوال ناپذیری خدا را از فرمان‌روایی، قدرت بی‌نهایت و آفرینشگری او بشناسید. ۲. هدف آفرینش شما آزمایش کیفیت اعمال شماست. ۳. کسی در آزمایش الهی موفق‌تر است که عملش نیکوتر باشد. ۴. معیار موفقیت شما کیفیت اعمال شماست، نه کمیت آنها. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۸ قرآن کریم در آیات سوم تا پنجم سوره‌ی مَلک به آفرینش دقیق و طبقه‌بندی شده‌ی آسمان‌ها و زیبایی آسمان دنیا و رانده شدن شیطان‌صفتان از آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳- ۵. الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَوتٍ فَاَرْجِعِ الْبَصِيْرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُوْرٍ * ثُمَّ اَرْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ اِلَيْكَ الْبَصِيْرُ خاسِئًا وَهُوَ حَسِيْرٌ * وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيْحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُوْمًا لِّلشَّيْطٰنِيْنَ وَاَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيْرِ (همان) کسی که هفت آسمان را طبقه‌بندی شده آفرید؛ هیچ تفاوتی (تناقض گونه) در آفرینش (خدای) گسترده‌مهر نمی‌بینی؛ پس دیده را برگردان؛ آیا هیچ شکافی می‌بینی؟! * سپس دوباره دیده را برگردان، تا دیده، خسته (و خوار) به سوی تو بازگردد، در حالی که آن وامانده است. * و به یقین، آسمان دنیا را با چراغ‌ها (: شهاب سنگ‌ها) بی‌آراستیم و آنها را سنگ‌هایی برای (راندن) شیطان‌ها قرار دادیم؛ و برای آنان عذاب شعله‌ی فروزان فراهم ساختیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به هفت طبقه‌ی آسمان اشاره شده است، که نظامی دقیق و همگون دارند و هیچ تضاد و نقصی در آنها نیست. ممکن است مقصود از این هفت آسمان منظومه‌ها و کهکشان‌های بزرگ باشد؛ بنابراین همه‌ی آنچه در شب می‌بینیم، آسمان اول به شمار می‌آید، یا مقصود طبقات متراکم جو زمین و یا آسمان‌های معنویت مورد نظر است «۱» که همگی نشانه‌ای از عظمت آفرینش خدایند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۹ به جان بین که هر چه می‌بینی ز توحید کسی که محو شد از چشم جان دید یقین می‌دان که چشم جان چنان است که در هر ذره‌ای هفت آسمان است (عطار) ۲. این آیات مخالفان را به چالش با نشانه‌های خدا دعوت می‌کند و آنها را به تماشای آسمان‌ها و زیبایی‌ها و نظم دقیق آن فرا می‌خواند؛ آسمانی پر از ستارگان و سیارات قانونمند و همگون که هر کدام در مدار خود شناورند و اگر کوچک‌ترین بی‌نظمی و عیب و نقص و خللی در مسیر آنان بود جهان در هم فرو می‌ریخت. یک نظر قانع مشو زین سقف نور بارها بنگر بین هل من فطور * «۱» ۳. هر چه انسان به آسمان‌ها بنگرد و دقیق شود، «۲» نه تنها کم‌ترین خلل، ناهمگونی و عیبی در آنها نمی‌یابد «۳» بلکه چشمان او ناکام، خسته و ناتوان می‌گردد. «۴» آری؛ هر چه انسان به جهان بنگرد، نظم آن را بهتر می‌شناسد و نشانه‌های خدا و عظمت آفرینش او را بیش‌تر درک می‌کند؛ این آیات اشاره‌ی روشنی به برهان نظم دارد که یکی از راه‌های شناخت خداست. به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست (سعدی) تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۵۰. ۴. در این آیه از آسمان نزدیک دنیا و چراغ‌های آن و تیرها (شهاب سنگ‌ها) بی‌ی که به سوی شیطان‌ها پرتاب می‌شود «۱» سخن گفته شده است. مشابه این مطالب در آیات ۱۶-۱۸ سوره‌ی حجر و ۶-۱۰ سوره‌ی صافات آمده است و ذیل آن آیات توضیح دادیم که مفسران در مورد این تعبیرات قرآن چند تفسیر ارائه کرده‌اند. ۵. «شیطان» در اصل به معنای هر

موجود شرور، وسوسه‌گر و متمرّد است و گاهی به ابلیس گفته می‌شود؛ یعنی موجود خبیثی که باعث انحراف حضرت آدم علیه السلام شد. و در این جا ممکن است شامل ابلیس و هر موجود شرور دیگر شود. ۶. مفسران قرآن در مورد این آیات چند تفسیر ارائه کرده‌اند: «۲» الف) برخی مفسران همان معنای ظاهری آیه را پذیرفته‌اند، که مقصود همین آسمان حسیّی و همین شهاب‌سنگ‌های آسمانی است که در شب می‌بینیم و شیطان‌ها همان موجودات خبیثی هستند که می‌خواهند به آسمان‌ها بروند و از اخبار ماورای زمین مطلع شوند و برای دوستان زمینی خود جاسوسی کنند، اما شهاب‌سنگ‌ها هم چون تیری به سوی آنها پرتاب می‌شوند و آنها را از رسیدن به هدف بازمی‌دارند. ولی برخی از مفسران این دیدگاه را رد می‌کنند؛ زیرا بر اساس نظریات فلکی قدیم است «۳» و این در حالی است که انسان از جوّ زمین عبور کرده و به کره‌ی ماه نیز رفته است و شهاب، مخصوص جوّ زمین است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۵۱ ب) برخی مفسران این تعبیرات را کنایه و تشبیه و مثالی برای روشن شدن حقایق غیر حسیّی دانسته‌اند. و مقصود از آسمان جایگاه فرشتگان و عالم ملکوت و ماورای طبیعت است که شیطان‌ها می‌خواهند به آن نزدیک شوند و از اسرار خلقت و حوادث آینده اطلاع یابند، ولی با انوار ملکوتی رانده می‌شوند. «۱» ج) برخی مفسران تعبیرات فوق را کنایه از انسان‌هایی دانسته‌اند که در زندگی مادی زمینی زندانی شده‌اند و چشم خود را به جهان برتر نمی‌اندازند و به آوای آن گوش فرا نمی‌دهند و شهاب‌های خودخواهی و شهوت و طمع و جنگ‌های خانمان‌سوز آنها را از درک معانی والا- محروم می‌سازد. «۲» تا نباشی آشنایین پرده رمزی نشنوی گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش (حافظ) د) برخی مفسران بر آن‌اند که مقصود از آسمان در این جا، محدوده‌ی حق، ایمان و معنویت است که همواره شیطان‌ها و وسوسه‌گران می‌خواهند در آن راه یابند و از طریق وسوسه به دل‌های مؤمنان راستین و حامیان حق نفوذ کنند، اما ستارگان آسمان حقیقت، یعنی رهبران الهی (پیامبران، امامان و دانشمندان متعهد) با امواج نیرومند علم و تقوا و قلم و زبان، بر آنان هجوم می‌برند و آنها را از نزدیک شدن به آسمان معنویت بازمی‌دارند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۵۲ البته ممکن است آیه دارای بطن و معانی مختلفی باشد و برخی به صورت کنایه و مثال باشند؛ پس مانعی ندارد که مقصود آیه چند تفسیر اخیر باشد هر چند تفسیر دوم و چهارم مناسب‌تر به نظر می‌رسد. ۷. از برخی احادیث استفاده می‌شود که ممنوع شدن شیاطین از صعود به آسمان‌ها و رانده شدن آنها به وسیله‌ی شهاب‌ها، از هنگام تولد عیسی علیه السلام آغاز شده بود و در هنگام تولد پیامبر صلی الله علیه و آله کاملاً ممنوع شد. «۱» از این گونه احادیث استفاده می‌شود که رابطه‌ای بین تولد مسیح علیه السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با طرد شیاطین از آسمان وجود دارد؛ یعنی پس از ظهور دین مسیح و اسلام و جهان‌گیر شدن آنها، بسیاری از توطئه‌های شیطانی خنثی شد و بساط بت‌پرستی و پیروی از شیطان در بسیاری از نقاط جهان برچیده شد و بشریت گام‌های بلندی به طرف معنویت و حقیقت برداشت. ۸. در قرآن کریم گاهی با عنوان «بُروج» و گاهی با عنوان «نجوم» و «کواکب» از ستارگان یاد شده است. «۲» ستاره گاهی در مفهوم مادی و حسیّی به کار می‌رود که منظور همین ستارگان آسمان‌اند که در شب می‌بینیم و وسیله‌ی راه‌یابی کشتی‌ها و مسافران بیابان هستند و گاهی مفهوم معنوی دارد که اشاره به رهبران الهی و دانشمندان است که نقش ستارگان را در جوامع بشری ایفا می‌کنند و مردم را در تاریکی‌های جهل و خرافات با نور خویش هدایت می‌کنند و راه سعادت را به آنان نشان می‌دهند. در احادیث متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایت شده که فرمودند: آل محمد همان ستارگان هستند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۵۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آسمان زیبا را خدا آفرید مکرر به آن بنگرید (و آفریننده‌ی آن را بهتر بشناسید). ۲. به آسمان‌های طبقه‌بندی شده و نظم خلل‌ناپذیر آن توجه کنید تا خداشناس شوید. ۳. هر چه تلاش کنید نمی‌توانید به آفرینش منظم الهی عیب و خللی وارد سازید. ۴. در زیبایی ستارگان و سیارات آسمان دنیا بنگرید و آفرینشگری خدا را ببینید. ۵. شیطان‌صفتان را به حریم زیبای الهی راهی نیست. ۶. شیطان‌ها و شیطان‌صفتان در انتظار عذاب فروزان باشند. ۷. با جاسوسان و خبرگیران بیگانه برخورد کنید. ۸. اولیای الهی و دانشمندان هم‌چون ستارگان هدایت، پاس‌داران حریم آسمان معنویت باشند و شیطان‌صفتان

و سوسه‌گر را با شهاب (علم و تقوا) برانند. *** قرآن کریم در آیات ششم تا نهم سوره‌ی مُلک به فرجام عذاب آلود کافران و گفتمان آنان با مأموران دوزخ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶-۹. وَلَلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبُئْسَ الْمَصِيرُ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفُورٌ * تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ * قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ و فقط برای کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند، عذاب جهنم است و بد فرجامی است! * هنگامی که در آن (دوزخ) افکنده می‌شوند، در حالی که آن فوران می‌کند، ناله‌ای از آن می‌شنوند! * نزدیک است (دوزخ) از شدت خشم (از هم) جدا شود؛ هرگاه گروهی در آن افکنده می‌شوند، نگهبانان آن (دوزخ) از آنان می‌پرسند: «آیا هیچ هشدارگری (از پیامبران) به سراغ شما نیامد؟! * می‌گویند: «آری، به یقین، هشدارگری به سراغ ما آمد و (لی ما او را) تکذیب کردیم و گفتیم: «خدا هیچ چیزی را فرو نرستاده است، شما جز در گمراهی بزرگی نیستید.» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۵۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. دوزخیان با خواری به سوی جهنم افکنده می‌شوند؛ یعنی محترمانه با آنان برخورد نمی‌شود. ۲. در این آیات به صدای ناله‌ی زشت، طولانی و وحشتناک دوزخ و «۱» جوشیدن مواد مذاب جهنم و خشم شدید و فوران آن اشاره شده است؛ هم‌چون ظرفی می‌جوشد و نزدیک است متلاشی شود. به تصویر کشیدن صحنه‌های وحشتناک دوزخ برای آن است که مردم عبرت بیاموزند و به طرف کارهایی که آنان را دوزخی می‌کند نروند. ۳. فرشتگان مأمور دوزخ از کافران می‌پرسند: مگر شما پیامبر هشدارگر نداشتید که به چنین سرنوشتی دچار شدید؟! این پرسش می‌تواند نوعی تعجب از وضعیت این افراد یا نوعی سرزنش آنان باشد، که چرا با وجود پیامبران الهی راه حق را نپیمودید و به گمراهی و دوزخ روی آوردید؟! ۴. کافران در پاسخ به مأموران دوزخ به نوعی اعتراف می‌کنند که آری پیامبران الهی آمدند ولی ما به پیام نجات‌بخش آنان گوش فرادادیم و با آنان مخالفت و وحی و تعالیم آنان را تکذیب کردیم و حتی آنان را گمراه خواندیم. هر کس از رهبران الهی روی برتابد و با آنان مخالفت کند، به راه دوزخ گام نهاده است. ۵. یکی از روش‌های مبارزه‌ی مخالفان کفرپیشه با رهبران الهی آن است که به آنان تهمت گمراهی می‌زنند و می‌کوشند با تبلیغات منفی آنان را از میدان به در کنند و مردم را بفریبند. در جهان امروز نیز می‌بینیم که آمریکا برخی کشورها را محور شرارت می‌خواند و می‌خواهد با تبلیغات منفی آنها را متهم سازد و جهانیان را بفریبد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۵۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام کفر، عذاب آلود است. ۲. عذاب کافران در دوزخ، شنیدنی، دیدنی (و چشیدنی) است. ۳. در رستاخیز بین کافران و مأموران، گفتمان صورت می‌گیرد. ۴. هر ملتی که رهبر هشدارگر داشته باشد، فرجامش به دوزخ نخواهد بود. ۵. با رهبران الهی هشدارگر مخالفت نکنید، که فرجام این کار دوزخ است. ۶. مخالفان کفرپیشه، علیه رهبران الهی تبلیغات منفی می‌کنند و حتی آنان را گمراه می‌خوانند (شما این گونه باشید). *** قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی مُلک به اعترافات دوزخیان و عوامل عذاب آنان و نقش خردورزی در نجات از آتش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ * فَمَا عَتَرُوا بِذَنبِهِمْ فَسِخًّا لَأَصْحَابِ السَّعِيرِ و می‌گویند: «اگر (بر فرض، ما) گوش شنوا داشتیم، یا خردورزی می‌کردیم، در میان اهل شعله‌ی فروزان (آتش) نبودیم.» و به پیامدهای (گناهان) شان اعتراف می‌کنند، و (رحمت خدا) دور باد از اهل شعله‌ی فروزان (آتش)! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از عوامل عذاب کافران و علت اصلی بدبختی آنها این است که آنان نه اهل خردورزی‌اند که خود حقایق را درک کنند و نه اهل گوش دادن به سخنان پیامبران و پیروی از آنها؛ یعنی گوش و عقل دارند ولی استفاده نمی‌کنند و از این رو وجود پیامبران و وحی سودی به حالشان ندارد و از همین اعتراف دوزخیان می‌توان به عامل نجات و سعادت انسان نیز دست یافت. یعنی خردورزی انسان را به سوی شناخت نشانه‌های خدا و درک حقیقت وحی و نبوت سوق می‌دهد، در نتیجه راه سعادت را به روی او می‌گشاید. خرد‌ره‌نمای و خرد دل‌گشای خرد دست‌گیرد به هر دو سرای (فردوسی) و اگر انسانی اهل خردورزی نباشد می‌تواند با تعبد و اعتماد به وحی الهی و شنیدن سخنان رهبران الهی و پیروی از آنان به راه سعادت و نجات ره‌نمون شود. سعی ناپرده در این راه به جایی نرسی مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر (حافظ) ۲. از

دیدگاه قرآن، عقل و خردورزی ارزش فوق العاده‌ای دارد و عامل نجات از عذاب است. در احادیث اسلامی نیز بر این مطلب تأکید فراوان شده است و دانشوران و نویسندگان اسلامی نیز به این حقیقت توجه داده‌اند، به طوری که اولین باب از کتاب معروف شیعه، یعنی کافی، در باره‌ی عقل و جهل است. ای برادر تو همه اندیشه‌ای مابقی خود استخوان و ریشه‌ای ۳. روایت شده که گروهی در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله فرد مسلمانی را ستایش کردند؛ حضرت فرمود: «عقل او چگونه است؟» عرض کردند: ای رسول خدا! ما از تلاش او در عبادت و کارهای خیر می‌گوییم و شما از عقلش سوال می‌کنید؟ حضرت فرمود: «مصیبتی که از ناحیه‌ی حماقت احمق حاصل می‌شود، بدتر از گناهکاری گناهکاران است. (خدا) در فردای (رستاخیز) مقام بندگان را فقط به مقدار خرد آنان بالا- می‌برد و به اندازه‌ی عقلشان به قرب پروردگارشان نایل می‌شوند». «۱» و از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: کسی که عاقل باشد، دین دارد و کسی که دین داشته باشد، داخل بهشت می‌شود (بنابر این، بهشت جای خردمندان است). «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۵۷. ۴. پیروی از چراغ خرد، در عرض پیروی از چراغ وحی و نبوت است؛ این دو چراغ تکمیل‌کننده‌ی یکدیگرند و در صورت استفاده از هر دو انسان سعادت مند می‌شود. اگر کسی از چراغ عقل استفاده کند، به راه خدا و دین رہنمون می‌شود و سعادت مند می‌گردد، همان طور که اگر کسی مستقیماً از دستورات وحی الهی استفاده کند (که آن هم نوعی کار خردمندانه است) به سعادت می‌رسد. ولی معنای آیه آن نیست که عقل بدون وحی برای انسان کافی است. «۱» ۵. در این آیات پس از اعتراف کافران دوزخی به گناهان خویش هم چون تکذیب پیامبران و تهمت زدن به آنان و استفاده نکردن از عقل و گوش خود و پیامد عذاب آلود آنها خدای متعال نفرینشان می‌کند که از رحمت او دور گردند. نفرین خدا هم چون نفرین انسان فقط دعا علیه کسی نیست، بلکه همراه با تحقق خارجی است، پس واقعاً کافران از رحمت دور می‌شوند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید از آتش نجات یابید، از عقل یا نقل (پیامبران) پیروی کنید، که این دو مؤید یکدیگرند و شما را سعادت مند می‌کنند. ۲. یا گوش شنوا نسبت به وحی داشته باشید، یا اهل فکر و درک حقایق باشید، تا سعادت مند شوید. ۳. ترک خردورزی و تعبد از عوامل انحراف و عذاب است. ۴. رستاخیز روز اعتراف به گناهان و پیامدهای عذاب آلود آن است. ۵. کافران گناهکار مستحق نفرین خدا و دوری از رحمت او هستند. ۶. پیامد تکذیب پیامبران و تهمت زدن به آنان و ترک عقل و تعبد، عذاب است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۵۸. ۷. ترک خردورزی و تعبد، انسان را از رحمت خدا دور و مستحق نفرین و عذاب خدا می‌سازد. *** قرآن کریم در آیات دوازدهم تا چهاردهم سوره‌ی مُلک با بیان علم بی‌کران الهی به پاداش بزرگ خدا ترسی پنهانی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲- ۱۴. إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ * وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ * أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ در حقیقت، کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌هراسند، برای آنان آمرزش و پاداش بزرگی است. * و سخنتان را پنهان کنید یا آن را آشکار سازید، (برای او یکسان است)؛ که او به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. * آیا کسی که (موجودات را) آفرید نمی‌داند؟! در حالی که او لطیف [و] آگاه است. شأن نزول: برخی مفسران حکایت کرده‌اند که گروهی از کافران یا منافقان پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله سخنان ناروا می‌گفتند؛ و پیک وحی این خبر را به پیامبر صلی الله علیه و آله رساند و برخی از آنان به هم‌دیگر گفتند: سخنان خود را پنهانی بگویید تا خدای محمد نشنود. آیه‌ی سیزدهم بدین مناسبت فرود آمد و بیان کرد که هر طور بگویید، خدا از آنها آگاه است. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «غیب» یعنی چیزی که از حس ما پوشیده است و در این جا اشاره به معرفت خدای پنهان و معاد نادیده و یا مکان خلوت است. ۲. مقصود از هراس در نهان چیست؟ مفسران در این مورد چند رأی ارائه کرده‌اند: الف) مؤمنان در مورد گناهان پنهانی از خدا می‌هراسند؛ یعنی در مکان خلوت نیز از کسی که غیر از خدا آنان را نمی‌بیند، از مخالفت خدا می‌ترسند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۵۹ ب) آیه به خلوص نیت و دوری از ریاکاری در انجام دستورات الهی اشاره دارد؛ یعنی در نهان خویش از خدا می‌هراسند و اعمالشان را با اخلاص انجام می‌دهند. البته مانعی ندارد که آیه اشاره به هر دو معنا داشته باشد. «۱» ۳. در این

آیات آمرزش و پاداش بزرگ مؤمنان خدا ترس به صورت نکره آمده است که به عظمت، اهمیت و ناشناخته بودن آن برای دیگران اشاره دارد. «۲» ۴. مقصود از «درون سینه‌ها» همان اسرار درون ذهن و دل انسان است؛ یعنی خدا همان طور که از گفتار آشکار و پنهان شما آگاه است، از نیت‌های شما هم آگاه است؛ چرا که همه‌ی جهان محضر خداست و او در همه جا حضور دارد و همه چیز معلول اوست و معلول در نزد علت همیشه حاضر است؛ پس او علم حضوری به همه چیز دارد و پنهان و آشکار شما برای او یکسان است. هواخواه توام جانا و می‌دانم که می‌دانی که هم نادیده می‌بینی و هم نوشته می‌خوانی (حافظ) ۵. کسی که دل و وجود شما و جهان اطراف شما را آفریده است، از اسرار درون و برون شما نیز اطلاع دارد؛ چرا که او هر لحظه شما را می‌آفریند و وجود شما همواره معلول و وابسته و تحت اراده‌ی اوست. ۶. «لطیف» در اصل از ماده‌ی «لُطِف» به معنای هر موضوع دقیق ظریف و هر گونه حرکت سریع و جسم لطیف است. و لطیف بودن خدا به معنای عالم بودن او نسبت به اسرار دقیق و ظریف آفرینش یا به معنای آفرینش اجسام لطیف و ذره‌بینی و یا به معنای آن است که خدا در همه چیز نفوذ دارد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۶۰ البته مانعی ندارد که واژه‌ی لطیف به همه‌ی این مبانی اشاره داشته باشد، که همگی تأکیدی بر عمق آگاهی خدا و علم او به اسرار جهان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر آمرزش و پاداش بزرگ الهی را می‌طلبید، در نمان از (مخالفت) خدا بهراسید. ۲. آشکار و نمان در برابر علم خدا تفاوتی ندارد (پس مراقب رفتار خود باشید). ۳. خدا از عمق وجود شما و نیت‌های شما آگاه است (پس مراقب اعمال ظاهر و نیت‌های باطنی خود باشید). ۴. آفرینش هستی ملازم با آگاهی از اسرار آن است. ۵. صفات خدا را بهتر بشناسید تا به آگاهی او از امور دقیق و لطیف پی ببرید. *** قرآن کریم در آیات پانزدهم تا هجدهم سوره‌ی مُلک با بیان نشانه‌ی خدا در آرامش زمین، به تکذیب گران آیات الهی هشدارهای مکرر می‌دهد و می‌فرماید: ۱۵-۱۸. هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ* ءَأَمِنْتُمْ مِّن فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ* أَمْ أَمِنْتُمْ مِّن فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ* وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٍ او کسی است که زمین را برای شما رام قرارداد، پس در اطراف آن راه بروید و از روزی‌اش بخورید؛ و زنده کردن (مردگان) فقط به سوی اوست.* آیا از (عذاب) کسی که در آسمان است در امانید که شما را در زمین فرو برد و ناگهان آن (زمین) بلرزد؟!* یا از (عذاب) کسی که در آسمان است در امانید که طوفان‌ش را بر شما بفرستد؟! پس به زودی خواهید دانست که هشدار [من چگونه است!]* و به یقین، کسانی که پیش از آنان بودند (آیات الهی را) دروغ انگاشتند؛ پس (بین مجازات) انکار [من چگونه بود! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۶۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از نعمت‌ها و نشانه‌های خدا آن است که زمین را با وجود حرکت‌های متنوع، آرام قرار داد؛ یعنی زمین با این که حرکت وضعی و انتقالی و حرکت‌های متعدد دیگر دارد، همچون حیوانی رام حرکت می‌کند «۱» به طوری که موجودات روی زمین حرکت‌های آن را احساس نمی‌کنند، و حتی تا قرن‌ها کسی باور نمی‌کرد که زمین در حال حرکت است تا این که با دلایل متعدد این مطلب اثبات شد. جمال خویشتن را جلوه دادند به یک جلوه دو عالم رام کردند (فخرالدین عراقی) ۲. این آیه انسان‌ها را دعوت می‌کند که در زمین گام نهند و از روزی‌های آن بخورند، این مطلب اشاره به آن است که باید تلاش و حرکت کنید تا روزی به دست آورید، و گرنه کسی با تنبلی و سکون به جایی نمی‌رسد. بی‌رنج، زین پیاله کس می‌نمی‌خورد بی‌دود، زین تنور به کس نان نمی‌دهند (پروین اعتصامی) ۳. مبدأ و آغاز حرکت انسان از خدا، و بستر حرکت او زمین و تلاش در آن، و نهایت و فرجام حرکت انسان به سوی خداست؛ یعنی انسان نباید فراموش کند که مسافری است که بین مبدأ و معاد جهان قرار دارد و نباید زمین و مادیات را محل نهایی و هدف خود بیندارد، بلکه او یک مقصد دارد که همان رستاخیز و رفتن به سوی خداست. ۴. یکی از روش‌های تربیتی قرآن استفاده از تشویق و هشدار در کنار هم دیگر است؛ گاهی انسان را به نعمت‌های الهی و معرفت نشانه‌های او فرا می‌خواند و گاهی در مورد خشم خدا و بلاهای آسمانی هشدار می‌دهد، تا انسان در حالت تعادل روحی قرار گیرد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۶۲ ۵. در این آیات به کافران تکذیب‌گر آیات الهی هشدار داده شده که

ممکن است کسانی که در آسمان هستند، بلاهایی هم چون زمین لرزه‌های شدید ایجاد کنند، به طوری که زمین دهان باز کند و شهرها و روستاهای شما را در کام خود فرو برد و از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر ببرد (۱) و یا این که شن بادهای سنگین و کشنده ایجاد کند که شما را در کام مرگ فرو برد. البته تهدید به این زمین لرزه‌ها و شن بادهای مرگ آفرین برای کسانی که در کمر بند زمین لرزه‌ها و در بیابان‌های توفان‌زا قرار دارند بهتر قابل درک است. ۶. واژه‌ی آسمان به معنای جهت بالا و جو زمین، مکان ستارگان و آسمان معنویت (یعنی مراتب بالای وجود) می‌آید؛ در این جا نمی‌تواند به معنای جو زمین یا محل ستارگان باشد، چون خدا جسم نیست که در مکان آسمان باشد. پس مقصود از کسانی که در آسمان‌ها هستند، یا فرشتگان و مأموران الهی‌اند و یا ذات پاک خداست که در آسمان معنوی، یعنی در مقام بالا-تر وجودی قرار دارد و جهان را تدبیر می‌کند. ۷. در این آیات به سرنوشت عذاب‌آلود اقوام گذشته، هم چون قوم عاد و ثمود اشاره شده است که برخی با زلزله‌های ویرانگر و برخی با صاعقه‌ها و تند بادهای مجازات، و عبرتی برای آیندگان شدند. هان ای دل عبرت بین از دیده عبر هان ایوان مداین را آینه‌ی عبرت دان (خاقانی) این وقایع نشان می‌دهد که خدا می‌تواند با اشاره‌ای به حرکت باد یا زمین، کافران را به کام مرگ فرو برد، پس سرکشی و کفر و شرک را تا کجا ادامه می‌دهند. ای جسم سیاه مومیایی کو آن همه عجب و خود نمایی (پروین اعتصامی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آرامش زمین دقت کنید و خداشناس شوید. ۲. با تلاش از مواهب الهی زمین استفاده کنید (و به یاد خدا و معاد باشید). ۳. مبدأ و مسیر و مقصد خود را بشناسید. ۴. در مسیر الهی قرار بگیرید که فرجام شما فقط به سوی خداست. ۵. خود را از عذاب آسمانی محفوظ و ایمن ندانید. ۶. اگر خدا بخواهد، همین آرامش زمین به لرزه و شن باد تبدیل می‌شود و شما را نابود می‌کند. ۷. با مطالعه در مورد سرنوشت عذاب‌آلود اقوام سرکش تاریخ، عبرت بیاموزید. *** قرآن کریم در آیات نوزدهم تا بیست و یکم سوره‌ی ملک با اشاره به نشانه‌ی خدا در پرواز پرندگان، به ناتوانی غیر خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹-۲۱. أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ * أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ * أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ و آیا نظر نکرده‌اند به پرندگانی که بر فرازشان هستند در حالی که بال گشوده‌اند و می‌بندند؟! که جز (خدای) گسترده‌مهر آنها را نگاه نمی‌دارد، (چرا) که او به هر چیزی بیناست. * بلکه آیا این چه کسی است که او لشکری برای شماست که، غیر از (خدای) گسترده‌مهر، شما را یاری می‌کند؟! کافران جز در فریب (خوردگی) نیستند. * بلکه آیا این چه کسی است که اگر (خدا) روزی‌اش را نگاه دارد، به شما روزی می‌دهد؟! بلکه (کافران)، در [حال سرکشی و نفرت، لجاجت کردند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۶۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از نشانه‌های قدرت و تدبیر الهی در پرواز پرندگان دیده می‌شود؛ پرندگانی که بر خلاف نیروی جاذبه از زمین برمی‌خیزند و بر فراز آسمان ساعت‌ها حرکت می‌کنند؛ گاهی بال می‌گسترانند و گاهی بال‌های خود را جمع می‌کنند و بدون این که هیچ مشکلی داشته باشند تا صدها کیلو متر پرواز می‌کنند، در حالی است که کسی به آنها پرواز کردن را آموزش نداده است. این پروازهای شگفت‌انگیز نشانه‌ای از قدرت و تدبیر الهی در آفرینش آنها و قوانین حاکم بر طبیعت است. خدا آنها را این گونه آفریده است و بر فراز هوا نگاه می‌دارد. ۲. پرندگان در پرواز چند گونه‌اند: برخی بیش‌تر اوقات بال می‌گسترانند و برخی هنگامی که سرعت گرفتند بال خود را می‌بندند و شیرجه می‌روند و برخی هم بال می‌زنند و هم بال می‌گسترانند. تعبیرات آیه‌ی فوق ممکن است به هر دسته از این پرندگان و یا اشاره به حالات مختلف یک پرنده اشاره داشته باشد. ۳. از معبودان، بت‌ها و دوستان و وسایل کافران، «۱» در برابر قدرت خدا کاری ساخته نیست. همه‌ی موجودات، وجود و نیروی خود را از خدا می‌گیرند؛ پس اگر خدا نیروی آنان را سلب کند، دیگر کاری از آنها ساخته نیست و بر فرض که بتوانند کاری انجام دهند، قدرت آنها در برابر قدرت بی‌نهایت خدا بسیار ناچیز است. ما به دریا حکم توفان می‌دهیم ما به سیل و موج فرمان می‌دهیم ناخدایان را کیاست اندکی است ناخدای کشتی امکان یکی است (پروین اعتصامی) ۴. روزی همه در دست خداست و اگر او غذا در اختیار انسان نگذارد و گیاهان زمین رویش نکند یا خشک‌سالی و

آفات نباتی آنها را نابود سازد یا روزی‌های معنوی قطع شود، هیچ کس نمی‌تواند به یاری انسان بشتابد، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۶۵ چون همه هر چه دارند از خدا دارند و اگر خدا مانع امداد رسانی و غذارسانی آنان شود نمی‌تواند کاری کنند. ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش (جامی) ۵. برخی از عوامل انحراف کافران که مانع درک حقایق و موجب گمراهی آنها شده است، عبارت‌اند از: الف) غرور و غفلت کافران؛ ب) سرکشی و طغیان کافران؛ ج) حق‌گریزی؛ د) لجاجت بر این صفات زشت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در پرواز پرندگان خداشناس شوید. ۲. پرواز پرندگان جلوه‌ای از رحمت و بینش خداست. ۳. غیر از خدای رحمان امداد رسانی ندارید (پس به دنبال غیر خدا نباشید). ۴. روزی شما در اختیار خداست (پس به سوی او توجه کنید). ۵. همه‌ی موجودات غیر از خدا در برابر او ناتوان هستند. ۶. غرور، سرکشی، حق‌گریزی و لجاجت از عوامل انحراف (و مانع درک حقایق) اند. *** قرآن کریم در آیات بیست و دوم تا بیست و چهارم سوره‌ی ملک، با مقایسه‌ی گمراهان و راست قامتان هدایت یافته، به نشانه‌های خدا و عوامل هدایت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲-۲۴. أَفَمَنْ يَمْشِي مُكْبِرًا عَلٰى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ * قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۶۶ و آیا کسی که افتاده بر صورتش راه می‌رود ره‌یافته‌تر است، یا کسی که درست (قامت)، بر راه راست راه می‌رود؟! * بگو: «او کسی است که شما را پدید آورد و برای شما شنوائی و دیدگان و دل‌ها (ی سوزان) قرار داد؛ چه اندک سپاس‌گزاری می‌کنید!» * بگو: «او کسی است که شما را در زمین آفرید؛ و فقط به سوی او گردآوری می‌شوید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از روش‌های تربیتی قرآن، استفاده از مثال‌های جالب و نیز روش مقایسه است که در این آیه از هر دو روش استفاده شده است، تا وضعیت گمراهان و هدایت یافتگان را در برابر هم به تصویر بکشد و مردم بهتر بتوانند راه خود را انتخاب کنند. ۲. گمراهان همانند کسانی هستند که در جاده به رو افتاده‌اند و در همان حال سینه‌خیز حرکت می‌کنند؛ «۱» روشن است که چنین افرادی نه راه را درست می‌بینند، نه از موانع راه باخبرند و نه قادر به کنترل خود هستند؛ آنان پس از مدتی راه را گم می‌کنند و یا درمانده می‌شوند. اما هدایت یافتگان هم چون انسان‌های راست قامتی هستند که در جاده‌ای مستقیم و هموار در حرکت‌اند و به خوبی راه و موانع آن را می‌بینند و به سوی هدف پیش می‌روند. آری؛ وضعیت مؤمنان و کافران در دنیا و آخرت این‌گونه است و آثار این دو نوع راه رفتن نیز روشن است؛ کافرانی که بر اثر هوا پرستی به زمین چسبیده‌اند و هدف و موانع راه را نمی‌بینند با مؤمنانی که در پرتو نور ایمان مسیر خود را می‌بینند و به سوی هدف الهی در حرکت‌اند مساوی نیستند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۶۷ راست کن اجزات را از راستان سرمکش ای راست رو زآن آستان هر که با ناراستان هم‌سنگ شد در کمین افتاد و عقلش دنگ شد «۱» ۳. در این آیات به دو نشانه‌ی خدا اشاره شده است: الف) او انسان را پدید آورد و چشم و گوش و دل به او عطا کرد. ب) او انسان‌ها را خلق کرد و در زمین منتشر ساخت و مقصد و بازگشت آنها را به سوی خود قرار داد. یعنی تفکر و توجه به آفرینش انسان و اعضای او و هدف و مقصد حرکتش، انسان را با خدا آشناتر می‌کند و قدرت و علم او را به انسان نشان می‌دهد. اوست کو آن کس که کرد ایجادتان داد گوش و چشم و دل زامدادتان تا شماها بشنوید و بنگرید بر حقایق بر دقایق پی برید ۴. در این آیات به پنج ویژگی اساسی حرکت تکاملی انسان اشاره شده است: الف) مبدأ پیدایش انسان و آغاز حرکت او، که خداست. ب) وسایل و ابزار هدایت، که چشم و گوش و دل است. ج) مقصد و هدف نهایی انسان، که به سوی خدا رفتن است. د) شیوه‌ی رفتن، که به صورت ایستاده و یا به رو افتاده است. ه) مسیر انسان، که یا راه مستقیم است و به سوی سعادت و خدا می‌رود و یا راه غیر مستقیم که به سوی گمراهی می‌رود. ۵. در این آیات بیان شده که مردم مدت کمی در برابر نعمت‌های الهی سپاس‌گزاری می‌کنند و یا این که مردم در برابر نعمت آفرینش کم‌تر تشکر می‌کنند، در حالی که خدا به وسیله‌ی آفرینش چشم و گوش و دل، این همه علوم تجربی، عقلی، نقلی و شهودی را در اختیار بشر قرار داده است که مستلزم سپاس بسیار است. شکر نعمت لیک گوید اندکی از هزاران یا یکی یا بر یکی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص:

۱۶۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ارزش گمراهان، با راست قامتان جاده‌ی توحید یکسان نیست. ۲. سرو قامت و راست رو باشید (تا حقایق را ببینید و هدایت شوید و به هدف برسید). ۳. با مطالعه در آفرینش خود و چشم و گوش و دلتان، خدا شناس شوید. ۴. در برابر نعمت‌های هدایتگر الهی بسیار سپاس گزار باشید. ۵. با مطالعه در مبدأ آفرینش و مقصد نهایی انسان، خدا شناس شوید. ۶. حرکت تکاملی انسان از اویی و به سوی اویی است. *** قرآن کریم در آیات بیست و پنجم تا بیست و هفتم سوره‌ی مُلک به بهانه تراشی کافران در مورد معاد پاسخ می‌دهد و آگاهی از ساعت رستاخیز را مخصوص خدا اعلام می‌کند و می‌فرماید: ۲۵-۲۷. وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ * فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهٖ تَدَّعُونَ و (کافران) می‌گویند: «اگر راست گویند، این وعده (ی قیامت) چه وقت است؟!» * بگو: «علم (آن) تنها نزد خداست؛ و من فقط هشدارگری روشن‌گرم.» * و هنگامی که آن (وعده الهی) را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کفر ورزیدند ناراحت شود، و (به آنان) گفته شود: «این چیزی است که آن را فرامی‌خواندید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وعده‌ای که به کافران داده شده بود و در مورد آن بهانه تراشی می‌کردند، همان وعده‌ی رستاخیز و عذاب‌های آن روز و یا وعده‌ی عذاب‌های دنیوی هم‌چون صاعقه و زلزله‌های عظیم بود. البته مانعی ندارد که مقصود آیه هر دو معنا باشد، اما معنای اول مناسب‌تر و با آیات قبل و بعد سازگارتر است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۶۹. ۲. در آیات متعدد قرآن اشاره شده «۱» که علم به ساعت رستاخیز مخصوص خداست و هیچ کس غیر از او از آن آگاه نیست، البته مخفی بودن تاریخ وقوع رستاخیز، فواید تربیتی دارد. اگر زمان وقوع رستاخیز روشن می‌شد بسیار دور است، عده‌ی زیادی از مردم غافل می‌شدند و اگر فاصله کم بود، حالتی شبیه اضطراب پیدا می‌شد و هدف‌های تربیتی ناکام می‌ماند. ۳. در این آیات و آیات دیگر قرآن اشاره شده «۲» که کافران پیوسته تقاضای وقوع رستاخیز و عذاب الهی را می‌کردند و در این مورد شتاب می‌ورزیدند و گاهی ریشخند می‌کردند، ولی هنگامی که رستاخیز واقع می‌شود چهره‌های کافران زشت می‌گردد و آثار غم و ترس در آنها ظاهر می‌شود، چون فرجام خوشی در انتظار آنان نیست. ۴. در برخی احادیث شیعه و اهل سنت روایت شده: هنگامی که کافران مقامات امام علی علیه السلام را نزد خدا مشاهده می‌کنند، صورت‌های آنان (از شدت خشم) سیاه می‌شود. «۳» البته این احادیث به نوعی، آیه را بر برجسته‌ترین مصداقش تطبیق کرده است و گرنه معنای آیه منحصر در این معنا نیست. ۵. این آیه وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را فقط هشدارگری و روشن‌گری معرفی می‌کند، با این که می‌دانیم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و رهبران و مبلغان دینی وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی و دینی دیگری نیز داشته‌اند؛ بنابراین روشن می‌شود که حصر آیه اضافی و نسبی است، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به کافران در آن شرایط همین دو وظیفه را داشته نه وظیفه‌ی اعلام زمان رستاخیز یا اجبار کافران بر ایمان. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران نسبت به معاد بهانه تراشی می‌کنند و تاریخ وقوع آن را می‌خواهند. ۲. علم به تاریخ رستاخیز در اختیار غیر خدا نیست. ۳. وظیفه‌ی رهبران و مبلغان دینی هشدارگری و روشن‌گری است. ۴. فرجامی عذاب‌آلود در انتظار کافران است. ۵. رستاخیز خواهد آمد و کافران سیاه روی خواهند شد. *** قرآن کریم در آیات بیست و هشتم تا سی‌ام سوره‌ی مُلک به بی‌پناهی، گمراهی و ناتوانی کافران، و عدم تأثیر فوت پیامبر در سرنوشت آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۸-۳۰. قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِی اللَّهُ وَمَنْ مَعِیَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ یُجِزِ الْکَافِرِیْنَ مِنْ عَذَابِ أَلِیمٍ * قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّا بِهِ وَعَلِیْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَیَتَعَلَّمُونَ مَنْ هُوَ فِی ضَلَالٍ مُّبِیْنٍ * قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مِأْوُؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ یَأْتِیْکُمْ بِمِآءٍ مَّعِینٍ * بگو: «آیا به نظر شما، اگر خدا من و کسانی را که با من هستند هلاک کند، یا بر ما رحم کند، پس چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می‌دهد؟!» * بگو: «او (خدا) گسترده‌مهر است، به او ایمان آوردیم و فقط بر او توکل کردیم؛ پس به زودی خواهید شناخت کسی را که او در گمراهی آشکار است.» * بگو: «آیا به نظر شما، اگر آب (سرزمین) شما [در زمین فرو رود، پس چه کسی آب روانی برای شما می‌آورد؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در برخی روایات تاریخی آمده است که کافران مکه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان نفرین می‌کردند و تقاضای مرگ او را

داشتند، چون می‌پنداشتند که اگر آن حضرت از دنیا برود بساط اسلام بر چیده می‌شود. اما آیه‌ی فوق به این‌گونه پندارها قاطعانه پاسخ داد که مرگ و زندگی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۱ پیامبر صلی الله علیه و آله در فرجام عذاب آلود کافران تأثیری نخواهد داشت «۱» و سرانجام اسلام بر همه‌ی جهان پیروز خواهد شد. آری: «گر بمیرد مصطفی هرگز نمیرد نام حق». ۲. تنها پناهگاه جهانیان خداست که باید به او ایمان آوریم و بر او تکیه و توکل نماییم؛ او رحمان است و رحمتش بر تمام موجودات سایه افکنده و همه از فیض وجود و نعمت‌هایش استفاده می‌کنند. ۳. این آیات از طرفی نوعی دلداری به پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان است که بدانند در مبارزه‌ی حق و باطل تنها نیستند و خدا با آنهاست و در نهایت پیروز می‌شوند و از طرف دیگر هشدار به کافران است که منتظر مرگ پیامبر یا مسلمانان نباشند؛ چون این مطلب تأثیری در فرجام عذاب آلود آنان ندارد. ۴. کافران افرادی ناتوانند که اگر اراده‌ی خدا مانع آب‌رسانی به آنها شود، حتی نمی‌توانند آب آشامیدنی خود را تأمین سازند؛ آنان گمراه هستند و عذاب دردناکی در انتظار آنهاست. ۵. پوسته‌ی زمین دارای دو قشر نفوذپذیر و نفوذناپذیر است که آب‌های سطحی و باران‌ها از قشر نفوذپذیر عبور می‌کنند و در سفره‌های آب زیر زمینی می‌مانند سپس انسان‌ها با حفر چاه آنها را استخراج می‌کنند و مورد استفاده قرار می‌دهند. اما اگر اراده‌ی الهی چنین نبود و قشر نفوذناپذیری در زمین به وجود نمی‌آمد، همه‌ی آبها به عمق زمین می‌رفت و هیچ آبی در سطح زمین جاری نمی‌شد و حیات انسان و موجودات زنده به خطر می‌افتاد. آری؛ دست‌رسی به آب یکی از نعمت‌های الهی و از مظاهر رحمت اوست. ۶. از امام باقر علیه السلام روایت شده که مقصود از آیه (آیه‌ی آخر سوره‌ی ملک)، امام عصر (عج) است که می‌گوید: اگر آن امام از شما پنهان شود، نمی‌دانید کجاست. پس تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۲ چه کسی برای شما امامی می‌فرستد که اخبار جهان و حلال و حرام الهی را برای شما بیان کند، ولی به خدا سوگند تأویل این آیه هنوز نیامده است و سرانجام خواهد آمد. «۱» البته در برخی دیگر از احادیث نیز آب جاری در آیه به معنای علم امام علیه السلام تأویل شده است. البته این‌گونه احادیث تأویل و باطن آیه را بیان می‌کنند؛ یعنی معنای آب را به مادی و معنوی گسترش می‌دهد و اشاره می‌کند که همان‌طور که آب مادی مایه‌ی حیات موجودات است آب معنوی نیز مایه‌ی حیات علمی و معنوی انسان‌هاست. از این رو وجود امام و علم او آب معنوی بشر است. البته بیان تأویل و باطن آیه در روایات به معنای نفی معنای ظاهری آیه نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام منتظر مرگ رهبر اسلام نباشند که در سرنوشت عذاب آلود آنان تأثیری ندارد. ۲. ایمان به خدای رحمان و تکیه بر او انسان را از گمراهی آشکار نجات می‌دهد. ۳. گذر زمان حقایق را روشن و گمراهی کافران را آشکار می‌سازد. ۴. انسان در برابر خدا ناتوان است به طوری که اگر اراده‌ی خدا نباشد، او حتی نمی‌تواند آب آشامیدنی خود را تأمین کند. ۵. کافران افرادی گمراه و در برابر خدا ناتوان و بی‌پناه هستند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۳ بخش هفتم: سوره‌ی قلم دفاع از قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله صفات و اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله و دشمنان او یادداشت قلم و نوشتار تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۵

بخش هفتم: سوره‌ی قلم

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «قلم» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۵۲ آیه، ۳۰۰ کلمه و ۱۲۵۶ حرف است. این سوره دومین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «علق» و قبل از سوره‌ی «مزل») و شصت و هشتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «قلم» و «ن والقلم». این نام‌ها از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده‌اند و «ن» از حروف مقطعه

است و خدا در این آیه به قلم سوگند یاد کرده است.

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی «قلم» را در نماز واجب یا مستحبی بخواند ... خدا او را بعد از مرگ از فشار قبر نجات می‌دهد. «۱» البته این گونه آثار سوره، مشروط به شرایطی، از جمله عمل به محتوای آن است.

ویژگی

ویژگی: آیه‌ی معروف «وان یکاد» در این سوره واقع شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۶

اهداف

اهداف: اساسی‌ترین هدف این سوره عبارت است از: دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن و هشدار به مشرکان.

مطالب

مطالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: یادآوری رستاخیز و عذاب کافران و نعمت‌های بهشت (در آیات ۳۳ و ۳۴). ب) اخلاق: ۱. بیان صفات و اخلاق برجسته‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۳)؛ ۲. بیان صفات و اخلاق زشت دشمنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیات ۸-۱۴)؛ ۳. دستور صبر و استقامت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۴۸). ج) داستان‌ها: داستان باغ‌دارانی که میوه‌های خود را بامدادان مخفیانه چیدند تا به بینوایان ندهند و دچار عذاب شدند (در آیات ۱۷-۳۲). د) مطالب فرعی: ۱. بزرگ‌داشتِ قلم با سوگند به آن (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. تهدید مشرکان (در آیات ۳۳، ۴۴ و ۴۵)؛ ۳. بیان قانون مهلت دادن و استدراج کافران (در آیات ۴۴ و ۴۵)؛ ۴. دفاع از قرآن کریم و پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیات ۲-۱۵).
*** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی قلم قرآن کریم در آیات اول تا هفتم سوره‌ی قلم به عظمت قلم و نوشتار و اخلاق برجسته‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و با هشدار به مخالفان او می‌فرماید: ۱-۷. ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ * مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ * وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ * وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ * فَسُبْحٰنَ رَبِّيَٓ ذَٰلِكَ وَبِیٓضَةِ رُؤۡسِیٓ * بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ * إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ * نون. سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند! * که تو نسبت به نعمت پروردگارت دیوانه نیستی، * و قطعاً، برای تو پاداشی بی‌پایان است؛ * و مسلماً تو بر شیوه‌ی (اخلاقی) بزرگوارانه‌ای هستی؛ * پس به زودی می‌بینی و می‌بینند، * که کدام یک از شما (دیوانه‌ی) فریب خورده‌اید! * به راستی که پروردگارت، خود، به کسی که از راهش گمراه گشته دانایتر است؛ و (هم‌چنین) او به (حال) ره‌یافتگان دانایتر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سوره‌ی قلم تنها سوره‌ای است که با حرف مقطعه‌ی «ن» شروع شده است. ما در اول سوره‌های بقره، آل عمران و بسیاری از سوره‌های دیگر قرآن یادآور شدیم که حروف مقطعه‌ی اول سوره‌های قرآن اسراری بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و یا اشاره به نام‌های خدا هستند؛ (مثلاً «ن» را اشاره به «رحمان» دانسته‌اند) و یا اشاره به آن که قرآن از همین حروف الفبای معمولی ساخته شده است، ولی کسی نمی‌تواند همانند آن را بیاورد و همین دلیل اعجاز آن است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۸ برخی از مفسران نیز فرموده‌اند که «نون» به معنای دوات می‌آید که بی‌مناسبت با قلم و

نوشته‌هایش نیست. «۱» ۲. در این آیات به قلم و نوشته‌هایش سوگند یاد شده است «۲» که نشان دهنده‌ی اهمیت قلم و نوشته نزد خدای متعال و نیز نوعی جلب توجه انسان به نقش قلم و کتاب در سرنوشت بشریت است. قلم‌زن نکودار و شمشیرزن نه مطرب که مردی نیاید زرّن (سعدی) و قلم و نوشتار در این آیه شامل همه‌ی قلم‌ها و نوشته‌های الهی و بشری می‌شوند. ۳. قلم و نوشتار و کتاب و پیدایش خط، دوران تاریخ انسان را شکل داد و فصل جدیدی در زندگی انسان گشود و موجب پیدایش تمدن‌ها و پیشرفت علوم و بیداری فکر انسان و مایه‌ی هدایت و آگاهی بشر شد. ۴. در برخی احادیث شیعه و اهل سنت روایت شده که «اولین چیزی که خدا آفرید، قلم بود». «۳» هرچند این حدیث اشاره به قلم تقدیر است، اما اهمیت نقش قلم را نشان می‌دهد. ۵. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خود چیزی نمی‌نوشت تا مبادا شبهه‌ای در مورد اعجاز قرآن پیش آید و در محیط جزیره‌ی العرب زندگی می‌کرد که تعداد افراد با سواد آن به بیست نفر نمی‌رسید، اما قرآنی را برای بشریت به ارمغان آورد که با واژه‌ی «بخوان» شروع شد «۴» و به قلم و نوشتار سوگند یاد می‌کرد و از این رو مبدأ پیدایش تمدنی عظیم در جهان شد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۹. ۶. در احادیث متعددی از پیشوایان اسلام روایت شده که به یاران خود تأکید می‌کردند به حافظه بسنده نکنند و احادیث و علوم را بنویسند و برای آیندگان به یادگار بگذارند. «۱» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که سه صدا حجاب‌ها را پاره می‌کند و به پیشگاه الهی منتهی می‌شود: صدای گردش قلم‌های دانشمندان، صدای گام‌های مجاهدان و صدای چرخ ریسندگی زنان پاک‌دامن. «۲» در این حدیث پرمعنا بر سه عنصر محوری قلم، جهاد و اقتصاد تأکید شده ولی نقش علم و قلم قبل از همه بیان شده است. ۷. مخالفان اسلام به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تهمت جنون می‌زدند، در حالی که خدا به آن حضرت نعمت‌های فراوان، هم‌چون عقل، درایت، امانت، راستی، علم، نبوت، عصمت و اخلاق برجسته عطا کرده بود. آنان این حقایق را نمی‌دیدند، از این رو به آنها هشدار می‌دهد که به زودی خواهید دید که چه کسی فتنه زده و جن زده و دیوانه است. آری؛ آیندگان تعالیم عالی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و عقاید خرافی و شرک‌آلود مشرکان را خواهند دید و داوری خواهند کرد که عاقل و دیوانه‌ی واقعی کیست. پیدا شود که مرد کدام است و زن کدام در تنگنای حلقه‌ی مردان به روز جنگ (سعدی) ۸. در برخی احادیث آمده است هنگامی که قریش دیدند پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را بر دیگران مقدم شمرد، به سرزنش علی علیه السلام پرداختند و گفتند: محمد فتنه‌زده و دیوانه‌ی او شده است، از این رو آیات فوق فرود آمد و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۰ تهمت جنون را از پیامبر صلی الله علیه و آله دفع کرد. «۱» البته روشن است که شأن نزول آیه موجب انحصار معنا در یک مورد نمی‌شود، بلکه مشرکان بارها تهمت جنون به پیامبر صلی الله علیه و آله زدند و قرآن به همه‌ی آنها پاسخ داد. ۹. واژه‌ی «خُلِقَ» از ماده‌ی «خلقت» و به معنای صفاتی است که از انسان جدا نمی‌شود و هم‌چون آفرینش انسان در درون او آفریده شده است. اگر انسان با برخی حالات و صفات همراه شود و تمرین کند، کم‌کم در جانش جای می‌گیرد و خُلُق او می‌شود و روح و باطن او را شکل می‌دهد. ۱۰. در این آیات به اخلاق برجسته‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است؛ اخلاقی که برخی آن را معجزه‌ی اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله نامیده‌اند؛ اخلاقی که در برخوردهای فردی و اجتماعی پیامبر صلی الله علیه و آله ظاهر می‌شد؛ هم‌چون عفو عمومی مکیان پس از فتح مکه و بعد از آن همه آزار نسبت به آن حضرت و مسلمانان. ۱۱. از امام علی علیه السلام روایت شده که ویژگی‌های اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بود: همیشه خوش‌رو و ملایم بود، هرگز خشن، سنگ‌دل، پرخاشگر، بدزبان، عیب‌جو و مدیحه‌گر نبود؛ هیچ کس از او مأیوس نمی‌شد و هر کس به در خانه‌اش می‌آمد مأیوس باز نمی‌گشت؛ سه چیز را از خود رها کرده بود: مجادله در سخن، پرگویی و دخالت در کاری که به او مربوط نبود، و سه چیز را در مورد مردم رها کرده بود: کسی را سرزنش نمی‌کرد، از لغزش‌ها و عیوب پنهانی مردم جست‌وجو نمی‌کرد ... هرگاه فرد ناآشنا و ناآگاه با او تندی می‌کرد و درخواستی می‌نمود تحمل می‌کرد و ... و هرگز سخن کسی را قطع نمی‌کرد تا سخنش پایان گیرد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۱. ۱۲. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که من برای تکمیل کردن فضایل و کرامت‌های اخلاق

برانگیخته شده‌ام. «۱» نیز از آن حضرت روایت شده است که هیچ چیز در میزان عمل سنگین‌تر از حُسن خُلق نیست. «۲» و این که محبوب‌ترین شما نزد خدا کسی است که اخلاقش از همه بهتر است، کسانی که فروتن هستند و با دیگران انس می‌گیرند و دیگران نیز با آنان انس می‌گیرند. من ندیدم در جهانِ جست‌وجو هیچ اهلیت به از خُلقِ نکو (مولوی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن با حروف الفبای معمولی ساخته شده (اگر می‌توانید مانند آن را بیاورید). ۲. قلم و نوشتار اهمیت فراوانی دارد (به نقش آن توجه کنید). ۳. رهبر اسلام در معرض تهمت مخالفان است (از او دفاع کنید). ۴. خدا از رهبر اسلام دفاع می‌کند و به او پاداش می‌دهد. ۵. حقایق به زودی روشن می‌شود و مخالفان اسلام نیز آن را می‌بینند (و نمی‌توانند انکارش کنند). ۶. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اخلاق برجسته‌ای دارد (پس اخلاق او را بیاموزید و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۲ سرمشق خود قرار دهید). *** قرآن کریم در آیات هشتم تا شانزدهم سوره‌ی قلم با اشاره به صفات زشت مخالفان اسلام و تکذیب‌گری و تهمت آنان نسبت به قرآن، به پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد تسامح در برابر آنان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۸-۱۶. فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ * وَدُوا لَوْ تَدَّهِنُ فَيُدْهِنُونَ * وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ * هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بَنَمِيمٍ * مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَئِيمٍ * عَتَلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ * أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينٍ * إِذَا تَنَلَّى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ * سَنَسِفُهُ عَلَى الْحَزْطُومِ *، از تکذیب‌کنندگان اطاعت مکن. * (آنان) سستی کردن تو را و سستی کردن خود را آرزو می‌کنند. * و اطاعت مکن از هر بسیار سوگند یادکننده‌ی خوارشده، * بسیار عیب‌جویی که به سخن‌چینی فراوان گام برمی‌دارد، * بسیار بازدارنده از نیکی، تجاوزگر گنه‌پیشه، * پرخور سخت‌دل، که بعد از این (همه) بی‌تبار است. * (این‌ها به خاطر آن است) که دارای ثروت و پسران است! * هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، می‌گوید: « (این‌ها) افسانه‌های پیشینیان است. » * به زودی بر بینی او داغ می‌نهم! شأن نزول: حکایت کرده‌اند که گروهی از رؤسای مشرکان مکه، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به پیروی از آیین نیاکان و شرک دعوت کردند و ولید بن مغیره اموال عظیمی به پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد کرد و سوگند یاد کرد که اگر از آیین خود دست بردارد آن اموال را به او خواهد داد، ولی آیات فوق فرود آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله را از پیروی آنان منع کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات چند ویژگی منفی برای مخالفان اسلام بیان شده است: الف) تکذیب‌گر (قرآن و نبوت) هستند؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۳ ب) خواستار تساهل و تسامح رهبر اسلام هستند؛ ج) بسیار سوگند یاد می‌کنند؛ د) افرادی پست هستند؛ ه) عیب‌جو هستند (و به جای آن که اشکالات خود را ببینند، اشکالات مردم را می‌بینند)؛ و) سخن‌چین هستند (و در جامعه تفرقه‌افکنی می‌کنند)؛ ز) نه تنها اهل کار نیک نیستند، بلکه در بسیاری از موارد از کارهای نیک جلوگیری می‌کنند؛ ح) تجاوزگرند و به حقوق دیگران تعرض می‌کنند؛ ط) گناهکارند؛ ی) پرخور و کینه‌توز و خشن هستند؛ ک) بدنام و بی‌اصل و نسب‌اند؛ ل) آنان دارای ثروت و پسران متعدد هستند (از این رو گرفتار غفلت و غرور شده‌اند)؛ م) در برابر قرآن موضع‌گیری می‌کنند و آیات آن را افسانه می‌خوانند. ۲. مخالفان خواستار نرمش، تسامح و تساهل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بودند بدین معنا که ایشان از بخشی از دستورات دین اسلام صرف نظر کنند تا آنها نیز نرمش نشان دهند «۱» ولی قرآن کریم این نقشه و توطئه‌ی مخالفان را افشا کرد و به پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آن هشدار داد که تسامح و تساهل نکند. آری؛ مردان حق همیشه بر اصول ثابت خویش ایستاده‌اند و حاضر نمی‌شوند بر سر اصول و عقیده‌ی خود معامله کنند. ۳. هر چند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هیچ‌گاه از مشرکان پیروی نمی‌کرد ولی این آیات خطاب به ایشان آمده تا خط سیر اسلام و رهبر آن را برای دیگران روشن، و طمع‌ورزان را ناامید سازد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۴. ۴. سوگند خوردن بسیار از صفات مخالفان اسلام است؛ البته راست‌گویان نیازی به سوگند ندارند معمولاً افرادی که بسیار سوگند یاد می‌کنند دروغ‌گو هستند. ۵. پرخوری و کینه‌توزی و خشونت از صفات زشت مخالفان اسلام است؛ افرادی که فاقد اصالت هستند و اصل و نسب مشخصی ندارند. این‌گونه افراد همه چیز را به سوی خود می‌کشند و از هیچ کاری ابا ندارند؛ چون شخصیت و آبروی اجتماعی ندارند که برای آن بترسند. ۶. ثروت و فرزند بسیار، موجب غفلت و غرور افراد و سرچشمه‌ی بسیاری از صفات زشت

می‌گردد که در مورد مخالفان اسلام بیان شد. «۱» ۷. مخالفان نسبت به قرآن واکنش منفی و تهمت‌آمیز دارند؛ آنان قرآن را افسانه‌های پیشینیان معرفی می‌کنند، در حالی که برخی حقایق عالی قرآن در هیچ کتابی پیش از آن نیامده است و قرآن برخی خرافات و افسانه‌های پیشینیان را نیز ردّ و شکل صحیح آن را بیان می‌کند. علاوه بر آن، این تهمت مخالفان قرآن نوعی مغالطه است؛ زیرا تمام آنچه پیشینیان حکایت کرده‌اند منفی نیست؛ برخی حقایق و حیانی در دوره‌های مختلف تاریخ بشر نازل و حکایت شده است. ۸. مخالفان اسلام به عذاب خوار کننده و رسواگر دچار می‌شوند. قرآن کریم در مورد آنان تعبیری سرزنش‌آمیز به کار برده است و آنان را به فیلی تشبیه کرده که دارای خرطوم است و بر بینی اش داغ ننگ نهاده شده است. آری؛ کسانی که این صفات زشت را دارند از حوزه‌ی انسانیت خارج شده و هم‌چون حیوانی پست هستند و باید داغ عذاب را بچشند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۵ ۹. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که شریک‌ترین افراد کسی است که بسیار سخن چینی می‌کند و در میان دوستان تفرقه می‌افکند و به دنبال عیوب افراد پاک و بی‌گناه است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از مخالفان دین پیروی نکنید. ۲. در برابر مخالفان در مورد دین، تسامح و تساهل نکنید. ۳. سوگند فراوان، پستی، سخن چینی، عیب‌جویی، منع از کارهای نیک، تجاوزگری، گناهکاری، شکم‌بارگی و اصالت نداشتن، از صفات مخالفان اسلام است (پس شما از این امور بپرهیزید). ۴. گاهی کثرت مال و پسران سرچشمه‌ی (غفلت و غرور و) صفات ناپسند می‌شود. ۵. مخالفان دین، در برابر قرآن موضع‌گیری منفی دارند. ۶. عذابی خوارکننده در انتظار مخالفان اسلام است. *** قرآن کریم در آیات هفدهم تا بیست و پنجم سوره‌ی قلم به ماجرای عبرت‌آموز ثروتمندان صاحب باغ و تأثیر بخل‌ورزی آنان در نابودی باغ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷-۲۵. إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ * وَلَا يَسْتَشِينُونَ * فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ * فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ * فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ * أَنْ اْعُدُوا عَلَيَّ حَرْثَكُمْ * إِنَّ كُنْتُمْ صَارِمِينَ * فَاَنْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ * أَنْ لَّأَيِّدَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسِيكِينَ * وَاعْدُوا عَلَيَّ حَرْثًا قَادِرِينَ * تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۶ در حقیقت، ما آن (تکذیب‌گر) ان را آزمودیم، همان‌گونه که باغ‌داران را آزمایش کردیم، هنگامی که سوگند یاد کردند که آن (میوه‌های باغ) صبحگاهان حتماً بچینند. * و استثنا نکنند؛ * و (عذاب) چرخنده‌ای از جانب پروردگارت بر گرد آن (باغ) چرخید، در حالی که آنان خوابیده بودند. * و هم‌چون درختان قطع شده (و خاکستر شده) گردید. * و صبحگاهان یک‌دیگر را ندا دادند، * که اگر میوه‌چین هستید، به سوی کشتزارتان بامدادان بیرون روید. * و با شتاب رفتند، در حالی که آنان آهسته به یک‌دیگر می‌گفتند: * «که امروز، هیچ بینوایی در آن (باغ) بر شما هرگز وارد نشود.» * و بامدادان بیرون رفتند، در حالی که بر منع (بینویان مصمم و) توانا بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به سرنوشت ثروتمندان مغروری اشاره شده که صاحب باغی سرسبز و پر میوه در یمن یا جای دیگر بودند. «۱» مفسران حکایت کرده‌اند که این باغ در اختیار پیرمرد مؤمنی بود که هر سال به اندازه‌ی نیاز از آن برداشت می‌کرد و مابقی را به نیازمندان می‌داد و از این رو هر سال بینویان آن منطقه منتظر روز میوه‌چینی بودند، اما بعد از مرگ او فرزندانش تصمیم گرفتند که فقرا را محروم سازند و تمام محصول باغ را مخفیانه بچینند «۲» و حتی بر این کار سوگند یاد کردند. ولی شب هنگام که آنان در خواب بودند عذاب الهی فرود آمد و محصولات باغ را نابود کرد و صبح که آن پسران به باغ درآمدند متوجه آثار و فرجام بخل‌ورزی خود شدند و این جریان عبرتی برای همه‌ی ثروتمندان بخیل شد. بلاگردان جان و تن دعای مستمندان است که بیند خیر از آن خرمن که ننگ از خوشه‌چین دارد (حافظ) تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۷ ۲. صاحبان باغ «ان شاء الله» نگفتند و یا چیزی از محصولات باغ را برای بینویان استثنا نکردند و بخل ورزیدند و همین امر موجب نابودی محصولات باغ شد؛ یعنی به یاد خدا نبودن و بخل‌ورزی یکی از عوامل نابودی ثروت افراد است. «۱» ۳. صاحبان باغ آهسته با یک‌دیگر سخن می‌گفتند و صبح زود از خانه خارج شدند و مخفیانه به باغ رفتند تا میوه‌ها را بچینند. همه‌ی این‌ها نشانه‌ی بخل‌ورزی آنان بود؛ چون می‌خواستند فقیران از این کار با خبر نشوند و حتی به هم‌دیگر گفتند: امروز هیچ فقیری را به باغ راه ندهید. ۴. از این آیات روشن می‌شود که مصیبت و عذابی چرخان به گرد باغ

چرخید (۲) و آن را هم چون درختان بدون میوه به خاکستر تبدیل کرد و روز سبز باغ به شب تیره‌ای تبدیل شد. (۳) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ثروتمندان به وسیله‌ی فقرا آزمایش می‌شوند. ۲. باغ‌داران (و ثروتمندان) بخل‌ورزی نکنند که گرفتار عذاب خواهند شد. ۳. مقداری از اموال خود را برای نیازمندان جدا کنید. ۴. بخل‌ورزی یکی از عوامل نابودی ثروت‌هاست. ۵. برای محرومیت فقیران نقشه نکشید (که خدا نقشه و ثروت شما را نابود می‌سازد). ۶. از آزمایش و سرنوشت باغ‌داران فوق عبرت بیاموزید که شما هم در معرض آزمایش هستید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۸ قرآن کریم در آیات بیست و ششم تا سی و سوم سوره‌ی قلم به عذاب عبرت آموز صاحبان باغ و پشیمانی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶-۳۳. فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ* بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ* قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ* قَالُوا سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ* فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ* قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ* عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ* كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ و هنگامی که آن (باغ) را دیدند، گفتند: «قطعاً ما گم گشته‌ایم!» بلکه ما محروم شده‌ایم!» میان‌رورترین آنان گفت: «آیا به شما نگفته بودم که چرا تسییح نمی‌گویید؟!» گفتند: «منزه است پروردگار ما؛ در واقع ما ستمکار بودیم!» و برخی از آنان به برخی [دیگر] رو کرده، در حالی که یک‌دیگر را سرزنش می‌کردند؛ گفتند: «ای وای بر ما که ما طغیانگر بودیم!» امید است که پروردگارمان بهتر از آن برای ما جای‌گزين کند؛ [چرا] که ما فقط به سوی پروردگارمان مشتاقیم.» * عذاب (دنیا) این‌گونه است، و حتماً عذاب آخرت بزرگ‌تر است، اگر (بر فرض) می‌دانستند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین بیان شد که ثروتمندان صاحب باغ تصمیم گرفتند که صبح زود و مخفیانه به طرف باغ بروند و میوه‌های آن را بچینند تا بینوایان از این مطلب آگاه نشوند و چیزی به آنان ندهند، اما شب‌هنگام عذابی نازل شد و باغ آنان را نابود کرد. و در این آیات اشاره شده که صبح‌هنگام، زمانی که آنان به باغ خود رسیدند، ناگهان با صحنه‌ای عجیب روبه‌رو شدند به طوری که ابتدا فکر کردند این باغ سوخته‌ی بدون میوه باغ آنان نیست و راه را گم کرده و اشتباه آمده‌اند. (۱) تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۹ ولی با کمی دقت متوجه شدند که همان باغ آنهاست که نابود شده و خدا آنان را از محصولات آن محروم کرده است؛ از این رو به سرزنش یک‌دیگر پرداختند و پشیمان شدند. ۲. صاحبان باغ محروم شدند؛ هم از برکات مادی و میوه‌های باغ و هم از انفاق و بخشش به بینوایان و ثواب الهی. آری؛ کسانی که می‌خواستند بینوایان را محروم کنند، خودشان محروم شدند. ۳. از این آیات استفاده می‌شود که در میان صاحبان ثروتمند باغ، فردی میان‌سال یا میان‌رو بود که از نظر عقل و دانش در حد اعتدال بود. (۱) او برادران را از بخل‌ورزی منع، و به تسییح و شکر و انفاق سفارش می‌کرد و هنگامی که وضعیت بلا-زده‌ی باغ را دید، زبانش باز شد و گفت آیا من به شما نگفته بودم (و این وضعیت اسفبار را پیش بینی نکرده بودم). ۴. مقصود از سفارش به تسییح خدا در این جا آن است که چرا به یاد خدا نیستید و با انفاق، شکر نعمت‌های او را به جا نمی‌آورید. آری؛ ریشه‌ی اعمال نیک در معرفت خداست که یکی از موارد آن شناخت خدا به پاک‌ی و تنزیه او از نقایص است. ۵. از این آیات استفاده می‌شود که صاحبان باغ پس از آن که متوجه اشتباه خود شدند چند کار کردند: الف) خودشان را سرزنش کردند که چرا فقیران را محروم ساختند. ب) به گناه خود اعتراف کردند و خود را سرکش و ستمکار خواندند. ز غیر ننالیم که هم‌چو حباب همیشه خانه خراب هوای خویشتم (ج) به سوی خدا بازگشتند و حلّ مشکل خویش را از او خواستند. د) امید خود را به خدا از دست ندادند و حتی امیدوار بودند که خدا باغی بهتر در اختیار آنان بگذارد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۰ ۶. «طغیان» مرحله‌ای بالاتر از ظلم است؛ چون ستمکار ممکن است اصل قانون را بپذیرد، ولی بر اثر خواهش‌های نفسانی ستم کند؛ اما طغیانگر کسی است که زیربار قانون نمی‌رود و آن را به رسمیت نمی‌شناسد. البته ممکن است در این جا ظلم اشاره به ستم به خویشتم، و طغیان اشاره به ستم به دیگران باشد. ۷. افراد بخیل دو عذاب دارند: یکی عذاب دنیا که همان نابودی ثروت آنهاست و دوم عذاب آخرت که بزرگ‌تر است و برای آنان آماده شده است، ولی آنان از این حقایق آگاهی کافی ندارند. (۱) ۸. این آیات به عنوان یک سرگذشت تاریخی بیان شده است، اما در پایان آیه اشاره شده که این جریان یک سنت و قانون

اجتماعی الهی است که در مورد افراد مشابه نیز جریان می‌یابد؛ «۲» یعنی هرگاه ثروتمندان بخل پیشه سازند و انحصارطلبی کنند، زمینه‌ی نابودی خود را فراهم می‌کنند و آه محرومان هم چون صاعقه‌ی سوزانی، ثروت آنان را نابود می‌کند. آری؛ این ماجرا هشداری برای مستکبران ثروتمند و انحصارطلب و استثمارگر جهان امروز است، همان طور که هشداری برای مشرکان ثروتمند مکه بود. همان ای نهاده تیر جفا در کمان حکم اندیشه کن زناو ک دل دوز در کمین گر تیر تو ز جوشن فولاد بگذرد پیکان آه بگذرد از کوه آهنین (سعدی) ۹. بین گناه و قطع رزق انسان رابطه‌ای وجود دارد؛ از این رو از امام باقر علیه السلام روایت شده که انسان گناهی می‌کند و روزی‌اش قطع می‌شود (سپس حضرت آیات فوق را تلاوت کردند). «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۱ آری؛ ممنوع کردن بخشش به فقرا و محروم ساختن آنان موجب زیان رساندن به آنها می‌شود و از این رو گناهی نابخشودنی است که موجب نزول بلا- و قطع روزی خود انسان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس بینویان را محروم سازد، خودش (از ثروت) محروم می‌شود. ۲. به یاد خدا باشید و در راه او انفاق کنید تا گرفتار عذاب نشوید. ۳. به سخنان افراد معتدل خوب گوش فرا دهید تا محروم و بلازده نشوید. ۴. انحصارطلبی و محروم کردن بینویان از ثروت، ستمکاری و سرکشی است. ۵. انحصارطلبان ثروت، مستحق سرزنش‌اند. ۶. پس از گناهکاری به سوی خدا بازگردید و به او امیدوار باشید. ۷. اگر چیزی را خدا از شما گرفت توبه کنید و امیدوار باشید که بهتر از آن را خدا به شما بدهد. ۸. انحصارطلبان بخل‌ورز در دنیا و آخرت عذاب می‌شوند. ۹. بخل‌ورزی و انحصارطلبی گناهی است که موجب قطع روزی می‌شود. *** قرآن کریم در آیات سی و چهارم تا چهل و یکم سوره‌ی قلم با بیان فرجام نیکوی مسلمانان پارسا به عدم تساوی آنان با خلفاکاران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۴-۴۱. إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ * أَفْجَعِلُ الْمُشْرِكِينَ كَالْمُجْرِمِينَ * مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ * أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ * إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ * أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَهَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ * سَلِّهْمُ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ * أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۲ در حقیقت، فقط برای خودنگه‌داران، نزد پروردگارشان بوستان‌های پرنعمت (بهشت) است. * و آیا مسلمانان را هم چون خلفاکاران قرار می‌دهیم؟! * شما را چه شده؟! چگونه داوری می‌کنید؟! * بلکه آیا برای شما کتابی است که از آن درس می‌خوانید، * که در آن (کتاب) است که آنچه را شما برمی‌گزینید برای شماست؟! * یا برای شما بر ما سوگندها (و پیمان‌ها) ی رسایی تا روز رستاخیز است که آنچه را داوری می‌کنید برای شماست؟! * از آنان پرس که کدامشان بر این (سوگند و پیمان) ضامن هستند؟! * یا برای آنان شریکان (معبود گونه) است؟! پس اگر راست گویند باید شریکانشان را بیاورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقایسه و مقابله است؛ یعنی سرنوشت دو گروه نیکوکار و بدکار را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا مردم بهتر بتوانند راه خود را انتخاب کنند. آیات قبل سرنوشت عذاب‌آلود ثروتمندان بخیل و خلفاکار را به تصویر کشیدند و این آیات به سرنوشت نیکوی مسلمانان پارسا اشاره می‌کنند. ۲. برخی از مشرکان ثروتمند می‌پنداشتند و ادعا می‌کردند که همان طور که وضع زندگی ما در دنیا عالی است، در قیامت نیز عالی خواهد بود. این آیات آنان را به بازپرسی و محاکمه کشیده، مورد سرزنش قرار می‌دهد که چگونه چنین داوری می‌کنید و سرنوشت خلفاکاران را با مسلمانان پارسا و نیکوکار یکسان می‌انگارید. ۳. در این آیات چند راه برای اثبات تساوی سرنوشت مسلمانان با خلفاکاران پیشنهاد و رد گردیده است: الف) دلیل عقلی: هیچ انسانی بر اساس عقل و عدل داوری نمی‌کند که سرنوشت این دو گروه مساوی باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۳ ب) دلیل نقلی: وحی و کتب آسمانی نیز سرنوشت این دو گروه را یکسان نمی‌دانند. ج) از راه عهد و پیمان: مخالفان اسلام با خدا میثاق بسته باشند که طبق داوری آنان سرنوشت خلفاکاران و مسلمانان را یکسان قرار دهد، که البته چنین پیمانی وجود ندارد و کسی آن را تضمین نمی‌کند. د) از راه حمایت و گواهی معبودان و شریکان خدا: که آنان این داوری مخالفان اسلام را حمایت کنند و بر تساوی خلفاکاران و مسلمانان گواهی دهند، که البته چنین شریکانی وجود ندارند و معبودان آنها خیالی هستند. در آیات ۴۶ و ۴۷ همین سوره دو راه دیگر هم پیشنهاد و بررسی می‌شود.

آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام نیکویی در انتظار پارسایان است. ۲. پارسایان در بهشت نزدیک پروردگار جای دارند. ۳. سرنوشت و فرجام مسلمانان با خلفاکاران یکسان نیست. ۴. مخالفان اسلام ادعای بدون دلیل می‌کنند. ۵. داوری باید بر اساس دلیل عقلی عادلانه یا دلیل نقلی یا پیمان الهی باشد. ۶. ادعای وجود معبودان و شریکان برای خدا، دروغ است. * * * قرآن کریم در آیات چهل و دوم تا چهل و پنجم سوره‌ی قلم با یادآوری در ماندگی خلفاکاران در رستخیز به آنان در مورد قانون استدراج و مهلت دادن خدا، هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۴۲-۴۵. یَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَبِطِعُونَ * خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ * فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ * وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۴ روزی که (لباس) از ساق (پا) ها برطرف شود (و کار مشکل گردد) و به سجده فراخوانده می‌شوند، و [لی نمی‌توانند (سجده کنند). * در حالی که دیدگانشان (از ترس) فروتن گشته (و) خواری آنان را فرا می‌گیرد؛ و به یقین، به سوی سجده فراخوانده می‌شدند در حالی که آنان سالم بودند. * پس من و کسی را که این سخن (: قرآن) را تکذیب می‌کند، رهاکن! به زودی از جایی که نمی‌دانند، به تدریج، گرفتارشان خواهیم کرد؛ * و به آنان مهلت می‌دهم؛ [چرا] که نقشی من استوار است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ساق» به معنای قسمت پایین پای انسان است. در میان عرب‌ها معمول است که وقتی می‌خواهند کار مشکلی انجام دهند دامن به کمر می‌زنند و ساق پاها را برهنه می‌کنند و «برهنه شدن ساق‌ها» کنایه از شدت هراس و وخامت اوضاع در رستخیز است. برخی مفسران نیز برآن‌اند که «ساق» به معنای اصل و اساس چیزی است (مثل ساقه‌ی درخت)؛ از این رو این تعبیر اشاره به آن است که در رستخیز اصل هر چیزی آشکار می‌شود. «۱» ۲. خلفاکاران در دنیا به سجده و عبادت پروردگار فراخوانده می‌شدند اما با این که بدنی سالم داشتند، در برابر حق سجده نمی‌کردند. همین روحیه‌ی استکباری آنان در آخرت تجسم می‌یابد، به طوری که توان سجده کردن نخواهند داشت. ۳. در برخی احادیث آمده است که در قیامت حجاب از نور الهی برداشته می‌شود و مؤمنان به خاطر عظمت آن به سجده می‌افتند، ولی پشت منافقان خشک می‌شود و قدرت سجده ندارند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۵. ۴. این آیات از طرفی به مخالفان قرآن هشدار می‌دهند که کارشان با خداست و از طرف دیگر به پیامبر صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهند که کاری به کار مخالفان نداشته باشد و آنها را به خدا واگذار کند، تا کیفر آنها را بدهد. این نوعی قوت قلب دادن به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان در برابر توطئه‌های دشمنان است. ۵. در این آیات از قانون «استدراج و املاء» سخن گفته شده است؛ یعنی خدا برخی از گناهکاران را به حال خود وا می‌گذارد تا به سرکشی و تجاوز ادامه دهند و حتی به آنها نعمت می‌بخشد تا بیش‌تر در غرور و غفلت فرو روند و گناهان بیش‌تری بکنند و مستحق عذاب شدیدتری گردند. ۶. انسان‌های گناهکار سه حالت دارند: الف) برخی از آنان متوجه گناه خود می‌شوند و توبه می‌کنند. ب) برخی با تازیانه‌ی بلاهای الهی بیدار می‌شوند. ج) برخی گناهکاران لجوج که شایستگی این امور را ندارند، به حال خود رها می‌شوند و به جای بلا به آنان نعمت داده می‌شود و این همان قانون استدراج و املاء است. آری؛ خدا نخست با رحمت خویش با گناهکاران برخورد می‌کند و باب توبه را باز می‌گذارد اما اگر آنان لجاجت کردند مقدمات عذاب شدیدتر آنان را آماده می‌سازد. ۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده که هرگاه بنده‌ای گناه کند دوباره به او نعمت داده می‌شود و او استغفار را رها می‌کند (و غافل می‌گردد). این همان استدراج است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۶. ۸. در حدیث دیگری آمده است که یکی از یاران امام صادق علیه السلام عرض کرد: من از خدا مالی خواستم و او روزی‌ام کرد، فرزندی خواستم و او به من بخشید، خانه‌ای طلب کردم و او به من مرحمت کرد، من از این می‌ترسم که نکند این استدراج باشد. امام علیه السلام فرمود: «اگر این‌ها همراه با حمد و شکر الهی باشد استدراج نیست». «۱» ۹. از تعبیرات این آیات استفاده می‌شود که خدا در مجازات خلفاکاران و مخالفان قرآن عجله نمی‌کند بلکه به آنان مهلت می‌دهد و درجه به درجه و گام به گام آنها را به سوی عذاب پیش می‌برد؛ زیرا کسی عجله می‌کند که می‌ترسد فرصت از دست برود یا مجرم فرار کند ولی این‌ها برای خدا مفهومی ندارد و این قانون استدراج

هشدار برای همه‌ی گناهکاران است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. روز رستاخیز روز برهنگی، درماندگی، خواری و مشکلات برای خلافکاران است. ۲. اگر می‌خواهید در رستاخیز توان پرستش خدا را داشته باشید در دنیا اهل پرستش باشید. ۳. خدا شخصاً با مخالفان قرآن برخورد می‌کند. ۴. از قانون «استدراج و امهال» غافل نباشید، که خدا خلافکاران را مهلت می‌دهد و گام به گام به سوی عذاب شدیدتر می‌کشد. ۵. از مهلت یافتن برای گناه شاد نباشید؛ چون ممکن است نقشه‌ای برای عذاب بیش‌تر شما باشد. ***

تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۷ قرآن کریم در آیات چهل و ششم و چهل و هفتم سوره‌ی قلم به پاداش نخواستن پیامبران اشاره می‌کند و با بازپرسی از خلافکاران می‌فرماید: ۴۶ و ۴۷. *أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ* * *أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ* یا از آنان پاداشی می‌طلبی، پس آنان از زیان (آن) گرانبارند؟! * یا (اسرار) نهان فقط نزد آنان است، پس آنان (از آن‌جا) می‌نویسند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قرآن بارها تأکید شده که پیامبران الهی از مردم پاداشی برای رسالت خود نمی‌خواهند «۱» تا بهانه‌ای به دست مخالفان نیفتد و از شنیدن آیات الهی سرباز زنند. «۲» دست‌مزدی می‌نخواهیم از کسی دست‌مزد ما رسد از حق بسی ۲. در این آیات اشاره شده که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از خلافکاران غرامت و پاداش سنگینی «۳» نخواست است که در برابر آن امتیازی بگیرند و خود را مساوی مسلمانان پارسا بدانند. ۳. یکی دیگر از راه‌هایی که ممکن است خلافکاران بخواهند از آن راه تساوی خود با مسلمانان پارسا را اثبات کنند آن است که بگویند ما از اسرار غیب آگاه شدیم و مثلاً از طریق کاهنان و غیر آن متوجه شدیم که سرنوشت آنان با مسلمانان مساوی است، ولی چنین ادعایی بعید است و دلیلی بر آن نیست؛ از این رو قرآن به صورت استفهام انکاری آن را مطرح کرده است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبران از خلافکاران غرامتی دریافت نکرده‌اند تا به آنان امتیازی بدهند. ۲. خلافکاران با عالم غیب ارتباط ندارند (و ادعاهای بدون دلیل می‌کنند). ۳. رهبران و مبلغان دینی از مردم دست‌مزد طلب نکنند. *** قرآن کریم در آیات چهل و هشتم تا پنجاهم سوره‌ی قلم با اشاره به سرنوشت یونس علیه السلام، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به صبر و استقامت سفارش می‌کند و می‌فرماید: ۴۸-۵۰. *فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَئِمَّا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ * لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ يَذْمُومٌ * فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ* پس برای (ابلاغ) حکم پروردگارت شکبیا باش، و مانند همراه ماهی (: یونس) نباش، هنگامی که ندا در داد، در حالی که او مورد خشم قرار گرفته بود. * اگر نعمتی از پروردگارش او را دریافته بود، حتماً به کرانه‌ی خشکی افکنده می‌شد، در حالی که او نکوهیده بود. * و [لی پروردگارش او را برگزید و وی را از شایستگیان قرار داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات از طرفی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را دل‌داری می‌دهند و او را به شکیبایی فرامی‌خوانند و از طرف دیگر با یادآوری سرنوشت یونس علیه السلام به ایشان هشدار می‌دهند که مبدا عجله کرده، مردم را نفرین نماید، که در آن صورت به سرنوشت یونس گرفتار می‌شود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۹. مقصود از «حکم پروردگار» که باید پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آن صبر و استقامت کند چیست؟ مفسران قرآن بر آن‌اند که منظور دستور به شکیبایی یا فرمان‌نهایی خدا درباره‌ی پیروزی مسلمانان یا ابلاغ احکام الهی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باید در این راه شکبیا باشد و عجله نکند و از دست مخالفان خسته نگردد و آنان را رها یا نفرین نکند. «۱» البته مانعی ندارد که همه‌ی این امور مقصود باشد؛ چون رهبران الهی باید در تمام این موارد شکبیا باشند. ۳. یونس فرزند «متی یکی از پیامبران الهی بود که بعد از موسی و هارون علیهما السلام در حدود ۸۲۵ سال قبل از میلاد مسیح پا به عرصه‌ی وجود گذاشت و در سرزمین نینوا در عراق به هدایت مردم پرداخت. هم‌اکنون نزدیک کوفه قبری است که به نام یونس مشهور است. ماجرای این پیامبر الهی در سوره‌های متعدد قرآن، از جمله «یونس»، «انبیاء»، «قلم» و «صافات» آمده است. «۲» ۴. یونس پیامبر مردم را به سوی توحید فراخواند ولی قوم او لجاجت کردند و پس از چهل سال تبلیغ دو نفر به او ایمان آوردند؛ از این رو یونس مردم را نفرین کرد و از شهر بیرون رفت و سوار کشتی شد و طی ماجرابی در شکم ماهی گرفتار شد و پس از مناجات با خدا و تسییح و اعتراف، به طور اعجاز‌آمیزی نجات یافت و در صحرای

خشکی افکنده شد. «۳» ۵. مقصود از ندای غمناک یونس علیه السلام همان ندای نفرین او و یا ندای یونس علیه السلام در شکم ماهی است که در برخی آیات بدان اشاره شده است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰۰. ۶. در قرآن آمده است که وقتی یونس علیه السلام از شکم ماهی به صحرای خشک افکنده شد، گیاه کدو بر او رویید «۱» و در این آیه اشاره شده که اگر نعمت الهی (توفیق توبه) نبود یونس در همان صحرا رها می‌شد و نجات نمی‌یافت. ۷. چرا در برخی آیات قرآن یونس علیه السلام مستحق سرزنش معرفی شده «۲» اما این آیات او را در خور سرزنش نمی‌دانند؟ یونس علیه السلام، قبل از توبه، به خاطر ترک قوم خویش مستحق سرزنش بود اما پس از توبه، دیگر سزاوار سرزنش نبود. ۸. یونس پس از توبه به لطف الهی بار دیگر برگزیده شد و در زمهری شایستگان درگاه الهی قرار گرفت و به سراغ قومش آمد و مردم به او ایمان آوردند و مدتی طولانی در میان آنان زندگی کرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی باید در برابر دستورات الهی صبور باشند. ۲. رهبر نباید عجله کند و زود مردم را رها یا نفرین نماید و گرنه هم‌چون یونس گرفتار می‌شود. ۳. توبه موجب نزول لطف و نعمت الهی می‌شود و انسان را از هلاکت و سرزنش نجات می‌دهد. ۴. اگر نعمت و لطف الهی شامل حال انسان شود، شایسته و برگزیده می‌شود. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و یکم و پنجاه و دوم سوره‌ی قلم به موضع‌گیری منفی کافران در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و در پاسخ به آنان می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰۱ و ۵۱ و ۵۲. «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ وَمَسْلَمًا، نَزِدِكَ بِكَلِمَاتٍ كَتَمْنَا بِهَا الْكُفْرَ وَكَانَ قُلُوبُهُمْ مُسْكِنًا لِكَلِمَاتِهِ» (قرآن) را شنیدند با دیدگان‌شان تو را بلغزانند و می‌گویند: «قطعاً، او دیوانه است.»* در حالی که آن (قرآن) جز یادآوری برای جهانیان نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد آیات فوق چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) تعبیر کنایی است و مقصود نگاه‌های خشم‌آلود کافران نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله است که گویی می‌خواهند با نگاه خویش پیامبر را بخورند یا بکشند. «ب) مقصود چشم زدن است؛ یعنی دشمنان وقتی آیات قرآن را می‌شنوند ناراحت می‌شوند و می‌خواهند با نگاه خویش تو را به زمین افکنند و هلاک سازند. ج) مقصود تعجب کافران و مجذوب شدن آنان به آیات قرآن است، به طوری که نزدیک است تو را چشم بزنند. البته در تفسیر سوم تضاد گفتار دشمنان اسلام ظاهر می‌شود که از طرفی پیامبر صلی الله علیه و آله را دیوانه می‌خوانند و از طرف دیگر مجذوب سخنان او می‌شوند. «۲» ۲. در این آیات با تعبیر لطیفی به تهمت جنون نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ داده شده است؛ قرآن کتابی است که معارف عالی آن مایه‌ی تذکر و بیداری بشریت است و مطالب فطری و حقایق تاریخی را به یاد آنان می‌آورد؛ پس ممکن نیست که شخصی دیوانه آن را پدید آورده باشد. ۳. برخی معتقدند که در چشم بعضی مردم اثر مخصوصی است که ممکن است با نگاه کردن با تعجب به چیزی یا کسی آن را از بین ببرند و یا به آن زیان برسانند و آن را در اصطلاح چشم زخم می‌نامند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰۲ چشم زخم از نظر عقلی و علمی محال نیست، زیرا نیروهای مرموز مخرب هم‌چون نیروی مغناطیس و اشعه‌ی لیزر در طبیعت وجود دارد و چشم زخم هم می‌تواند یکی از آنها باشد که هنوز کاملاً ماهیت آن روشن نشده است. هر چند اثبات چشم زخم به وسیله‌ی آیه‌ی فوق مشکل است، اما در احادیث اسلامی اجماً به آن اشاره شده است. «۱» در نهج البلاغه آمده است که چشم زخم حق است و دعا و توسل برای دفع آن نیز حق است. «۲» البته تذکر این نکته لازم است که پذیرش چشم زخم به معنای قبول اعمال خرافی برخی مردم در این مورد نیست، همان طور که نمی‌توان کسی را در این مورد متهم به بدچشمی کرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران از فعالیت خادمان قرآن به خشم می‌آیند. ۲. کافران در برابر قرآن و رهبر اسلام موضع می‌گیرند و به آنها تهمت می‌زنند ولی خدا دفاع می‌کند. ۳. رهبران الهی آماده باشند که آنان و قرآن مورد حمله و تهمت قرار می‌گیرند ولی خدا (و مسلمانان از آنان) دفاع می‌کنند. ۴. هر گاه دشمنان در برابر نفوذ قرآن قرار می‌گیرند (و نمی‌توانند کاری بکنند) به رهبران اسلام حمله می‌کنند ولی شما (خط را گم نکنید و) از قرآن دفاع کنید. ۵. قرآن مایه‌ی تذکر و بیداری و یادمان جهانیان است (پس آورنده‌ی آن دیوانه نیست). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰۳

بخش هشتم: سوره‌ی حاقه

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «حاقه» در مکه نازل شده و دارای ۵۲ آیه، ۲۵۶ کلمه و ۱۰۸۴ حرف است. این سوره هفتاد و هفتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «مُلک») و قبل از سوره‌ی «معارج») و شصت و نهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «حاقه» (یکی از نام‌های قیامت) است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است. «الحاقه» از ریشه‌ی حق و بیانگر حَقَّائیت وقوع قیامت است.

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام حکایت شده که سوره‌ی حاقه را زیاد بخوانید، چون قرائت آن در نمازهای واجب و مستحب نشانه‌ی ایمان به خدا و پیامبرش است. «۱» البته این گونه آثار مشروط به شرایطی است، از جمله اینکه علاوه بر تلاوت این سوره به محتوای آن ایمان داشته و عمل نماید.

اهداف

اهداف: مهم‌ترین هدف این سوره یادآوری رستاخیز و تأکید بر وقوع آن است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰۶

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. مطالبی درباره‌ی قیامت و خصوصیات آن (در آیات ۱-۳ و ۱۵)؛ ۲. ذکر سه نام قیامت یعنی «حاقه»، «قارعه» و «واقعه» (در آیات ۱-۳)؛ ۳. مطالبی درباره‌ی نفخ صور در آستانه‌ی قیامت (در آیات ۱۳-۱۵)؛ ۴. بیان حالات اصحاب شمال و اصحاب یمین در قیامت (در آیات ۱۹-۳۷)؛ ۵. مطالبی درباره‌ی وحی و نبوت و این که پیامبر نمی‌تواند از پیش خود چیزی بگوید (در آیات ۳۸-۴۸)؛ ۶. اشاره‌ای به حَقَّائیت و عظمت قرآن (در آیات ۳۸-۴۸). ب) داستان‌ها: ۱. اشاره‌ای به سرگذشت قوم عاد (در آیات ۴ و ۵)؛ ۲. اشاره‌ای به سرگذشت قوم ثمود (در آیات ۶-۸)؛ ۳. اشاره‌ای به سرگذشت قوم فرعون (در آیه‌ی ۹)؛ ۴. اشاره‌ای به سرگذشت شهرهای زیر و رو شده‌ی قوم لوط (مؤتکفه) (در آیات ۹ و ۱۰). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص:

۲۰۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی حاقه قرآن کریم در آیات اول تا هشتم سوره‌ی حاقه با اشاره به سرکشی قوم عاد و ثمود به عذاب عبرت آموز آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱-۸. الْحِاقَةُۙ مِآ الْحِاقَةُۙ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحِاقَةُۙ كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِۙ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِۙ وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍۙ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَازِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ حَاوِيَةٍۙ فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍۙ تحقق یابنده. * تحقق یابنده چیست؟ * و چه چیز تو را آگاه کرد که تحقق یابنده چیست؟ * (قوم) ثمود و عاد (عذاب) کوبنده را دروغ انگاشتند. * و اما (قوم) ثمود پس به وسیله‌ی (عذاب) طغیانگر هلاک شدند. * و اما (قوم) عاد

پس با تندباد سرد سرکش هلاک شدند؛* که آن (باد) را هفت شب و هشت روز بنیان کن بر آنان مسلط کرد؛ و آن قوم را در آن (مدت) بر زمین افتاده می‌بینی، چنان که گویی آنان تنه‌های درختان خرمای فرو ریخته‌اند! و آیا از آنان هیچ بازمانده‌ای می‌بینی؟ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «حاقّه» به معنای تحقق یابنده است که بسیاری از مفسران قرآن آن را به روز رستاخیز تفسیر کرده‌اند، اما برخی دیگر آن را به عذاب‌های دنیوی تفسیر کرده‌اند که با عذاب‌های قوم عاد و ثمود و فرعونیان که در ادامه‌ی آیات آمده است تناسب دارد. البته مانعی ندارد که آیه به هر دو معنا اشاره داشته باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰۸. در این آیات واژه‌ی «حاقّه» سه بار با بیان‌های مختلف آمده است که نشان دهنده‌ی عظمت روز قیامت و تأکید بر آن است. همان طور که در تعبیرات روزمره می‌گوییم: فلانی انسان است؛ چه انسانی! تو نمی‌دانی چه انسانی است! آری؛ درک عظمت عذاب الهی یا روز رستاخیز برای ما مشکل است و از این رو با تعبیرات مجمل بر عظمت آن تأکید می‌شود. ۳. در قرآن کریم بارها از قوم ثمود و سرنوشت عذاب‌آلود و عبرت‌آموز آنان یاد شده است. «۱» قوم ثمود، در منطقه‌ای کوهستانی میان حجاز و شام زندگی می‌کردند و حضرت صالح علیه السلام به سوی آنان آمد ولی ایمان نیاوردند و لجاجت کردند و حتی خواستار نزول عذاب الهی شدند. آنان سرانجام به وسیله‌ی صاعقه‌ای پرخشا و ویرانگر و سرکش همگی هلاک شدند. «۲» ۴. در قرآن کریم بارها از قوم عاد و عذاب عبرت‌آموز آنان یاد شده است. «۳» قوم عاد در سرزمین احقاف در جنوب شبه جزیره‌ی عربستان زندگی می‌کردند و افراد قوی و نیرومندی بودند و سرزمین آبادی داشتند و حضرت هود علیه السلام برای هدایت آنان رفت ولی سرکشی و لجاجت کردند و گرفتار عذاب دردناکی شدند. ۵. عذاب قوم عاد، بادی مسموم و پرخشا و سرد و سرکش بود «۴» که هفت شب و هشت روز پی‌درپی بر آنان وزید «۵» و هلاکشان کرد، به طوری که جسم‌های بی‌جان آنان هم چون تنه‌ی پوسیده‌ی درختان خرما بر زمین افتاد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰۹ تشبیه قوم عاد به درختان پوسیده‌ی خرما، اشاره به بلندقدی آنان، ریشه کن شدن و هلاکشان و نیز توخالی بودن آنها در برابر عذاب الهی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. درک حقیقت تحقق یابنده‌ی عذاب الهی یا روز رستاخیز برای شما مشکل است. ۲. فرجام تکذیب‌گری آیات الهی، عذاب‌آلود است. ۳. از فرجام عذاب‌آلود قوم ثمود درس عبرت بگیرید. ۴. از عذاب دردناک قوم عاد درس عبرت بگیرید. ۵. اگر خدا بخواهد سرکشی اقوام را با سرکشی عوامل طبیعی پاسخ می‌دهد. ۶. سرنوشت سرکشان تاریخ به بادی وابسته است. ۷. به نابودی اقوام سرکش و برجا نماندن آثار آنان بنگرید و درس عبرت بگیرید. *** قرآن کریم در آیات نهم تا دوازدهم سوره‌ی حاقّه به فرجام عذاب‌آلود پندآموز فرعون، قوم لوط و نوح اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹-۱۲. وَجَاءَ فِرْعَوْنٌ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ* فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمُ أَخَذَهُ رَبِّيَ* إِنَّا لَمَّا طَعَا الْمَاءَ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ* لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَعَيْبَةٌ و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و شهرهای زیرو رو شده (قوم لوط) خطاکارانه آمدند،* و فرستاده‌ی پروردگارشان را نافرمانی کردند و (خدا) با گرفتاری فزاینده‌ای آنان را گرفتار ساخت.* در حقیقت، ما هنگامی که آب طغیان کرد، شما را در (کشتی) روان سوار کردیم،* تا آن را برای شما یادآورنده قرار دهیم و گوش‌های فراگیرنده آن را فراگیرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از کسانی که پیش از فرعون بودند، اقوامی هم چون قوم شعیب تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱۰ و نمرودیان سرکش بودند که به عذاب عبرت‌آموز الهی گرفتار شدند. ۲. «مُؤْتَفِكَات» به معنای زیرو رو شدن است که در این جا اشاره به شهرهای قوم لوط است که با زلزله‌ی شدیدی ویران شدند و سپس بارانی از سنگ بر آنان بارید. «۱» ۳. فرعونیان و قوم نوح که در برابر پیامبران الهی ایستادند و با آنان مخالفت کردند، گرفتار عذابی فزاینده و سرکش شدند؛ یعنی آب که مایه‌ی حیات انسان است در برابر آنان طغیان کرد و فرعون و یارانش گرفتار امواج نیل «۲» و قوم نوح نیز گرفتار سیلاب شدند. «۳» آری؛ عذاب و کیفر خلافکاران با گناه آنان متناسب است؛ یعنی کسانی که سرکشی کردند با سرکشی طبیعت مجازات شدند. ۴. در این آیات بیان شده که «شما را از سیلاب نجات دادیم و بر کشتی روان سوار کردیم»، در حالی که انسان‌های امروزی در آن عصر نبودند تا سوار کشتی شوند؛ مقصود سوار شدن نیاکان انسان‌ها در کشتی نوح «۴» و یا

ذرات وجود انسان‌های فعلی در ضیاء پدران است که همراه آنان سوار کشتی شدند، که اگر آنان نجات نیافته بودند ما نیز وجود نداشتیم. ۵. هدف از مجازات اقوام سرکش پیشین، انتقام‌جویی نبود، بلکه هدف پندآموزی و عبرت‌گیری و تربیت انسان‌های بعدی در مسیر کمال بود؛ یعنی آیندگان این سرنوشت‌های عذاب‌آلود را بشنوند و حفظ کنند و چراغ راه خود قرار دهند تا این گناهان و سرکشی‌ها بار دیگر تکرار نشود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱۱. ۶. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که من از خدا خواستم که گوش علی را از گوش‌های فراگیرنده قرار دهد. «۱» و از امام علی علیه السلام روایت شده که من هیچ چیزی را از پیامبر صلی الله علیه و آله نشنیدم که آن را فراموش کنم بلکه همیشه آن را به خاطر داشتم. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به فرجام عذاب‌آلود اقوام پیشین توجه کنید و گوش شنوا داشته باشید و عبرت بگیرید. ۲. خطاکاری و نافرمانی در برابر پیامبران از عوامل عذاب است. ۳. طغیانگران گرفتار طبیعت سرکش می‌شوند و به مجازات می‌رسند. *** قرآن کریم در آیات سیزدهم تا هفدهم سوره‌ی حاقه به حوادث آستانه‌ی رستاخیز و نقش فرشتگان در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳-۱۷. فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ * وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً * فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ * وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ * وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱۲ و هنگامی که دمی یگانه در شیپور (حوادث آستانه‌ی رستاخیز) دمیده شود،* و زمین و کوه‌ها (از جای) برداشته شوند و با یک (ضربه‌ی) خردکننده خُرد (و هموار) شوند! * و در آن روز حادثه (ی رستاخیز) واقع شود،* و آسمان شکافته شود، پس آن (آسمان) در آن روز سست باشد؛* و فرشتگان در اطراف آن (آسمان) هستند؛ و در آن روز تخت (جهان‌داری و تدبیر هستی) پروردگارت را هشت (نفر) بر فرازشان حمل می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «دمیدن در شیپور» همان فرمان خدا در مورد مرگ همگانی موجودات یا برپایی رستاخیز است که هم‌چون شیپور آماده باش لشکر است که یک بار در آن دمیده می‌شود. «۱» ۲. در قرآن کریم از دو نفخ صور یا دو بار دمیدن در شیپور یاد شده است، که با دمیدن اول همه‌ی موجودات می‌میرند و حوادث آستانه‌ی رستاخیز به وجود می‌آید و با دمیدن دوم همه‌ی مردگان زنده می‌شوند و روز رستاخیز شروع می‌شود. خاص و عامه از سلیمان تا به مور زنده گشته چون جهان از نفخ صور (مولوی) در آیات فوق به هر دو مرحله اشاره شده است، ولی ظاهراً مقصود از دمیدن در شیپور، همان نفخ صور اول است که آغاز حوادث آستانه‌ی رستاخیز است. ۳. در آستانه‌ی رستاخیز کوه‌ها و زمین در هم کوبیده و خرد و هموار «۲» و کرات آسمانی شکافته و متلاشی می‌شوند و بر ویرانه‌های جهان کنونی جهانی نو برپا می‌شود و رستاخیز موجودات شروع می‌گردد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱۳. ۴. «عرش» به معنای تخت مادی نیست؛ چون خدا جسم نیست تا مکان بخواهد و تخت داشته باشد؛ پس این تعبیر کنایه از مرکز زمام‌داری و تدبیر هستی است، یعنی در رستاخیز تدبیر جهان، به فرمان خدا، به وسیله‌ی هشت نفر یا هشت گروه از فرشتگان یا انسان‌ها انجام می‌گیرد. «۱» ۵. در برخی احادیث آمده است که حاملان عرش الهی، چهار نفر از اولین (یعنی نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام) و چهار نفر از آخرین (یعنی محمد صلی الله علیه و آله، علی، حسن و حسین علیهم السلام) هستند «۲» و معنای حامل عرش بودن، حامل علم بودن است. «۳» و از امام صادق علیه السلام روایت شده که مقصود از عرش، علم است و حاملان آن هشت نفرند که چهار نفر از ما و چهار نفر از کسانی هستند که خدا خواسته است. «۴» و از امام علی علیه السلام روایت شده که حاملان عرش الهی دانشمندان هستند که خدا علمش را به آنان آموزش داده است. «۵» و از امام رضا علیه السلام روایت شده که عرش خدا اسم علم و قدرت است. «۶» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱۴ از این احادیث استفاده می‌شود که عرش با علم و قدرت الهی ارتباط دارد و حاملان عرش، همان حاملان علم الهی هستند که در صدر آنها پیامبران و اولیای الهی‌اند، هر چند ممکن است گروهی از فرشتگان نیز در این کار شرکت داشته باشند. ۶. مقصود از این که حاملان عرش الهی بر فراز آنان (فرشتگان یا انسان‌ها) هستند این است «۱» که این حاملان عرش از نظر مقام از آنان برترند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز با اعلامی یک‌باره و با حوادث کوبنده‌ای شروع می‌شود (برای آن روز آماده شوید). ۲. وضع زمین و آسمان در آستانه‌ی رستاخیز

که او هرگز به خدای بزرگ ایمان نمی‌آورد،* و (مردم را) به غذا دادن بینوایان تشویق نمی‌کرد.* پس امروز در این جا برای او هیچ (دوست) گرم نزدیکی نیست؛* و هیچ غذایی غیر از «زردابه» نیست؛* که آن را جز خطاکاران نمی‌خورند. نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقایسه و مقابله است؛ یعنی سرنوشت نیکوکاران و بدکاران را در برابرهم به تصویر می‌کشد تا مردم بتوانند با بصیرت و بهتر راه خود را انتخاب کنند. در آیات پیشین فرجام تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱۸ نیک نیکوکاران دست راست به تصویر کشیده شد و اینک در این آیات فرجام عذاب آلود بدکاران دست چپ گوش زد می‌شود. ۲. در رستاخیز که نامه‌ی اعمال بدکاران را به دست چپ آنان می‌دهند، همه‌ی کارهای بد آنان و کیفی آنها آشکار می‌گردد، و آنان فریاد و ناله سر می‌دهند و آرزو می‌کنند که ای کاش این نامه‌ی عمل را هرگز ندیده و از حساب کار خود آگاه نمی‌شدند؛ زیرا آگاهی از اعمال بد و انتظار برای عذاب خود نوعی مجازات روانی برای آنان است. آنان آرزو می‌کنند که ای کاش هرچه زودتر این وضع اسفبار پایان پذیرد و مرگ ادامه یابد و ای کاش در رستاخیز دو باره زنده نمی‌شدند یا این که مرگ دیگری برایشان فرا می‌رسید. «۱» نامه‌ی آید به دست بنده‌ی سرسیه از جرم و فسق آکنده‌ی «۲» ۳. در رستاخیز ثروت افراد و قدرت و مقام آنان سودی ندارد و چیزی از عذاب را از آنان دفع نمی‌کند و بدکاران در آن روز دلیل و برهانی ندارند که برای توجیه کارها و تسلط علمی آنها به کار آید و مایه‌ی نجات‌شان شود. «۳» پس امروز بر حال من وای باد که سودی نبخشید مال زیاد (مجد) ۴. در این آیات به انواع عذاب‌های بدکاران دست چپ اشاره شده است: الف) نامه‌ی اعمالشان به دست چپ‌شان داده می‌شود که این مطلب کنایه از فرجام عذاب آلود و نشانه‌ی کارهای بد آنان است و موجب عذاب روحی و روانی آنان نیز می‌شود. آن‌چنان نامه پلید و پر وبال در یمین ناید در آید در شمال (مولوی) ب) با غل و زنجیر بسته می‌شوند. ج) ذلیلانه به طرف آتش کشیده می‌شوند. د) غذای نامطوبوعی به آنان می‌دهند که از چرک و خون «۱» دوزخیان است. ه) در رستاخیز تنها هستند و دوست صمیمی ندارند و اموال و مقامشان برای آنان سودی ندارد. ۵. مقصود از زنجیری که هفتاد ذراع «۲» است، چیست؟ ممکن است منظور همان عدد هفتاد باشد؛ یعنی هر گروه از دوزخیان را با زنجیری سی و پنج متری به هم‌دیگر می‌بندند و می‌کشند. و یا منظور از هفتاد، کثرت باشد؛ یعنی دوزخیان را با زنجیرهای طولانی به هم‌دیگر می‌بندند. در هر صورت این تعبیرات شبحی از عذاب‌های رستاخیز را برای ما ترسیم می‌کند، ولی حقیقت و جزئیات عذاب‌های اخروی از ما پنهان است. آری؛ کسانی که در دنیا گرفتار بندهای گناه و نفاق بودند در رستاخیز گرفتار زنجیرهای طولانی می‌شوند. ۶. در این آیات به دو عامل عذاب بدکاران دست چپ اشاره شده است: الف) آنان به خدای بزرگ ایمان نداشتند و دعوت پیامبران و دلایل مختلف آنان را نپذیرفتند و پیوند خود را با خالق قطع کردند. ب) آنان مردم را برای کمک غذایی به بینوایان تشویق نمی‌کردند؛ یعنی پیوند خود را با خلق قطع کرده بودند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲۰. ۷. در این آیات ترک تشویق به گذارسانی به بینوایان را از عوامل عذاب شمرده است که می‌توانیم چند نکته‌ی جالب را از آن استفاده کنیم: الف) تشویق به گذارسانی برای همه‌ی بینوایان، اعم از آن که مسلمان باشند یا نباشند، وظیفه‌ی همگانی انسانی و الهی است. ب) غذا دادن هر فرد به بینوایان کافی نیست بلکه باید یک اقدام اجتماعی صورت گیرد و با تشکیل انجمن‌های خیریه و تبلیغات سازنده دیگران را نیز به این کار تشویق کرد. ج) ممکن است کسی توانایی کمک مالی به بینوایان را نداشته باشد، اما هر کسی می‌تواند در تشویق دیگران مؤثر باشد. د) انسان نه تنها باید خود به مستمندان کمک کند و بخل نوزد بلکه باید با بخل ورزی دیگران نیز مبارزه کند. ۸. در حکایتی لطیف آورده‌اند که فرزانه‌ای به همسر خود گفت غذای بیش‌تری طبخ کند تا به بینوایان بدهند. پس گفت: نصف زنجیر را با ایمان و نصف دیگر را با غذا دادن از تن خود بیرون می‌کنیم. «۱» ۹. غذای بد دوزخ مخصوص «خاطئون» است. آنان کسانی هستند که عمدتاً به سراغ خطاکاری می‌روند و با آگاهی راه شرک و کفر و بخل و سرکشی را می‌پیمایند. «۲» آری؛ کسانی که در دنیا از گذارسانی به بینوایان سر باز می‌زنند و در این مورد تبلیغات نمی‌کنند در رستاخیز باید غذاهای نامطوبوع بخورند. ۱۰. روزی یکی از یاران امام علی علیه السلام به نام «صعصع بن

صُوحان» آیهی فوق را خدمت ایشان می‌خواند، ولی «خاطئون» را به اشتباه «خاطون» خواند. حضرت اشتباه او را تصحیح کرد و به «ابو الاسود» که مردی ادیب بود، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲۱ دستور داد که جلوی این اشتباهات را بگیرد و او برخی نشانه‌های زبان عرب (رفع، نصب و کسره) را ابداع کرد که سرآغاز تحوّل در زبان عرب و قرائت قرآن و پایه‌گذاری علم جدیدی بود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام خطاکاران دست چپ، عذاب آلود است. ۲. در رستاخیز اموال و مقام گناهکاران سودی به حالشان ندارد. ۳. برای بدکاران، رستاخیز روز پشیمانی و حسرت و بی‌کسی است. ۴. قطع پیوند با خالق و خلق از عوامل عذاب است. ۵. اگر می‌خواهید گرفتار عذاب نشوید، مؤمنانه مردم را برای غذارسانی به بینوایان تشویق کنید. *** قرآن کریم در آیات سی و هشتم تا چهل و سوم سوره‌ی حاقّه از قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع می‌کند و می‌فرماید: ۳۸-۴۳. فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْعَثُونَ * وَمَا لِمَا تُبْعَثُونَ * إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ * وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ * وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَدْكُرُونَ * تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ * قسم یاد می‌کنم به آنچه می‌بینید،* و آنچه نمی‌بینید! * که قطعاً، آن (قرآن) گفتار فرستاده‌ی ارجمندی است؛* و آن گفتار شاعر نیست؛ چه اندک ایمان می‌آورید! * و گفتار پیش‌گو نیست، چه اندک متذکر می‌شوید! * (این قرآن) فرورفته‌ی ای از جانب پروردگار جهانیان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «لا» در آیه‌ی «فلا اقسیم» برای تأکید قسم است، نه به معنای تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲۲ نفی سوگند و این نشان دهنده‌ی اهمیت موضوع و شایستگی برای قسم یاد کردن است و خدا گاهی برای تأکید بر مطلب و نشان دادن اهمیت موجودات به آنها سوگند یاد می‌کند تا توجه انسان به سوی آنها جلب شود، «۱» هر چند سوگند انسان فقط با نام خدا معتبر است. ۲. مقصود از چیزهای دیدنی، همه‌ی محسوسات و عالم ظاهر است اما منظور از چیزهای نادیدنی، عالم غیب و باطن عالم هم چون موجودات ذره‌بینی و فرشتگان و ارواح و نیز امواج صوتی و رنگ‌هایی است که در جهان وجود دارند، ولی ما آنها را نمی‌بینیم. ۳. مقصود از «رسول کریم» پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است که فرستاده‌ی ارجمند خداست و قرآن به زبان ایشان جاری شده و به مردم رسیده است. پیامبری که شاعر و کاهن و پیش‌گو نبود، ولی کسانی هم چون ابو جهل، او را شاعر می‌خواندند و افرادی هم چون عقبه یا عتبه او را کاهن می‌نامیدند. ۴. «کاهن» کسی است که در اثر ارتباط با جن و شیطان، برخی اسرار را بازگو می‌کند، و «شاعر» کسی است که با تکیه بر خیال، مطالب خود را با وزن مخصوص بیان می‌کند به طوری که خیال و احساسات شنونده را برمی‌انگیزد ولی قرآن با غیب‌گویی و شعر تفاوت‌های اساسی دارد؛ محتوای قرآن عالی است و قابل تقلید و همانند آوردن نیست، در حالی که شعر و کهنات این گونه نیست. این محتوای عالی و اعجاز‌آمیز قرآن ثابت می‌کند که آورنده‌ی آن شاعر و کاهن نیست. ۵. در این آیات بر مصونیت قرآن در ناحیه‌ی صدور و ابلاغ تأکید شده است؛ یعنی مصدر و منبع قرآن پروردگار جهانیان است و این آیات ساخته‌ی فکر بشر نیست و آورنده‌ی آن نیز شاعری خیال‌پرداز یا کاهن پیش‌گو نیست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها مهم است (در مورد آنها فکر کنید). ۲. قرآن با شعر و پیش‌گویی تفاوت اساسی دارد و باطل بودن این تهمت‌ها روشن است. ۳. قرآن از ناحیه‌ی منبع و رساننده مصون است؛ چون کلام الهی است که بر زبان پیامبری ارجمند جاری شده است. ۴. اهل باور و تذکر کم هستند (شما از آنان باشید). *** قرآن کریم در آیات چهل و چهارم تا پنجاه و دوم سوره‌ی حاقّه به مصونیت پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن و ویژگی‌های آن و تکذیب‌گری مخالفان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۴-۵۲. وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ * فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ * وَإِنَّهُ لَتَذَكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ * وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ * وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَی الْكَافِرِينَ * وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْبَقِيَّةِ * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ * و اگر (بر فرض) برخی سخنان را به ما (به دروغ) نسبت می‌داد،* حتماً، با دست راست (قدرتمند)، او را گرفتار می‌ساختیم،* سپس رگ قلبش را مسلماً قطع می‌کردیم،* و هیچ یک از شما مانع آن (مجازات) نمی‌شد. * و قطعاً، آن (قرآن، مایه‌ی) یادآوری برای خودنگه‌داران است؛* و مسلماً، ما می‌دانیم که برخی از شما (آن را) تکذیب می‌کنید؛* و قطعاً، آن (مایه‌ی) حسرت بر کافران است؛* و مسلماً، آن (قرآن) حقّ یقینی است؛* پس به نام پروردگار

بزرگت تسبیح بگویی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به مصونیت قرآن و آورنده‌ی آن اشاره شده است؛ یعنی خدای متعال سیستمی را طراحی کرده است که آورنده‌ی وحی نمی‌تواند تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲۴ مطلب دروغی را به جای آیه‌ی قرآن برای مردم بیان کند و اگر بر فرض پیامبر صلی الله علیه و آله بخواهد چنین کاری بکند بلا فاصله گرفتار مجازات الهی می‌شود. ۲. مقصود از «وتین» رگ قلب، یعنی شاهرگی است که خون را به تمام بدن می‌رساند که اگر قطع شود بلا فاصله انسان می‌میرد. «۱» ۳. می‌دانیم که خدا جسم نیست، پس منظور از گرفتن پیامبر صلی الله علیه و آله با دست راست چیست؟ دست راست کنایه از قدرت است؛ چرا که کار با دست راست با قدرت بیش‌تری همراه است. ۴. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله بر خدا دروغ بدهد، بلا فاصله کشته می‌شود، اما چرا مدعیان دروغین نبوت بلا فاصله نابود نمی‌شوند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله دارای معجزه و دلایل روشن بود؛ بنابراین کج‌روی او با آگاهی است و عده‌ی زیادی را گمراه می‌سازد و مستحق مجازات فوری است. ولی کسی که ادعای باطل و بدون دلیل می‌کند، دروغ‌گویی‌اش بر خردمندان روشن است و برای بقیه‌ی مردم نیز به تدریج روشن می‌شود؛ بنابراین نابودی فوری او لازم نیست. ۵. در این آیات به چند ویژگی قرآن اشاره شده است: الف) مایه‌ی یادآوری حقایق فطری توحید و معاد است که در این میان پارسایان و حقیقت‌جویان از آن بیش‌تر بهره می‌برند. ب) مایه‌ی حسرت کافران در رستاخیز می‌شود چون در آن صحنه پرده‌ها کنار می‌رود و آنان متوجه می‌شوند که چه نعمت بزرگی را از دست داده‌اند و به خاطر عمل نکردن به قرآن پشیمان و حسرت زده می‌شوند. ج) قرآن حقیقتی یقینی و یقین خالص و حق است که حقایق مطابق واقع را بیان می‌کند. «۲» ۶. برخی مفسران فرموده‌اند که سه مرحله برای یقین هست: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲۵ الف) علم الیقین: مثل آن که انسان از دیدن دود، به وجود آتش یقین پیدا کند. ب) عین الیقین: مثلاً انسان شعله‌ی آتش را خود ببیند. ج) حق الیقین: مثلاً انسان مجاور یا داخل آتش برود و آن را کاملاً لمس کند. آری؛ قرآن در مرتبه‌ی حق الیقین است و حقایق را این‌گونه معرفی می‌کند، ولی با این حال کافران لجوج آن را تکذیب می‌کنند. ۷. تسبیح پروردگار به معنای تنزیه و پاک شمردن او از نقص و عیب است. پروردگار بزرگی که قرآن کامل را با این ویژگی‌ها برای بشر فرستاده است و این قرآن جلوه‌ی ذات و صفات بی‌عیب و نقص اوست، ولی با این حال افراد کوردل آن را تکذیب می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن از ناحیه‌ی آورنده محفوظ و تضمین شده است و هیچ مطلب دروغی در آن نیست. ۲. خدا از حریم قرآن، بدون تسامح و تساهل، دفاع می‌کند. ۳. پیام‌رسانان الهی و گویندگان قرآنی مراقب باشند که عمداً سخن خلاف نگویند (که مورد خشم الهی واقع می‌شوند). ۴. دروغ بستن بر خدا موجب هلاکت گوینده است. ۵. هنگام مجازات دروغ‌پردازان هیچ چیز مانع خدا نمی‌شود. ۶. قرآن کتابی یادآورنده‌ی (حقایق) و حقیقتی یقینی و موجب حسرت کافران (در رستاخیز) است. ۷. (در برابر نعمت قرآن) تسبیح الهی را فراموش نکنید. ۸. پارسایان از هدایت قرآن بیش‌تر بهره می‌برند و مخالفان لجوج حقایق آن را تکذیب می‌کنند (و از نور آن بی‌بهره می‌مانند). «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲۷

بخش نهم: سوره‌ی معارج

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی معارج در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده و دارای ۴۴ آیه، ۲۱۶ کلمه و ۱۰۶۱ حرف است. این سوره هفتاد و هشتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «حاقّه» و قبل از سوره‌ی «نبا») و هفتادمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌انداز: «معارج»، «سأل سائل» و «واقع». «معارج» به معنای نردبان‌ها و رتبه‌های بالا برنده است که در آیه‌ی

سوم این سوره آمده است و نام‌های دیگر این سوره از آیه‌ی اول آن الهام گرفته شده‌اند.

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که هر کس سوره‌ی معارج را قرائت کند، خدا ثواب کسانی را که امانات و عهد و پیمان خود را حفظ کرده، و بر نمازشان مواظبت می‌کنند، به او می‌دهد. «۱» البته خواندن سوره در صورتی مؤثر است که خواننده در راستای محتوای آن حرکت و به آن عمل کند. از این رو در این حدیث به ثواب عمل به دو آیه‌ی ۳۴ و ۳۲ این سوره اشاره شده است.

اهداف

اهداف: به نظر می‌رسد مهم‌ترین هدف این سوره یادآوری قیامت و عذاب الهی و هشدار کافران باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۰

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. بیان ویژگی‌های قیامت و مقدمات آن (در آیات ۶-۱۵)؛ ۲. بیان حالات کفار در قیامت (در آیات ۴۲ و ۴۳)؛ ۳. بیان صفات خوب و بد انسان‌ها که سبب بهشتی و جهنمی شدن آنها می‌شود (در آیات ۱۷-۳۵)؛ ۴. تهدید منکران و مشرکان (در آیات ۳۶-۴۴)؛ ۵. سخن از عروج ملائکه در روزهایی که هر کدام معادل پنجاه هزار سال است (در آیه‌ی ۴). ب) اخلاق: ۱. دعوت به صبر و پایداری (در آیه‌ی ۵)؛ ۲. دعوت به رعایت امانت و عهد، حفظ عفت و پاک‌دامنی و محافظت بر نماز (در آیات ۲۲-۳۳)؛ ۳. تشویق به پرداخت حقوق مالی محرومان در اموال (در آیات ۲۴ و ۲۵). ج) احکام: بحثی درباره‌ی نمازهای دایمی (در آیه‌ی ۲۳). د) داستان: گزارش از مجازات کسی که تقاضای عذاب داشت و واقع شد (در آیات ۱ و ۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۱

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی معارج قرآن کریم در آیات اول تا سوم سوره‌ی معارج به درخواست عذاب توسط برخی افراد و حتمی بودن وقوع آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۳. سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِّلْكَافِرِينَ لَئِيسَ لَهُ دَافِعٌ * مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ خواهنده‌ای عذاب واقع شدنی را درخواست کرد. * برای کافران هیچ دفع‌کننده‌ای از آن نیست. * از طرف خدای صاحب درجات. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد آیه‌ی اول این سوره دو تفسیر شده است: الف) شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسش نمود که این عذاب الهی بر چه کسی واقع می‌شود؟ آیه‌ی بعد به او پاسخ داد که عذاب مخصوص کافران است. «۱» ب) پیامبر صلی الله علیه و آله از خدا درخواست عذاب کفار را کرد، که واقع شد. البته مانعی ندارد که این آیه به هر دو مورد اشاره داشته و به مناسبت دو واقعه نازل شده باشد. ۲. «معارج» به معنای پله یا جای صعود است و در این جا اشاره به درجات و مقامات فرشتگان است که در آن درجات به سوی قرب خدا می‌روند. «۲» البته ممکن است معارج اشاره به همه‌ی کارها و مخلوقات الهی باشد که دارای درجات و مراحل هستند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عذاب کافران حتمی است. ۲. لجوجانه درخواست عذاب نکنید که واقع می‌شود. ۳. کارها و مخلوقات الهی درجه‌بندی و مرحله‌بندی (و منظم) شده‌اند. *** قرآن کریم در آیات چهارم تا نهم سوره‌ی معارج به ویژگی‌های رستاخیز، هم‌چون طولانی بودن و نزدیک بودن آن و حوادث آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۴-۹. تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ * فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا * إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا * وَتَرَاهُ قَرِيبًا * يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ * وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ فَرُشْتِكَانَ وَرُوحٌ، در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است، به سوی او بالا می‌روند. * پس باشکیبایی نیکو شکبیا باش؛ * [چرا] که آنان آن (روز) را دور می‌بینند، * و (ما) آن را نزدیک می‌بینیم. * روزی که آسمان هم چون روغن (یا فلز) گداخته می‌شود، * و کوه‌ها همانند پشم رنگین (زده شده) می‌شوند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات زمان رستاخیز را پنجاه هزار سال اعلام کرده است. این عدد یا عدد واقعی است، یعنی هر چند نظام منظومه‌ی شمسی در رستاخیز در هم می‌ریزد و سال‌های معمولی که معادل گردش زمین به دور خورشید است وجود ندارد، ولی زمان رستاخیز به اندازه‌ی پنجاه هزار سال فعلی ماست «۱» و یا مقصود از این عدد، تکثیر است، یعنی رستاخیز بسیار طولانی است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۳. ۲. چرا در برخی آیات قرآن آمده است که زمان رستاخیز یک هزار سال است «۱» ولی در این جا پنجاه هزار سال گفته شده است؟ در احادیث روایت شده که رستاخیز پنجاه ایستگاه و موقف دارد که هر موقف به اندازه‌ی یک هزار سال است. «۲» ۳. طولانی و کوتاه بودن رستاخیز نسبی است؛ یعنی نسبت به کافران و ستمکاران، بسیار دراز و معادل پنجاه هزار سال است، اما نسبت به مؤمنان، کوتاه و آسان و کم‌تر از یک نماز واجب در دنیا است. این مطلب در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است. «۳» ۴. در این آیات از عروج و صعود فرشتگان به سوی خدا یاد شده است. روشن است که این صعود روحانی و معنوی است نه جسمانی. آری؛ فرشتگان در آن روز عروج می‌کنند و آماده‌ی اجرای دستورات الهی می‌گردند. ۵. مقصود از «روح» در این آیات همان «روح الامین»، فرشته‌ی بزرگ الهی است که در سوره‌ی قدر نیز به او اشاره شده است. «۴» ۶. این آیات پیامبر صلی الله علیه و آله را به «صبر جمیل» فرا می‌خواند. مقصود شکبایی و استقامتی است که تداوم داشته باشد و نومی‌دی در آن راه نیابد و همراه شکوه و بیتابی نباشد. «۵» ۷. مخالفان، رستاخیز را دور می‌پندارند و از این رو جرأت و جسارت بر گناه پیدا می‌کنند، اما خدا رستاخیز را نزدیک می‌داند. آری؛ مدت عمر دنیا در برابر عمر طولانی نظام هستی بسیار کوتاه است، از این رو رستاخیز بسیار نزدیک است. کافران بیند آن را بس بعید ما بسی بینیم نزدیک آن وعید ۸. در این آیات به چهار ویژگی رستاخیز اشاره شده است: الف) بسیار طولانی است. ب) نزدیک است. ج) در رستاخیز نظام فعلی جهان درهم می‌ریزد و آسمان‌ها با همه‌ی کرات و سیارات و ستارگان به صورت فلز گداخته در می‌آیند. د) کوه‌ها هم چون پشم رنگین زده شده می‌شوند. آری، در آن روز آسمان‌ها متلاشی و کوه‌ها خرد و ریز ریز و در هوا منتشر می‌گردند و جهانی نوین ایجاد می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز بسیار طولانی است (پس برای آن روز آماده شوید). ۲. رستاخیز روز عروج فرشتگان است. ۳. رهبران الهی باید به خوبی شکبایی ورزند (و منتظر روز داوری باشند). ۴. بر خلاف پندار مخالفان، رستاخیز نزدیک است. ۵. در رستاخیز نظم و نظام کنونی جهان در هم فرو می‌ریزد (و نظمی نوین برپا می‌شود). * * * قرآن کریم در آیات دهم تا هجدهم سوره‌ی معارج به حالات خلافاکاران در رستاخیز و تنهایی آنها و فرجام عذاب آلودشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰-۱۸. وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا * يُبْصِرُونَهُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِنَبِيٍّ * وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ * وَفَصَّيَلَتْهُ الَّتِي تُؤْوِيهِ * وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ * كَلَّا إِنَّهَا لَلْظَى نَزَاعِيَةٌ لِلشَّوَى تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى وَجَمَعَ فَأَوْعَى تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۵ و هیچ (دوست) گرم نزدیکی از (دوست) گرم نزدیک (خود) پرسش نمی‌کند. * آن (دوست) ها به آنان نشان داده می‌شوند؛ خلافاکار آرزو می‌کند که (برای نجات) از عذاب آن روز پسرانش را تاوان دهد. * و (نیز) همسرش و برادرش را، * و (نیز) خویشاوندانش که او را پناه می‌دادند، * و (نیز) کسانی را که در زمین هستند، جملگی (تاوان دهد)، سپس او را نجات دهد. * هرگز چنین نیست؛ در واقع آن (دوزخ) شعله‌ی آتشین است! * در حالی که برکننده‌ی پوست سر و بدن بریان شده است. * (دوزخ) فرا می‌خواند کسی را که پشت کرده و روی برتافته، * و (نیز) کسانی را که اموال را) جمع کرده و ذخیره کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خلافاکاران در رستاخیز تنها و بی‌یاورند، کسانی که دوستان صمیمی خود را می‌بینند ولی آن قدر هراسان و گرفتار کار خویش‌اند که به سراغ آنان نمی‌روند و آن صحنه چنان وحشتناک است که آنان

آرزو می‌کنند ای کاش می‌شد عزیزان خویش، بلکه تمام مردم دنیا را فدا کنند و از این عذاب نجات یابند، ولی هرگز این آرزو برآورده نمی‌شود؛ چون وقت عمل گذشته است و از کسی تاوان قبول نمی‌شود و رستاخیز روز نتیجه‌گیری از کارهای دنیاست. ۲.

«لظی به معنای شعله‌ی خالص آتش، یکی از نام‌های رستاخیز نیز هست که در آیه‌ی فوق ممکن است به هر دو معنا باشد. ۳. در این آیات به چند عامل عذاب خلافکاران اشاره شده است: الف) آنان به دستورات الهی پشت می‌کردند و از آن روی برمی‌تافتند. ب) آنان ثروت می‌انباشتند ولی در راه خدا مصرف نمی‌کردند و به بینوایان کمک نمی‌کردند؛ از این رو گرفتار آتش شدند. ۴. آتش خلافکاران را با زبان حال یا زبان قال فرا می‌خواند. آری؛ کسانی که در دنیا به فراخوان رهبران الهی توجه نمی‌کنند و درخواست فقیران را بی‌پاسخ می‌گذارند، در رستاخیز باید به فراخوان و درخواست آتش پاسخ مثبت دهند و خواه ناخواه در دوزخ جای می‌گیرند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز تنهایی و بی‌یاوری مجرمان است. ۲. در رستاخیز از کسی تاوان پذیرفته نمی‌شود. ۳. پاسخ مثبت ندادن به فراخوان الهی در دنیا و جمع ثروت بدون انفاق، از عوامل عذاب است. ۴. خلافکاران آن‌قدر خودپسند هستند که حاضرند همه‌ی مردم دنیا را فدای خود کنند. *** قرآن کریم در آیات نوزدهم تا بیست و یکم سوره‌ی معارج به صفات طبیعی انسان‌های تربیت نیافته اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹-۲۱. إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا* در حقیقت، انسان آزمند و کم‌طاقت آفریده شده است؛* هنگامی که بدی به او برسد بی‌تابی می‌کند،* و هنگامی که نیکی به او برسد مانع (استفاده‌ی دیگران) می‌شود، نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به سه صفت «آزمندی، بی‌تابی و بخل» انسان اشاره شده که به طور طبیعی در انسان آفریده شده‌اند و همه‌ی آنها از شاخه‌های حُب ذات‌اند؛ یعنی چون انسان خود را دوست دارد، همه چیز را برای خویش می‌خواهد و در برابر مصیبت‌هایی که به او می‌رسد بی‌تابی می‌کند. که در طبع انسان بود این صفات حریص است و بی‌صبر اندر حیات (مجد) ۲. برخی آیات قرآن آفرینش انسان را به بهترین صورت معرفی کرده «۱» و گاهی او را خلیفه و جانشین خدا خوانده است، پس چگونه می‌شود که این صفات بد در وجود انسان باشد و مستحق سرزنش شود؟ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۷ در برابر این پرسش چند پاسخ داده‌اند: الف) این صفات ذاتاً بد نیستند بلکه غرایز و نیروهایی هستند که می‌توانند وسیله‌ی کمال یا سقوط انسان شوند. اگر انسان از نیروی «حرص» برای جمع مال و منع انفاق استفاده کند، گرفتار آزمندی و بخل می‌شود ولی اگر از همین نیرو، در مسیر دانش استفاده کند، عاشق و تشنه‌ی علم می‌شود و مراتب کمال را می‌پیماید. ب) این صفات به طور طبیعی در انسان هستند و اگر انسان در پرتو وحی تربیت نشود هم چون علف هرز با جهات ناپسند رشد می‌کند، اما اگر در پرتو وحی تربیت شود همین صفات را کنترل می‌کند و انسانی شایسته می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان (تربیت نیافته) ذاتاً حریص، بی‌تاب و بخیل است. ۲. خَلَقَ انْصَانَ تَابِعًا خَلْقَ اَوْسْتٍ (و برخی صفات در آفرینش انسان به طور طبیعی وجود دارد). ۳. صفات بد ذاتی خویش را بشناسید (و آن را کنترل و هدایت کنید). *** قرآن کریم در آیات بیست و دوم تا سی و پنجم سوره‌ی معارج به صفات انسان‌های تربیت یافته و نمازگزاران حقیقی و فرجام‌نیکوی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲-۳۵. إِلَّا الْمُصَلِّينَ* الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صِدْقٍ مَّا تَبِعُوا دَائِمُونَ* وَالَّذِينَ فِي أُمُورِهِمْ حِيقٌ مَّعْلُومٌ* لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ* وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بَيِّمَاتِ الدِّينِ* وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ* إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ* وَالَّذِينَ هُمْ لِقُرُوبِهِمْ حَافِظُونَ* إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ* فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ* وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ* وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ* وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ* أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۸ مگر نمازگزاران؛* (همان) کسانی که آنان بر نمازشان مداومت می‌ورزند* و کسانی که در اموالشان حق معینی است،* برای درخواست کننده و محروم،* و کسانی که روز جزا را تأیید می‌کنند،* و کسانی که آنان از عذاب پروردگارشان بیمناک‌اند،* [چرا] که از عذاب پروردگارشان ایمنی نیست،* و کسانی که آنان دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می‌کنند،* مگر در مورد همسرانشان یا آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند، که در حقیقت، آنان (در این موارد) سرزنش نمی‌شوند.* و

کسانی که فراتر از این می‌جویند، پس تنها آنان تجاوز کردند.* و کسانی که آنان امانت‌هایشان و پیمان‌هایشان را رعایت می‌کنند،* و کسانی که آنان (برای ادای) گواهی‌هایشان ایستاده‌اند،* و کسانی که آنان بر نمازشان مواظبت می‌نمایند؛* آنان در بوستان‌های (بهشتی)، گرامی داشته شده‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دوازده ویژگی انسان‌های تربیت یافته در پرتو وحی و نماز گزاران واقعی اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) نماز گزارند؛ ب) بر نماز خود مداومت می‌ورزند و نمازهای مستحبی را که انتخاب کرده‌اند، مرتب انجام می‌دهند؛ ج) آنان به بینوایان جامعه رسیدگی می‌کنند؛ د) آنان معاد باورند؛ ه) از عذاب الهی بیمناک‌اند و خود را مبرای از خطا و گناه و ایمن نمی‌دانند. و) پاک‌دامن‌اند؛ غریزه‌ی جنسی خود را از طریق صحیح ارضا می‌کنند و تجاوزگر و اهل فساد و فحشا نیستند؛ ز) امانت‌دارند؛ ح) به عهد و پیمان خود با خدا و خلق پای‌بندند؛ ط) کتمان شهادت نمی‌کنند و در موارد لزوم گواهی می‌دهند؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۹ ی) بر انجام نمازهای واجب خود محافظت می‌کنند که صحیح، کامل و به موقع انجام گیرد؛ ک) فرجامی بهشتی دارند؛ ل) در آخرت ارجمند و گرامی خواهند بود.

۲. دقت در این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که انسان‌های تربیت یافته در پرتو وحی از چند جهت برجسته هستند. الف) ارتباط محکم با خدا دارند و از طریق استمرار و محافظت نماز این پیوند را حفظ می‌کنند؛ ب) معاد باورند و از عذاب الهی بیم‌ناک‌اند؛ ج) ارتباط با خلق دارند و از طریق کمک به بینوایان این پیوند را حفظ می‌کنند؛ د) در روابط اجتماعی خود مسئولانه عمل نموده، عهد و امانت را رعایت می‌کنند، به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کنند و در مواقع لزوم به نفع حق گواهی می‌دهند. ه) آنان روابط جنسی قانونمند دارند و پاک‌دامن‌اند. کسانی که نسبت به مبدأ و معاد و مردم، عقاید و چنین رفتار نیکویی دارند، در رستخیز نیز اهل بهشت و گرامی‌اند و این صفات نماز گزاران واقعی است. آری؛ نماز واقعی، انسان را از غرایز طبیعی و پست نجات بخشیده به سوی کمال و تعالی سوق می‌دهد. ۳. منظور از مداومت بر نماز آن نیست که در کل شبانه روز نماز بخوانند، بلکه آن است که در اوقات معین نماز را به جا می‌آورند و ارتباط مستمر با پروردگار دارند، که این عبادت مستمر روح و جان آنان را پرورش می‌دهد و مانع غفلت و غرورشان می‌شود. خوشا آنان که دایم در نمازند. ۴. در مورد این آیه از امام باقر علیه السلام روایت شده که منظور آیه آن است که هرگاه انسان چیزی از نمازهای مستحبی را بر خود لازم شمرد، آن را ادامه دهد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۴۰ و از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که محبوب‌ترین اعمال نزد خدا چیزی است که ادامه داشته باشد، هرچند کم باشد.

«۱» ۵. مقصود از محافظت بر نماز، آن است که انسان نمازهای واجب خود را به موقع و با آداب و شرایط و با حضور قلب ادا کند و در احادیث نیز تذکر داده شده که محافظت بر نماز اشاره به نمازهای واجب است. «۲» ۶. مقصود از «حق معلوم» در اموال آن است که انسان چیزی غیر از زکات، در اموال خود در نظر بگیرد و به نیازمندان بدهد. «۳» و در احادیث، ذیل آیه‌ی فوق سفارش شده که انسان از ثروت خود به خویشاوندان بدهد و مشکلات آنها را حل کند. «۴» ۷. «سائل» نیازمندی است که حاجت خود را ابراز می‌کند و در اصطلاح فارسی به او «گدا» می‌گویند، اما «محروم» نیازمندی است که تلاش می‌کند ولی در زندگی مشکلات دارد و آن را ابراز نمی‌کند «۵» که البته باید به هر دو گروه امداد رسانی کرد. ۸. انسان‌های تربیت یافته در پرتو وحی، معاد را تأیید می‌کنند و به آن تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۴۱ اعتقاد دارند و همیشه توجه دارند که حساب و کتاب و کیفر در پیش است و «۱» از این رو وظایف الهی خود را انجام می‌دهند و از گناه می‌پرهیزند؛ به عبارت دیگر تصدیق علمی و عملی نسبت به معاد دارند.

۹. انسان‌های تربیت یافته از عذاب الهی می‌هراسند و خود را ایمن نمی‌دانند؛ یعنی احساس مسئولیت می‌کنند و نیکی‌های خود را کوچک و گناهان و خطاهای خود را بزرگ می‌شمارند و از این رو از عذاب خدا بیمناک‌اند ولی در همان حال به رحمت او امیدوارند. ۱۰. از امام علی علیه السلام روایت شده که به فرزندش سفارش کرد: آن‌چنان از خدا بیمناک باش که اگر تمام نیکی‌های مردم روی زمین را انجام دهی، احتمال دهی از تو نمی‌پذیرند و آن‌چنان به خدا امیدوار باش که اگر تمام بدی‌های مردم روی زمین را انجام داده باشی، احتمال دهی که خدا تو را می‌آمرزد. «۲» ۱۱. در این آیات به حفظ تعادل در غریزه‌ی جنسی انسان

اشاره شده است؛ یعنی از طرفی راه ازدواج و ارضای غریزه را بازمی‌گذارد و از طرف دیگر مسئله‌ی پاک‌دامنی را مطرح می‌کند.

«۳» یعنی اسلام نه با سرکوب غریزه‌ی جنسی موافق است و نه با بی‌بندوباری و تجاوزگری. ۱۲. کنیزان کسانی هستند که انسان به همسری خود برمی‌گزیند و حقوق قانونی همسر انسان را دارند، هرچند آزاد نیستند، البته در جهان فعلی کنیزداری وجود ندارد. «۴»

۱۳. یکی از صفات انسان‌های تربیت یافته و نمازگزاران واقعی آن است تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۴۲ که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند. امانت هم شامل امانت‌های مادی مردم می‌شود و هم امانت‌ها و نعمت‌های الهی هم چون مقامات حکومتی و دین و قرآن. «۱» و پیمان هم پیمان‌های انسان با مردم را شامل می‌شود و هم، پیمان‌های الهی، هم چون ایمان به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله؛ یعنی نمازگزار واقعی به مسئولیت‌های اجتماعی خویش پای‌بند است. ۱۴. در این آیات بر گواهی دادن تأکید شده و در برخی آیات کتمان شهادت گناه شمرده شده است. «۲» ادای شهادت و گواهی حق موجب می‌شود که حقوق فردی و اجتماعی مردم پای‌مال نشود و عدالت اجرا گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نمازگزاران حقیقی صفاتی عالی دارند. ۲. نماز مداومت و محافظت می‌خواهد. ۳. نمازگزار حقیقی همان طور که با خدا ارتباط دارد، از طریق کمک به مردم، با خلق خدا نیز ارتباط دارد. ۴. در ثروت خویش سهم معینی برای فقرا قرار دهید. ۵. همان طور که به گدایان کمک می‌کنید به نیازمندان آبرومند نیز کمک کنید. ۶. اگر می‌خواهید جزء نمازگزاران حقیقی به شمار آید معادباور و از عذاب الهی بیمناک باشید و خود را ایمن ندانید. ۷. اگر می‌خواهید جزء نمازگزاران حقیقی باشید، پاک‌دامن باشید. ۸. در مورد غریزه‌ی جنسی، متعادل عمل کنید نه آن را سرکوب کنید و نه بی‌بند و بار رهایش سازید. ۹. ازدواج کردن چیز نکوهیده‌ای نیست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۴۳

۱۰. بی‌بندوباری جنسی نوعی تجاوز (به حقوق اجتماعی و مرزهای الهی) است. ۱۱. اگر می‌خواهید نمازگزار حقیقی باشید، امانت‌دار باشید و پیمان‌شکنی نکنید. ۱۲. اگر می‌خواهید نمازگزار حقیقی باشید کتمان شهادت نکنید و به حق گواهی دهید. ۱۳. اگر می‌خواهید فردی ارجمند و اهل بهشت باشید، نمازگزار حقیقی شوید. *** قرآن کریم در آیات سی و ششم تا سی و نهم سوره‌ی معارج به طمع مخالفان اسلام برای ورود به بهشت پاسخ می‌دهد و می‌فرماید: ۳۶-۳۹. *فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مُهْطِعِينَ * عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ عِزِينَ * أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ * كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ* پس چه شده برای کسانی که کفر ورزیدند که شتابان روبه تو آرند،* از راست و از چپ، گروه گروه؟! آیا هر مردی از آن (کافر) ها طمع می‌ورزد که در بوستان پر نعمت (بهشت) در آورده شود؟! * هرگز چنین نیست؛ در حقیقت، ما آنان را از آنچه می‌دانند آفریده‌ایم. نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله آیات معاد و بهشت را برای مسلمانان می‌خواندند، برخی از مشرکان مکه نزد ایشان می‌آمدند و می‌گفتند: اگر معادی در کار باشد وضع ما از این مؤمنان بهتر است، همان طور که وضع ما در این دنیا از آنان بهتر است. قرآن کریم در آیات فوق به این طمع‌کاران پاسخ داد که هرگز چنین نیست و کافران وارد بهشت نمی‌شوند. «۱» ۲. یکی از روش‌های تربیتی قرآن شیوه‌ی مقایسه و مقابله است. در آیات پیشین به فرجام بهشتی مؤمنان اشاره شده و در این آیات بیان شده است که کافران، داخل بهشت نمی‌شوند. تصویر این دو فرجام در برابر تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۴۴ هم‌دیگر به مخاطب قرآن آگاهی و قدرت انتخاب می‌دهد. ۳. برخی از مشرکان معاد جسمانی را قبول نداشتند، اما برخی دیگر اصل معاد را قبول داشتند و یا به صورت احتمالی از آن بحث می‌کردند و می‌پنداشتند که ثروت و رفاه آنان در این دنیا دلیل مقام بلند آنها نزد خداست، پس در رستاخیز نیز اهل بهشت خواهند بود. در حالی که همه‌ی این‌ها برای امتحان و نوعی مهلت دادن به کافران بود و بهشت را براساس عقیده و عمل شایسته می‌دهند، نه بر اساس مقدار ثروت و مقام دنیوی. ۴. این آیات در پاسخ کافران طمع‌کار اشاره می‌کند که آنان از نطفه‌ای بی‌ارزش آفریده شده‌اند، پس این همه غرور و سرکشی برای چیست؟! ارزش انسان به ایمان و عمل صالح است که کافران ندارند، پس طمع ورود به بهشت را نداشته باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران طمع کارند. ۲. حتی کافران نیز آرزوی بهشت دارند. ۳. کافران امیدی به بهشت نداشته باشند. ۴. کافران به آفرینش خود بنگرند تا طمع کار نشوند. ***

قرآن کریم در آیات چهلم تا چهل و چهارم سوره‌ی معارج با سوگند و تأکید به کافران در مورد تغییر اقوام در دنیا و روز هولناک رستاخیز هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۴۰-۴۴. فَلَمَّا أَفْسِمَ رَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ * عَلَيَّ أَنْ تُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْرِئِينَ * فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ * يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصْبٍ يُوفُضُونَ * خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۴۵ و سوگند یاد می‌کنم به پروردگار خاوران و باختران! که قطعاً ما تواناییم،* بر این که بهتر از آنان را جای‌گزین کنیم؛ و ما پیشی گرفته شده (و مغلوب) نیستیم.* پس آنان را رهاکن تا (در باطل) فرو روند و بازی کنند تا این که روز (رستاخیز) شان را که وعده داده می‌شوند، ملاقات کنند.* (همان) روزی که از قبرها به سرعت خارج می‌شوند، چنان که گویی آنان به سوی بت‌های سنگی روانه می‌شوند؛* در حالی که دیدگان‌شان (از وحشت) فروتن است، [و] خواری آنان را فرا گرفته است! این روزی است که وعده داده می‌شود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات به کافران هشدار می‌دهد و قدرت خدا را به رخ آنان می‌کشد و می‌فرماید ما می‌توانیم شما را از بین ببریم و گروه بهتری را به جای شما قرار دهیم ولی نمی‌خواهیم؛ خدا می‌خواهد شما را رها سازد تا به گناه و سرکشی ادامه دهید تا رستاخیز فرا رسد و گرفتار عذاب خوارکننده شوید. ۲. سوگند خدا به مشرق‌ها و مغرب‌ها، برای تأکید بر مطلب و نشان دهنده‌ی اهمیت مشرق‌ها و مغرب‌های متعدد است و به نوعی توجه انسان را به وجود آنها جلب می‌کند تا در مورد آنها مطالعه کنند و نشانه‌های خدا را دریابند. ۳. مشرق به مکان طلوع خورشید و مغرب به مکان غروب آن گفته می‌شود که براساس حرکت زمین به دور خود به وجود می‌آید. هر بار یک نیم‌کره‌ی زمین در برابر نور خورشید قرار می‌گیرد و با توجه به حرکت مداوم زمین، مغرب‌ها و مشرق‌های زیادی داریم که در هر سرزمین متفاوت است و نیز در طول سال تغییر می‌کند. اما دو مشرق و مغرب ممتاز وجود دارد که یکی در آغاز تابستان، یعنی حد اکثر اوج خورشید در مدار شمالی و یکی در آغاز زمستان در حد اقل پایین آمدن خورشید در مدار جنوبی است. از این رو گاهی قرآن به مشرق و مغرب اشاره می‌کند «۱» و گاهی به مشرق‌ها و مغرب‌ها، که هر دو اشاره‌ی علمی دارند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۴۶. ۴. اگر کسی اهل منطق و استدلال نباشد و بر کفر و شرک لجاجت ورزد، خدا او را رها می‌کند تا در غفلت و باطل فرو رود و به بازی دنیا مشغول شود تا رستاخیز فرا رسد و گرفتار گردد. آری؛ این یکی از انواع عذاب‌های الهی است که به نام سنت و روش مهلت دادن (امهال یا استدراج) نامیده می‌شود. ۵. در این آیات بیان شده که هنگام بیرون آمدن کافران از قبرها، چند اتفاق جالب رخ می‌دهد: الف) آنان با سرعت می‌دوند، چنان که گویی به سوی بت‌ها یا پرچم‌هایشان روان‌اند. «۱» ب) چشم‌هایشان (از وحشت) فروتن شده است. ج) ذلت و خواری آنان را فرا گرفته است. آری؛ کسانی که در دنیا متکبر بودند و دیگران را خوار می‌کردند و در راه خدمت به بت‌ها می‌کوشیدند در آخرت نیز همان راه را ادامه می‌دهند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وجود مشرق‌ها و مغرب‌های متعدد با اهمیت (و قابل مطالعه) است. ۲. در برابر خدا سرکشی نکنید که او می‌تواند بهتر از شما را جایگزین‌تان کند. ۳. یکی از عذاب‌های الهی رها کردن افراد به حال خود است. ۴. مراقب باشید در باطل فرو نروید و مشغول بازی دنیا نشوید که گرفتار عذاب رستاخیز می‌شوید. ۵. رستاخیز روز شتاب‌زدگی و خواری کافران و معادناپوران است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۴۷

بخش دهم: سوره‌ی نوح

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «نوح» در مکه نازل شده و دارای ۲۸ آیه، ۲۲۴ کلمه و ۹۲۹ حرف است. این سوره هفتادمین سوره در ترتیب نزول

(بعد از سوره‌ی «نحل» و قبل از سوره‌ی «ابراهیم») و هفتاد و یکمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره، «نوح» است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که هر کس سوره‌ی «نوح» را قرائت کند از مؤمنانی به شمار می‌آید که دعوت نوح پیامبر به آنان رسیده است. «۱» البته این گونه آثار برای کسانی است که این سوره را بخوانند و به آن عمل کنند.

اهداف

اهداف: کل سوره‌ی نوح بیان داستان نوح و برخوردها و مباحثات او با کافران است و هدف آن بیان نشانه‌های خدا و عذاب الهی بر اهل باطل و هشدار به مشرکان مکه و تسلی به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان است.

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. دعوت به پرستش خدا (در آیه‌ی ۳)؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۰. بیان نشانه‌های خدا در جهان آفرینش (در آیات ۱۵ - ۲۰)؛ ۳. یادی از عذاب دنیوی قوم نوح و عذاب اخروی آنها (در آیه‌ی ۲۵). ب) اخلاق: ۱. دعوت به تقوا (در آیه‌ی ۳)؛ ۲. بیان رفتار تکبرآمیز مشرکان در مقابل پیامبران (در آیه‌ی ۸)؛ ج) داستان: گزارش مفصلی از داستان نوح و هشدارها و مباحثات او با قومش و سپس نفرین او به کافران (در آیات ۱ - ۲۸)؛ در ضمن این داستان گزارش جالبی از نام بت‌های مشرکان و اصرار آنان بر بت پرستی آمده است (آیه‌ی ۲۳). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۱

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی نوح قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره‌ی نوح به اهداف رسالت نوح علیه السلام و تأثیر دین‌پذیری در آموزش گناهان و طول عمر انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱-۴. **إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ * قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ * أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا * يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا حَيَاءٌ لَّمَّا يُؤَخَّرْ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ** در حقیقت، ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که: «قومت را هشدار ده، پیش از آن که عذاب دردناکی به سراغشان آید.» * گفت: «ای قوم من! در حقیقت، من برای شما هشدارگری روشن‌گرم، * که خدا را بپرستید و خودتان را از [عذاب او حفظ کنید و [مرا] اطاعت کنید. * تا بخشی از پیامدهای (گناهان) تان را برای شما بیامرزد و (مرگ) شما را تا سرآمد معینی به تأخیر اندازد؛ [چرا] که هنگامی که سرآمد (مرگ حتمی) الهی فرارسد، به تأخیر افتاده نمی‌شود، اگر شما می‌دانستید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نوح علیه السلام یکی از پیامبران بزرگ الهی بود که مدت زیادی در میان قوم خویش زندگی کرد و مردم را به سوی توحید و تقوا فرا خواند، ولی قوم کافر در برابر او لجباعت کردند و پس از صدها سال تبلیغ، تنها عده‌ی اندکی به او ایمان آوردند. نام این پیامبر الهی ۴۳ بار در قرآن آمده و در ۲۹ سوره‌ی قرآن در مورد او سخن گفته شده است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۲. در این آیات به اهداف رسالت نوح اشاره شده که عبارت‌اند از: الف) هشدار به مردم قبل از رسیدن عذاب الهی؛ ب) فراخوان به سوی پرستش خدا؛ ج) فراخوان به سوی تقوا و خودنگه‌داری از گناه؛ د) فراخوان به سوی اطاعت از رهبر الهی و دستورات دینی. ۳. در این آیات چند نتیجه برای دین‌پذیری بیان شده است: الف) آموزش گناهان؛ ب) طولانی شدن عمر انسان. شاید یکی از دلایل این امر آن باشد که پرستش خدا و عمل به دستورات دینی موجب آرامش و

بهداشت روانی انسان می‌شود که سلامت روانی و طول عمر انسان را به دنبال دارد. ۴. گناه موجب کوتاهی عمر انسان می‌شود، چرا که گناهان بر جسم و روح انسان ضربه می‌زنند. از امام صادق علیه السلام روایت شده: کسانی که بر اثر گناه می‌میرند بیش از کسانی هستند که به مرگ طبیعی از دنیا می‌روند و کسانی که بر اثر نیکوکاری عمر طولانی پیدا می‌کنند، بیش از کسانی هستند که بر اثر عوامل طبیعی عمرشان زیاد می‌شود! «۱» ۵. اجل و سررسید عمر انسان دو گونه است: یکی اجل معین و نهایی که قابل تغییر نیست؛ چون هر انسانی به طور طبیعی خواهد مرد و یا عذاب حتمی الهی به او خواهد رسید. دوم اجل مُعلق یا مشروط و نزدیک که قابل تغییر است و یکی از عواملی که آن را به تأخیر می‌اندازد و عمر را طولانی می‌کند، پرستش، تقوا و پیروی از رهبر الهی است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۳. ۶. این یک قاعده است که هر کس ایمان بیاورد و از دستورات رهبر اسلام اطاعت کند، گناهان قبلی او آمرزیده می‌شود. بر این قاعده در سخنان نوح علیه السلام اشاره شده بود و در اسلام نیز تحت عنوان قاعده‌ی «اسلام ما قبل آن را جبران می‌کند.» از آن یاد می‌شود؛ از این رو برخی مفسران گفته‌اند که این قاعده‌ی عمومی در همه‌ی ادیان است. ۷. در این آیه نوح علیه السلام مردم را به پیروی از خود دعوت می‌کند. این دعوت در حقیقت دعوت به پیروی از دستورات الهی است نه دعوت به خود، چون پیامبر چیزی جز دستورات الهی را بیان نمی‌کنند. ۸. در این آیات بر هشدارگری نوح تأکید شده است با آن که پیامبران دو وظیفه‌ی بشارت و هشدار دارند؛ شاید بدین خاطر که هشدار تأثیر بیش‌تری دارد و ضامن اجرای قوانین است و یا به خاطر خصوصیت قوم لجوج نوح. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از اهداف رهبران الهی هشدار دادن به مردم است. ۲. (رهبران و مبلغان دینی) هشدارگری شما همراه با روشنگری باشد. ۳. مبلغان دینی مردم را به توحید، اخلاق و احکام فرا خوانند. ۴. دین‌پذیری موجب آمرزش گناهان و طولانی شدن عمر انسان می‌شود. ۵. اجل حتمی انسان تغییرناپذیر است. ۶. عوامل معنوی در کوتاهی و بلندی عمر انسان مؤثرند. *** قرآن کریم در آیات پنجم تا نهم سوره‌ی «نوح» به شیوه‌های تبلیغی نوح علیه السلام و لجاجت قوم او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵- ۹. قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا* فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا* وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا* ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا* تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۴ (نوح) گفت: «پروردگارا! در واقع، من قوم خود را شب و روز فراخواندم،* و [لی فراخواندن من (چیزی) جز بر فرار آنان نیفرود.* و در حقیقت، من هر گاه آنان را فراخواندم تا آنان را بیامرزی، انگشتانشان را در گوش‌هایشان قرار دادند و لباس‌هایشان را بر سر کشیدند و (در مخالفت) پافشاری کردند و با استکبار تکبر ورزیدند.* سپس در واقع، من آنان را با صدای بلند فراخواندم،* سپس به راستی من (حقایق را) برایشان آشکار کردم و پنهانی برایشان رازگویی کردم، نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نوح علیه السلام از هر فرصتی در شبانه روز برای هدایت مردم استفاده می‌کرد و شیوه‌های مختلف تبلیغی را به کار می‌برد تا مردم را به سوی توحید فرا خواند، ولی بازم قوم نوح لجاجت کردند و واکنش منفی نشان دادند و از این رو گرفتار عذاب شدند. ۲. شیوه‌ها و اصول تبلیغی نوح علیه السلام می‌تواند برنامه‌ی تبلیغی مناسبی برای مبلغان دینی و رهبران الهی ترسیم کند. این اصول و شیوه‌های تبلیغی عبارت‌اند از: الف) تبلیغات باید در شب و روز ادامه داشته باشد و منحصر به زمان خاصی نباشد؛ ب) تبلیغات باید آشکار و پنهانی باشد، یعنی به شیوه‌ی خاص تبلیغی منحصر نشود؛ ج) در تبلیغات باید از وسایل سمعی و بصری استفاده کرد؛ د) مبلغ نباید از واکنش منفی و فرار مردم ناامید شود بلکه باید به تبلیغات خود ادامه دهد تا نتیجه بگیرد؛ ه) هدف مبلغ دینی باید پاک کردن مردم از گناه باشد و باید این هدف را برای مردم بیان کند. ۳. در این آیات بیان شده که مخاطبان نوح علیه السلام در برابر تبلیغات او واکنش‌های منفی داشتند؛ از جمله این که: الف) از نوح پیامبر فرار می‌کردند تا با او روبه‌رو نشوند و در معرض تبلیغات او قرار نگیرند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۵ ب) انگشتانشان را در گوش‌ها می‌گذاشتند و لباس بر سر می‌کشیدند تا چشم آنان به نوح علیه السلام نیفتد و گوش‌شان حقایق را نشنود. ج) تکبر شدید در برابر آیات الهی و پیامبر خدا از واکنش‌های منفی قوم نوح علیه السلام بود. د) اصرار بر مخالفت و لجاجت نیز از

ویژگی‌های قوم نوح بود. گاهی آیات الهی و سخنان پندآموز رهبران الهی در دل‌های آلوده تأثیر منفی دارد و بر لجاجت آنان می‌افزاید، همان‌طور که قرآن موجب خسارت بیش‌تر ستمکاران می‌شود. آری؛ باران که در لطافت طبعش ملال نیست در باغ لاله روید و در شوره زار ۴. این آیات به مبلغان دینی و رهبران الهی گوش‌زد می‌کند که همیشه منتظر استقبال مردم و واکنش مثبت آنان نباشند بلکه خود را برای شرایط سخت تبلیغی و لجاجت و تکبر افراد آماده سازند و همانند نوح از هر فرصتی برای هدایت استفاده کنند. ۵. استقامت نوح علیه السلام الگویی برای مبلغان و رهبران دینی است. برخی مفسران نوشته‌اند که پس از نهصد و پنجاه سال تبلیغ دینی نوح علیه السلام، تنها حدود هشتاد نفر به او ایمان آوردند، یعنی تقریباً هر دوازده سال یک نفر، ولی بازهم نوح به تبلیغات خود به‌طور خصوصی و عمومی ادامه می‌داد و در برابر توهین و فرار و واکنش‌های منفی مردم مقاومت می‌کرد. آری؛ جهان کنونی نیز به مبلغانی با همت و استقامت نوح نیاز دارد تا مستکبران فراری از حقیقت را هدایت کنند. ۶. فرار از حقیقت هنوز هم در جامعه‌ی بشری وجود دارد ولی شکل‌های آن متفاوت شده است. امروز هم باطل‌گرایان به شراب، مواد مخدر و سرگرمی‌های ناسالم پناه می‌برند تا حقایق را نبینند و نشنوند. امروز هم مستکبران جهان از انواع تبلیغات و امواج رادیویی، تلویزیونی، ماهواره و اینترنت استفاده می‌کنند تا جلوی چشم و گوش جوانان را بگیرند تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۶ تا حقایق دینی را نشنوند، به سوی معنویت و کمال گام بردارند و برای همیشه اسیر چنگ آنان باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مبلغان و رهبران الهی از انواع شیوه‌های تبلیغی و از هر فرصتی برای هدایت مردم استفاده کنند. ۲. از واکنش‌های منفی مخالفان دین دل‌سرد نشوید که این مطلب سابقه‌ای تاریخی دارد. ۳. مخالفان دین از حقیقت‌گریزان‌اند و حاضر به شنیدن و دیدن آن نیستند. ۴. مخالفان دین گرفتار تکبر و لجاجت شده‌اند. * * * قرآن کریم در آیات دهم تا دوازدهم سوره‌ی نوح به سخنان هدایت‌گرانه‌ی نوح در مورد نتایج مادی و معنوی استغفار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰-۱۲. فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَبِينَنَّ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا و گفتیم: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ [چرا] که او بسیار آمرزنده است؛* تا (باران) آسمان را پی‌درپی بر شما [فرو] فرستد،* و شما را با اموال و پسران مدد رساند و برای شما باغ‌هایی قرار دهد و برای شما نهرهایی قرار دهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دو نتیجه‌ی عمده‌ی استغفار اشاره شده است: الف) موجب بخشش گناهان و پاک شدن انسان می‌شود؛ زیرا خدا آمرزنده است و توبه‌ی انسان را می‌پذیرد. ب) موجب برکات مادی، هم‌چون نزول باران، پیدایش نهرها، رشد درختان باغ‌ها و زیاد شدن اموال و پسران می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۷. ۲. بین امور معنوی و مادی ارتباط وجود دارد. برخی امور معنوی هم‌چون استغفار و ترک گناه موجب افزایش رفاه مادی و آبادی دنیای انسان می‌شود. در بعضی از آیات دیگر قرآن نیز بیان شده که ایمان و تقوا موجب افزایش برکات آسمان و زمین می‌شود (۱) و نیز عمل به کتاب‌های آسمانی موجب افزایش روزی می‌گردد. «۲» البته این رابطه نه تنها یک رابطه‌ی معنوی است بلکه رابطه‌ی مادی روشنی نیز در این زمینه وجود دارد. کفر و شرک و گناه، سرچشمه‌ی قانون‌شکنی و فساد اخلاقی و متزلزل شدن وحدت اجتماعی و هدر رفتن نیروهای انسانی و اقتصادی و رواج ظلم می‌شود و جامعه را به سوی سقوط می‌کشاند. اما ایمان و تقوا و دوری از گناه جامعه را به سوی عدالت و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و انفاق و ایثار به پیش می‌برد و جامعه‌ای آباد و مرفه می‌سازد. ۳. از امام علی علیه السلام روایت شده: زیاد استغفار نمایید که موجب جذب روزی به سوی خود می‌شوید. «۳» و از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس به او نعمتی رسید، شکر و حمد خدا را به جای آورد و کسی که روزی‌اش تأخیر کرده، از خدا طلب آمرزش کند. «۴» و نیز امام علی علیه السلام در حدیثی، با اشاره به آیه‌ی فوق، استغفار را موجب فزونی رزق و رحمت معرفی کردند. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۸. ۴. خدا نفرمود که اگر استغفار کنید باران می‌بارد بلکه فرمود: بارانی پی‌در پی می‌بارد، چنان که گویی آسمان می‌خواهد نازل شود؛ البته بارانی که موجب سرسبزی و قابل کنترل در نهرهاست. ۵. در این آیات به افزایش پسران اشاره شده اما از افزایش دختران یاد نشده است؛ شاید این مطلب به خاطر آن باشد که می‌خواسته

در این جا منابع اقتصادی آن جامعه را بر شمارد که یکی ثروت و دیگری نیروی کار فعال تر یعنی مردان بوده‌اند. ۶. رشد درختان و باغ و پیدایش نهرها، در واقع نتیجه‌ی نزول باران‌های زیاد است. این تعبیرات اشاره به آن است که باران‌هایی که پس از استغفار می‌آید سیل آسا و ویرانگر نیست بلکه قابل کنترل در نهرهاست و موجب رشد گیاهان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. استغفار پیامدهای مثبت معنوی و مادی دارد. ۲. گناهکاری و عدم استغفار مانع آبادانی زمین و رشد اقتصادی بشر است. ۳. استغفار موجب افزایش باران و آب‌های جاری و در نتیجه موجب سرسبزی زمین می‌شود. ۴. اگر می‌خواهید ثروت و فرزندان شما زیاد شود، استغفار کنید. *** قرآن کریم در آیات سیزدهم تا بیستم سوره‌ی «نوح» با اشاره به نشانه‌ها و نعمت‌های خدا، در مورد خداگریزی هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۳-۲۰. مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا * وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا * أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا * وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا * وَاللَّهُ أُنْتَبِطُكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا * ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا * وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا * لَتَسِيلُ لَكُمْ مِئْتًا مِنْهَا سَبِيلًا فَبِجَاجٍ تَفْسِيرِ قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۹ شما را چه شده که به عظمت خدا امیدی ندارید؟! * در حالی که به یقین، شما را گوناگون آفرید. * آیا نظر نکرده‌اید که خدا چگونه هفت آسمان را طبقه‌بندی شده آفرید، * و ماه را در آن (آسمان) ها نورانی قرار داد و خورشید را چراغی قرارداد؟! * و خدا شما را با رویدنی (هم چون گیاه) از زمین رویانید؟! * سپس شما را به آن (زمین) باز می‌گرداند و (در رستاخیز) به طور کامل بیرون می‌آورد؟! * و خدا زمین را برای شما گسترده قرار داد، * تا از آن به راه‌ها (ی وسیع) دره‌ها، راه یابید؟! * نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از نشانه‌های عظمت خدا آن است که انسان‌ها را به صورت‌های گوناگونی آفریده است، به طوری که رنگ‌ها، سلیقه‌ها، خواسته‌ها، ویژگی‌های روحی و روانی و خصوصیات جسمی متفاوتی دارند و دگرگونی‌های زیادی در جسم آنها پدید آمده و مراحل مختلفی را از نطفه، علقه تا تولد از مادر و رشد طی کرده‌اند، و نیز روحیات و احساسات انسان همواره در حال تغییر است. آری؛ شناخت این مراحل، انسان را با عظمت خدا بیش‌تر آشنا می‌کند و امید او به رحمت خدا و سپاس‌گزاری‌اش را افزایش می‌دهد، ولی جهل به عظمت خدا، انسان را به غفلت و ناسپاسی سوق می‌دهد. ۲. در این آیات به نشانه‌های خدا در صحنه‌ی آسمان و زمین و آفرینش انسان و معاد او اشاره شده است. شناخت این نشانه‌ها انسان را با توحید آشنا تر کرده، به پرستش حق سوق می‌دهد و از این رو نوح علیه السلام این نشانه‌ها را برای قوم خود بیان کرد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۰. ۳. قرآن هفت بار به صراحت از هفت آسمان یاد کرده است ولی در این آیه از زبان نوح پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند. این مطلب نشان می‌دهد که مسأله‌ی هفت آسمان قبل از اسلام، مسیحیت، یهود و حتی قبل از ابراهیم علیه السلام مطرح بوده است. پس نمی‌توان گفت قرآن این مطلب را از یونانیان (مثل بطلمیوس) و تورات گرفته است. ۴. منظور از آسمان‌های هفتگانه، مجموعه‌هایی از کهکشان‌ها و کرات آسمانی یا هفت طبقه‌ی جو زمین یا مراتب آسمان‌های معنوی است «۱» که البته در این جا احتمال اول با ظاهر آیات سازگارتر است؛ چرا که سخن از دیدن طبقات آسمان است، که با لایه‌های جو تناسب دارد. ۵. «طباق» به معنای مطابقت و گاهی به معنای قرار گرفتن چیزی بالای چیزی است؛ بنابراین این معنا، آسمان‌های هفتگانه بالای یک‌دیگر قرار گرفته‌اند که ما فقط یکی از این آسمان‌ها را می‌بینیم؛ و گاهی طباق به معنای هماهنگی و مطابقت دو چیز با یک‌دیگر است که بنا بر این معنای آیه‌ی فوق به طبقه‌بندی شدن، هماهنگی و مطابقت آسمان‌ها در نظم، عظمت و زیبایی اشاره دارد. ۶. «سراج» به معنای چراغ است که از درون خودش نور می‌افشاند و از این رو با خورشید متناسب است که نور آن از فعل و انفعالات و انفجارات و سوختن مواد درون آن تأمین می‌شود. اما «نور» مفهوم عامی دارد و شامل نور غیر مستقیم نیز می‌شود و از این رو با ماه تناسب دارد که نور آن انعکاس نور خورشید است. آری؛ این دقت‌ها در تعبیرات قرآنی شگفت‌انگیز و نشانه‌ی گوینده‌ای داناست. ۷. در این آیات انسان به گیاهی تشبیه شده که از زمین می‌روید و در تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۱ حقیقت خدا باغبان اوست. این تعبیر بسیار پر معناست و نشان می‌دهد که هدایت خدا در مورد انسان فقط کار یک معلم نیست بلکه او هم چون باغبانی دل‌سوز، بذر وجود انسان را در محیط مناسب، و مواد

لازم را در اختیار او قرار می‌دهد و به او رسیدگی می‌کند تا استعدادهای نهفته‌اش شکوفا شود. ۸. مقصود از رویش انسان از خاک، یا همان آفرینش نخستین انسان از خاک است و یا آن که تمام مواد غذایی که بدن انسان را می‌سازد، مستقیم یا غیر مستقیم، از زمین است. ۹. یکی از نشانه‌های خدا آن است که زمین را در همان حال که کروی است و با سرعت سرسام آوری حرکت می‌کند، به صورت فرش گسترده‌ای قرار داده است که انسان به راحتی بر آن زندگی و استراحت می‌کند و در راه‌ها و دره‌های گسترده آن رفت و آمد می‌نماید. «۱» ۱۰. در این آیات هم به مبدأ هستی و نشانه‌های او اشاره شده و هم به معاد؛ یعنی همان کسی که می‌تواند شما را از خاک بیافریند، می‌تواند شما را به خاک تبدیل کند و بار دیگر از خاک خارج سازد و در رستاخیز زنده و حاضر نماید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به آفرینش گوناگون خودتان بنگرید و به عظمت خدا پی ببرید و به رحمت او امیدوار باشید. ۲. از کیهان‌شناسی به خداشناسی برسید. ۳. باغبان گل وجود شما خداست. ۴. شما از خاکید و به سوی خاک باز می‌گردید و در رستاخیز سر از خاک برمی‌دارید. ۵. با مطالعه در مبدأ و معاد خودتان، خداشناس شوید. ۶. با مطالعات زمین‌شناسی خداشناس شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۲ قرآن کریم در آیات بیست و یکم تا بیست و چهارم سوره‌ی «نوح» به شکوهی نوح از قومش و نیرنگ بازی و بت پرستی و گمراهی قوم او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱-۲۴. قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَن لَّمْ يَزِدْهُ مِآلَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا* وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبْرًا* وَقَالُوا لِمَا تَدْرُنَّ آلِهَتُكُمْ وَاَلَمْآ سُوَاعًا وَاَلَمْآ يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسِرًا* وَقَدْ أَضَلُّوآ كَثِيرًا وَاَلَمْآ تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا نوح گفت: «پروردگارا! در حقیقت، آنان مرا نافرمانی کردند و از کسی پیروی کردند که مالش و فرزندش جز زیان بر او نیفزوده است*» و با فریبی بسیار بزرگ فریبکاری کردند* و گفتند: حتماً معبودتان را رها نکنید و البته (بت‌های) «وَدَّ» و «سُوَاع» و «يَغُوث» و «يَعُوق» و «نَسِر» را رها نکنید* و به یقین، بسیاری را گمراه کردند. (خدایا) ستمکاران را جز گمراهی می‌فزا! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قوم نوح می‌توانستند دو راه را انتخاب کنند: اول راه هدایت و پیروی از رهبر الهی و دوم راه گمراهی و پیروی از سران زیانکار خویش. قوم نوح راه دوم را برگزیدند و بدین ترتیب با مصرف سرمایه‌های وجودی خویش در راه بت پرستی و گمراهی به خویشتن ستم کردند. ۲. سران کفر، سرمایه‌ها و فرزندان خود را در مسیر صحیح به کار نمی‌برند بلکه در مسیر فساد و گناه از آنها استفاده می‌کنند و از این رو گرفتار زیانکاری می‌شوند. ۳. مقصود از نیرنگ بزرگ در این آیات چیست؟ برخی مفسران احتمال داده‌اند که این نیرنگ بزرگ همان مسأله‌ی بت پرستی است که از زمان نوح علیه السلام شروع شد و رواج یافت و این یکی از حیل‌های شیطان یا شیطان‌صفتان بود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۳. ۴. سران کفر مردم را به بت پرستی تشویق می‌کردند؛ سود خویش را در گمراهی و جهل مردم می‌دیدند و از گسترش دین توحیدی که مایه‌ی عدالت و ظلم‌ستیزی است وحشت داشتند. ۵. در این آیات به پنج بت مشهور قوم نوح اشاره شده است. برخی مفسران در مورد منشأ پیدایش آنها نوشته‌اند که الف) این‌ها نام پنج مرد صالح بود که قبل از نوح زندگی می‌کردند و مردم به آنها علاقه داشتند و از این رو مجسمه‌های آنان را ساختند و گرامی داشتند و این گرامی داشت، تدریجاً با تحریک شیطان، در نسل‌های بعدی به صورت بت پرستی درآمد؛ ب) این نام‌ها نام فرزندان آدم علیه السلام بود که مجسمه‌های آنان ساخته شد و در عصر نوح پرستش آنان بالا- گرفت؛ ج) این پنج بت به یاد آدم علیه السلام ساخته شد و مورد پرستش قرار گرفت، چرا که نوح از پرستش قبر او جلوگیری می‌کرد. «۱» البته مانعی ندارد که همه‌ی این موارد صحیح باشد، یا آن پنج مرد صالح از فرزندان آدم بوده باشند. ۶. این بت‌های پنج‌گانه یا نام و یاد آنان به عرب‌های جاهلی منتقل شد و قبل از اسلام، بت «وَدَّ» که به صورت مردی بود، در طایفه‌ی بنی کلب پرستش می‌شد و بت «سُوَاع» که به صورت زنی بود، در قبیله هُزَیل و بت «يَغُوث» که به صورت شیری بود در طایفه‌ی بنی قَطِيف یا بنی مذحج، و بت «يَعُوق» که به صورت اسب بود در طایفه‌ی هَمَدان و بت «نَسِر» که به صورت پرنده باز بود در طایفه‌ی ذی‌الکلاع پرستش می‌شد. «۲» ۷. در این آیات نوح علیه السلام به قوم ستمکار خود نفرین کرد که بر گمراهی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۴ آنان بیفزاید. این نفرین به معنای آن است که خدا توفیق هدایت را از آنان بگیرد و آنان را در

گمراهی وانهد و یا آن که خدا آنان را به خاطر ستمکاری‌شان مجازات کند. به هر حال این نفرین و سلب توفیق و مجازات به خاطر ستمکاری خودشان و در حقیقت، نتیجه و اثر آن بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی شکوهی خود را به درگاه خدا ببرند. ۲. اگر رهبر الهی را رها کنید، گرفتار رهبران زیانکار می‌شوید. ۳. سرمایه‌های کفرپیشگان مایه‌ی (آزمایش و) زیانکاری آنان است. ۴. سران کفر به دنبال نیرنگ‌بازی و تشویق بت‌پرستی هستند (پس مراقب باشید). ۵. رهبران کفر، گمراه‌گر و ستم‌پیشه‌اند. ۶. گمراه کردن مردم و ستمکاری، موجب افزایش گمراهی خود انسان می‌شود. *** قرآن کریم در آیات بیست و پنجم تا بیست و هشتم سوره‌ی نوح با اشاره به عوامل عذاب قوم نوح، دعاها و نفرین‌های او را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۲۵-۲۸. مِمَّا خَطَبَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَمَا دَخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا* وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لِمَا تَدْرُ عَلَيَّ الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا* إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَمَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا* رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَرِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا به خاطر خطاهایشان غرقه شدند و به آتشی درآورده شدند و جز خدا هیچ یاورانی برای خود نیافتند.* و نوح گفت: «پروردگارا! بر زمین، از کافران، هیچ ساکن خانه‌ای و مگذار!»* [چرا] که تو اگر آنان را واگذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز (نسل) بدکار بسیار ناسپاس نمی‌زایند.* پروردگارا! مرا و پدر و مادرم و کسی را که با ایمان داخل خانه‌ی من شد و مردان مومن و زنان مومن را بیمارز؛ و ستمکاران را جز نابودی می‌فزا!» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به چند عامل عذاب قوم نوح اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) خطاها و گناهان قوم نوح که زمینه‌ساز عذاب آنان در دنیا و آخرت شد؛ ب) کفر این قوم که تا لحظه‌ی عذاب ادامه داشت؛ ج) آنان هم خود گمراه بودند و هم دیگران را گمراه می‌ساختند و از این رو نسل آینده نیز از دست آنان در امان نبودند و فرزندان خود را کفرپیشه تربیت می‌کردند؛ د) قوم نوح مردمی ستمکار بودند و از این رو مستحق عذاب الهی شدند. یعنی نابودی قوم نوح بر اساس حکمت الهی بود؛ چون قومی که خود فاسد است و دیگران را نیز فاسد می‌کند، حق ادامه‌ی حیات ندارد. این یک قانون است و هر قومی که مشابه قوم نوح باشد مشمول آن می‌شود. ۲. قوم نوح پس از غرق شدن، بلا-فاصله وارد آتش شدند. این آتش همان عذاب برزخی است که انسان‌های گناهکار از لحظه‌ی مرگ تا رستاخیز گرفتار آن می‌شوند. «۱» ۳. نوح علیه السلام سالیان دراز در میان قوم خود به هدایت و تبلیغ مردم پرداخت ولی آنان لجاجت کردند. سرانجام وقتی آن حضرت کاملاً از هدایت کافران مأیوس شد، آنان را نفرین کرد و عذاب الهی فرود آمد و سیلاب همه را در کام خود فرو برد. ۴. نفرین نوح علیه السلام همراه با استدلال است و به خدا عرض می‌کند که از آن جا که این قوم کافر، ستمکار و گمراه‌گرند و نسل آینده را فاسد و کافر می‌کنند مستحق هلاکت هستند؛ پس نفرین او برای انتقام و از روی خشم نبود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۶. ۵. برخی مفسران از تعبیر «هیچ ساکنی از کافران را بر زمین و امگذار» استفاده کرده‌اند که دعوت و رسالت نوح جهانی بوده، همان طور که عذاب قوم او به وسیله‌ی سیلاب نیز جهانی بوده است. «۱» ۶. نوح علیه السلام از طریق وحی «۲» یا از طریق تجربه‌ی تبلیغ سالیان دراز و برخورد ناشایست مردم، یعنی با محاسبات معمولی، و یا از هر دو راه، متوجه شد که دیگر قوم او ایمان نمی‌آورند؛ چون کسانی که ۹۵۰ سال تبلیغ بر آنان اثر نکرد، در آینده نیز ایمان نمی‌آورند و حتی نسل آینده را نیز به فساد و کفر می‌کشند. ۷. قوم نوح هم فاجر بودند و هم کافر؛ یعنی کسانی بودند که هم گناهان زشت مرتکب می‌شدند و هم بسیار کفر می‌ورزیدند؛ به عبارت دیگر هم از نظر عملی و هم از نظر اعتقادی منحرف بودند. ۸. نوح علیه السلام برای خود طلب آموزش کرد. شاید به خاطر آن که احتمال می‌داد در صدها سال تبلیغ و تلاش، ترک اولایی از او سرزده، یا کوتاهی کرده باشد. آری؛ بندگان خاص خدا این گونه‌اند که با تلاش‌های خود مغرور نمی‌شوند بلکه همیشه احتمال می‌دهند که مقصّر باشند و از این رو طلب آموزش می‌کنند. ۹. نوح علیه السلام برای پدر و مادرش دعا و از زحمات آنان حق‌شناسی می‌کند و نیز برای مؤمنان قوم خود که به آیین او گرویدند و همراه او وارد کشتی شدند دعا می‌کند و نیز برای همه‌ی زنان و مردان مؤمن در طول تاریخ دعا می‌کند و با مؤمنان سراسر عالم ارتباط برقرار می‌سازد. ۱۰. مقصود از خانه‌ی نوح علیه

السلام در این آیات، خانه‌ی شخصی یا مسجد اوست که محل رفت و آمد مؤمنان بود و یا منظور کشتی نوح یا آیین اوست که مؤمنان وارد آنها شدند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۷ از امام صادق علیه السلام روایت شده که مقصود از خانه‌ی نوح، ولایت است و هر کس وارد ولایت گردد، در خانه‌ی پیامبران وارد شده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گناه، کفر، گمراه ساختن و ستمکاری از عوامل نزول عذاب در دنیا است. ۲. خطا و گناه عامل عذاب دنیوی و اخروی است. ۳. از نفرین رهبر الهی بهر اسید که ممکن است با نفرین خود همه‌ی کافران را هلاک سازد. ۴. گمراهان گمراه کننده که نسل آینده را فاسد می‌سازند مستحق نفرین و عذاب‌اند. ۵. به فکر نسل آینده و هدایت آنان باشید و خطرها را از آنان دور سازید. ۶. برای خود، پدر و مادر و مؤمنان دعا کنید و علیه ستمکاران نفرین نمایید. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۹

بخش یازدهم: سوره‌ی جن

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «جن» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۲۸ آیه، ۲۳۵ کلمه و ۸۷۰ حرف است. این سوره سی و نهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «اعراف» و قبل از سوره‌ی «یس») و هفتاد و دومین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «جن» است که به معنای موجودی با شعور پوشیده از انسان (و نامرئی) است. در این نام گذاری از آیه‌ی اول این سوره الهام گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی جن را زیاد بخواند، در دنیا از چشم زخم، جادو و نیرنگ جنیان محفوظ خواهد ماند. «۱» البته این آثار در صورتی است که فرد سوره را قرائت کند و به محتوای آن ایمان آورده و طبق آن عمل نماید.

اهداف

اهداف: مهم‌ترین هدف‌های این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری توحید، معاد و نبوت؛ ۲. بیان این که نفوذ اسلام و قرآن فراتر از قلمرو انسانی است و شامل جن نیز می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷۲

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. اشاره‌ای به توحید و نفی شرک (در آیات ۲-۲۰)؛ ۲. اشاره‌ای به علم بی‌کران الهی بر غیب (در آیه‌ی ۲۶)؛ ۳. اشاره‌ای به معاد (در آیات ۱۵-۱۷ و ۲۳)؛ ۴. مطالبی درباره‌ی نبوت و عبادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیات ۱۹-۲۳)؛ ۵. تذکر این که برخی فرستادگان خاص خدا اطلاعاتی از علم غیب الهی دارند (در آیه‌ی ۲۷). ب) داستان: گزارشی پیرامون جنّ و شنیدن قرآن توسط آنها و ایمان آوردن گروهی از آنان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیات ۱-۱۵). ج) مطالب فرعی: ۱. اشاره‌ای به آزمایش الهی و کسانی که با روی گردانی از یاد خدا گرفتار عذاب می‌شوند (در آیه‌ی ۱۷)؛ ۲. تذکر این که مساجد از آن خداست و کسی را با خدا نخوانید (در آیه‌ی ۱۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷۳

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی جن قرآن کریم در آیات اول تا سوم سوره‌ی جن به دیدگاه جنیان در مورد قرآن و تعجب آنان از شنیدن آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۳. قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا* يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا* وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا بگو: به سوی من وحی شد که نفراتی از جن (به سخنانم) گوش فرا دادند و گفتند: «که ما (قرآن) خواندنی شگفتی شنیدیم،* که به سوی هدایت ره‌نمون می‌شود؛ پس بدان ایمان آوردیم و هیچ کس را شریک پروردگاران قرار نمی‌دهیم؛* و این که عظمت پروردگار ما والاتر است، در حالی که هیچ هم‌نشین و فرزندی برنگزیده است؛ شأن نزول: داستان نزول این آیات را به صورت‌های مختلف حکایت کرده‌اند. خلاصه‌ی آنها این است که پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز صبح یا در دل شب، در وادی جن، قرآن تلاوت می‌کرد که گروهی از جنیان صدای او را شنیدند و تعجب کردند و به آیات الهی ایمان آوردند و به سوی قوم خود بازگشتند و آنان را از این واقعه باخبر کردند و به سوی اسلام فراخواندند. آیات فوق به این ماجرا اشاره دارند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «جن» به معنای پوشیده و ناپیداست. این تعبیر گاهی به معنای عام به کار می‌رود که شامل هر موجود ناپیدا اعم از دارای شعور و بدون شعور می‌شود. «۱» و گاهی به معنای خاص به کار می‌رود، به معنای موجودی با شعور و مکلف که قرآن این صفات و ویژگی‌ها را برای او بر شمرده است: الف) دارای علم و قدرت تشخیص حق و باطل است؛ ب) دارای تکلیف و مسئولیت است؛ ج) از شعله‌ی آتش آفریده شده است؛ د) دارای قدرت فوق العاده است و می‌تواند در آسمان‌ها نفوذ و خبرگیری کند؛ ه) می‌تواند با انسان ارتباط برقرار کند و اسراری را به او بگوید؛ و) دارای رستاخیز و معاد است؛ ز) آفرینش جن قبل از آفرینش انسان بوده است. «۲» البته در مورد جنیان داستان‌ها و خرافات زیادی رواج دارد که غیر از حقایق قرآنی است. ۲. جنیان دارای شعور و عقل تکلیف هستند؛ از این رو لغات را می‌شنوند و می‌شناسند و کلام اعجاز‌آمیز قرآن را تشخیص می‌دهند و از این رو آنان ایمان آوردند و حتی به تبلیغ دین اسلام پرداختند. ۳. جنیان از شنیدن آیات اعجاز‌آمیز قرآن تعجب کردند؛ چرا که آهنگ و محتوای آن جالب و جذب کننده بود و از فردی درس ناخوانده صادر می‌شد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷۵. ۴. در این آیات دیدگاه جنیان در باره‌ی قرآن بیان شده است که گفتند: الف) قرآن کتابی هدایتگر است؛ ب) کتابی است که به سوی رُشد و هدایت راه‌نمایی می‌کند و مردم را به سعادت و سر منزل مقصود می‌رساند؛ ج) کتابی خواندنی و عجیب است. «۱» ۵. جنیان به تعالیم پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آوردند، ولی یادآور شدند که این راه هدایت است و آنان راه شرک را در پیش نگرفتند و نیز یادآور شدند که خدای عظیم پروردگار آنهاست که با هیچ کس خویشاوندی ندارد و دارای فرزند و همسر نیست. آنان با این سخنان به خرافات جامعه‌ی عرب جاهلی پاسخ دادند که می‌پنداشتند خدا فرزندان از فرشتگان و همسری از جن دارد. ۶. «جِدِّ» در اصل به معنای قطع است و به معنای عظمت، شدت، جدیت و بهره می‌آید و در این جا مقصود عظمت خداست که او را از دیگر موجودات جدا می‌سازد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. (علاوه بر انسان‌ها) جنیان نیز تحت تأثیر قرآن قرار گرفتند و ایمان آوردند. ۲. جنیان، شنوا، با شعور و تشخیص دهنده‌ی حقایق هستند. ۳. قرآن هدایتگر و رشد‌آور و توحیدآموز است. ۴. هم‌چون جنیان از قرآن درس توحید و نفی شرک بگیرد. ۵. قرآن با خرافات مبارزه می‌کند و خدا را بی‌همسر و فرزند معرفی می‌کند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷۶ قرآن کریم در آیات چهارم تا هفتم سوره‌ی جن به عقاید خرافی برخی جنیان و انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴- ۷. وَأَنَّهُ كَانَ يَظُولُ سَفِيهًا عَلَى اللَّهِ سَطَطًا* وَأَنَا ظَنُّنَا أَنَّ لَن تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا* وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا* وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا* و این که سبک‌سر (قوم) ما به خدا گزاف نسبت می‌دهد؛* و این که ما گمان می‌کردیم که انسان و جن بر خدا دروغ نمی‌بندند؛* و این که همواره مردانی از انسان (ها) به مردانی از جن پناه

می‌بردند، و [لی بر پوشش (گناه) آنان بیفزودند]* و این که آنان گمان می‌کردند- همان گونه که شما گمان می‌کردید- که خدا هیچ کس را بر نمی‌انگیزد؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از سبک سر سفیه که سخنان ناروا به خدا نسبت می‌داد، یا ابلیس است که از جنس جن بود و پس از نافرمانی نسبت‌های گزاف به خدا می‌داد و یا هر جن سبک‌سر دیگری که به خدا نسبت ناروا می‌داد و برای او فرزند و همسر قایل می‌شد. «۱» ۲. برخی جنیان خوش‌باور بودند و گمان می‌کردند که هیچ انسان و جنی بر خدا دروغ نمی‌بندد و از این رو سخنان سبک‌سران قوم خود را در مورد خدا می‌پذیرفتند و به تقلید کورکورانه از آنان می‌پرداختند. ۳. در این آیات به خرافات و انحرافات عملی برخی انسان‌ها اشاره شده است؛ مردانی که به جنیان پناه می‌بردند و کاهن می‌شدند تا مشکلات خود را حل کنند، ولی این کار بر گمراهی، گناه و سرکشی کاهنان یا جنیان می‌افزود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷۷ برخی مفسران حکایت کرده‌اند که در عصر جاهلیت، وقتی قافله‌های عرب شب‌هنگام به دره‌ای وارد می‌شدند، کاروانیان به رئیس جنیان آن دره از شر سفیهان قومش پناه می‌بردند تا نجات یابند. آیات فوق به این خرافه اشاره دارد. ۴. در این آیات به انحراف عقیدتی مشترک برخی انسان‌ها و جنیان اشاره شده است که گمان می‌کردند بعد از موسی و عیسی علیه السلام پیامبری نخواهد بود و از این رو پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را تکذیب می‌کردند یا گمان می‌کردند که معادی در کار نیست. «۱» البته مانعی ندارد که هر دو معنا صحیح باشد و هر دو عقیده‌ی خرافی در میان برخی عرب‌ها و جنیان وجود داشته باشد. «۲» ۵. جنیان هم جنس مرد و زن دارند که غالباً مردان انسان‌ها به مردان جن پناه می‌بردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نسبت دادن سخنان ناروا به خدا نشانه‌ی سبک‌سری است. ۲. (خوش‌باور نباشید و در مورد مطالب دیگران تحقیق کنید، چون) ممکن است برخی افراد مطالب دروغ به خدا نسبت دهند. ۳. برخی انسان‌ها منحرف‌اند و به کفالت و پناه بردن به جن رو می‌آورند (پس مراقب باشید). ۴. پناه بردن به جن و کفالت موجب گناه و سرکشی است. ۵. برخی انحرافات عقیدتی، مشترک بین انسان و جن است. ۶. در مورد نبوت و معاد به دنبال گمان نروید که موجب انحراف می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷۸*** قرآن کریم در آیات هشتم تا دهم سوره‌ی جن به بسته شدن درهای آسمان به روی جنیان و ممنوعیت استراق سمع و حیرت آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸-

۱۰. وَأَنَا لَمَسِّنَا السَّمَاءَ فَوْجَ ذُنَاهَا مُلْتَحِرَسًا شَدِيدًا وَشُهَابًا* وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْمِعْ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا* وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدُ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا* و این که ما آسمان را لمس کردیم (و جست‌وجو نمودیم) و آن را پُر از پاس‌دارانِ سخت (نیرومند) و شهاب‌ها یافتیم؛* و این که ما در آن (آسمان) در محل‌هایی، برای شنیدن (اسرار) می‌نشستیم، و [لی هر کس اکنون گوش فرا دهد، برای (خود) ش‌شهابی کمین کرده می‌یابد؛* و این که ما نمی‌دانیم آیا در مورد کسانی که در زمین‌اند بدی خواسته شده است، یا پروردگارشان برای آنان هدایت را خواسته است؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات سخنان مؤمنان جن بازگو شده است. آنان برای این که حقانیت قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله را نشان دهند، نشانه‌ای قابل درک برای هم‌نوعان خود آورده‌اند؛ یعنی به آنان خبر می‌دهند که دگرگونی عظیمی در جهان رخ داده و درهای آسمان بسته شده و اجازه‌ی استراق سمع به آنان داده نمی‌شود. این نشان می‌دهد که دوران شیطنت جنیان و کفالت کاهنان و جهل و خرافه‌پرستی پایان یافته و خورشید وحی و نبوت طلوع کرده است. ۲. منظور از پاس‌داران و شهاب‌های آسمان چیست؟ پاسخ این پرسش‌ها را ذیل آیات ۱۸ سوره‌ی حجر و ۱۰ سوره‌ی صافات بیان کردیم و در این جا اشاره می‌کنیم که الف) آسمان محل ستارگان است و شهاب‌سنگ‌ها هم چون تیر به جو زمین برخورد می‌کنند و به شعله‌ی فروزانی تبدیل می‌شود. این تیرها شیطان‌ها تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷۹ را از ورود به آسمان منع می‌کنند. البته این مطلب نوعی تشبیه مسائل غیرمادی، به مسائل مادی است؛ یعنی مقصود از آسمان جایگاه فرشتگان و عالم ملکوت است و شیاطین که می‌خواهند به جهان فرشتگان نزدیک شوند و از اسرار آینده با خبر شوند، به وسیله‌ی انوار معنوی ملکوتی رانده می‌شوند. «۱» ب) ممکن است مقصود آیه آسمان معنویت یا علم باشد که دانشمندان و عالمان دین با قلم‌های روشنگر خود، هم‌چون شهابی، به طرف شیطان صفتان نشانه می‌روند و آنان را از نفوذ و شیطنت در آسمان

معنویت و علم و عقاید مردم دور می‌سازند و پرده‌های جهل و خرافه را کنار می‌زنند. «۲» ۳. مؤمنان جن، با زیرکی، هدایت و رشد را به پروردگار نسبت می‌دهند، اما شر و بدی را با فعل مجهول می‌آورند که نشان دهند آنچه از سوی خدا می‌رسد خیر و نیکی است و شرّ و فساد از ناحیه‌ی خود مردم و به خاطر سوء استفاده از نعمت‌های الهی است. ۴. در این آیات واژه‌ی «هدایت» در برابر «شرّ» استفاده شده است، در حالی که خیر در برابر شرّ است. این به خاطر آن است که هدایت یکی از مصادیق خیر است و در این جا این مصداق خاص مورد نظر بوده و بر آن تکیه شده است. ۵. مؤمنان جن گفتند: ما نمی‌دانیم (که با بسته شدن درهای آسمان و یرتاب شهاب‌ها به سوی جنیانی که قصد استراق سمع دارند) آیا شرّ برای مردم زمین اراده شده است یا هدایت. پس این اظهار حیرت و عدم اطلاع، یا به خاطر دل‌بستگی به استراق سمع از طرف جنیان بود که نمی‌توانستند باور کنند ممنوعیت استراق سمع خیر باشد و یا به خاطر آن بود که با طرح این پرسش شنوندگان خود را بیدار و متوجه حقایق کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پس از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درهای آسمان (معنویت) به روی شیطان صفتان بسته شد. ۲. آسمان (معنویت) به شدت محافظت می‌شود. ۳. جنیان سابقه‌ای طولانی در استراق سمع دارند. ۴. جنیان از تحولات جهان پس از بعثت حیرت زده شدند. ۵. برای هدایت انسان‌ها، جلوگیری از شیطنت جنیان، لازم و زمینه‌ساز است. *** قرآن کریم در آیات یازدهم تا پانزدهم سوره‌ی جن به صالحان و ظالمان جنیان و فرجام آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱-۱۵. وَأَنَا مِنَ الصّٰلِحِیْنَ وَمِنَّا دُونَ ذٰلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا* وَأَنَا ظَنَّنَا أَنَّ لَنْ نُعْجِزَ اللّٰهَ فِی الْاَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا* وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا اللّٰهَیْ اٰمَنَّا بِهٖ فَمَنْ یُّؤْمِنُ بِرَبِّهٖ فَلَا یَخَافُ بَخْسًا وَّلَا رَهَقًا* وَأَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ اَسْلَمَ فَاُولٰٓئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا* وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا و این که ما در میانمان (افرادی) شایسته‌اند و از میان ما (افرادی) غیر آن هستند؛ (ما دارای) روش‌های گوناگون هستیم؛* و این که ما یقین داشتیم که عاجز کننده‌ی خدا در زمین نیستیم و با گریختن (خود) او را عاجز نمی‌کنیم؛* و این که ما هنگامی که رهنمود (قرآن) را شنیدیم به آن ایمان آوردیم؛ و هر کس به پروردگارش ایمان آورد، پس، نه از کاستن (پاداش) می‌ترسد و نه از پوشش (عذاب)،* و این که ما برخی از میانمان مسلمان و برخی از میانمان بیدادگرند و کسانی که اسلام آوردند، پس آنان در طلب هدایت بوده‌اند؛* و اما بیدادگران، پس هیزم جهنّم هستند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اصل اختیار و آزادی اراده در میان جنیان نیز وجود دارد؛ از این رو در میان آنان افراد صالح و غیر صالح، و مسلمان و ستمکار وجود دارند و هر تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۱ گروهی راهی انتخاب می‌کند. ۲. برخی احتمال داده‌اند که مؤمنان جن این سخنان را برای تبرئه‌ی خود گفته‌اند تا کسی گمان نکند که همه‌ی جنیان هم چون ابلیس شیطان صفت‌اند و یا این که همه‌ی آنها به استراق سمع می‌پردازند و با شرور در ارتباطند. ۳. در این آیات عقاید جن‌های صالح بیان شده که آنان به قدرت خدا و گریزناپذیری از آن یقین داشتند «۱» و پس از شنیدن رهنمودهای قرآن بدان ایمان آوردند و مسلمان شدند. آری؛ نه می‌توان بر قدرت خدا غلبه کرد و نه می‌توان از قلمرو قدرت او گریخت. انسان نه در زمین می‌تواند فرار کند و نه در آسمان‌ها؛ چرا که همه جا قلمرو حکومت خداست. ۴. پس از ایمان چیزی از پاداش نیکی‌ها کاسته نمی‌شود، «۲» یعنی به کسی ستم نمی‌شود؛ چون خدا عادل است. ۵. در این آیات گروه «ستمکاران» «۳» در برابر گروه «مسلمانان» مطرح شده‌اند. این تقابل اشاره به آن است که ریشه‌ی ستمکاری عدم تسلیم در برابر خداست و آنچه انسان را از آلوده شدن به ظلم باز می‌دارد، اسلام واقعی و تسلیم در برابر دستورات خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: مسلمان کسی است که مردم از زبان و دست او در امان باشند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۲. ۶. ستمکاران آتش‌گیره‌ی دوزخ هستند؛ چرا که آنان به وسیله‌ی کردار و گفتار خود در دنیا آتش به زندگی مردم می‌زدند و اکنون در رستخیز عذابی متناسب با گفتار و عملشان دریافت می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جنیان دارای آزادی اراده و اختیار در عقیده و عمل هستند و گروه‌ها و خطوط مختلف در میان آنان وجود دارد. ۲. به قدرت خدا و گریزناپذیری از آن یقین داشته باشید (که جنیان نیز متوجه آن شده‌اند). ۳. ایمان آورید تا امنیت یابید. ۴. اسلام و تسلیم در برابر خدا، هدایت‌آور است. ۵. هر کس

مسلمان واقعی باشد ستم نمی‌کند. ۶. فرجام ستمکاران دوزخ است. قرآن کریم در آیات شانزدهم و هفدهم سوره‌ی جن به آزمایش افراد در پیمودن راه صحیح و پاداش پیروزمندان و کیفر شکست خوردگان این صحنه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶ و ۱۷. وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا * لِنُقَاتِهِمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكُهُ عَذَابًا صَعَدًا و این که اگر (بر فرض) بر راه (راست) پایداری کنند، حتماً با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم،* تا در آن (مورد) آنان را بیازماییم؛ و هر کس از یاد پروردگارش روی گرداند، او را به عذاب فزاینده‌ی (مشقت بار) وارد می‌کنیم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به رابطه‌ی امور معنوی با فزونی رزق و نعمت اشاره شده است؛ یعنی استقامت بر راه ایمان، نه تنها موجب برکات معنوی می‌گردد و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۳ انسان را به سعادت و کمال می‌رساند، بلکه موجب نزول باران رحمت و آب فراوان و در نتیجه فزونی نعمت و آبادانی زمین و رفاه افراد می‌گردد. «۱» ۲. در این آیات بر «استقامت بر ایمان و راه راست» تأکید شده است؛ یعنی گام نهادن به راه راست ایمان، اگر زودگذر باشد، چنین نعمت‌هایی را به دنبال ندارد، بلکه استقامت و ایستادگی در راه راست و ایمان است که موجب نزول برکات می‌شود. ۳. در این آیات به آزمایش افراد به وسیله‌ی فراوانی آب و نعمت اشاره شده است. آری؛ آزمایش افراد گاهی با مصیبت‌ها و از دست دادن نعمت است و گاهی با افزایش نعمت. ۴. برخی افراد در برابر نعمت‌های الهی سپاس‌گزارند و در آزمایش خویش موفق می‌شوند، ولی برخی دیگر در اثر نعمت فراوان گرفتار غرور و سرکشی می‌شوند و از یاد خدا غافل می‌گردند، که فرجام آنان عذاب روزافزون مشقت‌بار خواهد بود. ۵. در این آیات به رابطه‌ی دوری افراد از یاد خدا با عذاب مشقت‌بار روزافزون اشاره شده است. «۲» آری؛ کسی اگر از یاد خدا روی برتابد و قدر نعمت را نداند، گرفتار عذاب روزافزون می‌شود. «۳» ۶. این آیات ممکن است دنباله‌ی سخنان مؤمنان جن با قوم خویش و یا سخنانی از جانب خدا باشد که لابه لای سخنان جنیان بیان شده است؛ احتمال اول با ظاهر و سیاق آیات تناسب بیش‌تری دارد ولی در نتیجه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۴ مطلب تأثیری ندارد؛ چون بیان قانون آزمایش است که در مورد جن و انسان اجرا می‌گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. استقامت بر راه خدا، موجب رفاه مادی می‌شود. ۲. بین امور معنوی و افزایش نعمت‌های مادی رابطه‌ی مستقیم هست. ۳. افزایش نعمت یکی از راه‌های آزمایش افراد است. ۴. در هنگام فزونی نعمت‌ها به یاد خدا باشید تا گرفتار عذاب نشوید. ۵. روی گردانی از یاد خدا عامل عذاب روزافزون است. *** قرآن کریم در آیات هجدهم و نوزدهم سوره‌ی «جن» به دعوت توحیدی پیامبر صلی الله علیه و آله و واکنش افراد در برابر او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸ و ۱۹. وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا * وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِيَدًّا و این که مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید (و نپرستید). * و این که هنگامی که بنده‌ی خدا (: محمد صلی الله علیه و آله) برخاست، در حالی که او را می‌خواند (و می‌پرستید) نزدیک بود بر او ازدحام کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مضمون آیه‌ی هجدهم نفی شرک و دعوت به توحید است، اما در مورد لفظ «مساجد» که در این آیه آمده است مفسران قرآن سه تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) مقصود مکان‌های سجده باشد، هم‌چون مسجد الحرام یا مساجد دیگر و تمام مکان‌هایی که در آن جا برای خدا سجده می‌شود. بنابر این، مقصود آیه آن است که همه‌ی سجده‌گاه‌ها و مساجد از آن خداست و پرستش غیر خدا در آن جا ممنوع است. مساجد بود خاص پروردگار نخوانید کس را به جز کردگار (مجدب) این که مقصود از مساجد همان اعضای هفت‌گانه‌ی انسان است که در هنگام سجده آنها را بر زمین می‌نهد. از امام جواد علیه السلام در مورد قطع دست دزد روایت شده که فرمودند: «کف دست و انگشت شست او باقی باشد.» و به آیه‌ی فوق استدلال کردند که «مساجد از آن خداست». پس اعضای هفت‌گانه‌ی سجود نباید بریده شود. «۱» ج) این که منظور از مساجد همان «سجود» باشد، یعنی سجده باید فقط برای خدا باشد. البته تفسیر سوم شاهد و دلیل ندارد ولی مانعی ندارد که دو تفسیر دیگر صحیح باشد و تفسیر اول به ظاهر و تفسیر دوم به باطن آیه اشاره داشته باشد؛ یعنی امام مفهوم را توسعه داده باشند. ۲. ممنوعیت خواندن و پرستش غیر خدا در مساجد، به معنای ممنوعیت توسل و شفاعت نیست؛ اگر کسی از پیامبر و اولیای الهی چیزی را به طور مستقل بخواهد و به

آنها توسل جوید، عمل او شرک و ممنوع و حرام است، اما اگر از اولیای الهی تقاضای وساطت در درگاه الهی یا شفاعت با اجازه‌ی خدا کند، صحیح است؛ چون این مطلب در راستای توحید و با اجازه‌ی خداست و شفاعت کننده، قدرتی مستقل در برابر خدا به شمار نمی‌آید؛ همان طور که برادران یوسف از پدرشان یعقوب خواستند که برای آنان طلب آموزش کند و او وعده‌ی این کار را داد. «۲» ۳. در این آیات اشاره شده که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله عبادت می‌کرد و قرآن تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۶ می‌خواند افراد اطراف او جمع می‌شدند. منظور از این افراد، یا همان مؤمنان جن هستند که اولین بار جذب آیات قرآن شدند یا یاران پیامبر صلی الله علیه و آله هستند که برای شنیدن سخنان آن حضرت اطرافش حلقه می‌زدند و یا منظور مشرکان عرب هستند که در هنگام عبادت پیامبر صلی الله علیه و آله، اطراف او گرد می‌آمدند و به استهزا و آزار آن حضرت می‌پرداختند. البته در این جا تفسیر دوم از همه مناسب‌تر است. «۱» ۴. در این آیات بر «عبد» بودن و بندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و پرستشگری او تأکید شده است. این مطلب نشان می‌دهد که صفات بندگی و پرستش دو صفت افتخارآفرین است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مساجد محل توحید است. ۲. مساجد را محل گفتارهای شرک‌آمیز قرار ندهید. ۳. پیامبر بنده‌ی خدا و پرستشگر او بود. ۴. پرستش (و قرآن‌خوانی شما) زیر ذره‌بین دیگران است و ممکن است مورد هجوم قرار گیرد. *** قرآن کریم در آیات بیستم تا بیست و سوم سوره‌ی «جن» به محتوای توحیدی دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و عدم استقلال او و وظیفه‌ی الهی‌اش و نیز به فرجام مخالفانش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰-۲۳. قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا * قُلْ إِنِّي لَأَمْلِكُ لَكُمْ صَرًّا وَلَا رَشَدًا * قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحِدًا * إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَيْدًا تَفْسِيرِ قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۷ بگو: «(من) فقط پروردگارم را می‌خوانم (و می‌پرستم) و هیچ کس را شریک او قرار نمی‌دهم.» * بگو: «در حقیقت، من مالک هیچ زیان و هدایتی برای شما نیستم.» * بگو: «در واقع، من هیچ کس از (عذاب) خدا پناهم نمی‌دهد و هیچ پناهگاهی جز او نمی‌یابم؛ * جز رساندن (پیام) از طرف خدا و رسالت‌های او (که پناه من است)؛ و هر کس نافرمانی خدا و فرستاده‌اش را نماید، پس در واقع، برای او آتش جهنم است، در حالی که جاودانه در آن ماندگارند!» شأن نزول: حکایت کرده‌اند که کافران مکه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: از دین خود بازگرد تا ما به تو پناه دهیم. آیه‌ی فوق فرود آمد و به آنان پاسخ داد که هیچ پناهی جز خدا نیست! «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات بر محتوای توحیدی دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نفی هرگونه شرک از آن تأکید شده است، تا بندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و خط توحیدی او را روشن‌تر سازد. ۲. در این آیات اشاره شده که پیامبر صلی الله علیه و آله به طور مستقل چیزی از خود ندارد و اگر خدا نخواهد، او نه می‌تواند زبانی را از خویش دفع کند و نه کسی را هدایت کند و نه پناهگاهی غیر خدا دارد. این مطالب از طرفی هرگونه غلو را از ساحت پیامبر صلی الله علیه و آله نفی می‌کند و نشان می‌دهد که او بدون عنایت الهی یک انسان معمولی است و از طرف دیگر صداقت یک رهبر الهی را نشان می‌دهد که صادقانه همه چیز را از خدا می‌داند و خود ادعایی ندارد. ۳. در این آیات «زیان» در برابر «هدایت» مطرح شده است و اشاره دارد به این که سود حقیقی در هدایت است و هر کس راه‌نمایی و هدایت نشود زیان کرده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۸ ۴. وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله رساندن پیام الهی به مردم است و تنها عمل به این وظیفه است که پناهگاه او را نزد خدا تضمین می‌کند. ۵. مقصود از رسالت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله همان بلاغ و رساندن پیام‌های الهی است و این تعبیر نوعی تأکید است. ۶. کیفر گناه و عصیان در برابر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، آتش جاودان دوزخ است؛ البته روشن است هر گناهی موجب آتش جاودان نمی‌شود، مگر آن که با شرک و کفر همراه باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تعالیم پیامبر صلی الله علیه و آله توحیدی است. ۲. پیامبر صلی الله علیه و آله به طور مستقل مالک چیزی نیست. ۳. هیچ پناهگاهی جز خدا نیست. ۴. وظیفه‌ی رهبران و مبلغان دینی رساندن پیام الهی است. ۵. اگر رهبران و مبلغان دینی وظیفه‌ی تبلیغی خود را انجام دهند مشکلی نخواهند داشت. ۶. مخالفت با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله از عوامل عذاب جاودان است. *** قرآن کریم در

آیات بیست و چهارم و بیست و پنجم سوره‌ی «جن» به لجاجت مخالفان و ناتوانی آنان و عدم آگاهی پیامبر صلی الله علیه و آله از زمان عذاب آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۴-۲۵. حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعَفَ نَاصِرًا وَأَقْلَبَ عِدَدًا* قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمِدًا تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۹ تا هنگامی که آنچه را وعده داده شده‌اند ببینند؛ پس به زودی خواهند دانست که چه کسی از نظر یاور، ناتوان‌تر و از نظر تعداد، کم‌تر است! بگو: «نمی‌دانم آیا آنچه وعده داده می‌شوید نزدیک است، یا پروردگام برای آن فاصله (زمانی) قرار می‌دهد؟! شأن نزول: حکایت کرده‌اند که برخی از مشرکان، هم‌چون نصر بن حارث، بعد از نزول آیات قبل و وعده‌ی عذاب به مخالفان، پرسیدند که این وعده چه موقع تحقق می‌یابد و آیه‌ی فوق فرود آمد و به آنان پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از چیزی که به مخالفان وعده داده شده، یا مجازات و بلاهای الهی در دنیا است و یا عذاب قیامت؛ البته مانعی ندارد که هر دو مورد مقصود آیه باشد. ۲. از لحن این آیات استفاده می‌شود که مخالفان پیامبران و نیز مخالفان اسلام پیوسته قدرت و کثرت نفرات خود را به رخ مؤمنان می‌کشیدند و آنان را ناتوان می‌شمردند؛ «۲» از این رو قرآن به مسلمانان دل‌داری می‌دهد و به مخالفان هشدار می‌دهد که سرانجام روز شکست مخالفان اسلام فرا می‌رسد و روشن می‌شود که تعداد و قدرت چه کسانی بیش‌تر است. ۳. تاریخ نشان داده و در آیات قرآن نیز بیان شده است «۳» که گروه‌های اندک مؤمنان بر نفرات زیاد کافران پیروز می‌شوند. از امام علی علیه السلام نیز روایت شده که ای مردم! در راه هدایت هرگز از کمی نفرات وحشت نکنید. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹۰. ۴. در این آیات اشاره شده که پیامبر صلی الله علیه و آله از زمان عذاب و رستاخیز آگاه نیست و آگاهی از این امور مخصوص خداست و او خواسته است که این موضوع مخفی بماند تا امتحان مردم کامل شود؛ زیرا اگر مردم بدانند که عذاب و رستاخیز نزدیک یا دور است امتحان کم‌تأثیر و ناقص خواهد شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. لجاجت کافران (تا هنگام رستاخیز و عذاب) ادامه دارد. ۲. در روز موعود حقایق روشن می‌شود (پس عجله و فخرفروشی نکنید). ۳. برخی علوم (هم‌چون آگاهی از زمان قیامت و عذاب) مخصوص خداست. *** قرآن کریم در آیات بیست و ششم تا بیست و هشتم سوره‌ی «جن» به پیامبران دارای علم غیب و محافظت دقیق از آنان (در انجام مأموریت) اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶-۲۸. عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا* إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْمَعُ مِمَّنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصِيدًا* لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَخَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عِدْدًا (او) دانای نهان است و هیچ کس را بر (اسرار) نهانش مسلط نمی‌سازد،* جز کسی از فرستاده [ها] که (خدا از او) خشنود باشد؛ پس در حقیقت، او از پیش رویش و از پشت سرش (محافظانی) کمین کرده وارد می‌سازد،* تا معلوم دارد که یقیناً، رسالت‌های پروردگارش را رسانده‌اند؛ و به آنچه نزد آنان است احاطه دارد و همه چیز را از نظر عدد شماره کرده است. «نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. علم غیب مخصوص خداست و او برخی علوم غیبی را در اختیار پیامبران خود قرار می‌دهد؛ البته وحی و علوم غیبی که در اختیار پیامبران قرار می‌گیرند دقیقاً کنترل و محافظت می‌شوند. ۲. در آیات قرآن مکرر آمده است که علم غیب مخصوص خداست و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹۱ پیامبران علم غیب ندارند «۱» و از طرف دیگر، در آیه‌ی فوق یک مورد استثنا شده است و در آیات دیگر قرآن نیز به برخی علوم غیبی عیسی علیه السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره «۲» و در احادیث نیز برخی موارد از علوم غیبی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیه السلام بیان شده است. «۳» مفسران قرآن در مورد تفسیر آیات و روایات فوق چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) منظور از علم غیب مخصوص خدا همان علم ذاتی و استقلالی است؛ بنابراین این پیامبران علم غیب مستقل ندارند، اما به صورت تبعی و با عنایت خدا علم غیب دارند. ب) مقصود از علم غیب مخصوص خدا، همان علم به ساعت رستاخیز و مانند آن است، اما علوم غیبی دیگر در اختیار پیامبران نیز هست. ج) علم غیب مخصوص خدا آن است که در لوح محفوظ (: علم الهی) ثبت است ولی آنچه در لوح محو و اثبات است، پیامبران و امامان نیز می‌دانند. د) علم غیب مخصوص خدا همان علم فعلی است و پیامبران علم غیب بالفعل ندارند، اما هرگاه به رخصت الهی اراده کنند خدا به آنان تعلیم می‌دهد «۴» و گاهی مصلحت ایجاب

می‌کند که پیامبر یا امام چیزی را ندانند. «۵» البته مانعی ندارد که همه‌ی این تفسیرها صحیح باشد. ۳. فرشتگان نگهبان از جلو و پشت سر (بلکه از تمام جهات) مراقب پیامبران هستند تا آنان پیام الهی و وحی را بدون کم و کاست به مردم برسانند و شیاطین جن و انسان نتوانند اصالت وحی را خدشه‌دار کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹۲ این محافظت و امداد الهی برای پیامبران یکی از دلایل عصمت آنان است. «۱» ۴. در این آیات به علم غیبی اشاره شده که به پیامبران مورد رضایت داده می‌شود. البته روشن است که همه‌ی پیامبران برگزیده و مورد رضایت خدا هستند و این صفت، توضیحی است که می‌تواند اشاره به معیار گزینش افراد برای اعطای علم غیب باشد. یعنی خدا از هر کس راضی باشد، به او علم غیب می‌دهد که البته درجات علم غیب افراد متفاوت است. و نیز روشن است که «وحی» یکی از مصادیق این غیب است که به پیامبران عطا می‌شود و مورد محافظت قرار می‌گیرد، و گرنه علم غیب محدود به آن نیست. ۵. طبق این آیه، هدف محافظت از پیامبران آن است که خدا بداند و معلوم دارد که آنان رسالت‌ها و پیام‌های الهی را به طور کامل به مردم رسانده‌اند. مقصود از دانستن خدا در این آیه، علم فعلی و تحقق خارجی علم اوست؛ یعنی پیامبران عملاً رسالت او را ابلاغ کنند، و این مطلب معلوم و محقق شود؛ و گرنه خدای متعال نا آگاه نیست تا بخواهد چیزی را بداند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. علم غیب مخصوص خداست. ۲. خدا علم غیب خود را به افراد مورد پسندش عطا می‌کند. ۳. پیامبران دارای علم غیب هستند. ۴. پیامبران الهی (و وحی و علوم غیبی) تحت مراقبت دقیق قرار می‌گیرند. ۵. عصمت پیامبران در رساندن وحی تضمین شده است. ۶. فرستادگان و مبلغان را تحت نظر داشته باشید تا کارشان صحیح انجام گیرد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹۳

بخش دوازدهم: سوره‌ی مزمل

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «مزمل» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۲۰ آیه، ۲۸۵ کلمه و ۸۳۸ حرف است. این سوره سومین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «قلم» و قبل از سوره‌ی «مدثر») و هفتاد و سومین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «مُزْمَل»، به معنای «جامه به خود پیچیده» است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: هرکسی سوره‌ی مزمل را بخواند، سختی دنیا و آخرت از او برطرف می‌شود. «۱» روشن است که این آثار با شرایطی، از جمله عمل به محتوای آن تحقق می‌یابد.

اهداف

اهداف: مهم‌ترین هدف سوره‌ی مزمل ارائه‌ی برنامه‌ای عبادی، اجتماعی و اقتصادی برای آماده ساختن پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان است.

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. یادآوری توحید (در آیه‌ی ۹)؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹۶. ۲. یادآوری معاد و عذاب‌های

دوزخ (در آیات ۱۲-۱۴)؛ ۳. مطالبی درباره‌ی نبوت و ایجاد آمادگی در شخص پیامبر صلی الله علیه و آله برای پذیرش یک برنامه‌ی سنگین (در آیات ۱-۱۰ و ۱۵)؛ ب) اخلاق: ۱. دعوت به صبر و شکیبایی (در آیه‌ی ۹)؛ ۲. دعوت به قرائت قرآن به اندازه‌ی توانایی (در آیات ۴ و ۲۰)؛ ۳. دعوت به استغفار (در آیه‌ی ۲۰)؛ ۴. دعوت به انفاق (در آیه‌ی ۲۰)؛ ۵. دعوت به توکل بر خدا (در آیه‌ی ۹). ج) احکام: ۱. دستور نماز (در آیه‌ی ۲۰)؛ ۲. دستور شب زنده‌داری به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیات ۱-۶)؛ ۳. یادی از جهاد (در آیه‌ی ۲۰). د) داستان: ۱. گزارشی از داستان موسی علیه السلام و فرعون و سرکشی او (در آیات ۱۵ و ۱۶)؛ ۲. هشدار به منکران و مشرکان مکه با یادآوری قیامت و عذاب فرعونیان (در آیات ۱۱-۱۶). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی مزمل قرآن کریم در آیات اول تا هفتم سوره‌ی «مزمل» به شب زنده‌داری و قرائت قرآن و نماز شب سفارش می‌کند و می‌فرماید: ۱-۷. يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ * قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا * نَضِيفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا * إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا * إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا * إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا * [به خود] پیچیده! * شب را، جز اندکی به پاخیز. * نیمی از آن (شب) را، یا اندکی از آن را کم نما، * یا بر آن (نصف) بیفزای و قرآن را کاملاً مرتب و آرام بخوان؛ * که ما به زودی گفتاری گرانبار بر تو القا می‌کنیم. * در حقیقت، تنها پدیده‌ی (عبادت) شب، گامی سخت‌تر و گفتاری پایدارتر است. * [چرا] که برای تو در روز رفت و آمدی طولانی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وظیفه‌ای سنگین در هدایت و رهبری مردم به عهده گرفت و حامل قرآن عظیم شد؛ از این رو لازم است با برنامه‌های سنگین عبادی ظرفیت‌های وجودی خود را بالا ببرد تا بتواند این مسئولیت و بار سنگین را به دوش بکشد. پس به ایشان دستور داده شد که پاسی از شب را به بیداری، تلاوت قرآن و نماز بگذرانند. ای به خود پیچیده از خشیت گلیم بهر طاعت خیز از شب شد چو نیم (مجدد) ۲. در این آیات سفارش شده که در شب قرآن بخوانید؛ چراکه قرآن برنامه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹۸ سازندگی و تربیت بشر است و قرائت آن موجب تقویت ایمان و استقامت می‌گردد. البته برخی مفسران قرائت قرآن را به نماز در شب تفسیر کرده‌اند، شاید به خاطر آن که بخش مهمی از نماز، همان قرائت قرآن است. ۳. مقصود از «ترتیل» چیست؟ «ترتیل» در اصل به معنای «تنظیم و ترتیب موزون» است که مقصود، خواندن آیات با تأنی و نظم و ادای صحیح حروف و تبیین و دقت و تأمل در مفاهیم آیات و اندیشه در نتایج آن است. «۱» ۴. امام صادق صلی الله علیه و آله در مورد ترتیل فرمودند: ترتیل آن است که در آیات قرآن مکث (و تأمل) کنی و با صدای خوب آن را بخوانی «۲». و نیز روایت شده: هنگامی که از کنار آیه‌ای می‌گذری که در آن نام بهشت است، توقف کن و از خدا بهشت را بطلب و هنگامی که از کنار آیه‌ای می‌گذری که نام دوزخ در آن است، از آن به خدا پناه ببر. «۳» و در روایات دیگر از سریع خواندن قرآن منع شده، همان طور که از پراکنده کردن آیات منع شده و سفارش شده است که آن را به صورت روشن و واضح بخوانید و قصد شما رسیدن به آخر سوره نباشد. «۴» در حالات پیامبر صلی الله علیه و آله نیز روایت شده که آیات را از یک‌دیگر جدا می‌کرد و صدای خود را (در هنگام خواندن قرآن) می‌کشید. «۵» با تأنی خوان تو قرآن را چنان که شود روشن حروفش در بیان می‌خوان قرآن به تعجیل و شتاب کن لطایف را درنگ اندر خطاب ۵. این آیات با خطاب «ای شخص جامه به خود پیچیده» شروع می‌شود، نه با خطاب «ای پیامبر»؛ این می‌تواند اشاره به دو چیز باشد: الف) امروز دوره‌ی گوشه‌نشینی پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه نیست، بلکه دوران قیام و خودسازی و آمادگی برای انجام رسالت شروع شده است؛ ب) برنامه‌ی عبادی شبانه مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله نیست بلکه شامل مؤمنان خوابیده نیز می‌شود؛ همان طور که در آیه‌ی بیستم این سوره بدین اشاره شده است که گروهی از مؤمنان همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به شب‌زنده‌داری می‌پرداختند. ۶.

انتخاب شب برای خودسازی و عبادت برای آن است که اولاً، در شب چشم و گوش دیگران در خواب است و خطر ریا کاری برطرف شده و زمینه‌ی اخلاص بیش‌تری به وجود می‌آید. ثانیاً، در شب کارها تعطیل می‌شود و انسان آمادگی بیش‌تری برای تفکر و تربیت خویش و خودسازی و عبادت دارد. شب خیز که عاشقان به شب راز کنند گرد در و بام دوست پرواز کنند هر جا که دری بود به شب در بندند الا در دوست را که شب باز کنند ۷. شب زنده‌داری و قرائت قرآن و نماز در آن مستحب است و در این آیات نیز بدان سفارش شده است، هر چند طبق آیات دیگر، نماز شب برای پیامبر صلی الله علیه و آله واجب است، اما این آیات می‌تواند شامل نماز شب و غیر آن و شامل پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان به صورت مستحب باشد. «۱» ۸. این آیات به پیامبر صلی الله علیه و آله اختیار می‌دهد که نیمی از شب یا زیادتر یا تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۰ کم‌تر از آن را به شب زنده داری و عبادت سپردارد. آری؛ شب زنده داری و نماز و تلاوت قرآن در آن، موجب صفای روح و تربیت معنوی و بیداری دلی و تقویت ایمان می‌شود. از امام صادق علیه السلام روایت شده که سه چیز، از عنایات مخصوص الهی است: عبادت شبانه، افطار دادن به روزه‌داران و ملاقات برادران مسلمان. «۱» و نیز روایت شده: نماز شب گناهان روز را از بین می‌برد. «۲» ۹. منظور از «قیام» در شب، بر روی پا ایستادن نیست، بلکه به پاخاستن از خواب است، هر چند نماز و تلاوت قرآن به صورت نشسته انجام شود. ۱۰. «ناشئه» به معنای «حادثه»، و مقصود از آن ساعات شب (به ویژه در سحرگاه) یا قیام برای نماز و عبادت شبانه و یا حالات معنوی و جذبه‌ی ملکوتی آن است. «۳» البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد که لازم و ملزوم یکدیگرند. هر چند در احادیث، به معنای دوم، یعنی نماز شب اشاره شده است. «۴» ۱۱. در این آیات بیان شده که عبادت شبانه دو ویژگی دارد: الف) عبادت شبانه تأثیرات ثابت و راسخی در روح و جان انسان دارد؛ چون توافق بیش‌تری بین اعضا و جوارح انسان پیدا می‌شود و همه در راه عبادت بسیج می‌شوند، هر چند زحمت بیش‌تری نیز دارد. «۵» ب) عبادت شبانه در بردارنده‌ی ذکر خدا و تلاوت قرآن به صورت استوارتر است و به خاطر آمادگی روحی انسان تأثیرات بیش‌تری در روح انسان دارد. ۱۲. انسان در روز مشغول امور زندگی و حل مشکلات مردم است؛ بنابراین فرصت کم‌تری برای عبادت پیدا می‌شود و لازم است که عبادت شبانه را جانشین آن سازد و روح خود را تقویت کند تا از عهده‌ی وظایف تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۱ سنگین روزانه برآید. «۱» ۱۳. در این آیات «قرآن» را «سخن سنگین» معرفی کرده است که باید پیامبر صلی الله علیه و آله برای دریافت آن آماده شود. مقصود از سنگین بودن قرآن آن است که الف) محتوا و مفهوم آیات آن سنگین و عظیم است؛ ب) وعده‌ها و هشدارهای آن سنگین و مسئولیت‌آور است؛ ج) تبلیغ آن سنگین و مشکل است؛ د) در روز رستخیز در ترازوی اعمال سنگین است؛ ه) برنامه‌ریزی در جهت اجرای آن سنگین است. آری؛ قرآن کریم از نظر الفاظ، زیبا، دل‌نشین و آسان است؛ اما مسئولیت‌ها، محتوای مطالب و اجرای آن سخت و سنگین است، به طوری که اگر بر کوهی فرود آید متلاشی می‌شود؛ «۲» پس باید با عبادت شبانه ظرفیت و آمادگی آن را پیدا کنیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی شب را نخوابید و پاسی از آن را شب زنده‌داری کنید. ۲. در مورد مقدار شب‌زنده داری و عبادت شبانه آزادید. ۳. در دل شب قرآن بخوانید. ۴. قرآن را با تأمل و دقت بخوانید. ۵. قرآن سخن سنگینی است و برای درک و عمل بدان آمادگی لازم است. ۶. عبادت شبانه، سخت‌تر، استوارتر و تأثیرگذارتر است، (پس از آن غافل نشوید). ۷. روز وقت تلاش و شب وقت عبادت است. ۸. شناگر دریای روز و نیایشگر ساحل شب باشید. *** قرآن کریم در آیات هشتم تا دهم سوره‌ی مزمل وظایف پنج‌گانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را در برابر خدا و خلق بیان می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۲ - ۸ - ۱۰. *وَإِذْ كَرِهَ اللَّهُ لِسْمِ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا * رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا * وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا* و نام پروردگارت را یاد کن و کاملاً به او دل بند. * (او) پروردگار خاور و باختر است، در حالی که هیچ معبوی جز او نیست؛ پس او را کارساز (خویش) بگیر؛ * و بر آنچه می‌گویند، شکبیا باش و با دوری‌گزینی نیکویی از آنان فاصله بگیر؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات پنج وظیفه‌ی اساسی برای پیامبر صلی الله علیه و آله مشخص شده است که می‌تواند الگو و برنامه‌ی زندگی همه‌ی رهبران

و مبلغان دینی باشد؛ سه مورد از این وظایف در برابر خداست که همان یاد او، دل‌بستگی به او و توکل بر اوست و دو مورد آن در برابر خلق است که همان شکیبایی در برابر مخالفان و دوری از دشمنان است. ۲. مقصود از یاد و نام خدا، تنها ذکر نام او نیست بلکه توجه به معنای نام خدا و یاد قلبی اوست که روح را صفا می‌بخشد و نهال معرفت را آبیاری می‌کند. ۳. در میان نام‌های خدا از «رب» یاد شده است که اشاره به تربیت مستمر نسبت به انسان است. آری؛ هر گاه با نام «رب» از خدا یاد می‌شود نعمت‌های بی‌پایان و پرورش‌های او به یاد می‌آید و انسان بی‌اختیار سپاس‌گزار می‌شود. ۴. در این آیات به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که به سوی خدا منقطع شود و به او دل ببندد و از غیر او دل برکند؛ یعنی با تمام قلب متوجه خدا شود و اعمالش را خالصانه برای او به جا آورد. ۵. در برخی احادیث از معصومین علیهم السلام روایت شده که منظور از انقطاع در این آیه «بلند کردن دست در نماز است». «۱» البته این یکی از مظاهر انقطاع و اخلاص است و مفهوم آیه منحصر در این معنا نیست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۳. ۶. پیامبر صلی الله علیه و آله از «تَبَتُّلٌ وَ رَهْبَانِيَّةٌ» منع کرده‌اند؛ «۱» چرا که راهبان مسیحی ترک دنیا و ترک ازدواج می‌کردند، در حالی که مسلمان واقعی باید در اجتماع حضور داشته باشد و در همان حال انقطاع و اخلاص خود را حفظ کند. پس مقصود از انقطاع در این آیه غیر از چیزی است که در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله منع شده است. ۷. هیچ معبودی جز خدا نیست و او پروردگار مشرق و مغرب است، پس انسان باید دل از غیر او برکند و به یاد او و نعمت‌هایش باشد و بر او تکیه و توکل کند. ۸. این آیات پیامبر را به شکیبایی در برابر سخنان ناروای مخالفان فرا می‌خواند؛ دشمنانی که به او تهمت جنون می‌زدند و او را شاعر می‌خواندند و باعث آزار او می‌شدند. ۹. در این آیات به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که از دشمنان اسلام فاصله بگیرد و به طور نیکویی از آنان دور شود. آری؛ وقتی سخن حق در دل دشمنان اثر نکرد و لجاجت نمودند، باید با بی‌اعتنایی به آنان و دوری گزیدن از آنان، از شرشان در امان ماند و همین دوری هشدارگری بیدارگر برای آنان خواهد بود. ۱۰. دوری نیکو از مخالفان، به معنای دوری همراه با دل‌سوزی و هدایت‌گرانه است که این خود شیوه‌ای تربیتی برای افراد لجوج «۲» و مرحله‌ای از تربیت و هدایت آنان به شمار می‌آید. آری؛ وقتی قرآن در مورد دوری از دشمنان به ما دستور به نیکویی می‌دهد، روشن است که اگر دو نفر مسلمان و دو دوست و شریک خواستند از هم‌دیگر جدا شوند سزاوارتر است که به نیکویی از هم جدا شوند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۴. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از یاد خدا غافل نشوید و کاملاً دل براوبندید. ۲. بر خدایی تکیه کنید که یگانه و پرورشگر شماست. ۳. در برابر سخنان آزار دهنده‌ی دشمنان نا شکیب باشید. ۴. یکی از روش‌های برخورد با دشمنان، بی‌اعتنایی به آنان است. ۵. از دشمنان هم به نیکویی جدا شوید. * * * قرآن کریم در آیات یازدهم تا چهاردهم سوره‌ی مزمل با اشاره به مهلت دادن به مخالفان، عذاب‌ها و اوصاف رستاخیز، به سرمایه‌داران تکذیب‌گر مخالف اسلام هشدار داده، می‌فرماید: ۱۱-۱۴. وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا * إِنَّ لِمَدِينَنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا * وَطَعَامًا ذَا غُصْبَةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا * يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا * و مرا با تکذیب‌گران سرمایه‌دار رهاساز، و اندکی به آنان مهلت ده؛ * که در نزد ما بندها و دوزخ است؛ * و غذایی گلوگیر و عذابی دردناک است. * روزی که زمین و کوه‌ها می‌لرزد و کوه‌ها توده‌های شن روان می‌شود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به عذاب «استدراج» یا مهلت دادن به مخالفان اشاره شده است؛ یعنی یکی از روش‌های خدا در عذاب کردن کافران لجوج آن است که به آنان مهلت می‌دهد تا گناه بیش‌تری بکنند و حجت بر آنان تمام شود و مستحق عذاب شدیدتری شوند؛ بنابراین مهلت دادن به مخالفان اسلام مقدمه‌ی عذاب آنان است نه نعمت. ۲. در این آیات به فرصت اندک مخالفان اسلام اشاره شده است؛ چون پس از مدت کوتاهی مسلمانان نیرومند شدند و در جنگ بدر و حنین و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۵. احزاب ضربات کوبنده‌ای بر دشمنان وارد کردند و آنان را گرفتار عذاب الهی در دنیا و آخرت نمودند. ۳. عبارت «ثروتمندان تکذیب‌گر» به نقش ثروت در غرور و غفلت مخالفان اشاره دارد. آری؛ در طول تاریخ، معمولاً ثروتمندان در صف مخالفان پیامبران قرار داشتند، «۱» در حالی که آنان می‌بایست شکر نعمت‌های الهی را بیش‌تر به جا می‌آوردند و در خدمت

اهداف الهی قرار می‌گرفتند. ۴. عذاب‌های کافران در رستاخیز شامل غل و زنجیرهای ناتوان کننده «۲» و غذای غصه‌آور و گلوگیر و عذاب دردناک آتش دوزخ است. کسانی که در دنیا آزادی بی‌قید و شرط و بی‌بند و باری داشتند و از غذاهای چرب و شیرین حرام می‌خوردند و با استثمار مردم آنان را عذاب می‌کردند، در رستاخیز به عذاب‌های متناسب با آن گرفتار می‌شوند. ۵. غذای دوزخیان غصه‌آور و گلوگیر است؛ چراکه از خارهای جان‌گذار و درخت زقوم (یعنی گیاه تلخ و بدبو و بدطعم) است. «۳» ۶. در روایات تاریخی آمده است که روزی یکی از یاران پیامبر آیه‌ی سیزدهم این سوره را تلاوت می‌کرد که ناگهان صیحه‌ای زد و مدهوش شد. ۷. در آستانه‌ی رستاخیز نظام جهان در هم می‌ریزد و کوه‌ها و زمین درهم کوبیده و هم‌چون توده‌های رمل و شن‌های نرم می‌شوند و در آن روز است که همه‌ی مردم وحشت می‌کنند و به حساب آنان رسیدگی می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا به ثروتمندان تکذیبگر مخالف اسلام مهلت می‌دهد (تا در گناه غرق شوند و گرفتار عذابی دردناک‌تر شوند). ۲. حساب مخالفان اسلام با خود خداست، پس آنها را به خدا واگذارید. ۳. رهبران الهی به وظیفه‌ی خود عمل کنند و نگران مخالفان لجوج نباشند (که خدا به حساب آنان رسیدگی می‌کند). ۴. عذاب‌های متنوعی برای مخالفان اسلام آماده شده است. ۵. غذای رستاخیز غصه‌آور و عذاب آن دردناک و بندهای آن ناتوان کننده است. ۶. در آستانه‌ی رستاخیز زمین و طبیعت در هم فرو می‌ریزد، (پس برای حوادث هولناک آن آماده شوید). * * * قرآن کریم در آیات پانزدهم تا نوزدهم سوره‌ی مزمل با اشاره به رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و موسی علیه السلام و ویژگی‌های رستاخیز به مخالفان اسلام هشدار داده، می‌فرماید: ۱۵-۱۹. إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا * فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً * فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا * السَّمَاءُ مَنفُطِرٌ بِهِ كَأَن وَعْدُهُ مَفْعُولًا * إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا در واقع ما به سوی شما فرستاده‌ای فرستادیم که گواه بر شماست، همان‌گونه که به سوی فرعون فرستاده‌ای فرستادیم؛ * و الی فرعون فرستاده را نافرمانی کرد، پس او را با گرفتاری سنگینی گرفتار ساختیم. * پس، اگر کفر ورزید، چگونه خودتان را از (عذاب) حفظ می‌کنید؟ روزی که کودکان را سپیدموی (و پیر) می‌کند؛ * (کرات) آسمان در آن (روز) شکافته می‌شود؛ وعده‌ی او انجام شدنی است. * در حقیقت، این (مطالب) یادآوری است، پس هر کس بخواهد، راهی به سوی پروردگارش برگزیند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به سرگذشت عبرت آموز موسی و فرعون اشاره شده است؛ خدا موسی را با دلایل روشن نزد فرعون فرستاد تا او را از سرکشی منع کند ولی او نافرمانی کرد و گرفتار امواج خروشان نیل شد و به سختی مجازات گردید. «۱» آری؛ سرگذشت موسی و فرعون می‌تواند درس عبرتی برای همه‌ی مخالفان پیامبران و سرکشان تاریخ باشد. «۲» ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شاهد و گواه بر مردم است؛ شاهی که خود الگو و نمونه است و کارها و عقاید دیگران با او سنجیده می‌شود، او ناظر و هدایتگر مردم است، همان‌طور که موسی علیه السلام این‌گونه بود. ۳. در این آیات از رستاخیز با چند ویژگی یاد شده است: الف) عذاب آن روز آن‌قدر شدید است که کودکان را پیر و موی سر آنان را سفید می‌گرداند. ب) در آستانه‌ی رستاخیز کرات آسمانی از هم شکافته می‌شوند و نظام کیهانی درهم فرو می‌ریزد. ج) وعده‌ی رستاخیز تحقق‌یافتنی و قطعی است. ۴. در این آیات اشاره شده که سرنوشت مخالفان اسلام همانند سرنوشت فرعون، هلاکت‌بار است و اگر در این دنیا گرفتار عذاب نشوند در رستاخیز شدیداً مجازات می‌شوند و البته هنگامی که آسمان‌ها درهم فرو می‌ریزد، راه فراری برای آنان نخواهد بود. ۵. این قرآن و پندهای آن، از جمله مطالب سوره‌ی مزمل و دعوت آن به عبادت شبانه، همگی یادآوری برای انسان‌هاست، «۳» و هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش بیابد و به سوی کمال و هدایت گام بردارد، باید به تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۸ این مطالب گوش جان بسپارد و بدانها عمل کند. ۶. در آیه‌ی اخیر به اصل آزادی و اختیار انسان در انتخاب راه اشاره شده است. آری؛ خدا راه حق و باطل را روشن می‌سازد، ولی انتخاب راه و پیمودن آن به اراده‌ی انسان بستگی دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی گواه (و الگوی) مردم هستند. ۲. رهبران الهی هم‌چون موسی علیه السلام در برابر فرعون

باشند. ۳. هر کس هم چون فرعون در برابر رهبران الهی نافرمانی کند، گرفتار عذاب سختی می‌شود. ۴. روز رستاخیز بسیار هولناک و سخت است. ۵. اگر می‌خواهید از روز هولناک رستاخیز در امان باشید، کفر نوزید. ۶. در آستانه‌ی رستاخیز نظام کیهانی درهم فرو می‌ریزد. ۷. تحقق وعده‌ی رستاخیز حتمی است (پس خود را برای آن روز آماده سازید). ۸. انسان در پیمودن راه خدا آزاد است. ۹. آموزه‌های قرآن (تحمیلی نیست، بلکه) یادآوری است. *** قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی مزمل مؤمنان را به بیداری شبانه و خواندن قرآن در حد امکان سفارش می‌کند و آنان را با وظایف عبادی و امدادی‌شان آشنا می‌سازد و می‌فرماید:

۲۰. إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَهُ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فِتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَءُوا اللَّهَ قُرْآنًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۹ در واقع، پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که همراه تو هستی، نزدیک به دو سوم شب و (یا) نصف آن و (یا) یک سوم آن را به پا می‌خیزید؛ و خدا شب و روز را اندازه می‌زند؛ (او) دانسته که آن (مقدار شب را دقیقاً) شمارش نمی‌کنید، پس به سوی شما بازگشت؛ پس آنچه (برای شما ممکن و) آسان است از قرآن بخوانید؛ (او) دانسته که برخی از شما به زودی بیمار خواهند شد و (گروهی) دیگر در زمین سفر می‌کنند، در حالی که از بخشش خدا (روزی) می‌جویند، و (گروهی) دیگر در راه خدا پیکار می‌کنند؛ پس آنچه (برای شما ممکن و) آسان است از آن (قرآن) بخوانید و نماز را برپا دارید و [مالیات زکات را پردازید و به خدا «قرض الحسنه‌ای» وام دهید و هرنیکی‌ای که پیشاپیش برای خودتان می‌فرستید، فقط آن را نزد خدا نیکوتر و پاداش (آن) را بزرگ‌تر می‌یابید؛ و از خدا طلب آموزش کنید؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آغاز سوره‌ی مزمل به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده شده که حدود نیمی از شب را بیدار بماند و به عبادت و قرائت قرآن پردازد و اینک در این آیه بیان می‌کند که نه تنها پیامبر صلی الله علیه و آله بلکه برخی از مؤمنان نیز همراه او به شب‌زنده‌داری، عبادت و تلاوت قرآن می‌پرداختند. ۲. در مورد شب‌زنده‌داری و عبادت و تلاوت قرآن منظم مؤمنان صدر اسلام، چهار مشکل وجود داشت: الف) نگاه داشتن حساب نصف، ثلث یا دو ثلث شب برای مردم آن زمان مشکل بود، چون وسایلی هم‌چون ساعت در اختیار نداشتند و از این رو گاهی افراد برای احتیاط تا صبح بیدار می‌ماندند. ب) برخی بیمار می‌شدند و نمی‌توانستند مدت طولانی در شب‌ها بیدار بمانند و به عبادت پردازند. ج) برخی برای کار و تجارت به مسافرت می‌پرداختند و موفق به شب‌زنده‌داری نمی‌شدند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱۰ د) پس از پیشرفت اسلام، جنگ‌ها شروع می‌شد و گروهی برای جهاد بیرون می‌رفتند و در سفر و جنگ نمی‌توانستند به طور مرتب شب‌زنده‌داری کنند. از این رو آیه‌ی فوق به این مشکلات مردم توجه کرده و مقدار شب‌زنده‌داری و قرائت قرآن را آزاد گذاشته است تا هر کس هر اندازه می‌تواند به عبادت شبانه و قرائت قرآن پردازد. البته روشن است که بیماری و مسافرت و جهاد، سه مثال برای عذر موجه است و مشکلات و موانع عبادت شبانه منحصر در این امور نیست. ۳. مقصود از «توبه» و بازگشت خدا به سوی مردم در این آیه چیست؟ احتمال دارد که منظور تخفیف در تکلیف و یا برداشتن حکم وجوب شب‌زنده‌داری باشد، که در آن صورت گناهی صورت نمی‌گیرد. «۱» ۴. مقصود از تلاوت قرآن در این آیه، همان خواندن قرآن در شب و یا نماز شب است که در آن قرآن خوانده می‌شود. البته مانعی ندارد که هر دو مقصود باشد. البته در هر صورت، تلاوت قرآن در دل شب مستحب است. «۲» ۵. امام رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است که منظور از «هر چه می‌توانید قرآن بخوانید» آن است که «هر چه می‌توانید همراه با فروتنی قلب و صفای باطن از قرآن بخوانید». ۶. برخی مفسران بر آن‌اند که حکم عبادت در شب در اوایل اسلام واجب بود سپس این وجوب به وسیله‌ی آیه‌ی فوق برداشته شد و از این رو این آیه را ناسخ آیات اول سوره‌ی مزمل دانسته‌اند؛ هر چند وجوب نماز شب تا آخر عمر برای پیامبر صلی الله علیه و آله باقی بود. «۳» تفسیر

قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱۱ این احتمال نیز هست که عبادت شبانه برای غیر پیامبر صلی الله علیه و آله در اصل مستحب بوده و در این آیه موانع و قلمرو آن روشن شده باشد؛ یعنی آیات اول سوره‌ی مزمل تکلیف شخص پیامبر صلی الله علیه و آله را روشن کرده بود ولی برخی مؤمنان از آن پیروی کردند و به زحمت افتادند. از این رو آیه‌ی آخر تکلیف عموم مردم را مشخص می‌کند و با توجه به موانع نماز شب برای مردم، حکم را براساس آنچه می‌توانند قرآن بخوانند تعیین کرده است. ۷. در این آیات یک برنامه‌ی کامل خودسازی در چند بند برای مؤمنان مشخص شده است: الف) قرائت شبانه به اندازه‌ی توانایی افراد؛ ب) پیوند با خالق از طریق نماز؛ ج) پیوند با خلق از طریق زکات و انفاق؛ د) استغفار و پاک شدن از گناهان. ۸. ممکن است منظور از «زکات» در این آیه بخشش‌های مستحبی باشد؛ چون این سوره مکی است و در مکه زکات واجب نشده بود؛ هر چند برخی احتمال داده‌اند اصل وجوب زکات در مکه بوده و شرایط و مقدار آن در مدینه مشخص شده باشد. «۱» ۹. در این آیه از انفاق و بخشش به مردم، با عنوان وام دادن به خدا یاد شده است. این لطف خداست که خود مالک حقیقی همه چیز است، ولی بخشش اموالش به مردم را به عنوان وام به خود می‌پذیرد و چندین برابر به آن پاداش می‌دهد. «۲» ۱۰. در این آیه به تجسم اعمال در رستخیز اشاره شده است؛ یعنی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱۲ انسان هر کار نیکی انجام دهد، همان را نزد خدا می‌یابد و پاداش بزرگ آن را هم دریافت می‌کند. ۱۱. انسان نمی‌تواند حق الهی را در مورد عبادات و دستورات او به جا آورد، از این رو نباید خود را کامل و طلبکار تصور کند بلکه باید همیشه خود را مقصر بشمارد و عذر به درگاه الهی آورد و طلب آموزش نماید. ۱۲. در این آیه سفر و تلاش برای زندگی، هم‌ردیف جهاد در راه خدا آمده است. برخی مفسران از این آیه استفاده کرده‌اند که تلاش برای معاش، هم‌ردیف جهاد در راه خدا است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با توجه به موانعی که دارید، در حد توان خود شب زنده‌داری کنید و قرآن (و نماز) بخوانید. ۲. اگر نمی‌توانید شمارش و حساب دقیق در عبادت نگاه دارید، از اصل عبادت بازمانید. ۳. بیماری، مسافرت و جهاد شما را از قرآن خواندن باز ندارد (بلکه هر چه می‌توانید بخوانید). ۴. طلب روزی و جهاد می‌تواند دو هدف برای سفرهای شما باشد. ۵. از پیوند با خدا و خلق غافل نشوید و نماز و زکات و انفاق را فراموش نکنید. ۶. انفاق به مردم، وام به خداست که پاداش بزرگی در پی دارد. ۷. آنچه در راه خدا بدهید گم نمی‌شود بلکه در رستخیز آنها را تجسم یافته می‌یابید. ۸. به آموزشگری و مهرورزی خدا توجه و از گناهانتان استغفار کنید. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱۳

بخش سیزدهم: سوره‌ی مدثر

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «مُدَّثِر» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۵۶ آیه، ۲۵۵ کلمه و ۱۰۱۰ حرف است. این سوره چهارمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «مُزْمِل» و قبل از سوره‌ی «مَسِد») و هفتاد و چهارمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «مُدَّثِر»، به معنای «جامه به خود پیچیده» است که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: از امام باقر علیه السلام روایت شده که هر کس در نماز واجب سوره‌ی مدثر را بخواند، بر خداست که او را در درجه‌ی محمد صلی الله علیه و آله قرار دهد. «۱» البته این گونه پاداش‌ها برای این سوره بر اساس شرایطی است، از جمله عمل به محتوای سوره.

اهداف

اهداف: هدف‌های مهم این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری معاد و در همین راستا هشدار به مشرکان؛ ۲. دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به قیام و اعلام رسالت به صورت علنی. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱۶

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. اشاره به رستاخیز و صفات آن (در آیات ۸، ۹ و ۲۶-۲۹)؛ ۲. تذکری درباره‌ی نوزده فرشته‌ی مأمور دوزخ (در آیات ۳۰ و ۳۱)؛ ۳. بیان صفات دوزخیان (در آیات ۱۰-۲۶)؛ ۴. بیان ویژگی‌های بهشتیان (در آیات ۳۹ و ۴۰)؛ ۵. مطالبی درباره‌ی نبوت و دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به قیام و ابلاغ آشکار رسالت خویش همراه با صبر و استقامت (در آیات ۱-۷). ب) مطالب فرعی: ۱. بیان اسباب جهنمی شدن افراد؛ از جمله: ترک نماز، ترک غذا دادن به مساکین و فرورفتن در بطالت‌ها و انکار روز قیامت (در آیات ۴۱-۴۷)؛ ۲. بیان ارتباط سرنوشت انسان با اعمالش (در آیه‌ی ۳۸)؛ ۳. اشاره‌ای به فرار افراد جاهل و خودخواه از حق (در آیه‌ی ۲۳)؛ ۴. دستوراتی درباره‌ی پاکی لباس و دوری از پلیدی‌ها (در آیات ۴ و ۵)؛ ۵. دفاع از قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل تهمت‌های مشرکان (در آیات ۱۶-۲۶ و ۳۱). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی مدثر قرآن کریم در آیات اول تا هفتم سوره‌ی مدثر با فراخواندن پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی قیام، برنامه‌ی فردی، اجتماعی و اخلاقی او را روشن می‌سازد و می‌فرماید: ۱-۷. يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ * قُمْ فَأَنْذِرْ * وَرَبِّكَ فَكَبِيرٌ * وَتِيَابِكَ فَطَهِّرٌ * وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ * وَلَا تَمُنْ بِتَسَدِ تَكْبُرٍ * وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ * ای جامه‌ی خواب به خود پیچیده! * برخیز و هشدار بده، * و پروردگارت را بزرگ شمار، * و لباست را پاک کن، * و از پلیدی دوری کن، * و منت مگذار درحالی که فزونی می‌طلبی، * و به خاطر پروردگارت شکمیا باش. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران برآن‌اند که این آیات سه سال پس از بعثت فرود آمده‌اند، سه سالی که پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را به طور پنهانی به سوی اسلام فرا می‌خواند، سپس در این آیات دستور یافت که آشکارا تبلیغ کند. «۱» ۲. در این آیات اشاره شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر آرمیده بود که دستور قیام به او رسید، مقصود از این جملات چیست؟ مفسران قرآن چند تفسیر برای این آیات بیان کرده‌اند: الف) مشرکان عرب در آستانه‌ی موسم حج تصمیم گرفتند که همگی پیامبر صلی الله علیه و آله را ساحر بخوانند و ایشان سخت ناراحت شدند و بیمارگونه و غمگین به خانه آمدند و در بستر آرمیدند، که آیات فوق فرود آمد و ایشان را به قیام و مبارزه دعوت کرد. ب) واقعاً پیامبر صلی الله علیه و آله درحال خواب بود و جامه بر خود کشیده بود که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱۸ جبرئیل فرود آمد و او را به قیام و انجام رسالت فراخواند. ج) مقصود از جامه همان لباس رسالت است که پیامبر برتن کرده و در گوشه‌ی عزلت قرار گرفته بود، ولی این آیه او را به خروج از انزوا و قیام به هدایت مردم فراخواند. د) پس از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و ابلاغ رسالت در کوه حرا، آن حضرت به خانه آمد و فرمود: «مرا بیوشانید»، در این هنگام جبرئیل آمد و او را به قیام فراخواند. ولی احتمال اخیر با نزول سوره که سه سال پس از بعثت است سازگاری ندارد. «۱» البته سه احتمال اول با هم دیگر منافاتی ندارند و ممکن است همگی صحیح باشند. ۳. در این آیات بر قیام برای هشدار دادن تأکید شده است، در حالی که وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله هشدار دادن است و هم بشارت. شاید به خاطر آن که هشدار در آغاز رسالت تأثیر عمیق‌تری در بیداری مردم دارد. آری؛ هشدار در مورد عذاب دنیوی و اخروی و نتایج سوء اعمال مردم، لازمه‌ی هدایت آنهاست. ۴. مقصود از تکبیر گفتن، بزرگ شمردن خدا از نظر اعتقاد و عمل است؛ یعنی او را دارای

آفریدم* و برای او مال گسترده‌ای قرار دادم* و پسرانی شاهد (و حاضر به خدمت)* و برای او (وسایل زندگی را) کاملاً آماده کردم* سپس طمع ورزید که بیفزایم* هرگز چنین نیست؛ [چرا] که او نسبت به (آیات و) نشانه‌های ما ستیزه‌گر بود* به زودی او را به بالا رفتن (از گردن‌های عذاب) و او خواهم داشت* [چرا] که او تفکر کرد و (نقشه را) معین نمود* پس کشته باد! که چگونه معین کرد؟! سپس کشته باد! که چگونه معین نمود؟! سپس نظر کرد* سپس چهره در هم کشید و با ترش‌روی شتاب کرد* سپس پشت کرد و تکبر ورزید* و گفت: «این (قرآن) جز سحری حکایت شده نیست* این جز گفتار بشر نیست.»* به زودی او را به دوزخ آزار دهنده وارد می‌کنم (و می‌سوزانم)!* و چه چیز تو را آگاه کرد که «دوزخ آزار دهنده» چیست؟!* (دوزخی) که نه باقی می‌گذارد و نه رها می‌سازد* که (آن دوزخ) سوزاننده و تغییر دهنده‌ی (رنگ) پوست‌هاست* که نوزده (فرشته) بر آن (گماشته) است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۲ شأن نزول: حکایت شده که یکی از سران مشرکان به نام «ولید بن مُغیره» آیات قرآن را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید و به شگفت آمد و گفت: گفتار او شیرینی خاصی دارد و زیبایی و طراوت مخصوصی، شاخه‌هایش پرثمر و ریشه‌هایش قوی است؛ سخنی که بر هر سخن دیگری برتری دارد و هیچ سخنی از آن برتر نیست.

«۱» سپس برخی از قریش به او اعتراض کردند که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله را تأیید کرد و او برای جبران گفت: محمد صلی الله علیه و آله دیوانه و کاهن و دروغ‌گو و شاعر نیست، بلکه او مردی ساحر است و آنچه می‌گوید سحری است جالب، چون میان مردم جدایی می‌افکند. بعد از این واقعه همه‌ی مشرکان هم‌داستان شده، پیامبر صلی الله علیه و آله را «ساحر» خطاب می‌کردند. «۲» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران بر آن‌اند که این آیات در مورد ولید بن مُغیره، یکی از سران مشرکان مکه و مخالف لجوج پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن است. او که فردی سرشناس و معروف به عقل و درایت بود، وقتی آیات قرآن را شنید متوجه شد که کلامی برتر است، اما در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله لجاجت کرد و نقشه‌ی شومی کشید و پیامبر صلی الله علیه و آله را جادوگر و قرآن را سحر خواند. این آیات می‌تواند بر مخالفانی هم چون ولید تطبیق شود و هشدار برای همه‌ی آنان باشد. ۲. در این آیات صفات «ولید» این‌گونه بر شمرده شده است: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۳ الف) خدا به تنهایی او را آفریده و در شکم مادر و هنگام تولد تنها بود و اکنون نیز خود را شخصیت منحصر به فرد عرب می‌نامد، ولی خدا به تنهایی به حساب او رسیدگی خواهد کرد و کیفر ناسپاسی او را خواهد داد. «۱» ب) خدا به او اموال و نعمت‌های گسترده‌ای داده بود ولی او ناسپاسی می‌کرد. حکایت کرده‌اند که ولید در بین مکه و طائف دارای مزارع و دام‌های زیادی بود. ج) خدا به او پسرانی داده بود که نزد او حاضر بودند و به او خدمت می‌کردند و به خاطر کار و معیشت او را تنها نمی‌گذاشتند. د) خدا وسایل و مقدمات زندگی برای او آماده کرده بود و از نظر اقتصادی و اجتماعی موقعیت خوبی داشت. ه) او هم چون دیگر ثروتمندان انسان طمع‌ورزی بود و مایل بود که خدا نعمت‌های بیش‌تری به او بدهد. و) نسبت به آیات الهی و نشانه‌های خدا دشمنی می‌ورزید و آگاهانه با آن مخالفت می‌کرد و با آن که می‌دانست قرآن کلام برتر است، بازهم آن را سحر می‌خواند. ز) او فرد متفکری بود اما از فکر خود در راه نقشه‌کشی علیه اسلام استفاده می‌کرد و در ذهن خود توطئه‌ها را آماده و تقدیر و تدبیر می‌کرد. آری؛ تفکر عبادت است؛ اگر در مسیر حق‌طلبی باشد، اما تفکری که در خدمت اهداف شیطانی قرار گیرد، انسان را گمراه و گرفتار عذاب می‌سازد. ح) فردی ترش‌روی و عجول بود. ط) تکبر می‌ورزید و از حق روی برمی‌تافت. ی) به پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن تهمت می‌زد و قرآن را سخن بشری و سحر می‌خواند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۴ ج) در این آیات چند کیفر برای «ولید» پیش‌بینی شده است: الف) خدا بر نعمت‌های او نیفزود، چراکه ناسپاس بود و به جای شکر نعمت، در برابر پیامبر و قرآن موضع‌گیری می‌کرد. ب) او را گرفتار سختی (عذاب) می‌کند و مجبور می‌سازد که از قله‌ی سخت زندگی بالا برود و سپس سقوط کند. «۱» حکایت شده که ولید سرانجام در زندگی فردی و اجتماعی سقوط کرد و به تدریج تا آخر عمر اموال و فرزندان خود را از دست داد. ج) خدا بر او نفرین کرد و دو بار فرمود: «مرگ بر او باد!» زیرا او نقشه‌های شوم می‌کشید و از نعمت فکر و ذهن خود در راه اهداف ضد الهی استفاده می‌کرد. د)

فرجام ولید آتش دوزخ است، که پوست تن را دگرگون می‌سازد و چیزی را رها و باقی نمی‌گذارد. ۴. ولید پس از تفکر، چهره درهم کشید و از حق روی برتافت و قرآن را کلامی بشری و سحر خواند؛ سحری تاریخی که در اقوام پیشین وجود داشت و انسان را به شگفت می‌آورد؛ «۲» در حالی که او فردی آگاه به ظرایف ادبی بود و می‌دانست که قرآن کلام برتر است و اگر او می‌توانست مثل آن را می‌آورد؛ ولی لجاجت کرد و تسلیم حق نشد. ۵. «سقر» یکی از نام‌های دوزخ و در اصل به معنای دگرگون و ذوب شدن بر اثر تابش آفتاب است که به عذاب هولناک آتش جهنم اشاره دارد. برخی نیز آن را نام یکی از طبقات هول‌انگیز دوزخ دانسته‌اند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۵. ۶. آتش دوزخ قابل درک و تصور نیست و برخلاف آتش دنیا، همه چیز را فرا می‌گیرد و چیزی را رها نمی‌کند و پوست و استخوان را سالم نمی‌گذارد؛ دوزخیان را نه می‌میراند و نه زنده نگاه می‌دارد بلکه بین مرگ و حیات آزار می‌دهد. «۱» آری؛ آتش دوزخ رنگ پوست بدن را دگرگون می‌سازد و از فاصله‌ی دور نمایان است «۲» و نوزده نگاهبان و مأمور بر آن گماشته شده‌اند؛ بنابراین راه گریزی از آن نخواهد بود. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حساب و کیفر مخالفان لجوج اسلام با خود خداست. ۲. مخالفان اسلام به نعمت‌هایی که خدا به آنان ارزانی داشته توجه کنند و (ناسپاسی) و دشمنی نورزند. ۳. ثروتمندان، کفرپیشه، طمع‌کار و فزون‌طلب‌اند. ۴. دشمنی با آیات الهی موجب سقوط است. ۵. هر کسی علیه قرآن و رهبران الهی نقشه بکشد فرجامی عذاب‌آلود دارد. ۶. مرگ بر توطئه‌گران علیه قرآن. ۷. مستکبران ترش‌روی به قرآن و رهبران الهی تهمت می‌زنند. ۸. هر کس قرآن را کلام بشری و سحر بخواند مستحق مرگ است. ۹. هر کس از نعمت تفکر سوء استفاده کند، مستحق مجازات است. ۱۰. عذابی غیر قابل تصور در انتظار مخالفان قرآن است. ۱۱. آتش دوزخ نابود کننده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۶. ۱۲. آتش دوزخ (گریزناپذیر است، چون) محافظ دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و یکم سوره‌ی مدثر به حکمت تعداد مأموران دوزخ و واکنش‌های مختلف در برابر آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۱. وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَزْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَا إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ خُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ و (مأموران) اهل آتش را جز فرشتگان قرار ندادیم و تعداد آنان را جز آزمایشی برای کسانی که کفر ورزیدند قرار ندادیم، تا کسانی که به آنان کتاب داده شده یقین کنند و بر ایمان کسانی که ایمان آوردند بیفزایند و کسانی که به آنان کتاب داده شده و مؤمنان تردید نکنند و برای این که کسانی که در دل‌هایشان [نوعی بیماری است و کافران، بگویند: «خدا از این مثل چه اراده کرده است؟!» این گونه خدا هر کس را بخواهد (به خاطر اعمالش) در گمراهی و می‌نهد و هر کس را (شایسته بداند و) بخواهد راه‌نمایی می‌کند. و (تعداد) لشکریان پروردگارت را جز او نمی‌داند و این جز یادآوری برای بشر نیست. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که گروهی از یهود از یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد تعداد مأموران دوزخ پرسش کردند و او گفت: خدا و رسولش آگاه‌ترند. و جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد و اعلام کرد که آنان نوزده نفرند «۱» (و یهودیان بر این تعداد اعتراض نکردند، زیرا با تعالیم خود هماهنگ یافتند و مؤمنان در عقیده‌ی خود راسخ‌تر شدند) اما برخی مشرکان هم چون تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۷ ابوجهل این مطلب را به ریشخند گرفتند و گفتند: آیا ده نفر از شما شجاعان عرب نمی‌تواند یکی از مأموران دوزخ را شکست دهد؟ و آیه‌ی فوق به این گروه پاسخ داد که تعیین این تعداد برای آزمایش مردم است. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات بیان شده که تعداد فرشتگان دوزخ نوزده نفر است. این تعداد مأموران عذاب است، و گرنه فرشتگان و لشکریان الهی صحنه‌ی آسمان و زمین و بهشت و دوزخ را پر کرده‌اند و تعداد آنها را جز خدا کسی نمی‌داند. «۲» «۲». ۲. در این آیات بیان شده که انتخاب عدد نوزده برای آزمایش مردم است؛ یعنی کسی به درستی نمی‌داند که چرا عدد نوزده انتخاب شده است، البته برخی افراد در این مورد حدس‌هایی زده‌اند که دلیل ندارد. «۳» آری؛ خدا برخی مطالب را بیان می‌کند و دلیل آن را روشن نمی‌سازد تا نشان دهد که چه کسانی حقایق وحی را

می‌پذیرند و چه کسانی بهانه‌تراشی می‌کنند. ۳. قرآن با بیان تعداد مأموران دوزخ (۱۹ نفر) کافران را از دو جهت آموزد: یکی این که آنان این مطلب را مورد پرسش و ریشخند قرار دادند و از طرف دیگر آن فرشتگان را اندک و ناتوان شمردند. در حالی که فرشتگان الهی قدرتمند هستند و به اراده‌ی الهی و به فرمان او قادرند هر کاری انجام دهند. در مورد تعداد آنان نیز هر عدد دیگری انتخاب می‌شد، باز جای پرسش وجود داشت که چرا تعداد آنها این قدر است. آری؛ بهانه‌تراشی مخالفان اسلام پایانی نخواهد داشت. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۸. ۴. بیان تعداد مأموران دوزخ هم زمینه‌ساز تأیید اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) شد چرا که آنان از این تعداد اطلاع داشتند و متوجه شدند که این مطلب حق و از طرف خداست و تردید آنان برطرف شد. و هم موجب افزایش ایمان مؤمنان شد، چون به حقانیت قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله اطمینان بیش‌تری پیدا کردند و هرگونه تردیدی از دل آنان برطرف شد. از این آیه استفاده می‌شود که انطباق مطالب قرآن با کتاب‌های آسمانی و تعالیم پیامبران پیشین نشانه‌ی حقانیت قرآن و موجب افزایش ایمان مردم می‌شود؛ پس تحقیق در زمینه‌ی قرآن و کتب مقدس دیگر مفید خواهد بود. ۵. مقصود از بیمار دلان در این آیه همان مشرکان لجوج هستند که حقایق قرآنی را به ریشخند می‌گرفتند و یا کافرانی که متوجه حقانیت قرآن شدند ولی باز هم کژراهه می‌رفتند. بنابراین، این آیه به منافقان بیمار دل اشاره ندارد و مدنی نیست؛ چرا که سوره‌ی مدثر مکی است و تعبیر بیمار دلان در قرآن در مورد کافران نیز به کار رفته است. «۱» ۶. در این آیه بیان شده که هدایت و گمراهی افراد به اراده‌ی خداست، البته اراده‌ی خدا تابع حکمت اوست و او کاری را بدون دلیل و حکمت انجام نمی‌دهد؛ بنابراین همان طور که در آیه اشاره شده، برخی افراد با لجاجت و بیمار دلی خود زمینه‌ی انحراف و گمراهی خویش را فراهم می‌کنند و از این رو خدا آنان را در گمراهی وامی‌نهد، اما مؤمنان مسلمان و اهل کتابی که به حقانیت قرآن پی برده و بدان اعتراف می‌کنند، هدایت می‌شوند و یا بر ایمان آنان افزوده می‌شود. ۷. در این آیه بیان شده که مطالب قرآن و تعداد مأموران دوزخ و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۹ لشگریان خدا و یا اصل وجود دوزخ مایه‌ی تذکر و بیداری انسان‌هاست؛ «۱» چرا که این مطالب جدی بودن عذاب الهی را یادآوری می‌کند تا افراد غافل را بیدار کند و از راه کفر و گناه باز دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بیان برخی مطالب در قرآن برای آزمایش و بیداری مردم است. ۲. در مورد انطباق مطالب قرآن با تعالیم پیامبران پیشین تحقیق کنید که موجب افزایش ایمان افراد می‌شود. ۳. مطالعه‌ی تطبیقی بین قرآن و کتب مقدس دیگر مفید و سازنده است و تردیدها را در مورد حقانیت قرآن بر طرف می‌سازد. ۴. کافران و مشرکان بیمار دل دست از بهانه‌تراشی در برابر قرآن بر نمی‌دارند. ۵. تعداد دقیق فرشتگان را فقط خدا می‌داند (پس در مورد آن مجادله نکنید). ۶. هدایت و گمراهی به دست خداست (ولی زمینه‌های آن را خود انسان فراهم می‌سازد). ۷. بیمار دلی مانع استفاده از قرآن، و ایمان زمینه‌ساز بهره‌برداری بیش‌تر از آن است. *** قرآن کریم در آیات سی و دوم تا سی و نهم سوره‌ی مدثر با سوگندهای متعدد، به عظمت و هشدار رستخیز و آزادی اراده‌ی انسان‌ها و نجات اصحاب یمین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۲-۳۹. كَلَّا وَالْقَمَرِ وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ إِنَّهَا لَأُحَدِّثُ تَفْسِيرَ قُرْآنِ مَهْر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳۰ الْكُوبَرِ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينًا إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ هُرْگَز چینی نیست (که تصور می‌کنند)؛ سوگند به ماه! و سوگند به شب، هنگامی که پشت کند! و سوگند به صبح، هنگامی که روشن شود! قطعاً آن (دوزخ) یکی از (نشانه‌های) بزرگ است. در حالی که هشدار گری برای بشر است. برای هر کس از شما که بخواهد پیشرو باشد یا واپس ماند. هر شخصی در گرو دستاورد (خویش) است. مگر یاران خجسته (دست راست)، نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات خدای متعال به ماه و شب و صبح سوگند یاد کرده است و سوگند به این پدیده‌های طبیعی برای تأکید بر مطلب و نیز نشان دادن اهمیت این پدیده‌ها و جلب توجه انسان به سوی آنهاست. ۲. در این آیات به شب آرام بخش و اسرار آمیز سوگند یاد شده است؛ شبی که رو به صبح روشن دارد و نیز به صبح سوگند یاد شده است؛ صبحی که نقاب از چهره برمی‌دارد و نوید بخش پایان تاریکی شب و دل‌انگیز و نشاط‌آور است. ۳. در آیات قبل بیان شد که مشرکان و کافران تعداد مأموران دوزخ را ریشخند می‌کردند

و اینکه در این آیات سخن آنان نفی، و با سوگندهای متعدد تأکید می‌شود که مسئله‌ی رستاخیز و تعداد مأموران عذاب و فرشتگان لشکر خدا یکی از مسائل مهم و نشانه‌های الهی است «۱» که برای هشدار به بشر قرار داده شده است. ۴. هدف آفرینش رستاخیز و دوزخ هشدار دادن به بشریت است؛ زیرا انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند و می‌توانند به کمال برسند و یا عقب‌گرد و سقوط کنند. پس باید رستاخیزی باشد تا به انسان‌های پیشرو پاداش مناسب داده شود و انسان‌های منحط و عقب‌گرا که راه سقوط اخلاقی و اعتقادی را پیموده‌اند مجازات شوند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳۱. ۵. این یک قانون کلی است که هر انسانی گروگان اعمال خویش است؛ یعنی وجود او در برابر انجام وظایف و کارهای اوست و وقتی آنها را انجام دهد آزاد می‌شود و یا این که انسان همراه اعمال خویش است، «۱» مگر اصحاب یمین که از قید اعمال خویش آزاد می‌شوند؛ یعنی اعمال نیک آنها گناهانشان را می‌زداید و نجاتشان می‌دهد. ۶. «اصحاب الیمین» یا به معنای افراد پربرکت است که در رستاخیز سعادتمندند و یا انسان‌هایی که نامه‌ی اعمال آنان به دست راستشان داده می‌شود که این نشانه‌دهنده‌ی سعادتمندی و نجات آنان در رستاخیز است. «۲» اصحاب یمین گرچه ممکن است لغزش‌هایی داشته باشند اما این لغزش‌ها تحت تأثیر نیکی‌های آنان قرار می‌گیرد و زدوده می‌شود و با حساب‌رسی آسانی وارد بهشت می‌شوند. «۳» ۷. از امام باقر علیه السلام روایت شده که ما و شیعیان ما اصحاب یمین هستیم و هر کس با ما اهل بیت دشمنی ورزد در اسارت اعمال خویش است. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پدیده‌ی ماه و شب و صبح پراهمیت است (در مورد آنها دقت کنید). ۲. رستاخیز بسیار عظیم است. ۳. هشدارگری یکی از اهداف آفرینش رستاخیز است. ۴. انسان آزاد است و می‌تواند پیشرو یا عقب‌گرا باشد. ۵. هر کس در گرو اعمال خویش است (پس برای رهایی خود تدبیر کنید). ۶. اصحاب یمین اهل نجات و سعادت‌اند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳۲ قرآن کریم در آیات چهل تا چهل و هشتم سوره‌ی مدثر به فرجام سعادتمندان و مجرمان و گفتمان آنان در مورد عوامل دوزخی شدن و محرومیت از شفاعت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۰-۴۸. فِي جَنَّتٍ يَنْسَاءُ لُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ * وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ * وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ * حَتَّىٰ أَنَا الْيَقِينِ * فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ * که در بوستان‌های (بهشتی) پرسش می‌کنند،* از خلافکاران: * «چه چیز شما را به دوزخ آزار دهنده وارد ساخت؟!» * می‌گویند: «از نمازگزاران نبوده‌ایم؛* و هرگز به بینوایان غذا نمی‌دادیم؛* و پیوسته با فرورفتگان (در باطل) فرو می‌رفتیم؛* و روز جزا را تکذیب می‌کردیم،* تا این که یقین (به مرگ) (به سراغ ما آمد.» * پس شفاعتِ کفایت‌کنندگان برای آنان سودی نخواهد داشت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت گروه‌های متضاد را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا مردم با مطالعه‌ی آنها راه خود را انتخاب کنند. در این آیات نیز فرجام دو گروه در برابر هم تصویر شده است: اصحاب یمین یعنی مؤمنان نیکو کردار و سعادتمند که اهل بهشت‌اند. و خلافکاران که اهل دوزخ‌اند. ۲. در این آیات به عوامل عذاب مجرمان و زمینه‌های ورود آنان به دوزخ اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) قطع رابطه با خدا و ترک نماز و عبادت؛ ب) قطع رابطه با خلق و ترک زکات و امداد رسانی به بینوایان؛ ج) باطل‌گرایی و هم‌نشینی با اهل باطل و افراد سست‌عنصر که موجب کشانده شدن انسان به کارهای باطل و گناه می‌شود؛ د) تکذیب و انکار رستاخیز که موجب جرئت بر گناه می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳۳. ۳. نماز راه پیوند و ارتباط انسان با خداست و انسان را از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارد؛ بنابراین هر کس نماز را ترک و ارتباط خود را با خدا قطع کند، در سرازیری سقوط به سوی دوزخ قرار می‌گیرد. ۴. مقصود از غذا دادن به بینوایان، هرگونه امداد رسانی به فقراست و منحصر در غذا دادن نیست، بلکه شامل پوشاک و مسکن و هزینه‌ی درمان و مانند آن نیز می‌شود. مفسران قرآن بر آن‌اند که مقصود آیه نپرداختن زکات است که اصل وجوب آن در مکه بوده و جزئیات آن در مدینه بیان شده است؛ چرا که ترک کمک‌های مستحبی موجب ورود به دوزخ نمی‌شود. «۱» ولی مانعی ندارد که بگوییم آیه شامل زکات و هرگونه امداد رسانی ضروری می‌شود، چرا که گاهی امداد رسانی به نیازمندان برای حفظ جان آنان واجب است. ۵. مقصود از فرورفتن در امور باطل، «۲» شرکت در مجالس ضد

اخلاقی و گناه‌آلود و نیز همراهی با افراد سست‌عنصر و ولگرد است که مسائل دینی را به ریشخند می‌گیرند و به تهمت و غیبت و لهو و لعب روی می‌آورند و به ترویج مسائل بدعت‌آمیز و کفر و شرک روی می‌آورند. آری؛ همراهی با این افراد و مجالس زمینه‌ساز سقوط اخلاقی و دینی و ورود به دوزخ است. ۶. اعتقاد به رستاخیز موجب می‌شود که انسان از گناه و انحراف پرهیزد ولی انکار و عدم اعتقاد به معاد ارزش‌های الهی و اخلاقی را متزلزل می‌سازد و راه گناه را باز می‌کند و استمرار آن موجب ورود به دوزخ می‌شود. ۷. برخی مفسران از این آیات استفاده کرده‌اند که کافران همان طور که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳۴ در مورد اصول دین تکلیف دارند، در مورد فروع دین هم چون نماز نیز تکلیف دارند و به خاطر ترک آنها گرفتار دوزخ می‌شوند. البته به جا آوردن نماز بدون ایمان به خدا میسر نیست و از این رو نماز رمز تسلیم در برابر خدا و ایمان به اوست. «۱» ۸. مقصود از «یقین» در آیات فوق چیست؟ برخی مفسران قرآن یقین را به معنای مرگ دانسته‌اند؛ چراکه مرگ امری یقینی برای همه‌ی افراد بشر است که هیچ شکی در آن نیست. ولی برخی دیگر از مفسران یقین را اشاره به آگاهی دانسته‌اند که پس از مرگ نسبت به مسائل برزخ و قیامت حاصل می‌شود. ۹. شفاعت به معنای ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر است؛ یعنی شفاعت شونده قسمتی از راه را پیموده ولی در فراز و نشیب‌ها وامانده است و شفاعتگر به او ضمیمه می‌شود و با رخصت الهی او را نجات می‌دهد و به او کمک می‌کند تا بقیه‌ی راه را بی‌ماید. ۱۰. در این آیات اصل شفاعت شفاعتگران در رستاخیز پذیرفته شده و به عنوان اصلی مسلم بدان اشاره شده است. در احادیث اسلامی نیز نخستین شفاعتگر، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله «۲» سپس فرشتگان، پیامبران علیهم السلام «۳»، شهیدان، امامان علیهم السلام «۴»، دانشمندان، «۵» مؤمنان، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳۵ قرآن «۱» و حتی روزه «۲» معرفی شده است. ۱۱. اولین کیفر اعمال و عقاید خلافکاران، نفی شفاعت از آنان است؛ کسانی که از خدا و خلق و معاد بریده‌اند، زمینه‌های شفاعت را در مورد خود از بین برده‌اند و شفاعت شفاعتگران در مورد آنان سودی ندارد. ۱۲. راه گفت‌وگوی بهشتیان و دوزخیان در رستاخیز باز است و این گفت‌وگوها روشنگر است و نعمت‌های الهی را به یاد بهشتیان می‌آورد تا قدر نعمت هدایت را بدانند و بیش‌تر سپاس‌گزار حق باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به فرجام بهشتی اصحاب یمین و فرجام دوزخی خلافکاران بنگرید (و راه خود را انتخاب کنید). ۲. بهشتیان با دوزخیان در رستاخیز گفت‌وگوهای روشنگری دارند (که اطلاع از آنها برای ما هم مفید است). ۳. قطع ارتباط با خدا، خلق و معاد از عوامل زمینه‌ساز ورود به دوزخ و محرومیت از شفاعت است. ۴. نماز، امداد رسانی به فقرا، ترک دوستان ناباب و اعتقاد به معاد، زمینه‌ساز بهره‌مندی از شفاعت است. ۵. در رستاخیز شفاعت‌گران متعددی وجود دارند. ۶. به وظایف خود در مورد بینوایان عمل کنید تا گرفتار عذاب نشوید. ۷. با افراد سست‌عنصر و باطل‌گرا همراهی نکنید تا گرفتار عذاب نشوید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳۶ ۸. مرگ یقینی و بیدارگر است. *** قرآن کریم در آیات چهل و نهم تا پنجاه و ششم سوره‌ی مدثر به آگاهی‌گریزی و طمع‌کاری و جسارت مخالفان دین و خودنگهداری و آمرزش الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۹-۵۶. فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ * كَانَهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ * فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ * بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صِحْفًا مَّنْشَرَةً * كَلَّا بَلْ لَّا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ * كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرَةٌ * فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ * وَمَا يَدُكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَعْرِفَةِ * وَأَنان را چه شده که از یادآوری (قرآن) روی گردان‌اند؟! * چنان که گویی آنان گورخرانی رمیده‌اند، که از (مقابل) شیری فرار کرده‌اند! * بلکه هر مردی از آنان می‌خواهد که کتابی گشاده (به او) داده شود. * هرگز چنین نیست (که آنان می‌گویند)، بلکه از آخرت نمی‌ترسید. * هرگز چنین نیست (که آنها می‌گویند)، در واقع، آن (قرآن) یادآوری است. * و هر کس بخواهد، آن (قرآن) را یاد کند؛ * و یادآور نمی‌شوند مگر این که خدا بخواهد؛ که او اهل خودنگهداری و اهل آمرزش است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کافران خلافکار از یادآوری‌ها و روشنگری‌های قرآن فرار می‌کنند و دست رد به سینه‌ی پزشک دل‌سوز و داروی خویش می‌زنند و هم‌چون گورخران وحشی که با وحشت از شیر و صیاد فرار می‌کنند از حقایق‌گریزان‌اند. «۱» آری؛ انسان ناآگاه گاهی گرفتار جهل مرکب می‌شود و از مطالب آگاهی‌بخش هم فرار می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص:

که پیش رویش (در آینده) خلافتکاری کند.* در حالی که می‌پرسد: «روز رستاخیز چه وقت است؟!» شأن نزول: حکایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله همسایه‌ای به نام «عدی بن ربیع» داشت که از ایشان در مورد رستاخیز پرسش نمود و گفت: اگر من رستاخیز را با چشم خود ببینم، بازهم به تو ایمان نمی‌آورم؛ از این رو آیات فوق فرود آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله از شَر این همسایه‌ی بد به خدا پناه برد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «لا» در آیه‌ی اول و دوم این سوره ممکن است زاید و برای تأکید باشد؛ یعنی «حتماً تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴۴ من به رستاخیز سوگند یاد می‌کنم.» و یا این که برای نفی است؛ یعنی «من به رستاخیز سوگند یاد نمی‌کنم.» (چرا که موضوع بسیار مهمی است). «۱» البته نتیجه‌ی هر دو تفسیر یکی است و آن این که مسأله‌ی رستاخیز بسیار مهم است. ۲. در این آیات به رستاخیز سوگند یاد شده تا بر وقوع رستاخیز تأکید شود «۲» و این نشان می‌دهد که مسأله‌ی رستاخیز چنان مسلم است که حتی می‌توان در برابر منکران بدان سوگند یاد کرد. ۳. مقصود از نفس سرزنشگر انسان، که بدان سوگند یاد شده است، چیست؟ برخی از مفسران بر آن‌اند که نفس سرزنشگر همان وجدان اخلاقی انسان است که در هنگام خلافتکاری او را سرزنش می‌کند و به تجدید نظر و جبران وامی‌دارد. ولی برخی دیگر از مفسران گفته‌اند که مقصود از نفس سرزنشگر، همان پشیمانی و سرزنش انسان‌ها در رستاخیز است که مؤمنان به خاطر اندک بودن اعمال صالح و کافران به خاطر کارهای گناه‌آلود، خود را سرزنش می‌کنند و یا این که منظور فقط سرزنش کافران در رستاخیز است. البته مانعی ندارد که هر سه تفسیر صحیح باشد ولی دلیلی برای معنای سوم و انحصار سرزنش به کافران وجود ندارد. ۴. برخی مفسران بر آن‌اند که بین نفس سرزنشگر انسان و رستاخیز رابطه‌ای برقرار است و دادگاه وجدان درون انسان، دلیلی بر دادگاه رستاخیز است. آری؛ دادگاه وجدان انسان نیز به هنگام انجام کارنیک به او نشاط می‌بخشد و پاداش می‌دهد و به هنگام انجام کارهای ناپسند، او را سرزنش تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴۵ می‌کند و کیفر می‌دهد. این دادگاه درونی آن‌قدر مهم و سرنوشت‌ساز است که خدا به آن سوگند یاد می‌کند. ۵. در قرآن کریم به «نفس» انسان، یعنی من حقیقی او از ابعاد مختلف نظر شده و از آن با عنوان‌های متعددی یاد شده است؛ از جمله: نفس «آماره» (که به بدی‌ها فرمان می‌دهد) نفس «مُلهمه» (که نیکی و بدی بدان الهام می‌شود) و نفس «مُسومه» (که حالت تقوا و فجور در آن مساوی است) و نفس «لؤامه» (که خلافتکاران را از درون سرزنش می‌کند) و نفس «مطمئنه» (که به لطف الهی آرامش یافته و اطمینان دارد و نفس «راضیه» و «مرضیه» (که از خدا خشنود است و خدا نیز از او راضی است). «۱» در این آیات در برابر منکران معاد، بر توانایی خدا بر بازسازی استخوان‌ها و سرانگشتان تأکید شده است؛ چراکه استخوان عضوی پردوام و رکن بدن است. و هنگامی که خاک و غبار پراکنده شود جمع‌آوری و باز آفرینی آن مشکل‌تر به نظر می‌رسد. سرانگشتان انسان نیز بسیار ظریف و دقیق و در هر انسانی متفاوت است به طوری که می‌توان مجرمان را از اثر انگشت آنان شناسایی کرد؛ ولی خدا می‌تواند سرانگشتان متلاشی شده را نیز در رستاخیز باز آفرینی کند. «۲» ۷. در این آیات اشاره شده که منکران معاد بر گمان و پندار تکیه می‌کنند و دلیلی بر انکار معاد ندارند و انگیزه‌ی آنان از انکار معاد آن است که راه خویش را در انجام گناهان بکشایند، تا در گناه‌کاری و هوس‌بازی آزاد باشند. آری؛ اعتقاد به معاد مسئولیت‌آور است و مانع آلوده شدن به گناهان تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴۶ می‌شود ولی انکار معاد انسان را برای بی‌بندوباری، مسئولیت‌گریزی و قانون‌شکنی آزاد می‌سازد؛ از این رو مادی‌گرایان و هوس‌رانان با ریشخند و انکار می‌پرسند که «رستاخیز کی خواهد آمد!» و آن را انکار می‌کنند تا راه گناه را به روی خود بکشایند. ۸. در قرآن کریم بیش از صد نام برای رستاخیز بیان شده است «۱» که یکی از آنها «یوم القیامه» یعنی روز رستاخیز است که هفتاد بار در قرآن آمده است و به قیام عمومی بندگان در آخرت اشاره دارد و توجه به آن انسان را به قیام برای انجام وظیفه در این دنیا فرامی‌خواند. آری؛ هر یک از نام‌های رستاخیز سَری دارد که باید آن را درک کنیم. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به دادگاه رستاخیز و دادگاه درون خویش توجه کنید که بسیار مهم هستند. ۲. هر انسانی وجدان سرزنشگر دارد، که نوعی دادگاه درونی است. ۳. در وقوع رستاخیز شک نکنید که خدای قدرتمند آن را برپا می‌کند. ۴. خدا می‌تواند اعضای محکم و دقیق شما را

باز آفرینی کند (پس در رستاخیز تردید نکنید). ۵. منکران رستاخیز دلیل ندارند، بلکه گمانه‌زنی و بهانه‌تراشی می‌کنند. ۶. انکار رستاخیز زمینه‌ساز آزادی گناه‌آلوده است. ۷. هر پرسشی برای فهم نیست، بلکه گاهی بهانه‌ای برای انکار معاد و آزادی از عذاب وجدان و رسیدن به هوس‌هاست. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴۷ قرآن کریم در آیات هفتم تا پانزدهم سوره‌ی قیامت به حوادث آستانه‌ی رستاخیز و گریزناپذیری آن و خودآگاهی و فرجام انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷-۱۵. فَإِذَا بَرَقَ الْبَصِيرُ * وَخَسَفَ الْقَمَرُ * وَجَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ * يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْزُ * كَلَّا لَا وَزَرَ * إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ * يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ * بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ * وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ * و هنگامی که دیده بدرخشد (و خیره شود)، * و ماه تیره گردد، * و خورشید و ماه جمع شوند، * در آن روز، انسان می‌گوید: «گریز گاه کجاست؟!» * هرگز چنین نیست، هیچ پناهگاهی نیست؛ * که در آن روز، قرارگاه فقط به سوی پروردگار توست؛ * در آن روز انسان از آنچه پیش فرستاده و واپس نهاده خبر داده می‌شود. * بلکه انسان بر خودش بیناست، * و گرچه عذرهایش را (در میان) افکند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به چند حادثه‌ی بزرگ اشاره شده است که در آستانه‌ی رستاخیز اتفاق می‌افتد و نظام جهان را درهم فرو می‌ریزد: الف) بی نور شدن ماه (که در اثر خاموش شدن خورشید نور آن قطع می‌گردد). «۱» ب) اجتماع ماه و خورشید، که در اثر فروپاشی نظام منظومه‌ی شمسی جذب هم‌دیگر می‌شوند. «۲» ۲. انسان‌ها در رستاخیز در وحشت فرو می‌روند و از شدت ترس از عذاب و شرم از گناه به دنبال راه فرار هستند، ولی رستاخیز گریزناپذیر است. ۳. در رستاخیز قرارگاه نهایی انسان به سوی پروردگار است، و مسیر تکاملی انسان به سوی او ختم می‌شود و پناهگاهی جز او وجود ندارد. آری؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴۸ انسان در محضر خدا برای حساب حاضر می‌شود و راه دوزخ یا بهشت را در پیش می‌گیرد و مستقر می‌گردد. «۱» ۴. رستاخیز روز آگاهی انسان از اعمال خویش است؛ آگاهی از کارهایی که قبل از مرگ انجام داده و از پیش فرستاده و کارهایی که به صورت سنت‌های نیک و بد و کتاب‌ها و فرزندان در میان مردم به جای گذاشته است. آری؛ انسان از تمام اعمال خویش از آغاز تا پایان و حتی اموالی که برای وارثان به جای گذاشته و گناهان خویش با خبر می‌شود. «۲» ۵. در این آیات به خودآگاهی انسان اشاره شده است؛ انسان از درون خود با خبر است و نیازی به خبر دادن به او نیست، ولی گاهی عذر تراشی می‌کند و کارهای خویش را می‌پوشاند، «۳» که در رستاخیز این پرده‌ها فرو می‌افتد و اعضا و جوارح انسان گواهی می‌دهد و همه‌ی کردارهای انسان آشکار می‌شود. هر چند این خودآگاهی اختصاص به رستاخیز ندارد و در دنیا نیز انسان از وضع خویش آگاه‌تر از هر کس دیگر است. بلکه آدم نیست محتاج خبر خود به نفس خود بصیر است از اثر (مجدد) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آستانه‌ی رستاخیز نظام کیهانی درهم فرو می‌ریزد. ۲. رستاخیز با نشانه‌های فرا می‌رسد، به طوری که شما را به شگفتی و وحشت وا می‌دارد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴۹. رستاخیز گریزناپذیر است. ۴. قرارگاه نهایی شما پروردگارتان است (پس به دنبال پناهگاهی غیر او نگردید). ۵. رستاخیز آگاهی‌بخش است (و در آن روز حقایق همه‌ی اعمالتان برای شما روشن می‌شود). ۶. انسان خودآگاه است. ۷. انسان‌ها (ی خطاکار) حقیقت‌پوش و عذر تراش‌اند. *** قرآن کریم در آیات شانزدهم - نوزدهم سوره‌ی قیامت با بیان وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد قرآن، سلامت قرآن را تضمین می‌کند و می‌فرماید: ۱۶-۱۹. لَمَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ * إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ زبَانَتِ رَا بِهِ أَنْ (قرآن) حرکت مده، تا در (خواندن) آن شتاب کنی. * [چرا] که جمع کردن آن و خواندنش فقط برعهده‌ی ماست. * و هنگامی که آن را می‌خوانیم، پس، از خواندن آن پیروی کن. * سپس در واقع بیان آن (قرآن) فقط برعهده‌ی ماست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد آیات فوق دو تفسیر اساسی شده است: الف) این آیات جمله‌های معترضه‌ای هستند که در لابه‌لای آیات قیامت آمده‌اند و وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله را در مورد قرآن، روشن و سلامت آن را تضمین می‌کنند. ب) مخاطب این آیات گناهکاران رستاخیز هستند که به آنان دستور می‌دهد نامه‌ی اعمال خود را بخوانند و در خواندن آن عجله نکنند و صبر کنند تا فرشتگان نامه‌ی اعمالشان را بخوانند و آنها پیروی کنند. تفسیر قرآن مهر جلد

بیست و یکم، ص: ۳۵۰ البته تفسیر اول با ظاهر آیات سازگارتر است. «۱» ۲. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد خواندن قرآن شتاب می‌ورزید؟ مفسران قرآن فرموده‌اند: پیامبر صلی الله علیه و آله علاقه‌ی شدیدی به دریافت و حفظ وحی داشتند و هنگامی که بیک وحی آیات را بر ایشان می‌خواند، زبان خویش را حرکت می‌دادند و همراه او می‌خواندند «۲» که در آیات فوق از این کار منع شد، و حفظ و جمع قرآن و بازخوانی آن تضمین گردید. برخی مفسران نیز گفته‌اند که قرآن دارای دو نزول است: نزول دفعی در شب قدر و نزول تدریجی در طول بیست و سه سال. ولی پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر عجله در ابلاغ وحی و نگرانی از فراموشی آن، گاه قبل از نزول تدریجی یا همراه آن آیات را تلاوت می‌کردند، و از این کار منع شدند تا هر آیه‌ای به موقع خود تلاوت و ابلاغ شود. «۳» البته توضیح اول در مورد عجله‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله مناسب‌تر است. ۳. از این آیات استفاده می‌شود که اولین جمع آوری کننده قرآن خداست و او از قرآن محافظت می‌کند و آن را در ذهن پیامبر صلی الله علیه و آله و کتابی واحد جمع می‌کند، تا نابود و فراموش نشود. آری؛ خدا گرد آمدن قرآن، قرائت صحیح و بیان آن را تضمین کرده است؛ یعنی قرآن دست‌خوش تحریف نمی‌شود و کاسته و فراموش نمی‌گردد. حکایت شده که بعد از نزول این آیات، پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که جبرئیل تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۱ بر ایشان فرود می‌آمد، کاملاً سکوت می‌کردند و بعد از رفتن او شروع به تلاوت قرآن می‌نمودند. ۴. وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله قرائت قرآن و پیروی از آن است؛ البته این وظیفه‌ی همه‌ی رهبران الهی، بلکه وظیفه‌ی هر مسلمانی است که قانون اساسی اسلام را بخواند و از آن پیروی کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبر صلی الله علیه و آله نگران قرآن بود. ۲. سلامت قرآن را خدا بیمه کرده است. ۳. به وظیفه‌ی خود در مورد خواندن قرآن و پیروی از آن عمل کنید (و نگران سرنوشت قرآن نباشید). ۴. گرد آمدن قرآن و قرائت و توضیح آن به عهده‌ی خداست (و قرآن حمایتگر و بیانگری هم‌چون خدا دارد، پس نگران آن نباشید). *** قرآن کریم در آیات بیستم و بیست و یکم سوره‌ی قیامت به نقش دنیادوستی در معادگریزی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰ و ۲۱. کَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ * وَتَذُرُونَ الْآخِرَةَ هرگز چنین نیست (که شما کافران می‌پندارید)؛ بلکه (دنیا) شتابان را دوست می‌دارید* و آخرت را رها می‌کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی پنجم این سوره یکی از اهداف عوامل معادگریزی، بازکردن راه برای بی‌بندوباری و گناه معرفی شده است، و اینک این آیه به عامل دیگر معادگریزی، یعنی دنیادوستی اشاره می‌کند. ۲. مادی‌گرایی و عشق به ثروت و امکانات زندگی زودگذر دنیا موجب می‌شود که انسان معاد را انکار کند تا راه برای هرگونه سوء استفاده باز شود و هرچه زودتر به ثروت و مقامات دنیوی برسد. ۳. در قرآن کریم مکرر به معاد اشاره شده است و هر انسانی می‌تواند با تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۲ مطالعه و پرسش، از دلایل معاد اطلاع پیدا کند؛ پس عامل و انگیزه‌ی انکار معاد، نداشتن دلیل نیست، بلکه دنیادوستی و میل به آزادی بی‌بندوبار برخی انسان‌ها را معادگریزی می‌کند. ۴. مقصود از سرزنش دنیادوستی آن نیست که انسان رهبانیت و ترک دنیا را پیشه سازد؛ استفاده از دنیا و مواهب آن نیکو و لازم است ولی دل‌بستگی به آن و حرص در مورد آن نکوهیده است؛ چون انسان را منحرف می‌سازد و به انکار حقایقی هم‌چون معاد می‌کشاند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آخرت خود را فدای دنیای زودگذر نکنید. ۲. دنیادوستی تا جایی نیکوست که شما را از آخرت و اندارد. ۳. مادی‌گرایی یکی از عوامل معادگریزی است. *** قرآن کریم در آیات بیست و دوم تا بیست و پنجم سوره‌ی قیامت به چهره‌های شادمان و غمناک در رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲-۲۵. وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ * وَوَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بِاسِرَّةٍ * تَنْظُرُ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ * چهره‌هایی که در آن روز ترش‌روست،* می‌داند که (مجازات)ی کمرشکن بر او اعمال می‌شود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات حالات دو گروه مؤمنان نیکوکار و کافران بدکار در برابر هم به تصویر کشیده است، تا مخاطبان قرآن بتوانند آگاهانه راه صحیح را انتخاب کنند. آری؛ مقابله و مقایسه‌ی فرجام این دو گروه یکی از روش‌های تربیتی قرآن است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۳. «ناصِرَةٌ» به معنای شادابی خاصی است که بر اثر نعمت و رفاه به انسان می‌رسد و همراه با سرور، زیبایی و نورانیت است. ۳.

مقصود از «نظر کردن مؤمنان به پروردگارشان» چیست؟ الف) برخی مفسران قرآن گویند: که منظور شهود باطنی خداست؛ یعنی در رستاخیز پرده‌ها از جلوی چشمان افراد کنار می‌رود و ذات بی‌مثال و جمال مطلق او را با چشم دل مشاهده می‌کنند و لذتی روحانی می‌برند. «۱» ب) برخی دیگر از مفسران معتقدند که نظر کردن به پروردگار کنایه از چشم داشتن به لطف و رحمت اوست؛ «۲» در برخی احادیث نیز آمده است که به رحمت خدا و نعمت و ثواب او چشم دارند. «۳» ج) برخی از مفسران نیز «ناضره» را به معنای انتظار کشیدن دانسته‌اند؛ یعنی مؤمنان فقط منتظر لطف خدا هستند. «۴» البته می‌توان معنای سوم را به معنای دوم بازگرداند. ولی به هر حال این نظر کردن، به معنای مشاهده‌ی حسی خدا نیست؛ چون خدا جسم نیست تا او را با چشم سر ببینیم. «۵» ۴. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که آنان به پروردگارشان می‌نگرند بدون کیفیت و حد محدود و صفت مشخص. «۶» ۵. مؤمنان شاداب در رستاخیز فقط به خدا نظر می‌کنند، درحالی که مسلماً آنان به غیر او نیز نگاه می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۴ این حصر و اختصاص بدان معناست که مؤمنان در رستاخیز همه جا خدا و جمال و جلال او را می‌بینند و به غیر خدا به عنوان آثار و جلوه‌ی او نظر می‌کنند و نیز فقط به لطف خدا امید دارند و از هر کس دیگر قطع امید می‌کنند. «۱» آری؛ کسانی که در دنیا چشم امید به لطف خدا و نگاهی توحیدی به جهان دارند در آخرت نیز همان گونه‌اند. ۶. کافران بدکردار چهره‌هایشان عبوس و درهم کشیده و اندوهگین است؛ زیرا در رستاخیز رنج و عذاب شکننده را می‌بینند، عذابی که ستون فقرات انسان را در هم می‌شکند و به سختی مجازاتش می‌کند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مردم در رستاخیز یکسان نیستند، برخی شاد و برخی ناشادند. ۲. چشم امیدتان فقط به خدا باشد. ۳. عذابی شکننده و اندوهبار در انتظار کافران است. *** قرآن کریم در آیات بیست و ششم تا سی ام سوره‌ی قیامت به حالات سخت انسان در آستانه‌ی مرگ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶-۳۰. کَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ * وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ * وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ * وَالْتَفَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ * إِلَى رَبِّكَ * يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ * هرگز چنین نیست؛ هنگامی که (جان) به گلوگاه‌ها می‌رسد، * و گفته می‌شود: «بالا برنده (ی دعا و برطرف کننده‌ی بیماری) کیست؟! * و می‌داند که آن (وقت) جدایی است؛ * و ساق پا به ساق پا (ی دیگر) می‌پیچد. * در آن روز روانه شدن فقط به سوی پروردگار توست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به حالات سخت مرگ و جان‌کندن اشاره شده است؛ لحظه‌ای که حجاب‌ها کنار می‌روند و حقایق و نشانه‌های عذاب دیده می‌شوند و کافران در آن لحظه پشیمان شده، ایمان می‌آورند، ولی دیگر دیر شده است. ۲. در لحظه‌ی مرگ جان به گلوگاه می‌رسد؛ یعنی اعضایی که از قلب و مغز فاصله دارند هم‌چون دست و پا، کم کم از کار می‌افتند تا به گلوگاه انسان می‌رسد و گویی روح تدریجاً از بدن خارج می‌شود. «۱» و اطرافیان او سراسیمه به دنبال راه نجات هستند و صدا می‌زنند که آیا پزشکی هست که این بیمار را معالجه کند، یا دعا کننده‌ای هست که دعا کند و او نجات یابد! «۲» ولی آن لحظه، لحظه‌ی فراق و جدایی از دنیا است و خود بیمار بهتر از هر کس می‌داند که این تلاش‌ها بیهوده است و در آن لحظه ساق پاها به هم دیگر می‌پیچد و جان از بدن خارج می‌شود و مرگ فرا می‌رسد و دنیا به آخرت متصل می‌گردد. «۳» ۳. از احادیث اسلامی استفاده می‌شود که لحظه‌ی مرگ بر کافران بسیار سخت است؛ هم‌چون گزیدن افعی‌ها و عقرب‌ها و کندن لباسی فاخر و پوشیدن لباسی کثیف و خشن و انتقال از منزلی مرفه به منزلی وحشتناک، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۶ اما همان مرگ برای مؤمنان حالتی شبیه خواب و بوییدن عطر خوش‌بو و کندن لباس چرک و گشودن غل و زنجیر و انتقال به مکانی مرفه است. «۱» ۴. در این آیات بیان شده که مسیر بازگشت همه‌ی انسان‌ها فقط به سوی پروردگار است و همگان در دادگاه عدل الهی حاضر می‌شوند. این تعبیر به رستاخیز عمومی انسان‌ها و نیز جهت‌گیری حرکت تکاملی مردم به سوی ذات پاک خدا اشاره دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. لحظه‌ی مرگ و حشتناک و سخت است (پس به فکر آن باشید). ۲. در لحظه‌ی مرگ کاری از دست کسی ساخته نیست (پس قبل از آن به فکر چاره باشید). ۳. مرگ، عامل جدایی از دنیا و اتصال به آخرت است. ۴. فرجام همگان فقط به سوی پروردگار است (پس برای آن هنگام توشه‌ای آماده سازید). *** قرآن کریم در آیات سی و یکم تا سی و پنجم سوره‌ی قیامت به

حالات تکبر آمیز مخالفان اسلام اشاره می‌کند و با نفرین به آنان می‌فرماید: ۳۱-۳۵. فَلَا صِدْقَ وَلَا صِلَىٰ وَلَكِنَّ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ و تأیید نکرد و نماز نگذارد،* ولیکن تکذیب کرد و روی برتافت،* سپس خرامان (و متکبرانه) به سوی خانواده‌اش رفت.* (عذاب الهی) برای تو سزاوارتر است و سزاوارتر! * سپس (عذاب الهی) برای تو سزاوارتر است و سزاوارتر! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۷ شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوجهل گفت: «عذاب الهی برای تو شایسته‌تر است، سپس عذاب الهی برای او شایسته‌تر است.» و ابوجهل گفت: «نه تو و نه پروردگارت نمی‌توانید به من زبانی برسانید. من قدرتمندترین افراد این سرزمین هستم.» و در این جا بود که سخنان فوق به صورت آیاتی از قرآن فرود آمد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از عدم تصدیق، همان عدم تأیید توحید، آیات الهی، نبوت و معاد است؛ «۲» یعنی کافرانی هم‌چون ابوجهل نه تنها آیات الهی را تأیید نمی‌کنند، که آنها را تکذیب کرده و روی برمی‌تابند و متکبرانه می‌روند. ۲. مقصود از «اولی لک» آن است که عذاب الهی برای این کافران سزاوارتر است و یا این که عذاب الهی به آنان نزدیک شده است. «۳» آری؛ این حالات تکبر آمیز و سرزنش و سرنوشت عذاب آلود در دنیا و آخرت برای این کافران شایسته‌تر است و وای بر آنان که چنین سرنوشتی دارند. ۳. کافران مخالف اسلام، هم‌چون ابوجهل، چند ویژگی دارند که آنان را سزاوار عذاب می‌سازد: الف) آنان حقایق و آیات الهی را تأیید نمی‌کنند و ایمان نمی‌آورند؛ ب) رابطه‌ای با خدا ندارند و نماز نمی‌گزاردند؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۸ ج) حقایق الهی را تکذیب می‌کنند و در برابر خدا و پیامبر ۹ موضع می‌گیرند؛ د) از حق روی گردانند؛ ه) متکبرانه راه می‌روند و گویا افتخار کارهای ناپسند خود را به خانه می‌برند. آری؛ نتیجه‌ی این گونه رفتارها سرنوشت عذاب آلود است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بی‌ایمانی، بی‌نمازی، تکذیب‌گری، روی برتافتن از حق و تکبر، از عوامل عذاب‌اند. ۲. به سوی ایمان، نماز و حق روی آورید و از تکبر و تکذیب دوری کنید تا گرفتار عذاب نشوید. ۳. بر ضد دشمنان اسلام شعار دهید و به آنان نفرین کنید. *** قرآن کریم در آیات سی و ششم تا چهلم سوره‌ی قیامت با اشاره به هدف آفرینش و مراحل آفرینش انسان، به اثبات معاد می‌پردازد و می‌فرماید: ۳۶-۴۰. أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى * أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنَىٰ يُمْنَىٰ ثُمَّ كَمَا نَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ آيا انسان می‌پندارد که بیهوده (و بی هدف) رها می‌شود؟! * آیا (او) آب اندک سیالی از منی‌ای که ریخته می‌شود، نبوده است؟! * سپس [خون بسته آویزان شد و (خدا آن را) آفرید و مرتب ساخت،* و از آن، دو جفت، مرد و زن قرار داد.* آیا آن (خدا) توانا نیست بر این که مردگان را زنده کند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات از راه هدف آفرینش و حکمت خدا به اثبات معاد پرداخته است؛ یعنی بیان کرده که چگونه می‌توان باور کرد انسان با همه‌ی اعضا و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۹ اجزای کاملش بدون هدف و بیهوده آفریده شده باشد؟! اگر چنین بود، کاری برخلاف حکمت بود و خدا چنین کاری نمی‌کند. آری؛ اگر انسان یک کار کوچک انجام دهد، یا چیزی بسازد، هدفی دارد، پس چگونه خدا کاری بی‌هدف انجام دهد. پس، انسان فرجام و هدفی بزرگ‌تر از این دنیای پررنج دارد و آن زندگی جاوید رستاخیز و تکامل بی پایان است، که انسان به تکامل نهایی و کیفر و پاداش اعمال خود می‌رسد. ۲. در این آیات با بیان مراحل آفرینش انسان، قدرت‌نمایی خدا در این مورد نشان داده شده است، سپس نتیجه می‌گیرد که خدایی با این قدرت که انسان را طی مراحل دقیق از نطفه تا کودک کامل به وجود می‌آورد، چگونه نمی‌تواند مردگان را زنده و معاد را برپا سازد؟! آری؛ توجه به قدرت بی‌کران الهی یکی از دلایل و شواهد امکان معاد است. ۳. قرآن کریم در آیات متعدد به مراحل سیزده گانه‌ی آفرینش انسان اشاره کرده است که در اوایل سوره‌ی حج و مؤمنون از همه جا کامل‌تر بیان شده است. «۱» انسان از نطفه‌ای تشکیل شده که آبی اندک و سیال است که همراه با اسپرماتوزوئید از مرد بیرون می‌آید و با اوول زن مخلوط شده جنین را به وجود می‌آورد که در رحم زن آویزان شده، از آن تغذیه می‌کند تا رشد کند و اعضا و جوارحش کامل و موزون می‌گردد و به صورت پسر یا دختر متولد می‌شود. آری؛ دقت در این مراحل انسان را با عظمت و قدرت بی‌کران خدا آشناتر می‌سازد. ۴. در این

آیات با واژه‌ی «ذَلِكُ» (آن) به خدا اشاره شده است که کنایه از عظمت مقام اوست که آن قدر والاست که از دسترس افکار بشر بیرون است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آفرینش انسان هدفمند است. ۲. در آفرینش خود فکر کنید تا به رمز معاد پی ببرید. ۳. با مطالعات جنین‌شناسی، معادشناس شوید. ۴. به مراحل آفرینش جنینی خود بنگرید و قدرت‌نمایی خدا را مشاهده کنید. ۵. از قدرت خدا به امکان معاد پی ببرید. ۶. خدایی که می‌تواند انسان را از نطفه‌ای ناچیز بیافریند و به او حیات بخشد، می‌تواند او را رستاخیز نیز دوباره زنده کند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۱

بخش پانزدهم: سوره‌ی دهر (انسان)

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «دهر» در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۳۱ آیه، ۲۴۰ کلمه و ۱۰۵۴ حرف است. این سوره نود و هفتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «الرَّحْمَن» و قبل از سوره‌ی «طَلَق») و هفتاد و ششمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌انداز: «دَهْر» (روزگار)، «انسان»، «هَلْ أَتَى» و «الابرار». این نام‌ها از آیه‌ی اول و پنجم این سوره گرفته شده‌اند.

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی دهر (هل اتی) را قرائت کند، پاداش او بر خدا، بهشت و لباس‌های حریر (بهشتی) است. «۱» البته این گونه پاداش‌ها در صورتی است که خواننده‌ی سوره در راستای محتوای آن حرکت و عمل کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۴

ویژگی

ویژگی: این سوره نذر امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و ایثار آنان را می‌ستاید و برخی مفسران نوشته‌اند که این سوره با آن که مطالب زیادی در مورد بهشت دارد، از آن جا که در آن ذکری از فاطمه علیها السلام شده، از حوری‌های بهشتی سخنی به میان نیامده است.

اهداف

اهداف: اساسی‌ترین هدف‌های این سوره عبارت‌انداز: ۱. یادآوری رستاخیز و عذاب‌ها و نعمت‌های فراوان آن؛ ۲. ارائه‌ی یک برنامه‌ی خودسازی همراه با ایثار و عبادت.

مطالب

مطالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌انداز: الف) عقاید: ۱. یادآوری قیامت؛ ۲. بیان حالات نیکان و کافران در قیامت (در آیات ۴-۲۲)؛ ۳. سخن از شراب‌های پاک بهشتی (در آیه‌ی ۲۱). ب) احکام: ۱. دعوت به سجده در شب (در آیه‌ی ۲۶)؛ ۲. بحث وفای به نذر (که در مورد نذر امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در مورد روزه‌ی سه روزه برای سلامتی امام حسن و امام

حسین علیهما السلام و سپس وفای ایثارگرانه‌ی آنها بدین نذر است) (در آیات ۷ به بعد). ج اخلاق: ۱. دعوت به صبر (در آیه‌ی ۲۴)؛ ۲. تشویق به غذا دادن به مسکین، یتیم و اسیر که با الهام از عمل ایثارگرانه‌ی امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام بیان شده است (در آیات ۷-۹)؛ د) مطالب دیگر: ۱. اشاره به آفرینش انسان (در آیات ۱ و ۲)؛ ۲. یادآوری غفلت قرآن (در آیات ۲۳)؛ ۳. حاکمیت مشیت الهی در عین آزاد بودن انسان (در آیات ۳، ۲۹ و ۳۰). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۵

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی دهر (انسان) قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره‌ی انسان به آفرینش انسان و هدایت و آزادی او در انتخاب راه و فرجام کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱-۴. هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا* إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا* إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا* إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا آیا بر انسان زمانی از روزگار برآمد که چیزی یاد شده نبود؟! در حقیقت، ما انسان را از آب اندک سیال مخلوط آفریدیم، در حالی که او را می‌آزماییم و او را شنوا و بینا قرار دادیم. در واقع، ما او را به راه (راست) راه‌نمایی کردیم، در حالی که یا سپاس‌گزار است، یا بسیار ناسپاس است. در حقیقت، ما برای کافران، زنجیرها و غل‌ها و شعله‌های فروزان (آتش) آماده کرده‌ایم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «انسان» در این جا همه‌ی افراد بشر هستند، که قبل از آفرینش و تولد چیز قابل ذکری نبودند. اما برخی مفسران برآن‌اند که مقصود از انسان آدم علیه السلام است که قبل از خلقت چیزی نبود، یا مقصود دانشمندانند که قبل از تحصیل علم قابل ذکر نبودند، اما پس از آن همه جا از آنان یاد می‌شود. «۱» البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد، ولی تفسیر اول با آیه سازگارتر است. ۲. زمانی بر انسان سپری شد که قابل ذکر نبود؛ یعنی ذرات وجود او در گوشه و کنار طبیعت پراکنده بود و بعداً این عناصر به صورت نطفه‌ای تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۶ مخلوط در آمد و انسان به وجود آمد. البته انسان در علم خدا مذکور بود هرچند در عالم خلق مذکور نبود. «۱» ۳. «نطفه» در لغت به معنای سیلان ضعیف چیزی است و به معنای آب صاف کم یا زیاد نیز آمده است و شامل نطفه‌ی زن و مرد می‌شود و مخصوص مردان نیست. «۲» یعنی نطفه چیزی است که از مردان یا زنان برای لقاح و تشکیل جنین خارج می‌شود، که در مورد مردان به آن «منی» می‌گویند که حاوی میلیون‌ها اسپرماتوزئید است و در مورد زنان به آن تخمک (یا اوول) می‌گویند که در هر ماه حدود سیزده عدد از آنها خارج می‌شوند و معمولاً یکی از آنها کامل و یا باردار می‌شوند. «۳» ۴. «امشاج» به معنای مخلوط شدن است و اشاره به اختلاط نطفه‌ی زن و مرد و تشکیل تخمک یا اختلاط مواد و عناصر مختلف تشکیل دهنده‌ی نطفه یا استعدادهای درون نطفه از نظر عامل وراثت و ژن‌ها و یا حالات مختلف نطفه در دوران جنینی است. البته مانعی ندارد که این آیه به همه‌ی این موارد اشاره داشته باشد. اشاره به مخلوط بودن نطفه، که برخلاف تصور عرب معاصر نزول قرآن بود از شگفتی‌های علمی قرآن به شمار می‌آید. «۴» ۵. مقصود از «ابتلاء» در این آیات رسیدن انسان به مقام تکلیف و تعهد و مسئولیت و آزمایش است، از این رو به او چشم و گوش دادند تا ابزار شناخت داشته باشد. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۷ البته برخی مفسران برآن‌اند که مقصود از ابتلاء، حالات مختلف جنینی، هم‌چون نطفه، علقه، مضغه و ... است. «۱» ۶. مقصود از هدایت انسان، هدایت تکوینی، فطری و تشریحی (همه‌ی اقسام هدایت) است؛ هرچند تأکید آیه بر هدایت تشریحی است؛ یعنی خدا که انسان را برای رسیدن به کمال آفرید و وسایل و نیروهای لازم را در اختیار او گذاشت و او را با الهامات فطری و وحی آسمانی پیامبران هدایت کرد و با این حال او را آزاد گذاشت که راه صحیح یا غلط را خود انتخاب کند. ۷. در این آیات بر آزادی اراده‌ی انسان تأکید شده است؛ یعنی انسان می‌تواند هدایت الهی را بپذیرد و سپاس‌گزاری کند یا نپذیرد و راه کفر و ناسپاسی در پیش گیرد. ۸. «کفور» صیغه‌ی مبالغه و به معنای بسیار ناسپاس یا بسیار کفرورز است؛ کسی که همه‌ی وسایل هدایت را نادیده انگارد و گمراهی در پیش گیرد، بسیار ناسپاس و کفرورز است. ۹. انسان

در انتخاب راه آزاد است اما این بدان معنا نیست که اگر کسی کزراهه را انتخاب کرد و به راه کفر و گمراهی و ناسپاسی گام نهاد، مجازات نشود؛ حتماً خدا او را عذاب می‌کند و از این روست که تأکید می‌نماید و هشدار می‌دهد که غل و زنجیر و آتش برای کافران آماده شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه‌ی سابقه‌ی تاریخی و دوران جنینی خود خداشناس شوید. ۲. انسان سابقه‌ای غیر قابل ذکر دارد (و به لطف خدا به وجود آمده است پس سپاس او را به جا آورد). ۳. منشأ پیدایش انسان نطفه‌ی مخلوطی است که آفریده‌ی خداست تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۸ (پس سپاس گزار او باشید). ۴. انسان در انتخاب راه آزاد است. ۵. خدا راه صحیح را نشان می‌دهد اما اجبار نمی‌کند. ۶. خدا به انسان ابزار شناخت داده است و از این طریق او را آزمایش می‌کند. ۷. کافران ناسپاس در انتظار عذابی سخت باشند. *** قرآن کریم در آیات پنجم تا دوازدهم سوره‌ی انسان به ایثارگری نیکان متعهد و با اخلاص و فرجام شاد و نعمت‌های بهشتی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵- ۱۲. إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا * يُوفُونَ بِالْأَنْدَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ سُرَّةُ مَسْتَطِيرًا * وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكِيانًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لُؤْجِهِ اللَّهِ لَا تَرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا * إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبَّوسًا قَمَطِرًا * فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا * وَجَزَاهُم بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا در حقیقت، نیکوکاران از جامی (از شراب) می‌نوشند که آن با (عطرخوش) کافور آمیخته است؛ * (همان) چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و (از هر کجا بخواهند) آن را کاملاً می‌شکافند (و روان می‌کنند). * به نذر وفا می‌کنند و از روزی که بدی آن گسترده است می‌ترسند، * و غذا را، در حالی که دوستش دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می‌خورانند. * (در حالی که می‌گویند: ما) شما را فقط به خاطر ذات خدا غذا می‌دهیم، [و] هیچ پاداشی و سپاس‌گزاری‌ای از شما نمی‌خواهیم. * در حقیقت، ما از (عذاب) پروردگاران می‌ترسیم، از روزی که بسیار ترش‌روی [و] سخت‌است. * پس خدا آنان را از بدی آن روز نگاه می‌دارد و آنان را با شادابی و شادمانی می‌پذیرد، * و به خاطر شکیبایی‌شان، بهشت و (لباس‌های) حریر به آنان پاداش می‌دهد، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۹ شأن نزول: حکایت شده که امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیمار شدند و پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش کردند که علی علیه السلام نذری برای شفای آنان بنماید و امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و فضه خادمه آنان (و طبق برخی احادیث حسن و حسین علیهما السلام) نذر کردند که پس از شفا سه روز روزه بگیرند. پس از شفای آن دو عزیز، همه‌ی خانواده روزه گرفتند و امام علی علیه السلام مقداری جو قرض کردند و نان پختند، ولی در هنگام افطار نیازمندی بر در خانه آمد و غذا خواست و آنان ثلث غذای خود را به او دادند، سپس یتیمی آمد و ثلث دیگر را به او دادند و بعد از آن اسیری آمد و ثلث آخر غذای خود را به او دادند. پیامبر صلی الله علیه و آله از این جریان مطلع شدند و به خانه‌ی فاطمه علیها السلام آمدند و در این هنگام سوره‌ی انسان (یا هجده آیه‌ی آن) نازل شد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «ابرار» جمع «بر» در اصل به معنای گستردگی است و از آن جا که نیکوکاران نتایج اعمالشان گسترده است، به آنان ابرار می‌گویند. «۲» ۲. «کافور» به معنای گیاه خوش‌بو و بوی خوش و نیز به معنای کافور مشهور است که بوی تنیدی دارد و برای ضد عفونی به کار می‌رود و در سفیدی و خنکی ضرب المثل است. آری؛ شراب بهشتی بوی خوشی دارد و یا سفید و خنک است. ۳. در این آیات به چند نعمت و پاداش نیکان اشاره شده است: الف) شراب خوش‌بوی بهشتی، که از چشمه‌هایی بیرون می‌آید؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۰ ب) امنیت، از شرّ عذاب‌های رستاخیز؛ ج) استقبال از آنان با شادمانی و سرور؛ د) خود بهشت که پاداش صبرنیکان است؛ ه) (لباس‌ها و فرش‌های) حریر. ۴. در این آیات چند ویژگی نیکان برشمرده شده است: الف) آنان افرادی متعهدند و به نذر خود عمل می‌کنند. ب) از عذاب سخت رستاخیز هراسناک‌اند. ج) ایثارگری و امداد رسانی می‌کنند و به نیازمندان، کودکان بی‌سرپرست و اسیران غذا می‌دهند، در حالی که خود نیازمند آن غذا هستند. د) در کارشان اخلاص دارند و برای خدا امداد رسانی می‌کنند و انتظار پاداش و تشکر از کسی ندارند. ه) شکیبیا هستند و در راه انجام تعهدات و امداد رسانی صبورند و مشکلات را تحمل می‌کنند. ۵. ابرار و بندگان خاص خدا در بهشت از

چشمه‌ای استفاده می‌کنند که در اختیار آنهاست و هر کجا بخواهند آن را می‌شکافند و جاری می‌سازند. از امام باقر علیه السلام روایت شده که آن چشمه در خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله است و از آن جا به خانه‌ی سایر پیامبران و مؤمنان جاری می‌شود. (۱) همان طور که در دنیا مردم از چشمه‌ی علم و رحمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله استفاده می‌کردند، در آخرت نیز این امر تجسم می‌یابد و شراب بهشتی از خانه‌ی آن حضرت به خانه‌ی دیگران سرازیر می‌شود. ۶. وفای به نذر برای همگان واجب و تخلف از آن حرام است و کفاره دارد. اما کسانی که از روز رستاخیز و عذاب سخت آن می‌هراسند، تعهد بیش‌تری به انجام نذر خود دارند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۱. ۷. در این آیات مسأله‌ی وفای به نذر و ترس از رستاخیز و غذا دادن به نیازمندان به صورت فعل مضارع آمده است؛ یعنی روش نیکان این گونه است و این اعمال و حالت در آنها مستمر است و فقط یک بار اتفاق نمی‌افتد. ۸. نیکان با این که خودشان میل به غذا دارند آن را به دیگران می‌بخشند. (۱) این همان ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خویشتن است که مرتبه‌ی عالی نیکوکاری است. (۲) ۹. مقصود از «اسیر» در آیه‌ی فوق مشرکان و کافرانی هستند که در مدینه به دست مسلمانان اسیر شده بودند، یا بردگانی که اسیر مالک خود بودند و یا زندانیان؛ هرچند احتمال اول مناسب‌تر است. البته در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله محل خاصی برای نگاه‌داری اسیران نبود و آنان را بین مسلمانان تقسیم می‌کردند تا از آنان مراقب کنند و چنانچه کسی توانایی غذا دادن به اسیران را نداشت اسیران از دیگران غذا می‌طلبیدند. (۳) ۱۰. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد اسیران سفارش می‌کردند، به طوری که مردم در اثر سفارش‌های آن حضرت، غذای خود را به اسیر می‌دادند و او را بر خود مقدم می‌شمردند. (۴) ۱۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: هر کس به سه مسلمان غذا دهد، خدا او را از سر بوستان بهشتی در ملکوت آسمان‌ها غذا خواهد داد. (۵) تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۲ هم‌چنین از آن حضرت روایت شده: بنده‌ای که شب سیر بخوابد در حالی که برادر- یا همسایه‌ی- مسلمانش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است. (۱) ۱۲. در این آیات به اخلاص نیکان در امداد رسانی و غذا دادن به دیگران اشاره شده است، آنان فقط برای ذات خدا غذا می‌دهند (۲) و هیچ پاداش و تشکری از مردم نمی‌طلبند. اعمالی که با انگیزه‌ی غیر الهی و برای ریاکاری و طلب تشکر از مردم انجام شود ارزش معنوی ندارد و ارزش عمل به نیت انسان بستگی دارد. ۱۳. در این آیات از روز رستاخیز با عنوان «روز عبوس و شدید» یاد شده است. عبوس از صفات انسان است ولی به خاطر نشان دادن حوادث سخت و عذاب هولناک رستاخیز از آن با عنوان عبوس یاد شده است. ۱۴. نیکان از شر روز رستاخیز و عذاب پروردگار می‌ترسند ولی خدا نه تنها آنان را از شر آن روز حفظ می‌کند بلکه در رستاخیز با شادی و خرمی از آنان استقبال می‌شود و داخل بهشت می‌شوند و از نعمت‌های آن استفاده می‌کنند. این پاداش‌ها به خاطر آن است که نیکان در برابر مشکلات صبورند و به نذر خود وفا می‌کنند و به دیگران امداد می‌رسانند. ۱۵. این آیات در مورد امام علی علیه السلام و خانواده‌ی نیکوکار ایشان فرود آمده است، ولی عمومیت دارد و خانواده‌ی امام علی علیه السلام سرآغاز نزول و مصداق کامل این آیات هستند؛ و همان طور که در برخی از احادیث شأن نزول آمده است (۳) که هر مؤمن دیگری که راه آنان را ادامه دهد، مشمول همین پاداش‌ها خواهد بود. ۱۶. در این آیات از غذا دادن به سه گروه فقرا، یتیمان و اسیران یاد شده تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۳ است، ولی ممکن است این موارد از باب مثال باشد؛ چون هر نوع امداد رسانی به نیازمندان جامعه مطلوب است و نزد خدا پاداش دارد، که شامل غذا و لباس و نوشیدنی به همه‌ی اقشار نیازمند می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید از بهشت و نعمت‌های عالی آن استفاده کنید از نیکان باشید. ۲. انجام تعهدات، امداد رسانی خالصانه به بینوایان و ترس از معاد از ویژگی‌های نیکان است. ۳. در حالی که به غذا نیاز دارید، ایثار کنید. ۴. از بینوایان، کودکان بی سرپرست و اسیران غافل نشوید و غذای آنان را بر خود مقدم دارید. ۵. کار نیک را برای خدا انجام دهید نه برای تشکر مردم و پاداش آنان. ۶. پاداش تعهدپذیری و امداد رسانی به بینوایان، امنیت و شادی در رستاخیز و بهشت پرنعمت است. ۷. هر کس بینوایان را شاد کند در رستاخیز با شادی از او استقبال می‌شود. ۸. اگر شراب بهشتی می‌خواهید به بینوایان غذا بدهید. *** قرآن کریم در آیات سیزدهم تا

بیست و دوم سوره‌ی انسان به نعمت‌های گوناگون بهشتی که به عنوان پاداش و سپاس‌گزاری به نیکان داده می‌شود اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۳- ۲۲. مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَمَّا يَرْوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا* وَذَاتِيَهُ عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَدْلِيلًا* وَيَطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيِيهِ مِنْ فَضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا* قَوَارِيرًا مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا* وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا* عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا* وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَمْنُونًا* وَإِذَا رَأَيْتَ نَمْرًا رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلُكًا كَدِيمًا* عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا* إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيَكُمْ مَشْكُورًا

تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۴ در حالی که در آن (بهشت) بر تخت‌ها تکیه زده‌اند، [و] در آن جا هیچ (گرمای سوزان) خورشید و سرمای شدید نمی‌بینند؛* و سایه‌های (درختان) آن به آنان نزدیک است و میوه‌هایش برای چیدن کاملاً فروتن شده است؛* و ظرف‌هایی از نقره و سبوهایی که بلورین است برگردشان چرخانده می‌شود؛* بلورهای نقره‌ای که به طور کامل اندازه‌ی آنها را معین کرده‌اند؛* و در آن جا از جامی سیراب می‌شوند که (شراب) آن با زنجبیل آمیخته است؛* (همان) چشمه‌ساری که در آن جا سلسبیل نامیده می‌شود؛* و نوجوانانی ماندگار برگرد آنان می‌چرخند، هنگامی که آنان را می‌بینی می‌پنداری آنان مرواریدی پراکنده‌اند.* و هنگامی که آن جا (بهشت) را ببینی، نعمت فراوان و فرمان‌روایی بزرگی می‌بینی!* بر فرازشان لباس‌های سبز حریر نازک و حریر ضخیم است و با دست‌بندهایی از نقره آراسته می‌شوند و پروردگارشان شراب پاک و پاک‌کننده به آنان می‌نوشاند.* در حقیقت، این پاداشی برای شمامست و تلاشتان سپاس‌گزاری خواهد شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات نعمت‌های بهشتی متنوعی برای نیکان برشمرده شده است: الف) لباس‌های فاخر بهشتی که از جنس حریر و دیا همراه با دستبندهای زینتی از نقره است. ب) نوشیدنی‌های گوارا که با زنجبیل آمیخته شده و از چشمه‌ی سلسبیل به دست آمده است و نیز شرابی پاک که خدا به نیکان می‌نوشاند. ج) ظرف‌های زیبای بهشتی از جنس نقره و قدح‌های بلورین که زیبایی خاصی به مجالس بهشتیان می‌بخشد. د) خدمت‌گزاران نوجوان که گرداگرد بهشتیان می‌چرخند و غذا و نوشیدنی‌های آنان را تأمین می‌کنند تا هیچ گونه زحمتی برای نیکان در بهشت نباشد. ه) محیطی آرام و لذت‌بخش که نه آفتاب سوزان دارد و نه سرمای‌گزننده، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۵ بلکه زیر سایه‌ی درختان پرمیوه است که میوه‌هایش در دست‌رس‌اند و بهشتیان بر تخت‌هایی تکیه زده و از این نعمت‌ها استفاده می‌کنند. این‌ها پاداش تلاش‌ها و نیکوکاری نیکان در دنیا است. ۲. اصول و نظام حاکم بر زندگی دنیایی با اصول و نظام حاکم بر آخرت متفاوت است و نعمت‌هایی که در این آیات از آنها یاد شده تنها اشاراتی پرمعنا به مواهب بهشتی‌اند، و گر نه حقایق نعمت‌های بهشتی بالاتر از چیزهایی است که ما شنیده یا دیده‌ایم. «۱» یعنی «نعمت‌های بهشتی در دنیا همانندی ندارند ولی خدا با نام‌هایی که برای ما شناخته شده‌اند از آنها نام می‌برد؛ مثلاً از شراب طهوری نام می‌برد که با زنجبیل ممزوج است. زنجبیل ماده‌ی معطری است که مردم به آن علاقه داشتند.» «۲» ۳. در این آیات بیان شده که ظرف‌های بلورین بهشتی از نقره ساخته شده‌اند، در حالی که در دنیا ظرف‌های بلورین را از نقره نمی‌سازند؛ از این تعبیرات استفاده می‌شود که ظرف‌ها و جام‌های بهشتی هم شفافیت بلور را دارند و هم درخشندگی و زیبایی نقره را، به طوری که نوشابه‌های آن کاملاً نمایان است؛ نقره‌های بهشت هم چون شیشه و بلور دنیا است. «۳» ۴. برخی مفسران بیان کرده‌اند که مردم عرب دو نوع شراب داشته‌اند: شرابی که با زنجبیل مخلوط می‌شد و تند و مخصوصی داشت و نشاط‌آور بود و شرابی که با کافور آمیخته می‌شد و سست‌کننده و آرام‌بخش بود. و قرآن از هر دو قسم یاد کرده است، اما میان شراب مست‌کننده و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۶ زیان‌آور دنیوی با شراب طهور و بدون ضرر آخرت تفاوت بسیار است. ۵. «سَلْسَبِيلٌ» به معنای روان، یا حرکت پی‌درپی یا گواراست و آن نوشیدنی لذیذی است که به راحتی در گلو جاری می‌شود و گواراست و نام چشمه‌ای در بهشت است که شراب بهشتیان از آن تأمین می‌شود. ۶. عبارت «در بهشت نعمت و ملکی بزرگ است»، اشاره به زوال ناپذیری یا کثرت یا گستردگی قلمرو و تحقق آرزوها و خدمت‌گزاری فرشتگان در بهشت است. البته مانعی ندارد که اشاره به همه‌ی این معانی باشد. ۷. لباس‌های بهشتیان از حریر نازک

سبز و حریر ضخیم یعنی دیباست. حریر پارچه‌ای ابریشمی و بسیار نرم و لطیف است. آری؛ مؤمنانی که در دنیا معمولاً از نعمت‌های مادی محروم بودند، در آخرت از بهترین نعمت‌ها بهره‌مند می‌شوند. ۸. انتخاب رنگ سبز برای لباس بهشتیان به خاطر آن است که نشاط‌آور و به رنگ طبیعت است. ۹. یک نعمت بزرگ الهی و لطف خاص خدا به نیکان بهشتی نوشاندن شراب طهور به آنان است؛ در آن جا پروردگار ساقی است و به نیکان شراب می‌نوشاند شرابی که پاک و پاک کننده است نه تلخ و زیان‌آور؛ «۱» شرابی که روح و جسم را از آلودگی‌ها پاک می‌کند و نورانیت و نشاط می‌آورد. ۱۰. از امام صادق علیه السلام روایت شده که (شراب طهور موجب می‌شود که نیکان بهشتی) «از هر چیزی که غیر از خداست پاک شوند.» «۲» ۱۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که این شراب موجب می‌شود که حسد از دل‌های نیکان پاک شود. «۳» ۱۲. یکی دیگر از مواهب بزرگ الهی در مورد نیکان آن است که خدا از تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۷ آنان تشکر می‌کند و نعمت‌های بهشتی را پاداش آنان قرار می‌هد. آری؛ این لطف خاص خداست که به خاطر تلاش‌های نیکان از آنان سپاس‌گزاری می‌کند، و گرنه همه‌ی نعمت‌ها و توفیق‌های بندگان از خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر نعمت‌های متنوع بهشتی را می‌طلبید (در راه خدا) تلاش کنید. ۲. خدا حق شناس و سپاس‌گزار تلاشگران است و پاداش آنان را در بهشت عطا می‌کند. ۳. در بهشت برای شما بهترین لباس‌ها، ظرف‌ها، خدمت‌گزاران و نوشیدنی‌ها و میوه‌ها فراهم شده است (پس برای به دست آوردن آنها نیکوکار و تلاش‌گر باشید). ۴. بهشت جای راحتی و آسایش و آرامش است. ۵. رنگ سبز، یکی از رنگ‌های بهشتی است. ۶. پروردگار ساقی نیکان بهشتی است و به آنان شراب طهور می‌نوشاند. *** قرآن کریم در آیات بیست و سوم تا بیست و ششم سوره‌ی انسان با اشاره به نزول قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله، پنج فرمان مهم به او ابلاغ می‌کند و می‌فرماید: ۲۳-۲۶. إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِیْلًا ۚ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ ۚ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا ۚ وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۚ وَمِنَ اللَّیْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَیْلًا طَوِيلًا ۚ در واقع، ما خود، قرآن را کاملاً بر تو فرو فرستادیم. * و برای (ابلاغ) حکم پروردگار شکیبا باش و از (میان) آنان از هیچ گنهکار یا (کافر) بسیار ناسپاس اطاعت مکن. * و نام پروردگار را صبحگاهان و عصرگاهان (و شب هنگام) یاد کن. * و بخشی از شب (را به پاخیز) و برای او سجده کن و او را شب طولانی تسبیح بگوی. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات پنج فرمان سازنده به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله داده شده است: در مشکلات شکیبا باش؛ از گناهان بسیار ناسپاس اطاعت نکن؛ و در راه ادای وظیفه به یاد خدا باش و از نماز و ذکر خدا غافل نشو. این دستورات می‌توانند برنامه‌ای برای رهبران و مبلغان دینی باشند تا با نیروی معنوی و تلاش بر مشکلات غلبه کنند. ۲. مقصود از «تنزیل» تأکیدی بر نزول قرآن از طرف خدا یا اشاره به نزول تدریجی قرآن در طول ۲۳ سال بر پیامبر صلی الله علیه و آله است. «۱» آری؛ قرآن برنامه‌ی زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان است، که می‌تواند هدایتگری برای رسیدن به اهداف الهی و تکیه‌گاهی برای استقامت در این راه باشد. «۲» ۳. برخی مشرکان هم‌چون ولید بن مُغیره و عتبه بن ربیع و ابوجهل تلاش می‌کردند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را منحرف سازند و حتی به او پیشنهاد ثروت و زنان زیبا می‌دادند. پیامبر صلی الله علیه و آله فریب آنان را نمی‌خورد، ولی قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله را از پیروی این کافران ناسپاس و گناهکار برحذر داشت، تا این سخن ره‌نمود و الگویی برای مبلغان و رهبران الهی باشد. ۴. در این آیات سفارش شده که خدا را در آغاز و پایان روز یاد کنید «۳» و در شب برای او سجده کرده، مقدار زیادی از شب نیز به تسبیح او سپری کنید. این دستورات اشاره به نمازهای صبح و عصر و مغرب یا نمازهای پنجگانه یا به اضافه‌ی نماز شب است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۹ البته مانعی ندارد که مقصود آیات فوق، توجه مستمر و شبانه‌روزی به خدای متعال باشد که نمازهای پنج‌گانه و نماز شب از مصادیق آنهاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن زمینه‌ساز شکیبایی، کفرستیزی و نیایش است. ۲. (مبلغان و رهبران الهی) در برابر مشکلات استقامت بورزند و از منحرفان پیروی نکنند. ۳. گناهکاری و ناسپاسی و کفر مانع رهبری است. ۴. به طور مستمر به یاد خدا باشید. ۵. آغاز و پایان روز و شبانگاه برای عبادت مناسب‌تر است. ۶. شب برای سجده و تسبیح طولانی مناسب‌تر

است. *** قرآن کریم در آیات بیست و هفتم و بیست و هشتم سوره‌ی انسان با اشاره به دنیادوستی و آخرت‌گریزی کافران، به آنان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۲۷ و ۲۸. *إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا* نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ وَشَدَدْنَا أَسِيرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا يَدُلُّنَا أَثْمَالَهُمْ تَبْدِيلًا در حقیقت، اینان (زندگی دنیای) شتابان را دوست دارند، و روز گرانبار (قیامت) را پشت سرشان رها می‌کنند. * ما آنان را آفریدیم و پیوندهای وجودشان را محکم کردیم، و هنگامی که بخواهیم، همانندشان را کاملاً جای‌گزین می‌کنیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سخت یا زمان طولانی آن و یا رسوایی‌های سنگین قیامت است. ۳. کافران از رستاخیز غافل می‌شوند، به گونه‌ای که گویا آن را پشت سر می‌اندازند. از این رو از رستاخیز به عنوان «روز پشت سر» یاد کرده است که در پی انسان می‌آید، هر چند واقعاً در آینده و جلوی انسان قرار دارد. «۱» ۴. «اسیر» به معنای بستن چیزی با زنجیر است، هم‌چون اسیر که او را می‌بندند و در این جا اشاره به استحکام پیوندهای وجودی انسان است که او را نیرومند می‌سازد. برخی از مفسران آن را اشاره به رشته‌های عصبی و عضلات بدن انسان دانسته‌اند که هم‌چون طناب‌های محکم بدن انسان را به یک‌دیگر بسته و مجموعه‌ی واحد و نیرومندی را سامان داده است. ۵. این آیات به کافران مخالف اسلام هشدار می‌دهد که اگر نعمت‌های الهی را ناسپاسی می‌کنند و بر کفر خود لجاجت می‌ورزند، بدانند که خدا از آنان بی‌نیاز است و می‌تواند اقوام دیگری را جای‌گزین آنها سازد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دنیادوستی و آخرت‌گریزی از صفات ناپسند است. ۲. دنیا زودگذر و آخرت سخت و سنگین است. ۳. در آفرینش و پیوندهای وجود خود بنگرید (و سپاسگزار باشید). ۴. اگر ناسپاسی و لجاجت کنید، خدا قوم دیگری را جای‌گزین شما می‌سازد. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۸۱ قرآن کریم در آیات بیست و نهم تا سی و یکم سوره‌ی انسان به بیدارگری قرآن و آزادی انتخاب انسان‌ها و محرومیت ستمکاران از رحمت الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹-۳۱. *إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا* وَمَا تَشَاوُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا در حقیقت، این (مطالب) یادآوری است و هر کس بخواهد، راهی به سوی پروردگارش برگزیند. * و (چیزی) نمی‌خواهید مگر این که خدا بخواهد، [چرا] که خدا دانایی فرزانه است. * هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، در رحمتش وارد می‌کند؛ و ستمکاران عذاب دردناکی برایشان آماده ساخته است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کتابی یادآور کننده و بیدارگر است و در مورد مطالب فطری تذکر می‌دهد و انسان را با راه خدا آشنا می‌سازد. ۲. این آیات مانند آیه‌ی سوم این سوره بر آزادی اراده و انتخاب انسان تأکید کرده‌اند؛ یعنی انسان می‌تواند راه حق را انتخاب کند و سپاس‌گزار پروردگار باشد و یا راه ناسپاسی را در پیش گیرد و به سوی کفر گام بردارد. ۳. در این آیات به توحید افعالی اشاره شده است؛ یعنی همه‌ی کارها در نهایت به دست خداست و اوست که به همه‌ی انسان‌ها وجود و اراده می‌دهد و کسی بدون رخصت خدا نمی‌تواند هیچ گامی بردارد. ۴. مجموع این آیات در حقیقت به اصل اساسی «امر بین امرین» اشاره دارد؛ یعنی از طرفی انسان آزاد و مختار است و از طرف دیگر تحت اراده‌ی الهی است؛ نه همه‌ی کارها به انسان تفویض و واگذار شده‌اند و نه انسان مجبور است، بلکه راه میانه‌ای بین آن دو است؛ یعنی آزادی وابسته به اراده‌ی الهی است که هر لحظه می‌تواند آن را باز پس گیرد. آری؛ خدا بر تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۸۲ اساس علم و حکمت خود سرنوشت انسان را سامان داده است تا راه تکامل را آزادانه و تحت نظر الهی ببیماید. پس آیه‌ی فوق دلالت بر جبر ندارد، «۱» به ویژه آن که در آیه‌ی قبل از آن و آیه‌ی سوم همین سوره سخن از آزادی اراده‌ی انسان در انتخاب راه هدایت است. ۵. انسان‌ها دو گروه هستند: الف) کسانی که شایسته‌ی دریافت رحمت الهی‌اند، چون در راه ایمان و عمل صالح گام برداشته و زمینه‌های دریافت رحمت الهی را فراهم کرده‌اند. ب) کسانی که ستمکاری نموده، سزاوار عذاب الهی‌اند و شایستگی دریافت رحمت الهی را ندارند و خود را از رحمت الهی محروم کرده‌اند. آری؛ خدا براساس علم و حکمت خود، رحمتش را از ستمکاران دریغ می‌دارد و به مؤمنان شایسته می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن یادآور (حقایق فطرت و عقل) انسان است. ۲. انسان انتخابگر و آزاد است. ۳. آزادانه به سوی خدا گام بردارید. ۴. توحید افعالی بر اراده‌ی شما سایه افکنده است. ۵. اراده‌ی شما بدون

خواست خدا کارکردی ندارد. ۶. اراده‌ی خدا تابع علم و حکمت اوست. ۷. ستمکاری عامل محرومیت انسان از رحمت الهی است (پس شما این گونه نباشید). ۸. ستمکاری زمینه‌ساز عذاب دردناک الهی است. ۹. هر کس شایسته و مطلوب خدا باشد، از رحمت الهی استفاده می‌کند (پس شما این گونه باشید). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۸۳

بخش شانزدهم: سوره‌ی ضحی

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «مُرسَلات» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۵۰ آیه، ۱۸۱ کلمه و ۸۱۶ حرف است. این سوره سی و دومین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «هُمَزَه» و قبل از سوره‌ی «ق»)^۱ و هفتاد و هفتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «مُرسَلات» و «العُرف». در نام‌گذاری این سوره از آیه‌ی اول آن الهام گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی مرسلات را قرائت کند، خدا او را با محمد صلی الله علیه و آله آشنا می‌سازد. «۱» البته این آثار سوره در مورد کسانی است که علاوه بر قرائت سوره، در محتوای آن تدبّر کنند تا با شخصیت و تعالیم و راه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آشنا شوند.

اهداف

اهداف: مهم‌ترین محور سوره‌ی مرسلات واقعه‌ی رستاخیز و مقدمات و حالات افراد در آن روز است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۸۶

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. یادآوری قیامت و توصیف مَحْشَر (در آیات ۷-۱۴ و ۲۹-۴۰)؛ ۲. بیان گوشه‌ای از نعمت‌های بهشتی برای پارسایان (در آیات ۴۱-۴۴). ب) داستان: اشاره به سرنوشت دردناک اقوام پیشین (در آیات ۱۶-۱۸). ج) مطالب فرعی: ۱. اشاره‌ای به خلقت انسان (در آیات ۲۰-۲۳)؛ ۲. اشاره‌ای به زمین و نعمت‌های آنان (در آیات ۲۵-۲۷)؛ ۳. هشدارهایی به مجرمان (در آیات ۴۶-۵۰). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۸۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی مرسلات قرآن کریم در آیات اول تا هفتم سوره‌ی مرسلات با سوگندهای متعدد به حتمی بودن وعده‌های الهی و رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱-۷. وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا* فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا* وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا* فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا* فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا* عُذْرًا أَوْ نُذْرًا* إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ* سوگند به فرستاده شدگان پیایی! و توفندگان توفنده! و سوگند به گسترانندگان گستراننده! و جداسازان جداکننده! و به یادافکنان،* برای (قطع) عذر یا هشدارگری! قطعاً، آنچه بدان وعده داده می‌شود، واقع شدنی است؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد آیات فوق دو تفسیر مشهور وجود دارد: الف) این آیات اشاره به بادهایی است که

به سرنوشت دردناک و عذاب آلود تکذیب کنندگان رستاخیز اشاره دارد. «۲» ۶. وای به حال تکذیب کنندگان رستاخیز؛ زیرا انکار معاد راه هرگونه ظلم و فساد را برانسان می‌گشاید و او را به عذاب و دوزخ می‌کشاند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آستانه‌ی رستاخیز نظام جهان درهم فرو می‌ریزد (و نظم نوینی حاکم می‌شود). ۲. در رستاخیز کارها به نوبت انجام می‌شود. ۳. پیامبران از جمله گواهان اعمال در رستاخیز هستند. ۴. رستاخیز روز جدایی‌هاست (پس خود را برای آن روز آماده سازید). ۵. تکذیب‌گران در رستاخیز سرنوشت اسفناکی دارند (پس شما از این گروه نباشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۱ قرآن کریم در آیات شانزدهم تا نوزدهم سوره‌ی مرسلات به قانون تاریخی هلاکت مجرمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶-۱۹. أَلَمْ نُهَبِكِ الْأُولَئِينَ * ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ * كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ * وَيْلٌ لِّيَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ آیا (ملت‌های) نخستین را هلاک نکرده‌ایم؟! * سپس پسینیان را به دنبال آنان (هلاک) می‌گردانیم. * با خلفکاران این چنین می‌کنیم. * در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یک قانون و سنت الهی در مورد اقوام سرکش و خلفکار است، «۱» که خدا اقوام خلفکاری هم‌چون عاد و ثمود و قوم نوح و لوط و فرعون را هلاک می‌کند و اقوام دیگری را جانشین آنان می‌سازد. این قانون در طول تاریخ بوده و در آینده نیز جاری خواهد شد. ۲. مقصود از اقوام اولین تمام اقوام پیشین، هم‌چون عاد و ثمود هستند که به عذاب الهی گرفتار شدند و منظور از اقوام دیگر که به دنبال آنان آمده‌اند ملت‌های بعدی هستند که جانشین آنان شده یا می‌شوند. «۲» ۳. بیان خلفکاری اقوام پیشین در حقیقت اشاره به دلیل هلاکت آنان است؛ یعنی عذاب الهی جنبه‌ی انتقام‌جویی ندارد بلکه تابع اصل حکمت و استحقاق خلفکاران است. ۴. جمله‌ی «وای بر تکذیب‌گران در روز رستاخیز» برای تأکید بر مطلب است. «۳» آری؛ خدا خلفکاران را در دنیا این گونه هلاک کرد، پس باید تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۲ تکذیب‌گران از سرنوشت آنان عبرت بیاموزند و دست از لجاجت بردارند؛ زیرا ممکن است آنان نیز درد دنیا گرفتار عذاب الهی شوند و در آخرت نیز عذاب بزرگ‌تری در انتظار خلفکاران تکذیب‌گر است؛ پس وای بر حال آنان. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هلاکت ملت‌های سرکش و خلفکار در طول تاریخ، قانونمند است. ۲. خلفکاری و تکذیب‌گری از عوامل نابودی ملت‌هاست. ۳. از هلاکت خلفکاران ملت‌های پیشین درس عبرت بگیرید و راه آنان را ادامه ندهید. ۴. خلفکاران تکذیب‌گر در دنیا و آخرت گرفتار عذاب می‌شوند. *** قرآن کریم در آیات بیستم تا بیست و چهارم سوره‌ی مرسلات با اشاره به نشانه‌های قدرت خدا در آفرینش انسان، بار دیگر به تکذیب‌گران هشدار داده، می‌فرماید: ۲۰-۲۴. أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ * فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ * إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ * فَقَصَدْنَا قَدْرَهُمُ الْقَادِرُونَ * وَيْلٌ لِّيَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ آیا شما را از آبی پست نیافریده‌ایم، * و آن را در جایگاه استوار [رحم قرار دادیم، * تا اندازه‌ی معین؟! * و توانا بودیم و چه خوب تواناییم! * در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم بارها با اشاره به مراحل آفرینش انسان، «۱» در مورد معاد از آن نتیجه‌گیری کرده است؛ یعنی با بیان مراحل شگفت‌انگیز و دقیق آفرینش انسان، قدرت خدا را اثبات کرده است؛ خدایی که قادر است از آبی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۳ پست، انسانی زیبا و کامل به وجود آورد و به او حیات ببخشد، توانایی دارد که در رستاخیز دوباره انسان را زنده کند. ۲. در این آیات از نطفه‌ی زن و مرد با عنوان آبی پست و ناچیز یاد شده است که مردم از آن تنفر دارند، ولی خدا همین نطفه را به کودکی زیبا و کامل تبدیل می‌کند که همه آن را دوست دارند. آری؛ همه‌ی این‌ها نشانه‌های قدرت خداست. ۳. در این آیات از «رحم» مادر با عنوان قرارگاه محفوظ یاد شده است؛ یعنی کودک در رحم مادر قرار می‌گیرد تا توسط استخوان‌های کمر و لگن از هرگونه آسیب احتمالی محفوظ بماند و در آن جاست که کودک آرام و قرار گرفته است. آری؛ همه‌ی این‌ها از نشانه‌های قدرت خداست. ۴. مدّت بارداری و قرار گرفتن کودک در رحم مادر کاملاً معین است؛ یعنی زمان‌بندی مسیر تکاملی کودک از پیش قابل اندازه‌گیری و مشخص شده است و همه‌ی این‌ها نشانه‌ی قدرت خداست. ۵. برخی انسان‌ها این نشانه‌های قدرت خدا را می‌بینند، ولی باز هم آیات الهی و معاد را انکار و خود را گرفتار عذاب می‌کنند؛ وای بر حال این تکذیب‌گران. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با جنین‌شناسی، خداشناس و معادشناس شوید. ۲. قرار گرفتن جنین (در رحم) و مدت

آن از نشانه‌های قدرت خداست. ۳. از قدرت خدا در آفرینش انسان به قدرت او در مورد رستاخیز پی ببرید و آن را انکار نکنید. ۴. وای بر حال کسانی که نشانه‌های قدرت خدا (برای آفرینشگری و معاد) را ببینند و تکذیب کنند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۴ قرآن کریم در آیات بیست و پنجم تا بیست و هشتم سوره‌ی مرسلات با اشاره به نشانه‌های خدا در صحنه‌ی طبیعت، به تکذیب‌گران هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۲۵ - ۲۸. أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا * أَحْيَاءَ وَأَمْواتًا * وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَادًا * وَشَجَرًا * وَأَسْرًا * فَمِنَّا مَاءُ فُرَاتًا * وَوَيْلٌ لِّلْمُكذِّبِينَ آيا زمین را قرار نداده‌ایم فراگیرنده‌ی * زندگان و مردگان؟! * و در آن [کوه‌های استوار] [و] بلندی قرار دادیم، و آبی گوارا به شما نوشاندیم. * در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به قدرت خدا در آفرینش زمین، کوه‌ها و آب گوارا اشاره شده است تا نشان دهد که خدایی که قادر است در صحنه‌ی طبیعت این موجودات عظیم را با این ویژگی‌ها بیافریند، می‌تواند بار دیگر شما را در رستاخیز زنده گرداند. ۲. «کفات» در اصل به معنای جمع کردن و ضمیمه کردن چیزهاست و به پرواز سریع پرندگان نیز کفات گفته می‌شود. بنابراین آیه‌ی فوق دو تفسیر خواهد داشت: الف) زمین محل جمع‌آوری مردگان و زندگان است؛ زمینی که نیازهای انسان زنده را در اختیارش می‌گذارد و آماده‌ی دفن مردگان است و عفونت‌های آنها را به خود می‌گیرد. ب) زمین هم‌چون پرنده‌ای با سرعت حرکت می‌کند که از نشانه‌های قدرت خداست. البته با توجه به سیاق آیات که سخن از مردگان و زندگان است، معنای اول مناسب‌تر است. ۳. در این آیات چند ویژگی برای کوه‌ها بیان شده است: الف) استوار هستند و هم‌چون زره‌ی زمین را در بر گرفته، در برابر فشارهای داخلی زمین و نیز فشارهای خارجی نیروی جاذبه‌ی کرات تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۵ دیگر، ایستادگی می‌کنند و برای اهل زمین آرامش به ارمغان می‌آورند. ب) بلند قامت هستند و جلوی طوفان‌های عظیم را می‌گیرند. ۴. یکی از نشانه‌های قدرت خدا نوشاندن آب گوارا به انسان است؛ آبی که از باران و چشمه‌های کوه‌ها به دست می‌آید. ۵. در این آیات نیز بار دیگر به تکذیب‌گران هشدار داده شده که چرا از این نشانه‌ها به قدرت خدا برای تجدید حیات انسان پی نمی‌برید و با تکذیب معاد و آیات الهی، خود را گرفتار عذاب می‌کنید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات زمین‌شناسی و طبیعت‌شناسی به خداشناسی و معادشناسی برسید. ۲. از آفرینش زمین، کوه‌ها و آب‌ها به قدرت خدا پی ببرید. ۳. از قدرت خدا در صحنه‌ی طبیعت به قدرت او برای رستاخیز پی ببرید و آن را انکار نکنید. ۴. وای به حال کسانی که قدرت خدا را ببینند و معاد را تکذیب کنند. *** قرآن کریم در آیات بیست و نهم تا سی و چهارم سوره‌ی مرسلات به ویژگی‌های آتش دوزخ اشاره می‌کند و با هشدار به تکذیب‌گران می‌فرماید: ۲۹ - ۳۴. انظُرُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكذِّبُونَ * انظُرُوا إِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ * لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ * إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ * كَأَنَّهُ جِمَالَةٌ صُفْرٌ * وَوَيْلٌ لِّلْمُكذِّبِينَ (گفته می‌شود: به سوی چیزی که آن را تکذیب می‌کردید شتابان بروید. * به سوی سایه‌ی سه شاخه‌ی (آتش) شتابان بروید! * سایه‌ای که پایدار (و فرح‌بخش) نیست و شعله (ی آتش) را دفع نمی‌کند؛ * که آن (آتش) شراره‌هایی هم‌چون قصری (عظیم) می‌افکند؛ * چنان که گویی (خصوصیات) آن (هم‌چون) شتران زرد است. * در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات ویژگی‌های آتش دوزخ چنین بیان شده است: الف) دارای سایه‌ای سه‌شاخه است؛ ب) سایه‌ی آتش دوزخ آرام‌بخش و مانع حرارت شعله‌ها نیست؛ ج) از آتش دوزخ شراره‌هایی بیرون می‌جهد که مانند کاخ بزرگ و همانند شتر زرد رنگ است. ۲. این آیات ممکن است سخن خدا باشد که مستقیماً به دوزخیان خطاب می‌کند، یا سخنان فرشتگان عذاب است که در قرآن از آنها نقل شده است؛ ولی در هر صورت این سخنان سرزنش‌آمیز خود نوعی عذاب روانی برای دوزخیان‌اند. ۳. دوزخیان کسانی هستند که همواره معاد را انکار و تکذیب می‌کردند، ولی در قیامت گرفتار آتش شررباری می‌شوند و هیچ سایه و پناهگاهی نخواهند داشت؛ وای بر حال این تکذیب‌گران! ۴. در این آیات دو ویژگی برای سایه‌ی آتش دوزخ بیان شده است: الف) آن سایه سه شاخه دارد؛ یعنی دود غلیظی است که از بالای سر و راست و چپ دوزخیان را احاطه می‌کند. آری؛ همان‌طور که آنان اساس سه‌گانه‌ی دین، یعنی توحید، نبوت و معاد را انکار

می‌کردند، در آخرت گرفتار سایه‌ی عذاب آور سه‌شاخه می‌شوند. ب) آن سایه هم چون سایه‌های دنیوی نیست که آرام‌بخش باشد و جلوی حرارت خورشید را بگیرد، بلکه سایه‌ای است سوزان و خفقان‌آور که حرارت شعله‌های آتش دوزخ را دفع نمی‌کند. «۱»

۵. در این آیات جرقه‌های آتش دوزخ به کاخ‌های بزرگ و شتران زرد رنگ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۷ تشبیه شده‌اند. تشبیه جرقه‌های آتش به کاخ‌ها از آن جهت جالب است که همین کاخ‌های ستمگران در دنیا منشأ شعله‌های آتش دوزخ خواهند شد. و تشبیه جرقه‌ها به شتران زرد از آن جهت است که شراره‌های آتش زرد رنگ‌اند و به سرعت پراکنده می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شراره‌های آتش دوزخ بزرگ و هولناک‌اند (پس مراقب اعمال خویش باشید). ۲. منکران معاد گرفتار چیزی می‌شوند که همواره آن را دروغ می‌انگاشتند. ۳. رستاخیز روز سختی برای مخالفان دین است. *** قرآن کریم در آیات سی و پنجم تا چهلیم سوره‌ی مرسلات به ویژگی‌های رستاخیز مثل ممنوعیت سخن گفتن و بی‌چارگی افراد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۵-۴۰. هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطُقُونَ* وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ* وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ* هَذَا يَوْمُ الْفُضْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَئِينَ* فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا* وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ این روزی است که سخن نمی‌گویند،* و به آنان رخصت (عذرخواهی) داده نمی‌شود و عذرخواهی نمی‌کنند.* در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! (گفته می‌شود): این روز جدایی است که شما و پیشینیان را جمع‌آوری کردیم؛* و اگر برای شما نیرنگی است پس [به من نیرنگ زیند.* در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به چند نام و ویژگی رستاخیز اشاره شده است: الف) روزی است که تکذیب‌گران، حق سخن گفتن و عذرخواهی ندارند؛ ب) روز جدایی‌هاست؛ ج) در قیامت همه‌ی انسان‌های نخستین و نسل‌های بعدی جمع می‌شوند؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۸ د) روز بی‌چارگی است که هیچ نقشه و حيله‌ای کارساز نیست. ۲. در این آیات بیان شده که تکذیب‌گران در رستاخیز سخن نمی‌گویند، در حالی که در برخی دیگر از آیات قرآن سخنان دوزخیان و کافران را حکایت کرده است. این به خاطر آن است که در رستاخیز ایستگاه‌ها و مواقف متعددی وجود دارد که در برخی از آن ایستگاه‌ها به افراد اجازه‌ی سخن گفتن داده می‌شود و در برخی اجازه داده نمی‌شود. آری؛ کسانی که در دنیا سخن‌پراکنی می‌کردند و به پیامبران تهمت می‌زدند و معاد را ریشخند می‌کردند، در رستاخیز اجازه‌ی سخن گفتن نمی‌یابند. ۳. به تکذیب‌گران در رستاخیز اجازه‌ی عذرخواهی داده نمی‌شود. روشن است که اگر آنان عذر موجهی داشتند، خدا براساس عدل خود اجازه‌ی سخن گفتن و دفاع به آنان می‌داد، ولی این افراد عذر موجهی ندارند تا مطرح کنند؛ «۱» از این رو به آنان اجازه‌ی سخن گفتن داده نمی‌شود و همین مطلب نوعی عذاب و شکنجه برای مجرمان است. ۴. در این آیات از یک طرف بیان شده که رستاخیز روز جدایی‌هاست و از طرف دیگر بیان شده که همه‌ی مردم در رستاخیز جمع می‌شوند؛ پس رستاخیز روز وصل و جمع است؛ این دو چگونه با هم سازگار است؟ رستاخیز در یک مقطع، روز اجتماع همه‌ی مردم و همه‌ی نسل‌هاست که در دادگاه بزرگ الهی جمع می‌شوند تا به حساب آنان رسیدگی شود. ولی در مقطع دوم، روز جدایی است؛ چون حق از باطل و کافر از مؤمن و بهشتیان از دوزخیان جدا می‌شوند و هر کدام به راه خویش می‌روند. «۲» ۵. «کَیِّدٌ» به معنای چاره‌جویی است؛ که گاهی نیکو و گاهی نکوهیده تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۹ است؛ یعنی کافران تکذیب‌گر در رستاخیز هیچ چاره‌ای ندارند؛ چون در قیامت اسباب و وسایل قطع می‌شود و کسی نمی‌تواند با پرداخت تاوان یا رشوه از حساب و کیفر الهی بگریزد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز عذرخواهی و سخن‌پراکنی و چاره‌جویی و حيله‌بازی نیست. ۲. رستاخیز روز گرد آمدن همه‌ی مردم است. ۳. رستاخیز روز جدایی‌هاست (پس هر کس باید به فکر اعمال خویش باشد). ۴. (منکران معاد) تا هنگامی که اجازه‌ی سخن گفتن دارند و فرصت چاره‌جویی هست، فکری نکنند، وگرنه وای بر حال آنان در رستاخیز. *** قرآن کریم در آیات چهل و یکم تا چهل و چهارم سوره‌ی مرسلات به فرجام نیکوی پارسایان نیکوکار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۱-۴۴. إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ* وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ* كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ* إِنَّا كَذَبْنَاكَ نَجْرِي الْمُحْسِنِينَ در حقیقت، خودنگه‌داران در سایه‌های (درختان بهشتی) و چشمه‌ساران‌اند،* و میوه‌هایی از

آنچه میل دارند. * بخورید و بیاشامید؛ گوارا! به خاطر آنچه انجام می‌دادید. * در واقع، ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقایسه و مقابله است؛ یعنی سرنوشت دو گروه مخالف را در برابر هم‌دیگر به تصویر می‌کشد تا مردم بتوانند راه خود را آگاهانه انتخاب کنند؛ در آیات پیشین سرنوشت عذاب‌آلود کافران تکذیب‌گر، و در این آیات سرنوشت بهشتی مؤمنان پارسا بیان شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۴۰. در این آیات بر سه صفت «تقوا، نیکوکاری و عمل مستمر» تأکید شده است. این تأکید برای آن است که پارسایی، نیکی و عمل صالح مستمر از عوامل ورود به بهشت است. مؤمنی که از گناه و شرک می‌پرهیزد و عمل صالح انجام می‌دهد و به دیگران نیکی می‌نماید، بهشتی خواهد شد. ۳. در این آیات از میان نعمت‌های بهشتی به چند نعمت اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) سایه‌های آرام بخش بهشت؛ ب) چشمه‌ساران دل‌نواز بهشت؛ ج) میوه‌هایی از هر نوع که دوست دارید؛ د) تشویق بهشتیان به خوردن و نوشیدن گوارا. البته روشن است که الفاظ محدود انسان‌ها نمی‌تواند حقایق بهشت را آن گونه که هست بیان کند و فقط تصویری مبهم از آنها بیان می‌کند. ۴. «هنئناً» به چیزی گفته می‌شود که ناراحتی به دنبال ندارد و به آب و غذای بهشتی نیز از آن جهت هنئناً گفته می‌شود که بر خلاف برخی از غذاهای دنیوی، آثار سوئی برای بدن ندارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید از نعمت‌های بهشتی بهره‌مند شوید، پارسا، اهل عمل و نیکوکار باشید. ۲. بهشت را به بها می‌دهند، نه به بهانه. ۳. قانون الهی آن است که هیچ نیکوکاری را بدون پاداش نمی‌گذارد. * * * تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۱ قرآن کریم در آیات چهل و پنجم تا پنجاهم سوره‌ی مرسلات با اشاره به بی‌نمازی و فرصت اندک مجرمان تکذیب‌گر به آنان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۴۵- ۵۰. **وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ * كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ * وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ * وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اذْكُوا لَا يَرْكَعُونَ * وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ * فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ** در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! * (و به مجرمان گفته می‌شود): بخورید و اندکی بهره‌مند شوید، که شما خلافکارید. * در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! * و هنگامی که به آنان گفته شود رکوع کنید، رکوع نمی‌کنند. * در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! * پس بعد از آن (قرآن) به کدام سخن ایمان می‌آورند؟! شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به قبیله‌ی ثقیف گفت: نماز بخوانید! ولی آنان گفتند: ما هرگز در برابر کسی خم نمی‌شویم و این برای ما عیب است و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دینی که رکوع و سجود در آن نباشد، خیری در آن نیست و آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمده است. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از مدت اندکی که خلافکاران بهره‌مند می‌شوند، همان عمر کوتاه آنان در دنیا است که مقدار کمی از نعمت‌های الهی را مصرف می‌کنند، سپس از دنیا می‌روند و گرفتار عذاب جاودان می‌شوند. «۲» ۲. خلافکاری و تکذیب‌گری و ترک نماز از عوامل عذاب افراد است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴۰۲. کافران تکذیب‌گر و خلافکار حاضر نبودند در برابر خدا رکوع کنند؛ چون متکبر بودند و نمی‌خواستند در برابر خدا تسلیم شوند و حقوق پیامبر صلی الله علیه و آله و مردم را به رسمیت بشناسند و همین غرور و تکبر، یکی از عوامل کفر و ظلم و سرکشی آنان بود. ۴. این آیات کافران را سرزنش می‌کنند که اگر شما به قرآن ایمان نمی‌آوردید، بعد از آن می‌خواهید به چه کتابی ایمان بیاورید، در حالی که قرآن معجزه است و دلایل صدق و حقانیت آن آشکار شده است و هیچ کتاب دیگری مانند آن نیست، اگر شما همین طور لجاجت کنید، در برابر هیچ منطقی تسلیم نخواهید شد. بعد قرآن پس ز گفتار و کلام بگروند ایشان به گفتار کدام (مجد) ۵. در این سوره ده بار جمله‌ی «وای بر تکذیب‌کنندگان» تکرار شده است. این تکرارها یا برای تأکید بر مطالب این سوره است یا آن که هر مورد از آن اشاره به نکته‌ی جدیدی است؛ یعنی به تکذیب مطالب آیات قبل از آن اشاره دارد؛ بنابراین تکرار در کار نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خلافکاری و تکذیب کردن (معاد) و بی‌نمازی از عوامل عذاب است. ۲. خلافکاران فرصت اندکی دارند (و به زودی گرفتار عذاب الهی می‌شوند، پس هرچه زودتر بیدار شوند و بازگردند). ۳. اگر کسی به قرآن ایمان نیاورد، زیر بار هیچ منطقی نخواهد رفت. ۴. یکی از نشانه‌های معادناواری، ترک نماز است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۳

منابع

- منابع «کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوة، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران-قم، انتشارات صدرا، چاپ هجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحیدی النیشابوری، المكتبة العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبه‌الدین شهرستانی، مطبعة الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیة، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیة، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۴. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیة (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعة العلمیة، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفت، مؤسسه التمهید، قم، الطبعة الاولى، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، مؤسسه الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب الله المنیر، محمد الکریمی، قم، مطبعة العلمیة، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر والمفسرون، دکتر محمد حسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانہ، محمود صافی، دار الرشید دمشق تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۵ و مؤسسه الامیان بیروت، بی تا. ۳۴. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مكتبة النینوی الحدیثه، تهران، بی نو، بی تا. ۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش.

۳۷. الدرّ المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالة الذهبیة (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله، دار المعرفه، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحیفه السجادیة، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصراط المستقیم الی استحقی التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبدالله، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۳۰ هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، المكتبة الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البيت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعة الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۶ (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، بی نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوة، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العتره الطاهرة، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، مؤسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسیله، روح الله موسوی خمینی قدس سره، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیة، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۷ ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبه الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبری، ابو عبدالله الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم

السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعة و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمآلهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی، بی تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفه، الطبعة الثانية. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داوریناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۸. ۸۴. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجّه بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامی، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۹. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته

است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۵.

تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة. ۱۰۷.

تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفه، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمد رضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المكتبة الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی - م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۱۰. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل الله، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح الله کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتابفروشی اسلامی، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعة الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعة العلمیة، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائره المعارف اسلامیة، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیہ الخواطر و زهة النواظر المعروف (مجموعه ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبه الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است.

۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمة علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، مرکز العربی الکتاب، بی تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح الله خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی جا، مرکز نشر فرهنگ رجاء، چاپ اول، بی تا. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۱۱. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیة، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبه الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسه علوم القرآن، دمشق، الطبعة السابعة، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفطی بی تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی

فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود آلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح الله، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسه توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید الله، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوة للطباعة و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیره النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المكتبة العربیة، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبئه الله، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیدالله قضی، تحقیق: محمداقبر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صحیح بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری، بیروت، دار احیاء تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۱۲ التراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۱. صحیفه نور، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العکک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمة للطباعة و النشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عده الداعی، ابن فهد حلّی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلّی، انتشارات دارد الكتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبه الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب‌الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاکر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبدالله بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامی به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب‌الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۱۳. ۱۶۹. کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایه الاصول، آخوند محمد کاظم خراسانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال‌الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنز الفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن

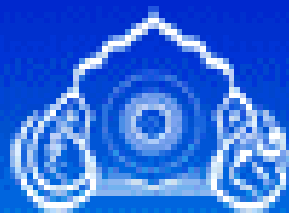
مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت: قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیه الله علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش. ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۱۴ ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیه الله حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجره، قم (نسخه صبحی صالح). ۱۹۹. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری

شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵ نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه

می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

